

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ  
دانش سیاسی ۱۴

دوفصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی  
سال هفتم، شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۳۹۰  
صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)  
مدیر مسئول: دکتر جلال درخشه  
سر دبیر: دکتر اصغر افتخاری  
مدیر داخلی: سید محسن روحانی  
مدیر سامانه دانش سیاسی: سامان قاموس

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا)  
حمید احمدی ..... استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
سید جلال دهقانی فیروزآبادی ..... استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی  
فرهنگ رجایی ..... استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کارلتون کانادا  
ابوالقاسم طاهری ..... استاد گروه ارتباطات بین الملل در دانشکده خدمات بین المللی دانشگاه آمریکن واشنگتن  
حمید مولانا ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی  
ابراهیم برزگر ..... دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی  
امیر محمد حاجی یوسفی ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی  
محمدباقر حشمت زاده ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی  
محمدباقر خرمشاد ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی  
جلال درخشه ..... دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)  
کاووس سیدامامی ..... دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)  
محمدعلی شیرخانی ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
حمیدرضا ملک محمدی ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
ناصر جمال زاده ..... دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)  
غلامرضا خواجه سروی ..... دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

- بر اساس مجوز شماره ۳/۴۲۹۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «دانش سیاسی» دارای درجه علمی- پژوهشی گردیده است.
- مطابق مجوز شماره ۳/۱۱/۸۹۹۶۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، امتیاز علمی- پژوهشی این مجله تا سال ۱۳۹۱ تمدید شد.
- بنا به نامه مورخ ۲۳ تیر ۱۳۸۹ گروه پژوهش، ارزیابی و توسعه منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، این مجله در پایگاه زیر نمایه سازی شده است:  
الف. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به آدرس: www.ISC.gov.ir  
ب. نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری (ایران ژورنال) به آدرس: www.ricest.ac.ir

با توجه به راه اندازی سامانه ویژه دانش سیاسی به نشانی <http://isudanesh.iranjournals.ir/>، ضروری است که علاقه مندان جهت هر گونه ارتباط با این مجله صرفاً از طریق سامانه ذکر شده مراجعه نموده و موارد مربوط را پیگیری نمایند. مقالات و مواردی که به هر طریقی غیر از روش ذکر شده ارسال شود قابل پیگیری نمی باشند.

ترجمه چکیده ها به انگلیسی: علیرضا روشن ضمیر  
طراح: م.ح. بصیری  
مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان کننده دیدگاه دانشگاه نیست.  
نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.  
۲۴۸ صفحه / ۶۰۰۰۰ ریال  
چاپ: زلال کوثر  
تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵  
امور علمی و تحریریه: معاونت پژوهشی  
تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۵۳۰، شماره: ۸۸۰۹۴۹۱۵  
<http://isudanesh.iranjournals.ir/>  
مدیریت امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات، اداره نشریات تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۲۴۳ و ۲۴۵، شماره: ۸۸۷۵۵۰۲۵  
دفتر فروش: دفتر نشر دانشگاه، تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

## راهنمای نگارش مقالات

- از نویسندگان محترم، تقاضا می‌شود از ارسال مقالاتی که مطابق شیوه‌نامه نیست، خودداری فرمایند؛ صرفاً مقالاتی در نوبت ارزیابی قرار می‌گیرند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته شوند.
۱. ارجاع منابع و مآخذ، در متن مقاله در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده داخل پرانتز به شکل زیر آورده شود:
- ۱-۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).
- ۱-۲. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (Plantinga, 1998, p.71).
- تکرار ارجاع یا اسناد مثل بار اول بیان شود و از کاربرد کلمات همان، پیشین و... (Ibid,....) خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۲. تمام توضیحات اضافی و همچنین، معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات (در صورت لزوم) با عنوان «یادداشت‌ها»، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله، روش درون‌متنی (بند ۱) خواهد بود).
۳. در پایان مقاله، فهرست‌الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین):
- کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
- مثال: هارت‌ناک، یوستوس (۱۳۵۱)، ویتگنشتاین، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران: انتشارات خوارزمی.
- Nozick, Robert (1981), *Philosophical Explanations*, Oxford: Oxford University Press.
- مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.
- مثال: موحد، ضیاء (۱۳۷۶)، «تمایزات مبنایی منطق قدیم و جدید»، فصل‌نامه مفید، دوره سوم، ش ۱۰.
- Shapiro, Stewart (2002), "Incompleteness and Inconsistency", *Mind*, vol. 111.
- مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ): «عنوان مقاله»، نام کتاب (ایتالیکن)، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.
- مثال: محمود بینا مطلق (۱۳۸۲)، «فلسفه زبان در کراتیل افلاطون»، در مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر، جلد هفتم.
- Rickman, H.P. (1972), "Dilthey", in *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards (ed), New York: Macmillan Publishing Company.
۴. چکیده‌ای حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه)، به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در ذیل آن، رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت، آدرس دانشگاه و پست الکترونیکی نویسنده قید گردد.
۵. ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها همراه مقاله ارسال گردد.
۶. مقاله در کاغذ A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷، متن مقاله با قلم B Lotus 13 (لاتین TimesNewRoman 10) و یادداشت‌ها و کتابنامه B Lotus 12 (لاتین TimesNewRoman 10) حروفچینی شود.
۷. عناوین (تیترها) با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی مثل حروف از راست به چپ تنظیم شود.
۸. حجم مقاله، از ۳۰۰۰ کلمه کمتر و از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
۹. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۱۰. مقاله ارسالی نباید همزمان به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۱۱. «اتش سیاسی»، در اصلاح و ویرایش مقاله آزاد است.
- کلیه حقوق مادی و معنوی برای دانش سیاسی محفوظ است و آن دسته از نویسندگان محترمی که در صدد انتشار مقاله منتشر شده خود در این مجله، در مجموعه مقالات، یا بخشی از یک کتاب هستند، لازم است با ارائه درخواست کتبی، موافقت مجله را اخذ نمایند.
- مجله دانش سیاسی در پایگاه اطلاع‌رسانی علوم و فناوری جهان اسلام (ISC) و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود.

جهت پذیرش مقالات، نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را صرفاً از طریق سیستم ارسال و پیگیری مقالات، موجود در سامانه مجله دانش سیاسی به نشانی <http://isudanesh.iranjournals.ir> ارسال نمایند. به مقالاتی که با روش‌های دیگر ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

فهرست مطالب (به ترتیب حروف الفبا)

- الزامات گذار به امنیت ملی پایدار ..... ۵  
علی آدمی، مهدی خضریان، هادی عباسزاده و مهدی یزدان‌پناه
- تحلیل روند اخبار بین‌المللی پیش از بیداری اسلامی ..... ۲۹  
حسینعلی افخمی و محسن سلسله
- وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ..... ۶۹  
امیر محمد حاجی یوسفی و علی بغیری
- زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان‌دو بریتانیا ..... ۹۹  
کاووس سیدامامی و سیدمحمد مهدی حسینی فائق
- مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی ..... ۱۳۳  
محمد رحیم عیوضی و غلامرضا کریمی
- کاربرد قدرت نرم از ناحیه استخبار؛ رویکردی قرآنی ..... ۱۶۷  
اصغرآقا مهدوی و مهدی نادری باب‌اناری
- انقلاب اسلامی ایران، نظام بین‌الملل و نظریه انتقادی ..... ۲۰۵  
عنایت‌الله یزدانی، داریوش قاسمی و صفی‌الله شاه‌قلعه
- نمایه سال ۱۳۹۰- شماره‌های ۱۳ و ۱۴ ..... ۲۲۹
- فرم اشتراک ..... ۲۳۹
- چکیده مقالات به زبان انگلیسی ..... ۲۴۸



## الزامات گذار به امنیت ملی پایدار

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۰۵

علی آدمی\*

مهدی خضریان\*\*

هادی عباسزاده\*\*\*

مهدی یزدانپناه\*\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر درصدد شناسایی ارکان نوین پایداری امنیت در سطح دولت- ملت و درک گذار مفهومی امنیت است. ازاین‌رو، پرسش اصلی مطرح‌شده عبارت است از اینکه ارکان امنیت ملی پایدار کدام‌اند؟ و این فرایند گذار مفهومی چه الزاماتی را در پی خواهد داشت؟ در این رویکرد اتخاذ تدابیری متناسب در جهت برقراری فضای اعتماد متقابل، کنش‌مند نمودن افراد و مشارکت چندلایه مبتنی بر پذیرش هنجارها و ارزش‌های جامعه (مؤلفه‌های امنیت ملی پایدار) در مواجهه با دشواری‌های نوپدید امنیتی از الزامات است. براین‌د درک سیمای نوین امنیت، کاربست تدابیر جدیدی است که در نظریات تقلیل‌گرایانه پیشین کمتر بدان اشاره شده است. ازاین‌رو، در بخش پایانی مقاله استراتژی‌ها و راهکارهای مقتضی در محوریت سه مؤلفه امر اجتماعی، تأخر در دید امنیتی، اصل گفتگو و تعامل، بیان شده است و در نهایت رویکرد ایرانی- اسلامی و نظریه‌های امنیت پایدار در منظری تطبیقی تحلیل شده است. شیوه پردازش موضوع حاضر تأکید بر گزاره‌های بین‌الذهانی، امر اجتماعی و زمینه‌مند است.

### واژگان کلیدی

امنیت، امر اجتماعی، مشارکت، امنیت ملی پایدار

\* aliadami2002@yahoo.com

\* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* khezrian.mehdi@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت‌معلم تهران

\*\*\* h.abaszadeh@gmail.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم تهران

\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

mehdi\_yazdanpanah@yahoo.com

## مقدمه

در سیر تحول گفتمان‌های امنیتی شاهد طرح رویکردهای مختلفی هستیم که در بسیاری از آن‌ها فهم ماهوی امنیت متناسب با شرایط متحول محیطی تقریباً مغفول مانده است. در گفتمان امنیت ملی پایدار پس از درک کاستی نظریات پیشین به تشریح و تبیین مؤلفه‌ها و ارکان گفتمان تازه‌ای پرداخته می‌شود که ضمن پوشش دادن به نواقص موجود، از قابلیت بالایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای عصر جدید برخوردار است. آنچه در محوریت ضرورت این گذار مفهومی مطرح می‌شود، نیازمندی‌های نوین بشری از یک‌سو، دشواری‌ها و چالش‌های نوپدید شکل گرفته از سوی دیگر است و این موارد منجر به فراخ شدن مفهوم امنیت در تلقی جدید شده است. این معنای نوظهور از امنیت با گفتمان سنتی و رویکرد سلبی (رک. افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۳۰)، متفاوت بوده و به امر اجتماعی، بین‌الذهانی و چارچوب‌ها و شرایط انضمامی شکل‌دهنده به این خواست‌ها و نیازمندی‌های نوین اشاره دارد. از این رو سعی خواهد شد با درک ارکان و مؤلفه‌های نوین امنیت ملی پایدار شیوه‌های طراحی استراتژی‌های امنیتی جهت رسیدن به مراتب استوارتری از ثبات تشریح شود. اتخاذ رویکردهایی نوین در واقع حاکی از کاستی گزاره‌های امنیتی پیشین و ضرورت کاربست شیوه‌های نوین امنیتی است. حصول به امنیت پایدار در گرو فهم چرایی و اعمال استراتژی‌هایی است که در بازه‌ای متکثرتر، هوشمندانه‌تر و متفاوت نسبت به رویکردهای کلاسیک می‌گنجد. از این رو در این مقاله پس از درک گذار مفهومی و تبیین مؤلفه‌های امنیت ملی پایدار، همچنین درک ابعاد و دشواری‌های نوین امنیتی به بیان راهکارهای مقتضی جهت رسیدن به امنیت ملی پایدار پرداخته شده است.

## ۱. رهیافت نظری

### ۱-۱. رهیافت‌های نظری و فرآنظری در مطالعات امنیتی

نظریه‌های روابط بین‌الملل را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود: نخست، نظریه‌پردازی رده اول<sup>۱</sup> که در مورد ساختار و پویایی نظام بین‌الملل بحث می‌کنند. چنین نظریه‌هایی می‌کوشند به فهم ما از سیاست جهانی (به شکل ارائه نظریه‌های محتوایی)

کمک کنند که نمونه آن را می‌توان در واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی، لیبرالیسم و... دید (رک). افتخاری، ۱۳۸۱). دوم، نظریه‌پردازی رده دوم<sup>۲</sup> که به مسائل فرانظری<sup>۳</sup> پرداخته و هدف از آن نیز افزایش فهم ما از سیاست جهانی از طریقی غیرمستقیم‌تر و با تمرکز بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است. نمونه بارز این دسته از نظریه‌ها را می‌توان در نظریه‌های انتقادی روابط بین‌الملل و مباحث پساتجددگرایان دید (رک). افتخاری و نصری، ۱۳۸۳؛ مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴). اگر روش‌شناسی و نظریه‌پردازی را فقط امری انتزاعی و فارغ از محیط اجتماعی ندانیم و آن را در چارچوب عقلانیت موقعیتی و شرایط انضمامی<sup>۴</sup> بسنجیم، در آن صورت می‌توان بین نظریه سیاسی و چارچوب اجتماعی ارتباط معناداری برقرار نمود. به هر حال، در مقام تحلیل و نقد اندیشه‌ها نمی‌توان از چارچوب‌های شکل‌دهنده به اندیشه‌ها، چشم‌پوشی کرد (علمداری، ۱۳۸۵، صص ۱۰-۱۱). امروزه نظریه سیاسی جنبه‌های اجتماعی‌تری پیدا کرده و دیگر جنبه فلسفی محض ندارد. همان‌طور که لاسمن<sup>۵</sup> به درستی اشاره می‌کند. تغییر شکل نظریه سیاسی به صورت نظریه اجتماعی، بیانگر افول مفهوم «امر سیاسی» در اندیشه‌های غربی است (علمداری، ۱۳۸۷، ص ۱۶). در تحلیل امنیت ملی پایدار از این منظر به صورت بالقوه به دنبال تغییرات کلی در فهم واقعیت اجتماع هستیم. از این‌رو هسته مرکزی مطالعات در این زمینه تأکید بر روابط متقابل طبیعت و شناخت انسان است و بر این اساس مؤلفه‌های دیگری همچون، هویت‌ها، هنجارها و مفاهیم علمی در ارتقاء امنیت ملی مؤثرند. این رویکرد، نظریه را به عنوان یک فرایند، مورد تأکید قرار می‌دهد، یعنی به جای یک فرآورده تکمیل شده، آن را موجودیتی پیوسته در حال تکوین تلقی می‌کند. به عبارتی نمی‌توان از ثباتی ازلی و نیز از امنیتی سیال سخن گفت، بلکه امنیت ملی مقوله‌ای پویاست که به فراخور عوامل و الگوها متحول می‌شود.

## ۲. چارچوب مفهومی

سازمان ملل امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اینکه کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله خارجی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب نمایند» (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹، ص ۳۰). باوری که به‌طور

گسترده پیرامون امنیت وجود دارد این است که با نظم نوینی که از سال ۱۹۹۰ به وجود آمده، این مفهوم بار معنایی وسیعی به خود گرفته است. این گستردگی در چهار گونه اصلی قابل شناسایی است که عبارت‌اند از: اول، مرجع امنیت از «دولت‌ها» به «گروه‌ها و افراد» توسعه یافته است. این روند انتقالی رو به پایین، یعنی از دولت‌ها به افراد است. دوم، حوزه امنیت از امنیت دولت‌ها به امنیت «سیستم بین‌الملل» و یا «محیط مادی» مافوق ملیت‌ها<sup>۶</sup> توسعه یافته است؛ این توسعه‌ای رو به بالا از ملت‌ها به سمت زیست کره<sup>۷</sup> است. این گستردگی در هر دو مورد مطرح شده توسعه انواعی از نهادهایی است که تضمین‌کننده امنیت است. سوم، شیوه تأمین امنیت به شکل افقی توسعه یافته و در نتیجه، ابعاد امنیت به شدت تنوع و تعدد یافته است. به عبارت دیگر، امنیت و یا ناامنی نهادهای گوناگون (همچون افراد، ملت‌ها و سیستم‌ها) به یک شیوه محقق نمی‌شود. همچنین مفهوم امنیت از نظامی به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و امنیت بشر بسط پیدا کرده است. چهارم، مسئولیت سیاسی جهت تضمین امنیت (جهت تقویت تمامی موارد ذکر شده) نیز توسعه یافته است و در محیط‌های گسترده‌ای همچون دولت‌های ملی، روندی رو به بالا همچون نهادهای بین‌المللی یا روبه پایین حکومت‌های منطقه‌ای یا محلی، و یا سازمان‌های مردم‌نهاد، نظرات عمومی و فشار، و یا نیروهای طبیعی یا بازار، پراکنده شده است (Buzan & Hansen, 2007, p.3).

به نظر می‌رسد برای دستیابی به امنیت واقعی و پایدار در یک جامعه باید در مفاهیم موجود در این زمینه تجدید نظر و آن را در مسائل قابل تأمل‌تری همچون ارزش‌های فرهنگی، مشارکت اجتماعی، همکاری و وفاق جستجو کرد. به عبارتی در این مفهوم‌سازی جدید باید در جستجوی مؤلفه‌هایی بود که تقویت‌کننده حس ایجاد ایمنی بیشتر چه در سطح فردی و چه در اجتماع باشند. از این‌رو در نگاه جدید صرفاً ایجاد برخی شبکه‌های ارتباطی بین گروه‌های خاص و جابه‌جایی و تغییر بین نخبگان (اعم از سیاسی، اقتصادی و...) کافی نیست، آنچه ضروری به نظر می‌رسد تلاش برای درک و فهم و همچنین ایجاد ارتباط با گروه‌های خارج از دایره حاکمیت و همچنین سایر شهروندان است. تلاش‌هایی که به منظور کسب رضایت و همچنین زمینه‌ساز ایجاد تعهد در میان شهروندان انجام می‌شود (رک. افتخاری ۱۳۸۰، صص ۲۲-۲۳). در



این نگرش فرض شده که ظرفیت برای تغییرات اجتماعی پایدار از طریق بهبود روابط، عدم تبعیض، حرکت به سوی مسائل جدید و احترام‌آمیز وجود دارد و همچنین فراهم کردن زمینه‌ای برای گفتگو پیرامون مسائل بنیادی تعارضات و همچنین ایجاد وحدت در جهت توافقات صلح‌آمیز امکان‌پذیر است (Sewak, 2005, p.77). از این منظر امنیت، معنایش بیش از آتش‌بس یا تصفیه حساب است، این مفهوم مستلزم توافق بین جوامع متخاصم است. دیپلماسی چندجانبه<sup>۱</sup> اعطاکننده شبکه پیچیده رهیافت‌ها، نقش‌ها، استراتژی‌ها و عمل فعالانه با استفاده از فعالیت‌های به کار گرفته‌شده توسط بازیگران متنوع در سطوح مختلف تعارضات پیشرفته و برخورد قاطع در جهت رسیدن به صلح و ثبات، است (Sewak, 2005, p.11). کانون رهیافت‌ها و بازیگران متکثر در این رویکرد در ورای یک گروه خاص از دیپلمات‌ها و سیاستمداران قرار دارد و بر این فرض استوار است که شیوه‌های متعددی برای کمک کردن به حل تعارضات و رسیدن به زمینه‌ای مشترک وجود دارد و شهروندان با توسل به حرفه و موقعیتشان می‌توانند در جهت ارتقاء صلح و امنیت گام بردارند (Sewak, 2005, p.12).

وابستگی متقابل فزاینده شکل‌گرفته در سطح جهانی، یکی دیگر از ساختارهای مؤثر بر فرآیندهای امنیتی است که با بحث جهانی شدن رابطه‌ای مستقیم دارد. ما در عصری از وابستگی متقابل زندگی می‌کنیم که حکایت از تغییر ماهیت سیاست جهانی دارد. واقعیت چنین امری باعث گردیده است تا کسانی مانند هنری کسینجر که با اندیشه واقع‌گرایی پیوند عمیقی دارند، دیگر نگرش سنتی به روابط بین‌الملل را توجیه‌کننده مخاطرات و امکانات فعلی ندانند. توجیهی که باعث می‌گردد تا استدلال شود وابستگی متقابل گاه نسبت به واقع‌گرایی محض، به واقعیت نزدیک‌تر است (امام‌جمعه‌زادگان و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

### ۳. ابعاد نظریه امنیت پایدار

امنیت پایدار برداشتی جایگزین با این مفروض اصلی است که اگرچه نمی‌توان همه نتایج ناامنی را کنترل کرد، باید در تلاش برای کشف و رفع علت‌ها بود. در میان تحقیقات انجام شده، مطالعات مربوط به تهدیدات امنیتی و برداشت‌های پیشگیرانه در

این زمینه می‌تواند پاسخگو باشد. سیاست‌ها باید این روش را با درمان بلایا جایگزین کنند، که این شیوه از طریق یک تحلیل یکپارچه از تهدیدات امنیتی و یک رهیافت پیشگیرانه برای رسیدن به پاسخ‌ها امکان‌پذیر است. در نظریات امنیت پایدار کیفیت زندگی<sup>۹</sup> محور کانونی مباحث تلقی شده و این مفهوم متضمن حاکمیت شرایطی است که دولت‌ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. در این منظر امنیت انسانی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها جهت رسیدن به درجات قابل اتکایی از ثبات است. از این‌رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و می‌توان چرخه‌ای را تصور کرد که فقر و کاهش سایر مؤلفه‌های مرتبط با امنیت انسانی منجر به ناامنی، و ناامنی موجب توسعه‌نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه خواهد شد. برخی دیگر از دیدگاه‌ها پیرامون امنیت پایدار همان‌طور که دیوید چاندلر بیان می‌کند به پیچیدگی و وابستگی دولت‌ها و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دوره بعد از جنگ سرد اشاره دارند. در این رویکرد به گزاره‌های تثبیت امنیت در بعد فراملی، نقش و نوع رابطه دولت‌های قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم‌گیری سیاستمداران و فقدان چارچوب‌های سیاست‌گذاری مشخص در عصر کنونی، اشاره می‌شود (Chandler, 2007, pp.364-365). به‌طور کلی نظریات امنیت پایدار مرتبط با بررسی عوامل متنوع ناامنی است که شامل موارد متنوعی همانند زیر است:

الف. تغییرات جوی<sup>۱۰</sup>: فقدان منابع زیربنایی، کمبود منابع، و جابه‌جایی گسترده مردم، گسترش بی‌نظمی مدنی، خشونت بین جوامع، و بی‌ثباتی بین‌المللی.  
ب. رقابت بر سر منابع<sup>۱۱</sup>: رقابت برای افزودن منابع کمیاب - همچون غذا، آب و انرژی - به‌ویژه بخش‌های بی‌ثبات جهان.

ج. مهاجرت اقلیت جهان<sup>۱۲</sup>: افزایش انشعاب‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، اقتصادی و مهاجرت فرهنگی در بخش وسیعی از جمعیت کشورهای که در اقلیت قرار دارند.

د. نظامی شدن جهان<sup>۱۳</sup>: افزایش استفاده از نیروهای نظامی در جهت تدابیر امنیتی و گسترش بیش از حد فناوری‌های نظامی همچون سلاح‌های کشتار جمعی<sup>۱۴</sup> (Oxford Research Group, 2009).

تحلیل‌گران امنیت پایدار بین این نگرش‌ها و سایر تهدیدات امنیتی (برای مثال تروریسم و جنایت‌های سازمان‌دهی‌شده) فرق قائل‌اند. آن‌ها تحقیقات خود را به‌صورت جامع‌تر و نظام‌مند و با پرداختن به مسائلی که از جانب دیگران چندان مورد توجه قرار نگرفته است، ارتقا می‌دهند. این رهیافت همچنین توجه اساسی به این موضوع دارد که رفتارهای فعلی بازیگران بین‌المللی و حکومت‌های غربی چگونه می‌تواند افزایش امنیت را منجر شود (Oxford Research Group, 2009). پرداختن به مباحث مربوط به امنیت پایدار، در گام نخست نیازمند درجات قابل‌اتکایی از ثبات و امنیت در داخل هر کشور است و در واقع، دولت‌ها بعد از اطمینان خاطر از آرامش و پایداری درونی به مرحله بعدی و نگاه فراملی به مقوله امنیت و پایداری آن در سطح جهانی خواهند پرداخت؛ از این‌رو، هرچند نکات مطرح‌شده در بحث امنیت پایدار بسیار قابل‌تأمل و بررسی است، اما ضرورت نخستین، برداشتن گام‌هایی در جهت ارتقای امنیت در سطح ملی و منطقه‌ای است.

#### ۴. ارکان امنیت پایدار

«نایف رودهان» در کتاب «سه رکن امنیت ملی پایدار» مهم‌ترین ارکان نظریه امنیت پایدار را چنین برشمرده است:

الف. عدالت و پایداری: مجموع اصول امنیتی بر اساس عدالت در تمام سطوح، اعم از چندجانبه‌گرایی<sup>۱۵</sup> و چندبعدگرایی<sup>۱۶</sup> (شامل بشر، محیط، ملیت و امنیت فراملی، چندفرهنگی و چندتمدنی) استوار گشته و از این طریق عدالت به رکن انسجام‌بخش تمام عناصر امنیتی تبدیل شود.

ب. واقع‌گرایی هم‌زیست‌گرایانه<sup>۱۷</sup> در روابط بین‌الملل که به‌موجب آن همکاری چندجانبه بین دولت‌ها که نتیجه عدم برخورد مطلق خواهد بود؛ مورد توجه قرار گرفته باشد.

ج. همکاری چندجانبه فرهنگی که نتیجه احترام چندجانبه، چندفرهنگی، جهان‌شهرگرایی<sup>۱۸</sup> است و به‌نوبه خود منجر به حاکمیت امنیت مبتنی بر عدالت می‌شود؛ شکل گرفته باشد (Al-Rodhan, 2009, p.15).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ارکان نام‌برده شده بیشتر مربوط به بقا و پایداری امنیت در سطح جهانی است، و به همین دلیل جنبه واقع‌گرایانه به خود گرفته است. اما در این نوشتار امنیت ملی پایدار متغیری وابسته به فرایندها و مناسبات اجتماعی، گزاره‌های بین‌الذهانی و زمینه‌مند است. از این‌رو بر مؤلفه‌هایی تأکید شده که درک پدیده‌ها و نه کنترل آن‌ها را مدنظر قرار داده و هدف ادراک شرایط در یک محیط خاص و به همان شکل موجود است، نه پیش‌بینی آنچه که ممکن است در محیط‌های مشابه اتفاق بیفتد و سعی بر آن است که چرایی رفتارهای افراد درک شود. مؤلفه‌های مورد تأکید امنیت ملی پایدار در مقاله حاضر به پوشش درونی مناسبات و تعاملات گروهی معطوف است و بر محوریت امر اجتماعی استوار است. بنابراین، صرفاً آن وجه از امنیت ملی که متأثر از تهدیدات خارجی و همچنین نگاه واقع‌گرایانه دولت‌محور است، مورد بحث نیست. ارکان پیشنهادی نویسنده عبارت‌اند از:

#### ۴-۱. تعهد اجتماعی قوی

در این نگاه امنیت دارای ابعاد تحلیلی و هنجاری است و سعی در تشریح موقعیت‌ها و مکان‌هایی دارد که مردم در آن احساس امنیت بیشتری می‌کنند. در این رویکرد به دلیل تعهدات قوی‌ای که ما بین افراد جامعه نه به صورت قراردادی بلکه به صورت ذهنیتی و در یک فرایند بلندمدت به وجود آمده، در رویارویی با مخاطرات پیش رو، جامعه مذکور بسیار توانمندتر از جوامع و حکومت‌هایی خواهد بود که رویکرد نظامی و قهرآمیز را در جهت ایجاد نظم در جامعه اتخاذ کرده‌اند و واحدهایی که به شیوه جمعی شکل گرفته‌اند، در مواجهه با تحولات به تناسب انسجام خود تکامل و تغییر می‌یابند، در صورت شکل‌گیری یک تعهد اجتماعی قوی در یک جامعه، با وجود بروز مشکلات و چالش‌ها شاهد حضور یک روحیه جمعی در جهت حل مشکل و چالش‌های موجود خواهیم بود، در غیر این صورت، در مواجهه با چالش‌ها، تلاش‌ها دیگر مؤثر نخواهد بود و انسجام لازم آن‌چنان که باید باشد، شکل نگرفته است و ثبات امنیت را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد نمود.

برای مثال کوین کلمنتس در تعریف جامعه‌شناسی امنیت، تعهد اجتماعی شهروندان را در کنار قرارداد اجتماعی مهم‌ترین پاسدار امنیت اجتماعی و در نتیجه امنیت ملی قلمداد کرده و عنوان می‌کند که تعهد و کنترل اجتماعی با شهری شدن جوامع و پیشرفت فناوری، کارآمدی سابق خود را از دست داده است (نصری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۵). البته تأثیر انقلاب اطلاعات بر ملت‌ها و دولت‌ها را نمی‌توان منکر شد. برخی در این زمینه معتقدند که دولت‌ها هنوز بازیگران اصلی هستند، هرچند که می‌پذیرند وظیفه اصلی دولت به‌عنوان نیروی برتر فراهم کردن امنیت حتی در فضای مجازی است، درحالی‌که دیگران مدعی‌اند ظهور دولت‌های مجازی و اقتصادهای شبکه‌ای<sup>۱۹</sup> سبب کاهش خشونت در داخل دولت‌ها شده است؛ از این رو، به‌طور عمده حوزه تعریف امنیت نسبت به دوره‌های پیشین متفاوت است (Eriksson and Giacomelli, 2006, p.222). به‌هرحال، همان‌طور که استرن و اُجندال معتقدند در زمان کنونی مفهوم توسعه به‌طور فزاینده‌ای با مفهوم امنیت گره خورده و بررسی توسعه و امنیت از مباحث محوری و مهم امنیتی است (Stern and Ojendal, 2010, p.105). اما آنچه در اینجا مهم و ضروری است، لزوم تفکر در نحوه ایجاد تعهد دوجانبه ما بین جامعه و دولت در جهت رشد و ارتقا کشور خود با توجه به بستر و شرایط موجود است و اعتقاد به اینکه این مهم با تفکر و برنامه‌ریزی صحیح دست‌یافتنی خواهد بود.

#### ۴-۲. اعتماد و امنیت

تأکید بر ماهیت مبهم و انعطاف‌پذیر روابط و همچنین تأکید بر روابطی که بازیگران به راحتی آن را تقویت و تثبیت می‌کنند، منجر به شرایطی خواهد شد که در جهت پیشبرد روابط با حاصل جمع غیرصفر و امنیت واقعی مناسب است. برای به حداکثر رساندن روابطی که اطمینان و اعتماد را افزایش می‌دهد لازم است بازیگران کلیدی شیوه‌هایی از مذاکره را بیاموزند که فهم هم‌دلانه را در همه مبادلات تقویت کند. به‌دلیل آنکه درس‌های اولیه در خصوص اعتماد و امنیت را در روابط نزدیک شخصی خود می‌آموزیم، اصول بنیادین این مبادلات نزدیک باید اهمیتی معادل اشتغالات استراتژیست‌های بزرگ در مباحثات امنیتی کسب کنند. برای کارشناسان (امنیت ملی)

دشوار است که خود را با این امر هماهنگ کنند؛ زیرا آنان امنیت فردی را حاصل وجود دولت سخت می‌دانند و نه علت اولیه دولت امن (کلمنتس، ۱۳۸۴، ص ۲۹۶). بحث در مورد اینکه چه نوع تغییری، امنیت را تهدید می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد. هرگاه تغییر تدریجی و تکاملی باشد و از داخل ناشی شود و به‌طور مستقیم متوجه بقا یا راه و روش بنیادین زندگی نباشد، تهدیدآمیز نیست و مشروع تلقی می‌شود. برعکس موقعی که تغییر گسترده، سریع، شدید و ناشی از خارج باشد و به‌طور مستقیم متوجه بقا و موجودیت یا روش زندگی باشد تهدیدآمیز و نامشروع به نظر می‌رسد. به‌علاوه، اگر تغییر در داخل سیستم، به افزایش قدرت تبدیل شود، به ترمیم امنیت کمک می‌کند؛ اما وقتی تغییر باعث از دست رفتن کنترل بر سیستم می‌شود، به ناامنی می‌انجامد. با توجه به اینکه ارزیابی از تغییر، ریشه در الگوهای روان‌شناختی و فرهنگی جامعه دارد، نمی‌توان به‌طور دقیق روشن نمود که چه نوع تغییری، به کمک امنیت می‌آید و یا به آن ضربه می‌زند. امنیت یک پدیده ادراکی و احساسی است، یعنی باید در ذهن مردم و تصمیم‌گیران، این اطمینان به وجود بیاید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم است (رک. افتخاری، ۱۳۸۵، صص ۷۵ و ۶۹).

با وجود پیشرفت‌های گسترده در فناوری‌ها و خدمات جدید همچون سیستم‌های رایانه‌ای، اعتماد ممکن است گزینه‌ای بسیار سخت برای دستیابی باشد، به‌رحال، ممکن است اجرای راه‌حل‌های فنی - تحلیلی ضعیف نیز نتیجه‌ای معکوس در بر داشته باشد؛ برای مثال در انتخابات آمریکا در سال ۲۰۰۴ که در آن از تجهیزات پیشرفته در مکان‌های رأی‌گیری در جهت افزایش اطمینان و اعتماد عمومی در فرایند انتخابات، استفاده شده بود گزارش‌ها حاکی از افزایش سؤالاتی از قبیل اینکه این شیوه اعتماد عمومی را «افزایش» یا «کاهش» داده است، بود (Haffman and Jenkins, 2006, p.95). از این رو، در بحث اعتماد صرفاً اعتماد به نظام حکومتی و سیستم اجرایی برای قوام امنیت ملی مطرح نیست بلکه باور و اطمینان به ضرورت وجود امنیت و عدم سوءاستفاده از این مفهوم توسط افراد و نهادهای مرتبط بسیار ضروری و قابل تأمل است. ناامنی و احساس عدم امنیت وقتی به وجود می‌آید که هر یک از افراد جامعه کوچک‌ترین تغییر و تحول را یک عامل تهدیدکننده ضد موجودیت و بقای خود تلقی

نماید؛ از این رو، این امکان وجود دارد که کشوری از لحاظ سیاسی و نظامی در جایگاه قابل قبولی از امنیت قرار داشته باشد، اما عدم اعتماد و اطمینان در اذهان افراد جامعه نسبت به امور متنوع، ناامنی ذهنی را به وجود خواهد آورد که این خود در نهایت به بی‌ثباتی امنیت ملی منجر خواهد شد (رک. افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹).

#### ۳-۴. هنجارها و باورهای مشترک

هنجارها و واقعیات اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن سیاست‌ها یا محاسبات و تصمیم‌گیری‌های کلان مربوط به جامعه دارند. هنجارها باورهای بین‌ذهنی درباره جهان طبیعی و اجتماعی هستند که بازیگران، شرایط و امکان‌های کنش آنان را تعریف می‌کنند (شیهان، ۱۳۸۸، ص ۲۲۳). هنجارها در واقع نقش آگاهی‌سازی بازیگران در جهت دستیابی برای رسیدن به اهدافشان را دارند. کاتزنشتاین و همکارانش به بررسی برخی از هنجارها در کشور ژاپن پرداخته و این ویژگی‌ها را با کشور آمریکا مقایسه کرده‌اند. به نظر ایشان طی چند دهه گذشته مقایسه سیاست‌ها و اقدامات نظامی کشور ژاپن طبق استانداردهای جهانی نشان می‌دهد که آن‌ها هیچ علاقه‌ای به استفاده از خشونت نداشته‌اند. اما در آمریکا طبق آمار موجود نتیجه‌ای متفاوت را می‌توان مشاهده نمود. افسران نظامی در این کشور بر اساس قوانین کشور خود در طی سال‌های ۱۹۹۲۸-۱۹۹۸ هر سال ۳۷۵ مجرم را کشته‌اند، در حالی که بین سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۴ در ژاپن این آمار کمتر از ۶ نفر است. آمریکا نیروهایش را در برهه‌های مختلف زمانی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ در گرنادا، پاناما، خلیج فارس گسترش داده، در حالی که سیاست‌مداران ژاپنی حول سیاست‌های بومی‌گرایی و مشارکت‌های نظامی با اتحادیه اروپا و عملیات‌های متنوع جهت حفظ صلح گام برداشته‌اند. طبق نتایج یک نظرسنجی در ژاپن در سال ۱۹۹۱ مشخص شد که ۷۰ درصد ژاپنی‌ها به کارگیری خشونت و نیروی نظامی جهت ایجاد نظم و عدالت در عرصه بین‌الملل را رد می‌کنند، در حالی که در نظرسنجی مشابه در آمریکا ۷۲ درصد موافق استفاده از نیروی نظامی در این زمینه هستند (Katzenstein, 1998, pp.1-3). کاتزنشتاین در واقع درصدد توضیح ویژگی‌های اصلی سیاست‌های امنیتی ژاپن با توجه به هنجارهای اجتماعی و قوانینی که گروهی،

نهادینه، حاصل تعاملات و برخی اوقات تعارضات سیاسی هستند، است. وجود عناصری در فرهنگ ملی و نیز در بافت کلی جامعه که امید و انگیزه بهتر شدن و خوش‌تر زیستن و ارتقاء یافتن را در درون افراد پرورش دهد، سبب قوام، توسعه، پیشرفت و ثبات آن جامعه خواهد شد. این عناصر خودبه‌خود و یک شبه به وجود نیامده بلکه نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، اجماع نظر و کسب رضایت همگانی است. عدم برنامه‌ریزی در این زمینه نتایجی معکوس همچون ترویج فرهنگ تخریب، اسراف، تملق و... را به دنبال خواهد داشت که در واقع از موانع عمده توسعه و در نتیجه رشد و بقای یک کشور محسوب می‌شوند.

#### ۴-۴. مدیریت عمومی

برخی از تحلیلگران امنیتی بر این نکته تأکید دارند که حتی‌الامکان دیدگاهی کل‌گرایانه نسبت به مقوله امنیت اتخاذ شود تا سه سطح نظام فردی، ملی و بین‌المللی حفظ شوند. مفهوم امنیت آنچنان افراد، دولت‌ها و نظام بین‌الملل را به هم مرتبط می‌سازد که لازم است برای بررسی آن دیدگاهی کل‌نگر اتخاذ شود. اگرچه می‌توان معنایی از امنیت فردی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به‌صورت مفاهیمی در خود دریافت کرد، لیکن فهم کامل هرکدام از آن‌ها منوط به ارتباط هریک با دو سطح دیگر است (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۳). در دنیای بعد از جنگ سرد، مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفهوم امنیت در دوره‌های قبل تفاوت‌های اساسی دارد؛ بدین معنی که امنیت چندجانبه، تجزیه‌ناپذیر و یکسان در حال شکل‌گیری است. به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری شده است. در تحصیل امنیت مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های فراملی و فروملی و دولت‌ها نقش ایفا می‌نمایند.

آنچه مهم و ضروری به نظر می‌رسد، درک و تشخیص خصوصیات و منافع مشترکی است که سبب هم‌پیوندی و مشارکت مشترک این مجموعه می‌شود. بوزان در تحلیل دولت ملی سه جزء تشکیل‌دهنده اساس طبیعی (فیزیکی)، ایده و ابزار نهادی برای آن قائل است. تعمیم این ابعاد به سطوح فردی و جهانی نیز مفید به نظر می‌رسد. بنابراین در سطح فردی لازم است بدانیم که چه چیزی بنیان طبیعی (فیزیکی) فرد را



حفظ و تضمین می‌کند (غذا، بهداشت، انسجام روانی - اجتماعی و مانند آن) و افراد در چه نهادهایی (خانواده یا نهادهای مذهبی، آموزشی، تفریحی و کاری) عمل می‌کنند و کدام مفروضات فکری یا فرهنگی آن‌ها را به تبادلی با یکدیگر می‌کشاند؟ چگونه زنان و مردان و گروه‌های اکثریت و اقلیت، امنیت را مفهوم‌بندی می‌کنند؟ در عمل چگونه افراد به محافظت از خویش می‌پردازند؟ چگونه نهادهای مربوط به آن‌ها هویت فردی‌شان را تقویت یا تضعیف می‌کنند و چگونه از سلامت جسمانی و سلامت فکری‌شان حفاظت می‌کنند؟ شناخت این فرایندها به‌ویژه برای برداشت جامع از امنیت لازم و ضروری است. همان‌طور که باری بوزان مطرح می‌کند، در سطح ملی نیز، دانستن نکاتی در مورد اساس فیزیکی امنیت و چگونگی درک و مفهوم‌بندی آن توسط رهبران و شهروندان و اطلاع از کارکرد نهادهای کلیدی آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در سطح فراملی درک جهان به مثابه موجودیت تقسیم‌ناپذیر در اکتساب امنیت مشترک بین‌المللی، عنصری حیاتی به شمار می‌آید (کلمنتس، ۱۳۸۴، ص ۲۹۵).

با توجه به این ارتباط چندلایه و زنجیره‌ای در سطوح مختلف پیرامون امنیت، ضمن لزوم درک این ارتباط آنچه در اینجا مطرح است، اشاره به این مسئله است که در شرایط موجود مشکلات و چالش‌های به‌وجودآمده که متزلزل‌کننده امنیت ملی یک کشور خواهد بود، نیازمند به‌کارگیری روشی است که در آن رضایت و اجماع همگانی مدنظر است و افراد در مقابله با مشکلات جامعه اجازه ورود و اظهار نظر پیرامون حل این چالش‌ها را داشته باشند.

#### ۴-۵. مشارکت چندلایه

با ظهور مسائل جدید در مدیریت دولتی، حاکمیت بین‌المللی، توسعه ظرفیت مؤسسات و نهادها جهت همکاری‌های چندجانبه، به منظور برطرف کردن تقاضاها و رویارویی با چالش‌ها، مدیریت جدید بسیار پیچیده‌تر و نیازمند ارائه مدل‌های جدید و تجدیدنظر در مباحث جهت حل آن‌هاست. این مدیریت نیازمند راهکارهای متنوع، مختلط و هوشمندانه است که دارای نقش‌های مختلفی همچون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... است و باید توانایی نوآوری و ارائه راهکارهای متناسب با

چالش‌ها و تعارضات به وجود آمده را داشته باشد. به نظر می‌رسد با خلق مفهوم مشارکت چندلایه<sup>۲۰</sup> می‌توان به بررسی چالش‌های موجود و حل آن‌ها پرداخت. این مدل در جستجوی راهی در جهت ترکیب دانش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... به شیوه‌ای است که شاهد ظهور حوزه‌های قدرتمندی که مبتنی بر مشارکت جمعی هستند، باشیم. در این روش حوزه‌های مذکور با برآورد دانش و میزان توانایی جمعی خود به مقابله با چالش‌های مختلف داخلی و خارجی می‌پردازند؛ سؤال اصلی مطرح شده در این مدل این است که این مدیریت چگونه قادر خواهد بود به حل این چالش‌ها به دور از ایجاد تنش بپردازد؟

در رهیافت جدید آنچه که ضروری و تسهیل‌بخش<sup>۲۱</sup> این فرایند خواهد بود، همکاری مبتنی بر دانش و آگاهی هریک از حوزه‌های ذکر شده در جهت ارتقاء کیفیت و کمیت مدیریت است. دولت و سیستم اجرایی نقش یک هماهنگ‌کننده را خواهد داشت که بستر و شرایط لازم جهت این همکاری چندلایه و چندجانبه را فراهم نمود و در نهایت تصمیم اتخاذ شده را اجرا خواهد کرد. از این رو دفاع از امنیت ملی صرفاً بر عهده نظامیان و سربازانی که در میدان جنگ هستند، نیست بلکه نه تنها نخبگان به عبارتی همه شهروندان در این زمینه اثرگذارند؛ محمد ایوب معتقد است:

«سطح پایین انسجام اجتماعی و مشروعیت رژیم، علت اصلی نبود امنیت محلی در کشورهای جهان سوم است. این سطح پایین، محصول مرحله اول دولت‌سازی در این کشورها بوده و همین‌طور محصول کمبود زمان برای تکمیل این فرایند در مراحل بعدی است. همان‌گونه که در مورد اروپای غربی و آمریکای شمالی رخ داد» (ایوب، ۱۳۸۱، ص ۵۰۴).

##### ۵. تحلیل: کاستی‌ها و پیامدها

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود تدابیر کلاسیک امنیتی از فهم و درک مؤلفه‌های امنیت ملی پایدار ناتوانند و به عبارتی تأمل در این گزاره‌های جدید با توجه به طیف متنوع چالش‌های نوین امنیتی که در پنج حوزه اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، اجتماعی و نظامی قابل شناسایی است، ضرورت کاربست استراتژی‌های نوین

امنیتی را ملزم می‌سازد. ناکارآمدی گزینه‌های نظامی و کلاسیک در حوزه امنیت‌سازی عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. *تدابیر کلاسیک امنیتی* که به‌طور عمده دولت‌محور است و جنبه سخت‌افزاری دارد، دیگر مقرون‌به‌صرفه به نظر نمی‌رسند.

ب. *پیوستگی امنیتی* بین بازیگران و مزیت مطلق ائتلاف (ائتلاف، مزیت مطلق است و کشورها در جهان کنونی قهراً و عمداً ملزم به همگرایی و شرکت در فعالیت‌های جمعی هستند).

ج. *بزرگی و پیچیدگی عرصه و نیروهای اجتماعی* که به دو سطح افقی و عمودی قابل تقسیم‌اند. در سطح افقی می‌توان به مواردی همچون افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، ارتقای سواد، سرعت انتقال اطلاعات و... و در سطح عمودی نیز کیفی شدن مطالبات، دسترسی به اطلاعات مؤثر، گسست نسلی، جوانی جمعیت، اثرپذیری مغناطیسی و رشد جامعه مدنی واقعیاتی هستند که توجه به تعبیر موسع و نوین از امنیت و امنیت ملی را گریزناپذیر می‌سازند.

#### ۱-۵. پیامدها

در صورت عدم توجه به موارد مذکور و استفاده از گزینه‌های صرفاً قهری در جهت برقراری امنیت، زوال شبکه‌های مشارکت اجتماعی، نبود اعتماد، بی‌رغبتی و عدم حمایت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دور از انتظار نخواهد بود و این امر مسلماً جامعه را از درون شکننده و متزلزل خواهد کرد و در بلندمدت نتایج جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت. مهم‌ترین این پیامدها عبارت‌اند از:

#### ۱-۱-۵. سیاست‌زدگی و مداخله فراگیر و سازمان‌دهی شده دولت

بی‌اعتمادی مردم به ارکان نظام سیاسی حاکم و از سوی دیگر حضور گسترده و ملموس دولت در عرصه‌های مختلف جامعه‌ای سیاست‌زده را به همراه خواهد داشت که این حضور گسترده زمینه حضور یک دولت توتالیتر را فراهم خواهد نمود. برپایی دولت همه‌گیر سبب نفوذ آن به همه جنبه‌های زندگی مردم خواهد شد. یک دولت توتالیتر نه تنها اقتصاد بلکه آموزش و پرورش، فرهنگ، دین و مذهب، زندگی

خانوادگی و مانند آن‌ها را زیر کنترل مستقیم خود درمی‌آورد. بهترین نمونه‌های این دولت‌ها عبارت‌اند از: آلمان هیتلری و شوروی استالینی، گرچه رژیم‌های جدیدی مانند عراق صدام حسین هم به ظن قوی خصوصیات شبیه آن‌ها دارند، اما این‌گونه نظام‌ها جامعه مدنی را به‌طور کلی نابود می‌کنند و عرصه «خصوصی» زندگی را به‌طور کامل از میان برمی‌دارند (هیوود، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹). ساخت قدرت نظام سیاسی در این حالت اساساً اقتدارآمیز و یکجانبه و خالی از مشارکت خودجوش گروه‌ها و نیروهای سازمان‌یافته اجتماعی است (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۳۱۴). تحت این شرایط چهره پنهان قدرت در حوزه‌های گوناگونی همچون هنر، مطبوعات، ورزش، مؤسسات خیریه، سازمان‌های مردم‌نهاد («ان‌جی‌ا»ها)، اقتصاد، دانش، مذهب، گردشگری، فرهنگ، نمودی عینی و حالتی متعارف به خود خواهد گرفت و از سوی دیگر جایگاه، نقش و نگرش مردم به‌تدریج روندی رو به افول و حالتی توأم با یأس و بی‌تفاوتی به خود خواهد گرفت و نهایتاً نتیجه حاصله مطلوب نخواهد بود و به عبارتی همجوشی مفهومی دولت و جامعه مدنی شکل نخواهد گرفت.

#### ۵-۱-۲. ضعف و زوال سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد

سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد تحت شرایط اجتماعی خاصی پدید می‌آیند. طبعاً باید جامعه مدنی به میزانی از پیشرفت و پیچیدگی رسیده باشد تا ضرورت پیدایش این سازمان‌ها به عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون پیش بیاید. به‌علاوه بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از جمعیت باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آمادگی مشارکت در حیات سیاسی را به دست آورده باشند (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲). عواملی چون فقر فزاینده، تشکیلات ناکارآمد و گسترده دولتی (به‌ویژه بخش تجارت دولتی یا سایر بخش‌های وابسته به دولت)، شخصی شدن قوانین انتخاباتی و سیستم رأی‌گیری، ترتیبات مملکت‌داری و حکومت و سرانجام ایدئولوژی‌ها و حرکت‌هایی که بر تأمین حقوق خاصی (مانند زبان یا دین) تأکید می‌کنند، به شکل‌گیری نهادها، سازمان‌ها و احزاب حامی‌پرور که نمی‌توانند نسبت به حمایت و انتخاب خود توسط شهروندان مطمئن باشند، کمک شایان توجهی می‌کنند (نَش و آلن، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۹). زوال

سازمان‌ها و ضعف در نهادهای مردم‌نهاد بحران مشروعیت را به دنبال خواهد داشت و به عبارتی یادآور این حرف روسو در قرارداد اجتماعی است که: نیرومندترین مردم هرگز به اندازه کافی نیرومند نیست تا همیشه فرمانروا باشد مگر اینکه قدرت خود را به حق و اطاعت را به وظیفه تبدیل کند (راش، ۱۳۸۸، صص ۶۲-۶۳).

### ۵-۱-۳. رشد فناوری‌ها و نهادهای مدرن

رابرت پاتنام در تحقیقات خود، و در جستجوی علل کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا در سه یا چهار دهه اخیر، که خود منجر به کاهش مشارکت سیاسی در درجه اول و همچنین کاهش مشارکت در گروه‌هایی همچون هلال احمر، اتحادیه‌ها، امور مرتبط با کلیسا، گروه‌های ورزشی و همچنین، بولینگ شده بود، عامل اصلی را تماشای تلویزیون بیان نمود. محبوبیت عامه تلویزیون به ویژه در نزد جوانان باعث شده بود که دیگر هیچ علاقه‌ای به مشارکت و ارتباطات مدنی وجود نداشته باشد و حتی آن‌ها بولینگ را به صورت تک‌نفره بازی کنند و بر بازی دسته‌جمعی ترجیح دهند (Lin, 2003, p.210). فناوری و صنعتی شدن، شیوه‌های قدیمی اتحاد و گونه‌های اجتماعی را بدون هیچ جایگزینی به تحلیل برده است. پیرامون این فرسایش زیربنایی جامعه در آثار کلاسیک دانشمندان مختلفی همچون دورکیم، تونیس، وبر، سیمل و دیگران اشاره شده است (Putnam, 2002, pp.12-13). از سوی دیگر برخی جاذبه‌های فناوری اعم از فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های خبری اینترنتی و... سبب کاهش کنش‌های ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر شده است. از این رو، با باور و پذیرش جنبه‌های مثبت و منفی فناوری باید راهی میانه جهت رسیدن به اهداف مطلوب در پیش گرفت که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

### ۶. سازوکارهای ارتقاءدهنده امنیت ملی پایدار

استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. ولی به طور کلی تر راه را باز می‌کند تا دولت برای برخورد با تهدیدات وجودی و اساسی، اعلام بسیج کند یا اختیارات ویژه‌ای طلب نماید (بوزان، ویور و دوویدل، ۱۳۸۶، ص ۴۶). نباید امنیت ملی را نوعی کمال مطلوب انگاشت. اساساً باید امنیت را به چشم امر سلبی و منفی و به

معنای ناتوانی از برخورد با موضوعات به شیوه سیاست معمول انگاشت. کمال مطلوب آن است که بدون این نوع ارتقاء فوق‌العاده «تهدیدات» مشخص به سطح مسائل فوری و پیشاسیاسی، بتوان بر اساس آیین‌نامه‌های معمول تکلیف امور را معین کرد (بوزان، ویور و دوویدل، ۱۳۸۶، ص ۵۷). در بحث فراگیر شدن نقش دولت، به فراخ شدن و دخالت بیشینه دولت به‌ویژه در امور اجتماعی اشاره شد؛ از این رو، در ادامه این وضعیت شاهد مهندسی اجتماعی و همه‌جانبه از جانب دولت خواهیم بود، آنچه امروزه در بیشتر قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم شاهد آن هستیم، این است که در واقع، ادامه این وضعیت لطمه جبران‌ناپذیری به سرمایه اجتماعی خواهد زد و به‌عبارتی دولتی کردن امور برابر با زوال اعتماد اجتماعی است که از مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی پایدار است.

هانا آرنت در کتاب «ریشه‌های توتالیتراریسم»، منشأ جنبش‌ها و رژیم‌های توتالیتر مدرن را در شرایط جامعه توده‌ای جستجو می‌کند. به نظر او از آغاز انقلاب صنعتی و فروپاشی ساخت اجتماعی قدیم، فرد در جامعه مدرن دچار تنهایی و جداافتادگی هولناکی شده است و این خود حوزه عمومی زندگی سیاسی را مختل ساخته است. حاصل این فرایند پیدایش فرد منزوی و تنهایی است که تنهایی او نه تنها به معنای با دیگری نبودن بلکه به معنای «با خود نبودن» نیز هست. این تنهایی منفی، ویژگی توده‌های عظیم جدید در قرن بیستم است (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶). در یک جامعه پویا، وجود یک جامعه مدنی که دارای نهادها و مؤسساتی خودجوش و نیرومند و فعال در اصناف، گروه‌ها و تشکل‌های مختلف هستند، امری ضروری است. در اینجا میان جامعه و دولت رابطه اندام‌واری وجود دارد، به عبارتی مؤسسات، نهادها و سازمان‌های خصوصی نقش یک ضربه‌گیر را ایفا می‌کنند و نقطه قابل اتکا دولت محسوب می‌شوند و در نهایت در مواجهه با پیامدهای منفی فناوری، باید پذیرفت فناوری به رغم تمام کارکردهای کارآمد و مفید آن در فاصله‌اندازی بین انسان‌ها بسیار اثرگذار بوده است. فناوری از طریق کنترل هوشمند، افشای روابط و گفتارهای خصوصی، دستکاری حساب‌های شخصی، ترویج اخلاق نوین مبتنی بر فردمحوری و نفع شخصی، زندگی انسان‌ها را محصور در اتاق شیشه‌ای کرده که شکننده و درعین حال، ناآمن است. انسان امروزی حتی به پزشک، تلفن همراه خود و سیستم‌های اداری بی‌اعتماد است و در

ذهنیتی توأم با تردید و تهدید بسر می‌برد. به نظر می‌رسد تعامل چهره به چهره افراد، درگیر شدن آن‌ها در امور جمعی می‌تواند تا حدودی از این عدم اعتماد بکاهد. هابرماس در تلاش برای عبور از اختلاف لیبرال-کمونتاریانیستی، مدعی است «اصل گفتگو» - یعنی «تنها هنجارهایی اعتبار دارند که همه اشخاص متأثر از آن‌ها بتوانند در گفتگوهای عقلانی در باب آن‌ها مشارکت و توافق کنند» - نه تنها فهم بنیادین مبنای نظریه عقلانی مدرن را فراهم می‌کند بلکه در واقع پایه عقلانی حکم مشروع برخاسته از هر هنجار معتبر اجتماعی اعم از اخلاقی یا غیر آن را تشکیل می‌دهد (نش، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۱).

### نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های متنوع بسیاری درباره مفهوم امنیت و شیوه تحلیل آن وجود دارد و این خود نشانگر عدم توافق بر سر مفهوم امنیت در رشته روابط بین‌الملل است. نخستین گام برای فهم بحث‌های فزاینده درباره امنیت، دست‌کم رسیدن به یک شناخت اولیه از شالوده نظری دیدگاه‌های مختلف است. بیشتر مباحثات مطرح‌شده در این زمینه توجهات را به سمت مقولات امنیتی و اهداف نظامی کشانده و آن را از حوزه جامعه‌شناسی خارج دانسته است. اما آنچه سعی شد در این تحقیق بدان تأکید شود این بود که مطالعه امنیت نیازمند نوسان بین حوزه‌های (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و...) و سطوح مختلف (فردی، ملی و فراملی) است. روشن است که طراحی و اجرای سیستم امنیت ملی آسان نخواهد بود اما باید با توجه به واقعیات و مسائل موجود به فکر راهکارهای نوین بود و به نظر می‌رسد نقطه آغاز در این مسیر تحول و دگرگونی مفهوم امنیت ملی است. برای دستیابی به امنیت واقعی و پایدار باید در مفاهیم موجود در باب امنیت تجدیدنظر و آن را در فرایندهای بنیادی‌تری همچون ارزش‌های فرهنگی، همکاری جمعی و وفاق جستجو کرد و به عبارتی از منظری جامعه‌شناسانه به آن نگریم.

هم‌اکنون نقش دانشمندان علوم اجتماعی و حضور آن‌ها در مفهوم‌سازی این واژه (امنیت) به شکلی جامع و فراگیرتر که مسائلی همچون صلح، عدالت، توسعه، حقوق

بشر، مبارزه با تروریسم، حفظ محیط زیست و امنیتی پایدار به دور از اجبار و ترس را شامل شود، ضروری به نظر می‌رسد. ابتکارات مربوط به برقراری وفاق، اعتماد و همکاری متقابل در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. برقراری پیوندهای نزدیک حمایت‌آمیز و اجتماعی با دوستان، همکاران، نهادهای دولتی و مردم‌نهاد و سعی در اصلاح محیط‌های ناامن توسط گروه‌های جمعی و داوطلبانه و همچنین بالا بردن مشارکت اجتماعی، می‌تواند مسبب بالا بردن اعتماد و در نهایت ثبات جامعه شود. معنای دقیق امنیت یا نحوه تعریف آن کاملاً به خصوصیات بستگی دارد که برای آن ارائه می‌شود، به عبارتی وجود اختلاف و چنددستگی در بررسی‌های امنیتی بدین معنا نیست که ما نمی‌توانیم به مطالعه امنیت بپردازیم، برعکس به نظر ما برای مطالعه امنیت، لازم است از دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مطلع شویم. توسعه مفهوم امنیت صرفاً به معنای اضافه کردن وجه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی به واژه امنیت نیست بلکه این امر مستلزم دقت بیشتر در معنای امنیت و بررسی طیفی از عوامل مؤثر در این زمینه است که برخی از آنها اساساً متفاوت با عوامل سیاسی - نظامی هستند. در هر حال ما در تحقیق خود پیرامون امنیت ملی و بیان ارکان اصلی آن سعی نمودیم تا حد امکان از این انتقاد تبری جوئیده و به سمت یک نگاه جامع‌تر پیرامون امنیت حرکت نماییم. تعریف جدید مبتنی بر تعهد شهروندان، اعتماد متقابل، محور قرار دادن و بسط هنجارهای مثبت، و حل چالش‌ها توسط یک اراده عمومی و هوشمندانه با مشارکت گروه‌ها و اقشار مختلف جهت رسیدن به امنیتی باثبات و پایدار است.

## یادداشت‌ها

1. First Order Theoretical
2. Second Order theorizing
3. Meta theoretical
4. Concrete
5. Lassman
6. Supranational Physical Environment
7. Biosphere
8. Multi-track Diplomacy
9. Quality of life
10. Climate Change



11. Competition Over Resources
12. Marginalization Of The Majority World
13. Global Militarization

۱۴. گروه تحقیقاتی آکسفورد (ORG)، اتاق فکر مستقلی است که پیرامون نظریات و رهیافت‌های مختلف امنیت پایدار به مثابه جایگزینی خشونت‌ها و تنش‌های متقابل جهانی می‌اندیشد. این گروه مدافع اتخاذ سیاست‌های پیگیر و عمیق و حضور کارشناسان در امور مختلف جهت ارتقا تحلیل‌ها، گفتگوها و تغییرات است. جهت اطلاع بیشتر در این زمینه به پایگاه <http://oxfordresearchgroup.org.uk> مراجعه نمایید.

15. Multidimensionality
16. Multilateralism
17. Symbiotic realism
18. Cosmopolitanism
19. Network Economic
20. Multilayer Participation
21. Lubricate

### کتابنامه

قرآن کریم.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «فرصت امنیت جهانی»، در آر - دی - مک کین لای - و آر. لیتل، امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

همو - به اهتمام - (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

همو (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی.

همو و نصری، قدیر (۱۳۸۳) روش و نظریه در امنیت‌پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

همو و همکاران (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

امام‌جمعه‌زادگان، سید جواد و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۷)، «منطق و مبنای راهبردهای کلان امنیتی در خلیج فارس»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان.

- ایوب، محمد (۱۳۸۱)، «معضل امنیت ملی در جهان سوم»، ترجمه احمد محمودی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره دوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
- بوزان، باری، ویور، الی و دوویدل، پاپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- راش، مایکل (۱۳۸۸)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- سجادپور، سید محمدکاظم و اجتهادی، سعیده (۱۳۸۹)، «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۵-۵۹.
- شبهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴)، «به سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «سازهانگاری به عنوان فرانظریه بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.
- معینی علمداری (۱۳۸۵)، روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فراثبات‌گرایی)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نش، گیت و اسکات، آلن (۱۳۸۸)، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، جلد اول، ترجمه قدیر نصری و محمد علی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همو، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، جلد دوم، ترجمه فرامرز تقی‌لو و فرزادپور، سعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).
- هیوود، آندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

- Al-Rodhan, Nayef R. F (2009), *The Three pillars of Sustainable National Security in a Transnational World*, Jeneva Centre for Security Policy.
- Buzan, Barry & Hansen, Lene (2007), *International Security Vo III: Widening Security*, SAGE Publications, London, New Delhi, Singapore.
- Chandler, David (2007), " The security– development nexus and the rise of ‘anti-foreign policy’ ", *Journal of International Relations and Development*, pp.362–386.
- Chatterjee, Shibashis (2003), " Neo-realism, Neo-liberalism and Security", *International Studies*, 2003, 40: 125.
- Erhsson, Johan & Giacomello, Giampiero (2006), "The Information Revolution, Security, and International Relations: (IR) relevant Theory?", *International Political Science Review*, Vol 27, No. 3.
- Hoffman , Lance J, Lawson- Jenkins, Kim & Blum, Jeremy (2006), "Trust Beyond Security: an Expanded Trust Model" , *Communication of The ACM*, Vol. 49, No. 7.
- Katzenstein, Peter J (1998), *Cultural norms and National Security: Police and Military in Postwar Japan*, Ithaca: Cornell Univercity press.
- Lin, Nan (2003), *Social capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Oxford Research Group and Institute for Peace Studies. (2009), London
- Putnam, Robert D. (2002), *Making Democracy Work Tradition Modern Italy*, princeton. up.
- Sewak, Manjrika (2005), "*Multi-track Diplomacy between India and Pakistan: A Conceptual Framework for Sustainable Security*", New Delhi, Manohar and Colombo: Regional Centre for Strategic Studies.
- Stern, Maria and Ojendal, Joakim (2010), Mapping the Security– Development Nexus: Conflict, Complexity, Cacophony, Convergence?, *Security Dialogue vol. 41, no. 1.*



## تحلیل روند اخبار بین‌المللی پیش از بیداری اسلامی<sup>۱</sup>

حسینعلی افخمی\*

محسن سلسله\*\*

### چکیده

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که همچنان اخبار جهان غرب، سهم زیادی را در اخبار بین‌المللی دارند. رسانه‌های غربی، جهان اسلام را منفی نشان داده‌اند و رسانه‌های جهان اسلام نیز جهان اسلام را منفی نشان داده‌اند، در شبکه بی‌بی‌سی، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه سوم را در میان اخبار سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند. در شبکه سی‌ان‌ان، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه دوم را در میان اخبار سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند. در شبکه پرس، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه دوم را در میان سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند. در شبکه الجزیره، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه سوم را در میان سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند. در شبکه راشا، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه سوم را در میان سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند. در شبکه نیل، اخبار کشورهای اسلامی، رتبه اول را در میان سایر مناطق جهان داشته و عمدتاً با چارچوب خنثی و منفی ارائه شده‌اند.

### واژگان کلیدی

پوشش خبری، بیداری اسلامی، برجسته‌سازی، انحراف، اهمیت اجتماعی، کشورهای اسلامی، جهان، تلویزیون

hafkhami@yahoo.co.uk

Mohsen.selseleh@yahoo.com

\* استادیار گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* دکتری علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبایی

#### مقدمه

مردم به اخبار علاقه دارند. ما دوست داریم که بدانیم که چه چیزی در جاهای دوردست یا در همسایگی ما در حال رخ دادن است. هارولد لاسول این موضوع را «کارکرد نظارتی» رسانه‌های جمعی نامیده است (Lasswell, 1960, p.118). در بیشتر جوامع، روزنامه‌نگاران این وظیفه را انجام می‌دهند و به‌عنوان پیمایشگران حرفه‌ای مورد تأیید اجتماع این کار را برای بقیه اجرا می‌کنند. وجود رسانه‌های جمعی، تا حد زیادی به‌وسیله این کارکرد نظارتی توجیه می‌شود. جامعه‌شناسان رسانه‌ها، گزارشگری خبری را بازتاب آئینه‌وار واقعیت‌ها نمی‌دانند بلکه از عمل روزنامه‌نگاری به‌عنوان تولید خبر یاد می‌کنند. محتوای خبر، محصول یا نتیجه رویه‌های حرفه‌ای، اعمال و ارزش‌های خبرنگار است (رایف، لیس و فیکو، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

از سویی دیگر، تلویزیون فراگیرترین رسانه پنج دهه اخیر است. تلویزیون در هر کشور «رسانه جریان اصلی» شمرده می‌شود و اغلب یا وابسته به دولت‌ها و یا در اختیار شرکت‌های بزرگ قطب‌های سیاسی و اقتصادی کشورها هستند. دهه ۱۹۸۰، شاهد گسترش بی‌سابقه مقیاس و دامنه رسانه‌های الکترونیک ارتباطات و نوآوری‌هایی نظیر ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی بود. این امر توانایی پخش پیام‌ها را در سطحی گسترده و بی‌سابقه امکان‌پذیر ساخته و یک مرحله جدید در تاریخ جهانی ارتباطات را پدید آورده است.

در عصر حاضر، اگرچه پیام‌های متنوع‌تری در سطوحی گسترده‌تر امکان پخش یافته‌اند، این واقعیت همچنان معتبر است که هنوز پیام‌های اصلی و پر قدرت از آن نظام جهانی سرمایه‌داری است. بی. ایچ. بگدیکیان در سال ۱۹۸۹، کسانی را که کنترل این نظام را در اختیار دارند، «اربابان دهکده جهانی» نامیده است. آنان تولیدات خود را به همه جهان عرضه می‌کنند. بگدیکیان معتقد است که به موازات تلاش بازیگران برای کنترل کامل، تولید، تحویل و بازاریابی کالاهای فرهنگی ایدئولوژیک نظام سرمایه‌داری، مرزهای ملی به‌طور فزاینده‌ای معنای خود را از دست می‌دهند (Bagdikian, 1980, p.15).

در سال ۱۹۸۳، بگدیکیان تخمینی زده بود که حدود پنجاه شرکت بازار صنایع رسانه‌ای آمریکا را در اختیار خود دارند. او می‌نویسد که این رقم به حدود دوازده

شرکت تنزل یافته است. او می‌گوید مردان و زنانی که این شرکت‌ها را اداره می‌کنند، نوعی «وزارت خصوصی اطلاعات و فرهنگ» را پدید آورده‌اند و می‌توانند علایق مردم آمریکا را تحت تأثیر قرار دهند. ادوارد هرمن و نوام چامسکی با تعمیم این مطلب، تمرکز مالکیت رسانه‌ها و ماهیت آن را، یکی از عناصر اصلی الگوی تبلیغی خود می‌دانند و بر این عقیده‌اند که گستره‌ای از صافی‌های سیاسی، اقتصادی و سازمانی، بر نحوه خبررسانی رویدادهای بین‌المللی در آمریکا، اثر محدودکننده‌ای می‌گذارد (ویلیامز، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

در اینجا توجه به رقابت رسانه‌های منطقه‌ای، برون‌مرزی و جهانی در عرصه منطقه خاورمیانه و به‌ویژه کشور ایران در دهه آخر قرن بیستم، دارای اهمیت بسیار است. انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات به تغییرات گسترده و وسیعی در رسانه‌های منطقه خاورمیانه و به‌ویژه ایران منجر شد. رسانه‌های کشورهای عربی و ایران، برای استفاده مؤثر از فرصت‌های پدیدآمده در اثر این انقلاب، تجهیزات موجود خود را ارتقا دادند و به‌این ترتیب، شبکه‌های ماهواره‌ای، روزنامه‌ها و مجله‌های برخط و وب‌گاه‌های خبری این کشورها شروع به پخش برنامه کردند. از طریق ایجاد شبکه‌های خبری انگلیسی‌زبان نظیر پرس تی‌وی، الجزیره انگلیسی و نیل تی‌وی بین‌المللی، کشورهای ایران، قطر و مصر می‌کوشند در سیاست‌های منطقه‌ای و شاید بین‌المللی اثر بگذارند. از سویی دیگر، امروزه پس از یازده سپتامبر، رسانه‌های غربی و به‌ویژه آمریکا روی اجزای منفی جهان اسلام و به‌طور خاصی ایران متمرکز شده‌اند. سوال اصلی تحقیق، عبارت است از این که آیا بازتاب خبرهای کشورهای اسلامی و جهان در شبکه‌های تلویزیونی پرس تی‌وی، نیل تی‌وی اینترنتشال، الجزیره انگلیسی، سی‌ان‌ان اینترنتشال، بی‌بی‌سی ورلد نیوز و راشا تودی پیش از وقوع تحولات مربوط به بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه (جامعه آماری شامل شش ماه (از ۳۰ می ۲۰۱۰ تا ۹ نوامبر ۲۰۱۰) بوده است و بیداری اسلامی لازم به توجه است که در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ (یعنی یک ماه و نه روز، پس از پایان جامعه آماری) با قیام در تونس آغاز شد و به لیبی، مصر، یمن، بحرین، اردن، کویت و... سرایت کرد)، با یکدیگر چه شباهت‌ها و تفاوت‌های معناداری از نظر ارزش‌های خبری، عناصر خبری، سبک تنظیم خبر، و جهت‌گیری دارند؟ و فرضیه

اصلی تحقیق عبارت است از اینکه برجستگی آیتم‌های خبری بر اساس انحراف و اهمیت اجتماعی آن‌هاست. با توجه به اینکه سه شبکه تلویزیونی نخست مربوط به کشورهای اسلامی هستند و سه شبکه دیگر از رسانه‌های غربی هستند، بررسی این موضوع که «چه اخباری و چگونه» از کشورهای اسلامی و جهان در این شبکه‌ها پیش از بیداری اسلامی، بازتاب یافته است می‌تواند با توجه به دیدگاه متفاوت و منافع متفاوت این شبکه‌های تلویزیونی به نتایج جالب توجهی بینجامد.

#### ۱. پیشینه تحقیق

آنابل سربرنی - محمدی و همکاران او در تحقیقی که در سال ۱۹۷۳، با استفاده از روش تحلیل محتوا و نظریه برجسته‌سازی انجام دادند نشان دادند که یک جریان یک سویه، از کشورهای غربی (آمریکا و اروپای غربی) به بقیه جهان وجود دارد، معیارهای انتخاب خبر در جریان بین‌المللی خبر، تقریباً جهانی شده است، در تمامی رسانه‌های ملی و داخلی بر رویدادهای منطقه‌ای و عاملان آن، تأکید می‌شود، اخبار مناطق داغ یا بحران پس از خبرهای منطقه‌ای و اخبار مربوط به ایالات متحده و اروپای غربی، سومین مطلب مهم در جریان اخبار بین‌المللی هستند (Serberney-Mohammadi, et al., 1984, pp.134-138).

گلدینگ و الویت در پژوهش خود در سال ۱۹۷۹، در خصوص شبکه‌های خبری تلویزیونی سوئد، ایرلند و نیجریه با استفاده از پیمایش و تحلیل محتوا نشان دادند که در همه این کشورها مداخله و کنترل حکومت، اگرچه کم‌اهمیت به نظر می‌رسد، اما نظیر عوامل روزنامه‌نگاری و ارزش‌های ناشی از این شغل، از طریق تحریف یا بزرگ‌نمایی ارزش‌های خبری اعمال می‌شود (Cohen & Bantz, 1990, p.43).

آکیبا ای. کوهن، هانا ادونی و چالز آر. بنتر در تحقیق خود در سال ۱۹۹۰ در خصوص چالش‌های اجتماعی و پوشش اخبار تلویزیونی در پنج کشور (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان غربی، آفریقای جنوبی و اسرائیل) با استفاده از روش تحلیل محتوا و نظریه برجسته‌سازی نشان دادند که آیتم‌های دارای چالش اجتماعی در مقایسه با سایر آیتم‌های بدون چالش، در پخش اخبار جایگاه بالاتری



داشتند (Cohen & Bantz, 1990, p.87). پاملاجی شومیکر و آکیبا کوهن، در تحقیق خود (۲۰۰۶)، در خصوص اخبار تلویزیون و برنامه‌های خبری رادیویی در ده کشور جهان با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و پیمایش و با استفاده از ارزش‌های خبری (انحراف و اهمیت اجتماعی) نشان دادند که اخبار و ارزش‌های خبری از بعد نظری با یکدیگر متفاوت هستند و اینکه مردم با روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی خود، در خصوص اخباری که با بیشترین برجستگی پوشش داده می‌شوند، موافق نیستند. تحقیق آن‌ها در خصوص برنامه‌های خبری تلویزیونی نشان داد که ارزش‌های خبری (اهمیت و انحراف اجتماعی) درصد بسیار پایین از برجستگی مطلب خبری را تبیین می‌کنند و خبر یک محصول اجتماعی است که در واقع، خروجی رویه‌های روزنامه‌نگاری است (Shoemaker & Cohen, 2006, p.337).

جی وی ویلانیلام در تحقیق خود با عنوان گزارش یک انقلاب (انقلاب اسلامی ایران) در سال ۱۹۸۹، با استفاده از روش تحلیل محتوا و نظریه برجسته‌سازی، اثر سیاست خارجی آمریکا و هندوستان را در انتخاب اخبار خارجی بررسی و تأیید کرده است (Vilaniyam, 1989, pp.73-85).

شهرزاد ثابت سعیدی در تحقیق خود (۱۳۸۷) با عنوان پوشش خبری دستگیری ۱۵ ملوان انگلیسی در شبکه‌های تلویزیونی سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، العالم و شبکه یک تلویزیون ایران با استفاده از تحلیل محتوای کیفی نشان داد که رسانه‌های ایران، سعی در ساختن تصویر کشوری متجاوز، استعمارگر و خشونت‌طلب از انگلیس داشتند و رسانه‌های غربی نیز سعی در ساختن تصویر کشور خشونت‌طلب و ناقض قوانین بین‌المللی از ایران داشتند (ثابت سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). جان لنت، چهار عامل را بر پوشش جریان بین‌المللی خبر در آمریکا مؤثر دانسته است: دیپلماسی بین‌المللی، بحران‌ها، سیاست‌های سانسور و تصویرسازی از سایر کشورها و نمایندگان خبری رسانه‌های جمعی در خارج از آمریکا (Lent, 1977, pp.46-51).

## ۲. ادبیات نظری تحقیق

### ۲-۱. انحراف و اهمیت اجتماعی

می‌توان انحراف را به‌عنوان یک ویژگی مردم، ایده‌ها یا رویدادها تعریف کنیم که آن‌ها را از دیگران در حوزه، اجتماع یا همسایگی خود و غیره، متمایز می‌کند. انحراف ممکن است مثبت یا منفی باشد، اما انحراف بیشتر یک تصویر منفی دارد.

از دیدگاه شومیکر و کوهن، انحراف شامل سه وجه است: وجه اول، انحراف هنجاری به شکستن قوانین و هنجارها برمی‌گردد؛ برای مثال، مجریان منحرف هستند و همچنین، زنانی که از معیارهای فرهنگی لباس پوشیدن در فرهنگ خود تبعیت نمی‌کنند (Wells, 1978, p.15).

وجه دوم، انحراف تغییر اجتماعی، منظور رویدادهایی است که در آن‌ها مردم وضع موجود نظام‌های اجتماعی را به چالش می‌گیرند، نظیر انقلاب، شورش، جنگ داخلی و تظاهر است (Shomaker and Cohen, 2006, p.13).

وجه سوم، انحراف آماری است که در خصوص مواردی به کار می‌رود که در آن‌ها یک ایده، شخص یا رویداد از متوسط عجیب، غیرعادی یا تازه بودن بسیار متفاوت است. رویدادهای مربوط به سقوط هواپیماها دارای انحراف آماری است؛ زیرا بیشتر هواپیماها سقوط نمی‌کنند. شخصی که در یک امتحان خیلی بالا یا خیلی پایین می‌گیرد، از نظر آماری، منحرف است؛ زیرا امتیاز وی خیلی از میانگین دور است. تصادف‌های وسائل نقلیه، باران زیاد در یک منطقه بیابانی، یک نقاشی گران‌قیمت جامانده در یک مترو، که به صاحبش برگردانده شود و پیرترین شخص در جهان، همگی مثال‌هایی از انحراف آماری هستند (Shomaker and Cohen, 2006, p.14).

انحراف، مقدار زیادی از اخبار را مشخص می‌کند. واضح است که مقیاس مهم دیگری نیز وجود دارد. همان‌طور که مردم در زندگی خود، به برخی چیزها توجه می‌کنند و به چیزهای دیگری توجه نمی‌کنند، گرایشی برای توجه به چیزهایی که بر زندگی آن‌ها، خواه در سطح فردی یا سطح همگانی اثر می‌گذارد، وجود دارد. «کاری»، رویدادهایی را که باید تحلیل شوند و به‌عنوان نشانه به خاطر سپرده شوند، دارای اهمیت اجتماعی دانسته است، نظیر نشانه رسمی ویژه یک تمدن یا خطرهایی که ما با

آن‌ها روبه‌رو هستیم یا شکوهی که ما یک زمانی داشته‌ایم، رویدادهای فرهنگی، رویدادهایی نظیر تعطیلی یک موزه، افزایش یا کاهش تورم، کاهش ارزش پول رایج، جنگ، حملات تروریستی، داروی جدید ایدز، بستن یک روزنامه، شروع یک شبکه کابلی و مرگ افراد برجسته را در بر می‌گیرد (Shomaker and Cohen, 2006, p.14).

اهمیت اجتماعی شامل چهار وجه است:

وجه اول، اهمیت سیاسی مربوط به رویدادهایی است که محتوای آن‌ها دارای ظرفیت سیاسی است و یا روی رابطه میان مردم و حکومت یا بین حکومت‌ها اثر داشته باشد. اهمیت سیاسی محدود به موضوعات ملی یا بین‌المللی نیست بلکه می‌تواند از رویدادهای محلی ناشی شود (Shomaker and Cohen, 2006, p.14).

وجه دوم، اهمیت اقتصادی مربوط به رویدادهایی است که محتوای آن‌ها دارای ظرفیت اقتصادی یا اثر عملی روی مبادله کالاها و خدمات دارد، شامل نظام پولی، تجارت، تعرفه‌ها، کار، حمل و نقل، بازار شغل، منابع طبیعی و امور زیربنایی است. وجه سوم، اهمیت فرهنگی به‌عنوان اندازه‌ای که محتوای یک آیتم خبری اثر بالقوه یا عملی روی رسوم یک نظام اجتماعی، مؤسسات و هنجارها دارد، تعریف شده است؛ برای مثال، افزایش پیروان یک دین، افتتاح یک موزه ملی، بازگشایی یک کتابخانه یا تالار موسیقی. وجه چهارم، اهمیت اجتماعی به آیتم‌های خبری که مربوط به خوبی (سعادت) همگانی است، اطلاق می‌شود؛ برای مثال، کشف یک داروی جدید، اثرهای درازمدت یک نشت نفتی، تصادف‌های ترافیکی جمعی. بر اساس این تعاریف، یک آیتم خبری که در هر چهار مقیاس اهمیت اجتماعی رتبه بسیار بالا می‌گیرد، باید پوشش خبری بیشتری نسبت به یک آیتم خبری که شدت پایین دارد، دریافت کند. شومیکر و راجرز معتقدند که انحراف و اهمیت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های ارزش خبری یک رویداد خبری هستند و موقعی که یک رویداد در هر دوی آن‌ها، ارزش‌های بزرگی داشته باشد، به یک سطح تشدیدشده از ارزش خبری می‌رسد. موقعی که یک رویداد هم انحراف و هم اهمیت اجتماعی زیادی دارد، ارزش خبری آن بالاترین است؛ درست مثل خبر مرکز تجارت جهانی. اگرچه موقعی که شدت انحراف بالاست و شدت اهمیت اجتماعی پایین است، هنوز ارزش خبری بالاست؛ درست مثل قضیه مرگ

شاهزاده دایانا. از سوی دیگر، موقعی که انحراف از شدت کمی برخوردار است، ارزش خبری پایین‌تر است، اما رویداد ممکن است به دلیل اهمیت اجتماعی بالا، تا حد معتدل ارزش خبری داشته باشد، درست مثل موقعی که قانون‌گذاران، بودجه ملی را تصویب می‌کنند. این رویداد برای کشور مهم است، اما تصویب بودجه، یک فعالیت عادی حکومت است، لذا انحراف آن، پایین است. سرانجام، موقعی که رویداد، هم اهمیت اجتماعی و هم انحراف پایینی دارد، در این صورت کمترین ارزش خبری را دارد و بیشتر این رویدادها از دروازه اخبار عبور نمی‌کنند تا یک مطلب خبری شوند (Shomaker, Danielian and Brelinger, 1991, p.783).

## ۲-۲. جریان بین‌المللی اخبار

یکی از الگوهای برجسته جریان بین‌المللی اخبار، الگوی مرکز-پیرامون است که در کار یوهان گالتونگ، تحلیل نظریه ساختاری امپریالیسم ارائه شده است، در اینجا جهان به دو قسمت تقسیم می‌شود: مرکز یا جوامع مسلط و پیرامون. او این ساختار نظری را به تعاملات فرهنگی و ارتباطی وابسته می‌کند و آن را به عنوان عامل اصلی نابرابری ملل و تقسیم تقویت شده به وسیله «شبکه‌های فئودالی ارتباطات بین‌الملل» که در اختیار ملل مرکز هستند، معرفی کرده است (Mowlana, 1986, p.8).

مطابق این نظریه، میزان تبادل خبرها میان ملل «مرکز» و «پیرامون» و میزان تبادل خبرها بین خود ملل مرکز با یکدیگر تفاوت بسیار زیادی دارد. خبرهای ملل مرکز، سهم بیشتری از رویدادهای خارجی را در رسانه‌های ملل پیرامون دارند. تقریباً جریان خبر در میان ملل پیرامون بسیار ناچیز است و یا اصلاً وجود ندارد (کیا، ۱۳۸۰، ص ۴۰).

## ۲-۳. جهان سوم و نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات

از اواخر دهه ۱۹۶۰، به دنبال گسترش جنبش‌های استعمارزدایی و استقلال‌طلبی در سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی و آمریکایی لاتین و تحت دگرگونی‌های بنیادین داخلی برخی از کشورهای متمدن و انقلاب جهان سوم و همبستگی‌های فزاینده آنها، آگاهی‌های عمیق‌تر و وسیع‌تری درباره میراث فرهنگی و ارتباطی استعمار قدیم غربی و شیوه‌های جدید سلطه‌جویی آن در دنیا پدید آمدند (معمدنژاد، ۱۳۸۹، ص ۴۲۷).

گزارش نهایی کمیسیون بین‌المللی یونسکو، برای مطالعه درباره مسائل ارتباطات - که در جریان کوشش‌های جدید کشورهای جهان سوم، برای مقابله با عدم تعادل بین‌المللی اطلاعات و نابرابری جهانی ارتباطات، به توصیه کنفرانس عمومی یونسکو، به ریاست «شن مک‌براید» در دسامبر ۱۹۷۷ در پاریس تشکیل شد - از «آگاهی‌یابی به آرمان‌های ممالک در حال توسعه برای برقراری یک نظم نوین جهانی عادلانه‌تر و مؤثرتر اطلاعات و ارتباطات»، سخن گفته شده است. در این اعلامیه بر «ضرورت به گوش رساندن صدای خلق‌های ستمدیده...»، «تصحیح نابرابری‌های موجود در جریان اطلاعات به طرف یا از طرف کشورهای در حال توسعه و نیز بین این ممالک...» مورد توصیه قرار گرفته است (معمدنژاد، ۱۳۸۹، صص ۴۵۴-۴۵۵).

#### ۲-۴. نظریه برجسته‌سازی

برجسته‌سازی یکی از شیوه‌هایی است که از طریق آن رسانه‌های جمعی می‌توانند بر عامه تأثیر بگذارند. برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه راجع به آنها فکر می‌کنند، تعیین می‌کنند (سورین و تانکار، ۱۳۸۱، ص ۳۵۳). این اصطلاح را نخست مک‌کامبز و شاو در سال ۱۹۷۲ به کار برده‌اند تا پدیده‌ای را که سال‌ها بود در جریان مبارزات انتخاباتی شناخته شده بود و مورد مطالعه قرار گرفته بود، شرح دهند. لازارسفلد و همکاران او در سال ۱۹۴۲، از آن به‌عنوان قدرت موضوع‌های استراتژیک نام می‌برند (مک‌کوئل، ۱۳۸۲، صص ۳۸۷-۳۸۸). در سال ۱۹۶۱، مک‌کوئل و ترنمان اشاره کرده‌اند: «شواهد موجود قویاً بر این موضوع دلالت دارد که مردم درباره آنچه به آنها گفته می‌شود، فکر می‌کنند، اما در هیچ سطحی مردم آن‌طور که به آنها گفته شده فکر نمی‌کنند» (مک‌کوئل، ۱۳۸۲، ص ۳۸۸). راجرز و دیرینگ، برجسته‌سازی را چنین تعریف کرده‌اند: «فراگردی که به‌واسطه آن رسانه‌های جمعی، اهمیت نسبی موضوعات و تأثیرات گوناگون را به مخاطب منتقل می‌کنند (ویندال و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۵۳). الگوی فرایند برجسته‌سازی متشکل از سه قسمت عمده است: ۱. اولویت رسانه، که اولویت عموم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ۲.

اولویت عموم که ممکن است، اولویت سیاست را تحت تأثیر قرار دهد؛ ۳. اولویت سیاست (دیرینگ و راجرز، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

## ۲-۵. اسلام رسانه‌ها

مقصود از اسلام رسانه‌ها دو چیز است: اول، اسلام یا بهتر بگوییم تصویری است که در غرب عموماً دربارهٔ اسلام و در آمریکا خصوصاً وجود دارد؛ دوم، کاربرد این تصویر در غرب عموماً و در آمریکا خصوصاً (سعید، ۱۳۷۹، ص ۷۴). «اصول فلسفه حق هگل» به ملت‌های متمدن، حق داده است کسانی را که از نظر نهادی عقب‌مانده‌ترند، بربر و وحشی بخوانند. ادوارد سعید، به این اروپاگرایی هگل، به‌عنوان بنیانی برای فلسفهٔ گفتمان‌های شرق‌شناسی جدید اشاره کرده است (سعید، ۱۳۸۲، صص ۲۵۸-۲۵۹). محققانی چون ادوارد سعید، ضیاءالدین سردار، کا. اچ کریم و دی. لیتل نشان می‌دهند که شرق‌شناسی ایدئولوژی مسلط غرب با جهان اسلام است. شرق‌شناسی، روایتی واقع‌نما را به کار می‌گیرد که در آن، واقعیت متفاوت اجتماعی و فرهنگی از شرق بدیهی انگاشته می‌شود، واقعیتی که متفاوت از همتای غربی آن است. این روایت با تلاش شرق‌شناسان کشف گردید و «درست» بودن آن بدیهی انگاشته می‌شود (ایزدی و سقایی بی‌ریا، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱).

## ۲-۶. دیپلماسی فرهنگی

فرانک نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند، درحالی‌که بنا به تعریف کیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به‌منظور ایجاد شبکه‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین‌حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها. می‌توان نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است. به‌عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی، آنگاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشورها برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از

سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازند و آن را در سیاست خارجی خود لحاظ می‌کنند (حسن‌خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷).

### ۳. روش‌شناسی

این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. تحلیل محتوا، قرار دادن منظم و قاعده‌مند محتوای ارتباطات در مقولات خاص بر اساس قواعد و تحلیل روابط بین آن مقولات با استفاده از روش‌های آماری است. تعریف برلسون از تحلیل محتوا که زیاد هم به آن استناد می‌شود، عبارت است از: تحلیل محتوا را «روشی برای توصیف عینی، کمی و قاعده‌مند محتوای آشکار ارتباطات» (رایف و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۳). در این تحقیق، پژوهشگر برای نمونه‌گیری، از یکی از انواع نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند، به نام هفته‌های متناوب یا مرکب استفاده کرده است. به این ترتیب که از هر هفته چارچوب نمونه‌گیری، به ترتیب یک روز انتخاب می‌شود، مثلاً از هفته اول روز شنبه، از هفته دوم روز یکشنبه، از هفته سوم روز دوشنبه و تا آخر. در این روش با توجه به حجم جامعه آماری ممکن است یک یا چند هفته در حجم نمونه قرار گیرد (Hansen & others, 1998, p.93). به این ترتیب، از جامعه آماری شش ماهه، ۲۴ روز آماری انتخاب شد. بنا به موضوع و هدف تحقیق، واحد تحقیق در این پژوهش، کلیت هر مطلب یا مقوله خبری است؛ بنابراین، کلیه ابعاد و وجوه هر خبر مانند موضوع خبر، محل رویداد، عناصر خبری، ارزش‌های خبری، جهت‌گیری تنظیم خبر، ماهیت خبر، شکل خبر، میزان خبر (بر حسب ثانیه)، برجستگی، انحراف و اهمیت اجتماعی بررسی خواهد شد. واحد تحلیل، خبر است. واحد زمینه‌ای، کل بخش خبری یک شب است و واحد کدگذاری یا ثبت هر جمله است. دستورالعمل کدگذاری تحقیق با توجه به مبانی نظری تحقیق و دیدگاه سه استاد علوم ارتباطات تهیه گردید. به منظور ارزیابی پایایی دستورالعمل کدگذاری، ۱۰ درصد محتوا (۲۱۶ مطلب خبری) به طور تصادفی انتخاب شد و توسط هر سه کدگذار، کدگذاری گردید و ضریب پایایی تحقیق برای متغیرهای اصلی تحقیق (عنصر خبری، ارزش خبری، شکل خبر، ماهیت خبر، جهت‌گیری خبر، انحراف آماری، انحراف هنجاری، انحراف تغییر اجتماعی، اهمیت سیاسی، اهمیت





کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۰۸/۲۶۴	۲۵	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۱۰۸/۲۶۴ و درجه آزادی برابر با ۲۵ و sig برابر صفر، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین شبکه‌های تلویزیونی مورد بررسی و عناصر خبری رابطه معناداری وجود دارد. از نظر عنصر خبری که، شبکه نیل با ۴۱/۲۷ درصد (۵۰۱ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه بی‌بی‌سی با ۹/۰۶ درصد (۱۱۰ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است. از نظر عنصر خبری «کجا»، شبکه نیل با ۲۳/۲ درصد (۲۹ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه سی‌ان‌ان با ۹/۶ درصد (۱۲ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است. از نظر عنصر خبری «کی»، شبکه پرس با ۲۳/۵۳ درصد (۸ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه بی‌بی‌سی با ۵/۸۸ درصد (۲ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است. از نظر عنصر خبری «چه»، شبکه نیل با ۳۲/۴۱ درصد (۲۲۲ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه سی‌ان‌ان با ۱۲/۲۶ درصد (۸۴ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است. از نظر عنصر خبری «چرا»، شبکه راشا با ۳۶ درصد (۹ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه نیل با ۸ درصد (۲ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است. از نظر عنصر خبری چگونه، شبکه بی‌بی‌سی با ۲۱/۵۲ درصد (۱۷ آیتم خبری) بیشترین نسبت و شبکه الجزیره با ۶/۳۳ درصد (۵ آیتم خبری) کمترین نسبت را داشته است.

در ضمن با توجه به نسبت درصد عنصر خبری «که» بر عنصر خبری «چه»، شبکه‌های پرس، نیل و راشا به ترتیب بیشترین تأکید را بر عنصر خبری «که» (شخصیت‌مداری) نسبت به «چه» داشته‌اند و شبکه‌های بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و الجزیره به ترتیب، کمترین تأکید را بر عنصر خبری «که» نسبت به «چه» داشته‌اند.

جدول ۲. بررسی رابطه میان شبکه‌های تلویزیونی و ارزش‌های خبری

جمع	پرس	نیل	الجزیره	راشا	سی‌ان‌ان	بی‌بی‌سی	شبکه تلویزیونی	ارزش خبری
۵۳۲	۷۹	۲۰۹	۶۱	۴۶	۷۲	۶۵	فراوانی	برخورد+
۱۰۰	۱۴/۸۵	۳۹/۲۸	۱۱/۴۷	۸/۶۵	۱۳/۵۳	۱۲/۲۲	درصد سطری	شهرت+
۲۴/۶	۲۳	۲۷/۱	۲۱/۶	۱۶/۱	۳۰/۵	۲۶/۴	درصد ستونی	درب‌گیری
۱۳۱	۱۳	۴۰	۱۱	۱۹	۲۸	۲۰	فراوانی	عجیب+
۱۰۰	۹/۹۲	۳۰/۵۳	۸/۴	۱۴/۵	۲۱/۳۷	۱۵/۲۷	درصد سطری	شهرت+
۶/۰۶	۳/۸	۵/۲	۳/۹	۶/۷	۱۱/۹	۸/۱	درصد ستونی	درب‌گیری
۲۴	۴	۱۱	۲	۰	۴	۳	فراوانی	عجیب+
۱۰۰	۱۶/۶۷	۴۵/۸۳	۸/۳۳	۰	۱۶/۶۷	۱۲/۵	درصد سطری	درب‌گیری
۱/۱۱	۱/۲	۱/۴	۰/۷	۰	۱/۷	۱/۲	درصد ستونی	
۲۰۱	۳۲	۷۳	۱۴	۳۲	۱۵	۳۵	فراوانی	شهرت+
۱۰۰	۱۵/۹۲	۳۶/۳۲	۶/۹۶	۱۵/۹۲	۷/۴۶	۱۷/۴۱	درصد سطری	درب‌گیری
۹/۳	۹/۳	۹/۵	۵	۱۱/۲	۶/۴	۱۴/۲	درصد ستونی	
۳۹۷	۹۲	۱۲۶	۴۷	۶۴	۴۰	۲۸	فراوانی	درب‌گیری
۱۰۰	۲۳/۱۷	۳۱/۷۴	۱۱/۸۴	۱۶/۱۲	۱۰/۰۷	۷/۰۵	درصد سطری	
۱۸/۳۶	۲۶/۸	۱۶/۴	۱۶/۷	۲۲/۴	۱۶/۹	۱۱/۴	درصد ستونی	
۵۰۴	۱۵	۲۲۹	۶۵	۸۸	۵۰	۵۷	فراوانی	برخورد+
۱۰۰	۲/۹۸	۴۵/۴۴	۱۲/۸۹	۱۷/۴۶	۹/۹۲	۱۱/۳۱	درصد سطری	درب‌گیری
۲۳/۳۱	۴/۴	۲۹/۷	۲۳	۳۰/۹	۲۱/۲	۲۳/۲	درصد ستونی	
۹۶	۹	۴۰	۲۸	۴	۷	۸	فراوانی	برخورد+
۱۰۰	۹/۳۷	۴۱/۶۷	۲۹/۱۷	۴/۱۷	۷/۲۹	۸/۳۳	درصد سطری	شهرت
۴/۴۴	۲/۶	۵/۲	۹/۹	۱/۴	۳	۳/۳	درصد ستونی	
۱۴۰	۴۰	۳۰	۱۷	۲۶	۱۰	۱۷	فراوانی	عجیب
۱۰۰	۲۸/۵۷	۲۱/۴۳	۱۲/۱۴	۱۸/۵۷	۷/۱۴	۱۲/۱۴	درصد سطری	
۶/۴۷	۱۱/۷	۳/۹	۶	۹/۱	۴/۲	۶/۹	درصد ستونی	
۸۲	۵۶	۶	۵	۲	۷	۶	فراوانی	برخورد
۱۰۰	۶۸/۲۹	۷/۳۲	۶/۰۹	۲/۴۴	۸/۵۴	۷/۳۲	درصد سطری	
۳/۷۹	۱۶/۳	۰/۸	۱/۸	۰/۷	۳	۲/۴	درصد ستونی	
۴۰	۲	۴	۲۴	۳	۲	۵	فراوانی	عجیب+
۱۰۰	۵	۱۰	۶۰	۷/۵	۵	۱۲/۵	درصد سطری	شهرت
۱/۸۵	۰/۶	۰/۵	۸/۵	۱/۱	۰/۸	۲	درصد ستونی	
۱۵	۱	۲	۸	۱	۱	۲	فراوانی	شهرت
۱۰۰	۶/۶۷	۱۳/۳۳	۵۳/۳۳	۶/۶۷	۶/۶۷	۱۳/۳۳	درصد سطری	
۰/۶۹	۰/۳	۰/۳	۲/۸	۰/۴	۰/۴	۰/۸	درصد ستونی	
۲۱۶۲	۳۴۳	۷۷۰	۲۸۲	۲۸۵	۲۳۶	۲۶۴	جمع	
۱۰۰	۱۵/۸۶	۳۵/۶۱	۱۳/۰۴	۱۳/۱۸	۱۰/۹۲	۱۱/۳۸	درصد سطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	

کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۴۴۸/۴۰۵	۵۰	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۴۴۸/۴۰۵ و درجه آزادی برابر با ۵۰ و sig برابر صفر، می‌توان گفت میان دو متغیر با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معناداری وجود دارد. ارزش خبری «برخورد + شهرت + دربرگیری» در شبکه نیل با ۳۹/۲۸ درصد بیشترین نسبت و در شبکه راشا با ۸/۶۵ درصد کمترین درصد را داشته است. ارزش خبری «عجیب + شهرت + دربرگیری» در شبکه نیل با ۳۰/۵۳ درصد بیشترین نسبت و در شبکه الجزیره با ۸/۴ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «عجیب + دربرگیری» در شبکه نیل با ۴۵/۸۳ درصد بیشترین نسبت و در شبکه راشا با صفر درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «شهرت + دربرگیری» در شبکه نیل با ۳۶/۳۲ درصد بیشترین نسبت و در سی‌ان‌ان با ۷/۴۶ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «دربرگیری» در شبکه نیل با ۳۱/۷۴ درصد بیشترین نسبت و در شبکه بی‌بی‌سی با ۷/۰۵ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «برخورد + دربرگیری» در شبکه نیل با ۴۵/۴۴ درصد بیشترین نسبت و در شبکه پرس با ۲/۹۸ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «برخورد + شهرت» در شبکه نیل با ۴۱/۶۷ درصد بیشترین نسبت و در شبکه راشا ۴/۱۷ درصد، کمترین درصد را داشته است. ارزش خبری «عجیب» در شبکه پرس با ۲۸/۵۷ درصد بیشترین نسبت و در شبکه سی‌ان‌ان با ۷/۱۴ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «برخورد» در شبکه پرس با ۶۸/۲۹ درصد بیشترین نسبت و در شبکه راشا با ۲/۴۴ درصد کمترین نسبت را داشته است. ارزش خبری «عجیب + شهرت» در شبکه الجزیره با ۶۰ درصد بیشترین نسبت و در شبکه‌های سی‌ان‌ان، راشا و پرس و سی‌ان‌ان با ۵ درصد کمترین درصد را داشته است. ارزش خبری شهرت در شبکه الجزیره با ۵۳/۳۳ درصد بیشترین نسبت و در شبکه‌های سی‌ان‌ان، راشا و پرس با ۶/۶۷ درصد کمترین نسبت را داشته است.

لازم به توجه است که برنامه‌های خبری شبکه نیل نسبت سایر شبکه‌ها طولانی‌تر بوده است (از ۲۱۶۲ آیتم خبری مورد بررسی، ۳۵/۶۲٪ متعلق به نیل، ۱۵/۸۶٪ از پرس،

۱۳/۱۸٪ از راشا، ۱۳/۰۴٪ از الجزیره، ۱۱/۳۸٪ از سی‌ان‌ان، ۱۰/۹۲٪ از بی‌بی‌سی بوده‌اند). می‌توان گفت این امر یکی از دلایل بیشتری بودن درصد بیشتر ارزش‌های خبری در شبکه نیل بوده است.

جدول شماره ۳. همبستگی میان ارزش‌های خبری به‌کاررفته در شبکه‌های مورد بررسی

بی‌بی‌سی	سی‌ان‌ان	راشا	الجزیره	نیل	پرس
۱	۰/۹۸۲**	۰/۸۹۷**	۰/۹۸۰**	۰/۶۳۰**	۰/۹۶۵**
۰/۹۸۲**	۱	۰/۸۶۹**	۰/۹۶۵**	۰/۵۶۴**	۰/۹۵۷**
۰/۸۹۷**	۰/۸۶۹**	۱	۰/۹۰۵**	۰/۷۱۲**	۰/۹۱۳**
۰/۹۸۰**	۰/۹۶۵**	۰/۹۰۵**	۱	۰/۷۷۱**	۰/۹۷۳**
۰/۶۳۰**	۰/۵۶۴**	۰/۷۱۲**	۰/۷۷۱**	۱	۰/۸۶۵**
۰/۹۶۵**	۰/۹۵۷**	۰/۹۱۳**	۰/۹۷۳**	۰/۸۶۵**	۱

- مقصود از \* معنادار بودن ضریب همبستگی در سطح خطای یک درصد است.

در اینجا هر شبکه با توجه به تعداد ارزش‌های خبری که در مطالب خبری آن به کار رفته، به صورت یک متغیر رتبه‌ای درآمده است. از نظر ارزش‌های خبری به‌کاررفته شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی بیشترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی نیل دارد. شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان بیشترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی دارد و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی نیل دارد. شبکه تلویزیونی راشا بیشترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی پرس داشته و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه نیل داشته است. شبکه تلویزیونی الجزیره بیشترین ضریب همبستگی را با شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی داشته و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه نیل داشته است. شبکه نیل بیشترین ضریب همبستگی را با پرس و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه سی‌ان‌ان داشته است. شبکه تلویزیونی پرس بیشترین ضریب همبستگی را با شبکه الجزیره و کمترین ضریب همبستگی را با شبکه نیل داشته است. به نظر می‌رسد علت بالا بودن ضریب همبستگی شبکه‌های تلویزیونی کشورهای اسلامی با کشورهای غربی،

تبعیت روزنامه‌نگاران تلویزیونی این کشورها از متون روزنامه‌نگاری آکادمیک غربی باشد. در ضمن توجه به این نکته ضروری است که شبکه الجزیره در واقع بر اساس الگوی بی‌بی‌سی تأسیس شده و شبکه‌های پرس جمهوری اسلامی ایران، از شبکه الجزیره الگو گرفته است.

جدول ۴. رابطه میان نام شبکه تلویزیونی و شکل خبر

شکل خبر / شبکه تلویزیونی	بی‌بی‌سی	سی‌ان‌ان	راشا	الجزیره	نیل	پرس	جمع
ساده	۱۱۰	۱۱۳	۱۵۷	۱۲۹	۴۹۵	۱۹۲	۱۱۹۶
	۹/۲	۹/۴	۱۳/۱	۱۰/۸	۴۱/۴	۱۶/۱	۱۰۰
	۴۴/۷	۴۷/۹	۵۵/۱	۴۵/۷	۶۴/۳	۵۶	۵۵/۳۲
تلفیقی	۱۳۶	۱۲۳	۱۲۸	۱۵۳	۲۷۵	۱۵۱	۹۶۶
	۱۴/۱	۱۲/۷	۱۳/۳	۱۵/۸	۲۸/۵	۱۵/۶	۱۰۰
	۵۵/۳	۵۲/۱	۴۴/۹	۵۴/۳	۳۵/۷	۴۴	۴۴/۶۸
جمع	۲۴۶	۲۳۶	۲۸۵	۲۸۲	۷۷۰	۳۴۳	۲۱۶۲
درصد سطری	۱۱/۴	۱۰/۹	۱۳/۲	۱۳/۰۴	۳۵/۶	۱۵/۸۶	۱۰۰
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۲/۰۴۴	۵	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۵۲/۰۴۴ و درجه آزادی ۵، بین نام شبکه و شکل (فرم) خبر رابطه معناداری در سطح خطای ۱ درصد وجود دارد. شکل خبری ساده، بیشترین نسبت را با ۴۱/۴ درصد در شبکه نیل، و کمترین نسبت را با ۹/۲ درصد در شبکه بی‌بی‌سی داشته است. شکل خبری تلفیقی، بیشترین نسبت را با ۲۸/۵ درصد در شبکه نیل و کمترین نسبت را با ۱۲/۷ درصد در سی‌ان‌ان داشته است. در شبکه‌های تلویزیونی بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و الجزیره، شکل تلفیقی بیش از شکل ساده به کار گرفته شده است و در مقابل، در شبکه‌های پرس، نیل و راشا شکل ساده بیش از شکل تلفیقی به کار رفته است.

جدول شماره ۵. بررسی رابطه میان سبک تنظیم خبر و شبکه‌های مورد بررسی

سبک تنظیم / شبکه	بی‌بی‌سی	سی‌ان‌ان	راشا	الجزیره	پرس	نیل	جمع	
هرم وارونه	فراوانی	۱۶۵	۲۰۰	۱۸۳	۲۳۶	۵۷۶	۱۵۱۳	
	درصد سطری	۹/۱۰	۲/۱۳	۱/۱۲	۶/۱۵	۱/۳۸	۱۰۰	
	درصد ستونی	۲/۶۲	۹/۶۹	۲/۷۰	۹/۶۴	۸/۷۴	۷۰	
تاریخ همراه لید	فراوانی	۹۳	۷۱	۸۵	۹۹	۱۹۴	۶۴۹	
	درصد سطری	۳/۱۴	۹/۱۰	۱/۱۳	۳/۱۵	۵/۱۶	۹/۲۹	
	درصد ستونی	۸/۳۷	۱/۳۰	۸/۲۹	۱/۳۵	۲/۳۱	۲/۲۵	
جمع							۲۴۶	۲۱۶۲
درصد سطری							۴/۱۱	۱۰۰
درصد ستونی							۱۰۰	۱۰۰

کای اسکور	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۳۵/۱۹	۵	۰/۰۰۲

با توجه به مقدار کای اسکور برابر با ۳۳۵/۱۹ و درجه آزادی ۵، می‌توان گفت میان دو متغیر در سطح خطای ۱ درصد رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین مطلب با سبک هرم وارونه با ۳۸/۱ درصد در شبکه نیل و کمترین آن با ۱۰/۱ درصد مربوط به بی‌بی‌سی بوده است. بیشترین مطلب با سبک تاریخی همراه بالید با ۲۹/۹ درصد مربوط به نیل کمترین آن با ۱۰/۹ درصد مربوط به سی‌ان‌ان بوده است.

جدول ۶. سنجش رابطه میان منطقه رویداد اخبار مورد بررسی شش شبکه با جهت‌گیری آن‌ها

منطقه رویداد/ جهت‌گیری	مثبت	خنثی	منفی	جمع
جهان اسلام	فراوانی	۱۹۹	۱۷	۲۲۳
	درصد سطری	۸۹/۲۴	۷/۶۲	۱۰۰
	درصد ستونی	۴/۴	۱۰/۶۹	۱۰/۳۱
خاورمیانه	فراوانی	۳۳۳	۶۰	۴۱۵
	درصد سطری	۸۰/۲۴	۱۴/۴۶	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۳/۸۴	۴۲/۵۵	۱۹/۲۰
آسیای غیراسلامی	فراوانی	۲۴۲	۱۴	۲۷۳
	درصد سطری	۸۸/۶۴	۵/۱۳	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۰/۶۹	۹/۹۳	۱۲/۶۳
آفریقای غیراسلامی	فراوانی	۱۱۲	۷	۱۲۲
	درصد سطری	۹۱/۸۰	۵/۷۴	۱۰۰
	درصد ستونی	۱/۸۹	۴/۹۶	۵/۶۴
آمریکای جنوبی	فراوانی	۸۵	۳	۸۸
	درصد سطری	۹۶/۵۹	۳/۴۱	۱۰۰
	درصد ستونی	۰	۲/۱۳	۴/۰۷
جهان غرب	فراوانی	۶۷۸	۳۰	۸۰۰
	درصد سطری	۸۴/۷۵	۳/۷۵	۱۰۰
	درصد ستونی	۵۷/۸۶	۳۶/۴۱	۲۱/۲۸
اروپای شرقی	فراوانی	۱۶۲	۷	۱۸۳
	درصد سطری	۸۸/۵۲	۳/۸۲	۱۰۰
	درصد ستونی	۸/۸۰	۴/۹۶	۸/۴۶
مورد ندارد	فراوانی	۵۱	۳	۵۸
	درصد سطری	۸۷/۹۳	۵/۱۷	۱۰۰
	درصد ستونی	۲/۵۱	۲/۱۳	۲/۶۸
جمع	فراوانی	۱۸۶۲	۱۴۱	۲۱۶۲
	درصد ستونی	۷/۳۵	۶/۵۲	۱۰۰

کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۸۹/۰۶۳	۱۴	۰/۰۰۰

لازم به تذکر است که این جدول رابطه میان منطقه رویداد کلیه اخبار این شش شبکه را با جهت گیری آن‌ها می‌سنجد. با توجه به مقدار کای اسکوئر برابر با  $۸۹/۰۶۳$  و درجه آزادی برابر با ۱۴ و sig برابر صفر، می‌توان گفت میان دو متغیر با ۹۹ درصد اطمینان، رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین مطلب با جهت گیری منفی با  $۴۲/۵۵\%$  مربوط به خاورمیانه و کمترین مطلب با جهت گیری منفی با  $۲/۱۳\%$  مربوط به آمریکای جنوبی بوده است. بیشترین مطلب با جهت گیری خنثی با  $۳۶/۴۱\%$  مربوط به جهان غرب و کمترین مطلب با جهت گیری خنثی با  $۴/۵۶\%$  مربوط به آمریکای جنوبی بوده است. بیشترین مطلب با جهت گیری مثبت با  $۵۷/۸۶\%$  مربوط به جهان غرب و کمترین مطلب با جهت گیری مثبت با  $۰\%$  مربوط به آمریکای جنوبی بوده است.

در ضمن، اخبار مربوط به جهان اسلام، خاورمیانه، آفریقای غیر اسلامی و آمریکای جنوبی جهت گیری منفی بیشتری نسبت به جهت گیری مثبت دارند.

لازم به ذکر است، مقصود از جهان اسلام تمامی کشورهای اسلامی به جز منطقه خاورمیانه است و آمریکای جنوبی کشورهای حوزه آمریکای مرکزی را هم در بر می‌گیرد و اروپای شرقی شامل روسیه و بلوک شرق می‌شود.



جدول ۷. بررسی رابطه میان شبکه‌های مورد بررسی و منطقه رویداد خبر

شبکه / محل رویداد	جهان اسلام	خاورمیانه	آسیا	آفریقا	آمریکای جنوبی	جهان غرب	اروپای شرقی	مورد ندارد	جمع		
										فراوانی	درصد ستونی
آسیا	فراوانی	۲۷	۲۸	۲۹	۲۱	۱۱	۷	۰	۲۴۶	درصد ستونی	۱۰/۹۷
	درصد سطری	۱۱/۳۸	۱۱/۳۸	۱۱/۳۸	۸/۵۴	۷/۳۲	۴۷/۱۵	۲/۷۴	۱۰۰		۲۱/۱۱
	درصد ستونی	۱۲/۱۱	۶/۷۵	۱۰/۶۲	۱۷/۲۱	۲۰/۴۵	۱۴/۵۰	۳/۷۲	۱۱/۳۸		۱۲/۱۱
آفریقا	فراوانی	۲۷	۴۲	۲۸	۱۷	۱۰	۲	۴	۲۳۶	درصد ستونی	۱۱/۴۴
	درصد سطری	۱۱/۸۰	۱۷/۸۰	۱۱/۸۶	۷/۲۰	۶/۳۵	۴۲/۸۰	۰/۸۵	۱/۶۹		۱۲/۱۱
	درصد ستونی	۱۲/۱۱	۱۰/۱۲	۱۰/۲۶	۱۳/۳۳	۱۷/۰۴	۱۲/۶۳	۱۰/۰۹	۱۰/۹۱		۱۲/۱۱
آمریکای جنوبی	فراوانی	۱۸	۳۰	۱۹	۹	۸	۷۰	۲	۲۸۵	درصد ستونی	۶/۳۱
	درصد سطری	۶/۳۱	۱۰/۵۳	۶/۶۷	۳/۱۶	۲/۸۱	۲۴/۵۶	۰/۷۰	۱۰۰		۸/۰۷
	درصد ستونی	۸/۰۷	۷/۲۳	۶/۹۶	۷/۳۸	۹/۰۹	۸/۷۵	۷۰/۴۹	۱۳/۱۸		۸/۰۷
اروپای شرقی	فراوانی	۳۹	۳۴	۳۶	۳۳	۱۵	۱۰۹	۴	۲۸۲	درصد ستونی	۱۳/۸۳
	درصد سطری	۱۳/۸۳	۱۲/۰۶	۱۲/۷۶	۱۱/۷۰	۵/۳۲	۳۸/۶۵	۴/۲۵	۱/۴۲		۱۳/۸۳
	درصد ستونی	۱۷/۴۹	۸/۱۹	۱۳/۱۹	۲۷/۰۵	۱۷/۰۴	۱۳/۶۲	۶/۵۶	۱۳/۰۴		۱۷/۴۹
اروپای غربی	فراوانی	۶۳	۲۰۴	۱۲۸	۲۷	۲۶	۲۶۷	۲۵	۷۷۰	درصد ستونی	۸/۱۸
	درصد سطری	۸/۱۸	۲۶/۴۹	۱۶/۶۲	۳/۵۱	۳/۳۸	۳۴/۶۷	۳/۲۵	۳/۹۰		۸/۱۸
	درصد ستونی	۲۸/۲۵	۴۹/۱۶	۴۶/۸۹	۲۲/۱۳	۲۹/۵۵	۳۳/۳۷	۱۳/۶۶	۳۵/۶۲		۲۸/۲۵
جمع	فراوانی	۴۹	۷۷	۳۳	۱۵	۶	۱۳۷	۸	۳۴۳	درصد ستونی	۱۴/۲۸
	درصد سطری	۱۴/۲۸	۲۲/۴۵	۹/۶۲	۴/۳۷	۱/۷۵	۳۹/۹۴	۲/۳۳	۵/۲۵		۱۴/۲۸
	درصد ستونی	۲۱/۹۷	۱۸/۵۵	۱۲/۰۸	۱۲/۲۹	۶/۸۲	۱۷/۱۲	۴/۳۷	۳۱/۰۳		۲۱/۹۷
جمع	جمع	۲۲۳	۴۱۵	۲۷۳	۱۲۲	۸۸	۸۰۰	۱۸۳	۲۱۶۲		
درصد سطری	درصد سطری	۱۰/۳۱	۱۹/۱۹	۱۲/۶۳	۵/۶۴	۴/۰۷	۳۷	۸/۴۶	۲/۶۸	۱۰۰	۱۰۰
درصد ستونی	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۷۰۷/۲۳۷	۳۵	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار کای اسکوتر با  $707/237$  و درجه آزادی برابر با  $35$  و  $sig$  برابر صفر، می‌توان گفت میان دو متغیر در سطح خطای  $5\%$ ، رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین مطالب جهان اسلام با  $28/25$  درصد در شبکه نیل و کمترین با  $8/07$  درصد در شبکه راشا ارائه شده‌اند. بیشترین مطالب خاورمیانه با  $49/16$  درصد در شبکه نیل و کمترین با  $6/75$  درصد در شبکه بی‌بی‌سی ارائه شده‌اند. بیشترین مطالب آسیا با  $46/89$  درصد در شبکه نیل و کمترین با  $6/96$  درصد در شبکه راشا ارائه شده‌اند. بیشترین مطالب آفریقا با  $27/05$  درصد در شبکه الجزیره و کمترین با  $7/38$  درصد در شبکه راشا ارائه شده‌اند و بیشترین مطالب آمریکای جنوبی با  $29/55$  درصد در شبکه نیل و کمترین با  $6/82$  درصد در شبکه پرس ارائه شده‌اند. بیشترین مطالب جهان غرب با  $33/37$  درصد در شبکه نیل و کمترین با  $8/75$  درصد در شبکه راشا ارائه شده‌اند. بیشترین مطالب اروپای شرقی با  $70/49$  درصد در شبکه راشا و کمترین با  $1/09$  درصد در سی‌ان‌ان ارائه شده‌اند. در شبکه بی‌بی‌سی، جهان غرب (آمریکا، اروپای غربی، کانادا، استرالیا) با  $47/15$  بیشترین درصد و اروپای شرقی با  $2/84$  کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. در شبکه سی‌ان‌ان، جهان غرب با  $42/8$  بیشترین درصد و اروپای شرقی با  $0/85$  کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. در شبکه راشا، اروپای شرقی با  $45/26$  بیشترین درصد و آمریکای جنوبی با  $2/81$  کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. در شبکه الجزیره، جهان غرب با  $38/65$  بیشترین درصد و آمریکای جنوبی با  $5/32$  کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. در شبکه نیل، جهان عرب با  $34/67$  بیشترین درصد و اروپای شرقی با  $3/25$  درصد کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. در شبکه پرس، جهان غرب با  $39/94$  بیشترین درصد و اروپای شرقی با  $2/33$  کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. با توجه به نتایج رابطه میان منطقه رویداد و شبکه‌های تلویزیونی مورد بررسی، می‌توان گفت که سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی شبکه‌های بین‌المللی و پرس و الجزیره شبکه‌های برون‌مرزی هستند و شبکه‌های نیل و راشا شبکه‌هایی منطقه‌ای هستند.

#### ۴-۱. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه بی‌بی‌سی

با توجه به مقدار کای اسکوئر برابر با  $27/25$  و درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با صفر، می‌توان گفت که میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه بی‌بی‌سی در سطح خطای یک درصد رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین اخبار مثبت با  $64/63$  مربوط به جهان غرب و کمترین اخبار مثبت با  $9/09$  درصد مربوط به آسیا-آفریقا-آمریکای جنوبی بوده است. بیشترین اخبار خنثی با  $47/62$  درصد مربوط به جهان غرب و کمترین اخبار خنثی با  $9/1$  درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار منفی با  $14/57$  درصد مربوط به جهان اسلام و کمترین اخبار منفی با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین درصد اخبار مربوط به جهان اسلام با  $80$  درصد، اخبار با جهت‌گیری خنثی بوده‌اند و کمترین درصد با  $5/45$  درصد، اخبار با جهت‌گیری مثبت بوده‌اند. بیشترین درصد اخبار مربوط به آسیا-آفریقا و آمریکای جنوبی با  $18/91$  درصد، اخبار با جهت‌گیری خنثی بوده‌اند و کمترین درصد با  $94/2$  درصد، اخبار مثبت بوده‌اند. بیشترین درصد اخبار مربوط به جهان غرب با  $2/86$  درصد، اخبار با جهت‌گیری خنثی بوده‌اند و کمترین با  $72/1$  درصد، اخبار با جهت‌گیری منفی بوده‌اند. بیشترین درصد اخبار مربوط به اروپای شرقی با  $14/57$  درصد، اخبار با جهت‌گیری خنثی بوده‌اند و کمترین درصد، اخبار با جهت‌گیری منفی بوده‌اند. لازم به توجه است که مقصود از مقوله جهان اسلام، آسیای اسلامی-آفریقای اسلامی و اروپای شرقی اسلامی است. مقصود از مقوله آسیا-آفریقا-آمریکای جنوبی، آسیای غیراسلامی-آفریقای غیراسلامی-آمریکای جنوبی-آمریکای مرکزی است. مقصود از جهان غرب، آمریکای شمالی-اروپای غربی-استرالیا و نیوزیلند است. مقصود از اروپای شرقی، روسیه و اروپای شرقی غیراسلامی است. جداول ادغام‌نشده در قسمت ضمیمه ارائه شده‌اند.

#### ۴-۲. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه سی‌ان‌ان

با توجه به مقدار کای اسکوئر برابر با  $39/23$  و درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با صفر، می‌توان گفت که میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه

سی‌ان‌ان رابطه معناداری در سطح خطای یک درصد وجود دارد. بیشترین اخبار با جهت‌گیری مثبت با ۸۱/۸۱ درصد، مربوط به جهان غرب و کمترین اخبار با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار با جهت‌گیری خنثی با ۴۲/۴ درصد مربوط به جهان غرب و کمترین آن با ۱/۰۵ درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار با جهت‌گیری منفی با ۵۷/۸۹ درصد مربوط به جهان اسلام و کمترین آن با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار مربوط به جهان اسلام با ۸۱/۱۶ درصد، اخبار خنثی بوده است و کمترین اخبار با ۲/۸۹ درصد مربوط به اخبار مثبت بوده است. بیشترین اخبار مربوط به آسیا- آفریقا- آمریکای جنوبی با ۸۸/۶۶ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۳/۳۳ درصد، اخبار مثبت بوده است. بیشترین اخبار مربوط به جهان غرب با ۸۰/۱۹ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۱/۹۸ درصد، اخبار منفی بوده است. بیشترین اخبار مربوط به اروپای شرقی با ۱۰۰ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با صفر درصد اخبار منفی و مثبت بوده‌اند.

#### ۳-۴. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه الجزیره

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۱۱/۲۵ و درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۵، می‌توان گفت میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه الجزیره رابطه معناداری در سطح خطای ۵ درصد وجود دارد. با توجه به اینکه بیش از ۲۵ درصد خانه‌های جدول فراوانی مورد انتظار کمتر از ۵ دارند و ادغام نیز ممکن نیست، نمی‌توان اعداد داخل جدول را توصیف کرد. بیشترین اخبار با ۳۹/۲۱ درصد، مربوط به جهان غرب و کمترین آن با ۴/۳۲ درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار با ۹۳/۵۲ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۳/۲۴ درصد، مربوط به اخبار منفی و مثبت بوده است.

#### ۴-۴. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه تلویزیونی نیل اینترنشنال

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۲۲/۳۵ و درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با صفر، می‌توان گفت که میان جهت‌گیری و منطقه رویداد در شبکه نیل رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین اخبار مثبت با ۵۹/۴۶ درصد مربوط به جهان غرب و

کمترین آن با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار منفی با ۳۵/۶۷ درصد مربوط به جهان غرب و کمترین آن با ۳/۲۸ درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است.

بیشترین اخبار منفی با ۶۰/۶ درصد مربوط به جهان اسلام و کمترین آن با ۹/۰۹ درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار جهان اسلام با ۸۸/۳۹ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۴/۱۲ درصد، اخبار مثبت بوده است. بیشترین اخبار آسیا-آفریقا-آمریکای جنوبی با ۹۵/۵۸ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۲/۲۱ درصد، اخبار مثبت و منفی بوده است. بیشترین اخبار جهان غرب با ۸۹/۹۵ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۲/۲۵ درصد، اخبار منفی بوده است. بیشترین اخبار اروپای شرقی با ۸۸ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با صفر درصد، اخبار مثبت بوده است.

#### ۴-۵. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه تلویزیونی پرس

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با ۱۵/۶۷ و درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با صفر، می‌توان گفت که میان منطقه رویداد و جهت‌گیری در شبکه تلویزیونی پرس در سطح خطای یک درصد رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین اخبار مثبت با ۶۸/۵۷ درصد مربوط به جهان غرب و کمترین آن با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار خنثی با ۳۹/۵۹ درصد مربوط به جهان اسلام و کمترین آن با ۳/۲۶ درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار منفی با ۵۱/۱۱ درصد مربوط به جهان اسلام و جهان غرب و کمترین آن با صفر درصد مربوط به اروپای شرقی بوده است. بیشترین اخبار جهان اسلام با ۷۶/۹۸ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۴/۷۶ درصد، اخبار مثبت بوده است. بیشترین اخبار آسیا-آفریقا-آمریکای جنوبی با ۷۹/۶۳ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۹/۲۶ درصد، اخبار مثبت بوده است. بیشترین اخبار جهان غرب با ۷۰/۸ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با ۱۱/۶۸ درصد، اخبار منفی بوده است. بیشترین اخبار اروپای شرقی با ۱۰۰ درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با صفر درصد اخبار مثبت و منفی بوده است.

#### ۴-۶. بررسی رابطه میان منطقه رویداد و جهت گیری در شبکه راشا

با توجه به مقدار کای اسکوئر برابر با  $۱۸/۶۹$  و درجه آزادی با  $۴$  و سطح معناداری برابر با صفر، می توان گفت بین منطقه رویداد و جهت گیری در شبکه راشا در سطح خطای یک درصد رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین اخبار مثبت با  $۳۶/۶۶$  درصد مربوط به اروپای شرقی و کمترین آن با  $۱۰$  درصد مربوط به جهان اسلام بوده است. بیشترین اخبار خنثی با  $۴۸/۵۱$  درصد مربوط به اروپای شرقی و کمترین آن با  $۱۱/۹۱$  درصد مربوط به آسیا- آفریقا- آمریکای جنوبی بوده است. بیشترین اخبار منفی با  $۵۰$  درصد مربوط به جهان اسلام و کمترین آن با  $۱۱/۱۱$  درصد مربوط به آسیا- آفریقا- آمریکای جنوبی بوده است. بیشترین اخبار جهان اسلام با  $۷۵$  درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با  $۶/۲۵$  درصد، اخبار مثبت بوده اند. بیشترین اخبار جهان غرب با  $۸۱/۴۳$  درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با  $۴/۲۸$  درصد اخبار منفی بوده اند. بیشترین اخبار آسیا- آفریقا- آمریکای جنوبی با  $۷۷/۷۸$  درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با  $۵/۵۵$  درصد، اخبار منفی بوده است. بیشترین اخبار اروپای شرقی با  $۸۸/۳۷$  درصد، اخبار خنثی و کمترین آن با  $۳/۱$  درصد، اخبار منفی بوده است.

جدول شماره ۸. بررسی رابطه میان شبکه‌های تلویزیونی و موضوع خبر

شبکه / موضوع خبر	سیاست	اقتصاد	هنر و فرهنگ	جامعه	علم و فناوری	ورزش	سایر	جمع
فراوانی	۹۷	۳۳	۱۲	۴۹	۷	۴۱	۷	۲۴۶
درصد سطری	۳۹/۴۳	۱۳/۴۱	۴/۸۸	۱۹/۹۲	۲/۸۴	۱۶/۶۷	۲/۸۴	۱۰۰
درصد ستونی	۱۱/۵۷	۸/۳۳	۱۶/۴۴	۱۴/۶۷	۹/۰۹	۱۰/۲۵	۱۵/۹۰	۱۱/۳۸
فراوانی	۹۹	۲۹	۱۵	۴۶	۳	۲۹	۱۵	۲۳۶
درصد سطری	۴۱/۹۵	۱۲/۲۹	۶/۳۵	۱۹/۴۹	۱/۲۷	۱۲/۲۹	۶/۳۵	۱۰۰
درصد ستونی	۱۱/۸۱	۷/۳۲	۲۰/۵۴	۱۳/۷۷	۳/۹۰	۷/۲۵	۳۴/۰۹	۱۰/۹۱
فراوانی	۱۰۰	۷۱	۷	۵۲	۲۲	۳۰	۳	۲۸۵
درصد سطری	۳۵/۰۹	۲۴/۹۱	۲/۴۶	۱۸/۲۴	۷/۷۲	۱۰/۵۳	۱/۰۵	۱۰۰
درصد ستونی	۱۱/۹۳	۱۷/۹۳	۹/۵۹	۱۵/۵۷	۲۸/۵۷	۷/۵۰	۶/۸۲	۱۳/۱۸
فراوانی	۱۱۶	۱۸	۴	۴۹	۱۴	۷۸	۳	۲۸۲
درصد سطری	۴۱/۱۳	۶/۳۸	۱/۴۲	۱۷/۳۷	۴/۹۶	۲۷/۶۷	۱/۰۶	۱۰۰
درصد ستونی	۱۳/۸۴	۴/۵۴	۵/۴۸	۱۴/۶۷	۱۸/۱۸	۱۹/۵۰	۶/۸۲	۱۳/۰۴
فراوانی	۲۷۶	۱۹۸	۲۰	۶۳	۱۰	۱۹۲	۱۱	۷۷۰
درصد سطری	۳۵/۸۴	۲۵/۷۱	۲/۶۰	۸/۱۸	۱/۳۰	۲۴/۹۳	۱/۴۳	۱۰۰
درصد ستونی	۳۲/۹۴	۵۰	۲۷/۴۰	۱۸/۸۶	۱۲/۹۸	۴۸	۲۵	۳۵/۶۲
فراوانی	۱۵۰	۴۷	۱۵	۷۵	۲۱	۳۰	۵	۳۴۳
درصد سطری	۴۳/۷۳	۱۳/۷۰	۴/۳۷	۲۱/۸۶	۶/۱۲	۸/۷۵	۱/۴۶	۱۰۰
درصد ستونی	۱۷/۹۰	۱۱/۸۷	۲۰/۵۵	۲۲/۴۵	۲۷/۲۷	۷/۵۰	۱۱/۳۶	۱۵/۸۶
جمع	۸۳۸	۳۹۶	۷۳	۳۳۴	۷۷	۴۰۰	۴۴	۲۱۶۲
درصد سطری	۳۸/۷۶	۱۸/۳۲	۳/۳۸	۱۵/۴۵	۳/۵۶	۱۸/۵۰	۲/۰۳	۱۰۰
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۲۵۳/۷۸	۳۰	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار کای اسکوتر برابر با  $253/78$  و درجه آزادی برابر با  $30$  و  $sig$  برابر صفر، می‌توان گفت میان دو متغیر در سطح اطمینان  $99$  درصد، رابطه معناداری وجود دارد.

بیشترین اخبار سیاست با  $32/94$  درصد مربوط به شبکه نیل و کمترین آن با  $11/57$  درصد مربوط به شبکه بی‌بی‌سی بوده است. بیشترین اخبار اقتصاد با  $50$  درصد مربوط به شبکه نیل و کمترین آن با  $4/54$  درصد مربوط به الجزیره بوده است. بیشترین اخبار هنر و فرهنگ با  $27/4$  درصد مربوط به نیل و کمترین آن با  $5/48$  درصد مربوط به شبکه الجزیره بوده است و بیشترین اخبار جامعه با  $22/45$  درصد مربوط به شبکه پرس و کمترین آن با  $13/77$  درصد مربوط به سی‌ان‌ان بوده است. بیشترین اخبار علم و فناوری با  $28/57$  درصد مربوط به شبکه راشا و کمترین آن با  $3/9$  درصد مربوط به سی‌ان‌ان بوده است. بیشترین اخبار ورزشی با  $48$  درصد مربوط به نیل و کمترین آن با  $7/25$  درصد مربوط به سی‌ان‌ان بوده است.

می‌توان گفت سه موضوع برجسته به ترتیب اهمیت در این شبکه‌های مورد بررسی عبارت‌اند از: بی‌بی‌سی (سیاست، جامعه و ورزش)، سی‌ان‌ان (سیاست، جامعه، اقتصاد و ورزش)، راشا (سیاست، اقتصاد و جامعه)، الجزیره (سیاست، ورزش و جامعه)، نیل (سیاست، اقتصاد و ورزش)، پرس (سیاست، جامعه و اقتصاد).

#### ۴-۷. تحلیل ضرایب تعیین

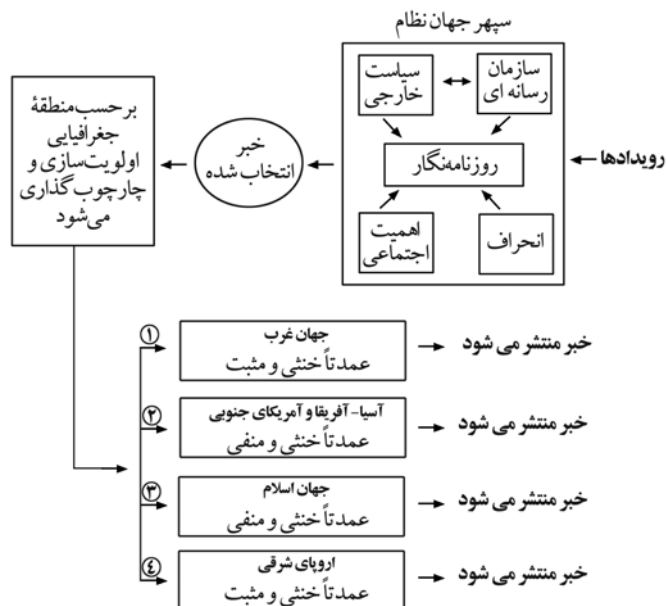
با توجه به مقادیر ضرایب تعیین به دست آمده ( $10/9$  درصد برای بی‌بی‌سی،  $5/3$  درصد برای سی‌ان‌ان،  $7/2$  درصد برای راشا،  $19/2$  برای الجزیره،  $15/3$  برای نیل و  $10/4$  برای پرس تی‌وی)، می‌توان گفت که ارزش‌های خبری (انحراف و اهمیت اجتماعی) نقش اندکی در تبیین برجستگی قطعه‌های خبری دارند؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق رد می‌شود. لازم به توجه است که این امر کاملاً مشابه با یافته تحقیق شومیکر و کوهن در خصوص ارزش‌های خبری و برجستگی قطعه‌های خبری است که در قسمت پیشینه تحقیق به آن اشاره شد. این یافته‌ها حاکی از آن است که برجستگی قطعه‌های خبری را نه تنها در ارزش‌های خبری باید جستجو کرد بلکه باید به عواملی چون صافی‌های خبری،



سیاست خارجی کشور که رسانه خبری در آن عمل می‌کند، رویه‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و... توجه کرد. لازم به ذکر است که برجستگی خبر از حاصل ضرب مدت زمان پخش خبر در رتبه جایگاه قطعه خبری در پخش به دست آمده است.

### نتیجه‌گیری

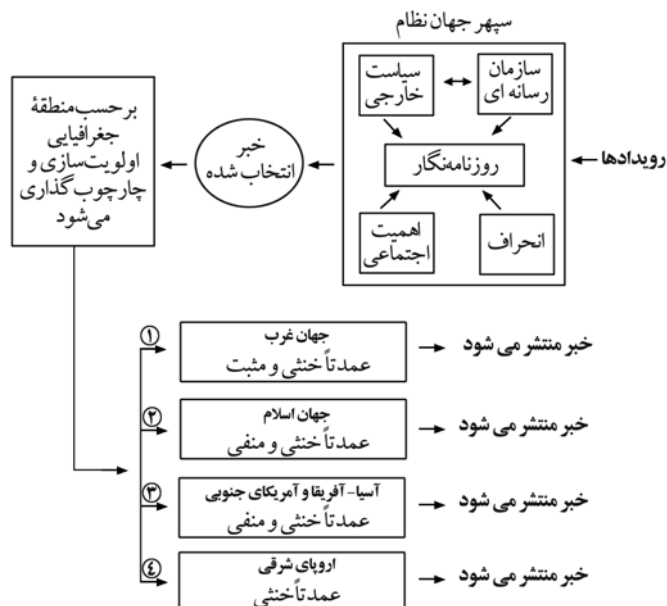
بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه اخبار جهانی بی‌بی‌سی (ورلد نیوز)، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها تابیده می‌شود. بیشترین اخبار شبکه بی‌بی‌سی، مربوط به جهان غرب است و آن هم با چارچوب عمدتاً خنثی و مثبت و سپس، به ترتیب اخبار آسیا-آفریقا و آمریکای جنوبی (با چارچوب عمدتاً خنثی و منفی)، اخبار جهان اسلام (با چارچوب عمدتاً خنثی و منفی) و اخبار اروپای شرقی (عمدتاً خنثی و مثبت) بوده است. نتایج مهم حاصل‌آمده را می‌توان در نمودارهای زیر تلخیص و ارائه نمود:



**نمودار شماره ۱. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «بی‌بی‌سی»**

بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه بین‌المللی سی‌ان‌ان، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها تابیده می‌شود.

بیشترین اخبار شبکه سی‌ان‌ان، مربوط به جهان غرب است (با چارچوب‌سازی عمدتاً خنثی و مثبت) و سپس به‌ترتیب اخبار آسیا-آفریقا و آمریکای جنوبی (با چارچوب عمدتاً خنثی و منفی)، اخبار جهان اسلام (چارچوب عمدتاً خنثی و منفی) و اخبار اروپای شرقی (عمدتاً خنثی) بوده است.

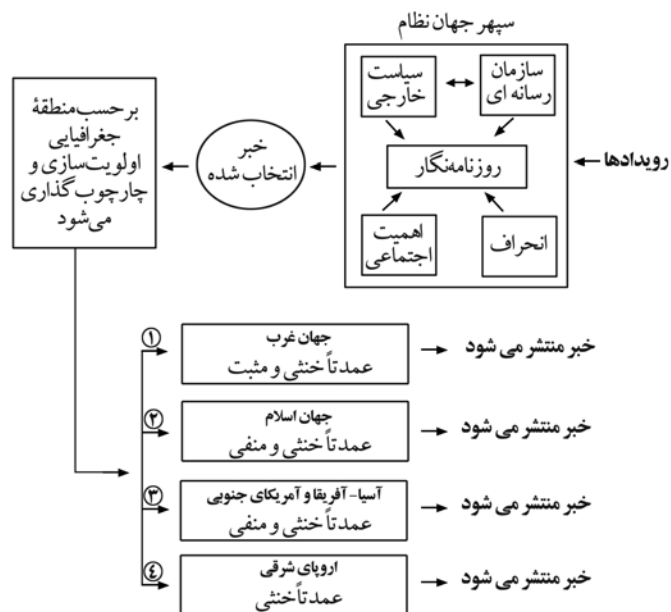


نمودار شماره ۲. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «سی‌ان‌ان»

نحوه پوشش خبری دو رسانه بین‌المللی سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی به‌ویژه در خصوص جهان غرب و جهان اسلام را با توجه به منافع کشورهای متبوعشان در کشورهای اسلامی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه قابل توجیه است. با توجه به سپهر جهان نظام و با تأکید بر نظریه اقتصاد سیاسی، دلیل این امر را باید در ساخت اقتصادی این رسانه‌ها و وابستگی محتوای ایدئولوژیک به زیربنای اقتصادی جستجو کرد. به نظر می‌رسد که هنوز انگاره‌سازی رسانه‌های غربی از اسلام و مسلمانان تغییر چندانی نیافته است، چارچوب‌هایی که در آن، مسلمانان به عنوان تهدید و خطر برای منافع غرب تعریف و توصیف می‌شوند. تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، کلیشه‌های شمایل‌انگاره اصلی هستند که توسط رسانه‌های غرب به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این دو کلیشه اسلام و مسلمانان را به‌عنوان تهدید ضد صلح، مردم‌سالاری، سکولاریسم و نوگرایی معرفی می‌کنند. به این نحو اسلام و همه ابعاد و جنبه‌های متنوع اسلام به یک نوع ذات شرارت بار و شیطانی و نامعقول تقلیل می‌یابد. البته باید توجه داشت که چارچوب‌گذاری منفی جهان اسلام، فرایندی را تشریح می‌کند که درست مشابه

صافی‌های خبری اتفاق می‌افتد، این فرایند چنان طبیعی کار می‌کنند که یک خبرنگار جوان غربی را پس از طی دوران رشد و بلوغ حرف‌هایی، عادت به دیدن حادثه خبری از لایه‌لایه‌های این صافی‌ها می‌دهد و در حقیقت تحصیلات دانشگاهی، نحوه خبرنگارنویسی و تهیه گزارش از سوئی و کسب تجربه و بلوغ خبرنگاری همانا یادگیری چگونگی استفاده از این دیدگاه خاص است. دیدگاهی که خبر را از زاویه منافع گروهی خاص می‌بیند. شبکه‌های بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان از نظر ارزش‌های خبری به‌کارگرفته دارای همبستگی بالایی هستند و می‌توان گفت این امر یکی از دلایل اصلی مشابهت نگاه آن‌ها به مناطق مختلف جغرافیایی است که به‌خوبی در الگوهای داده‌شده، مشهود است.

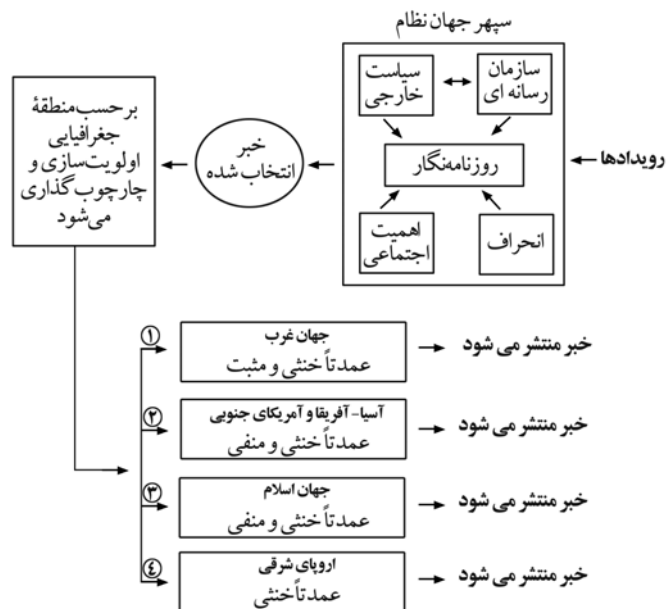
بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه پرس تی‌وی، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس، اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها تابیده می‌شود. بیشترین اخبار شبکه پرس، مربوط به جهان غرب (با چارچوب عمدتاً خنثی و مثبت) و سپس به‌ترتیب جهان اسلام (با چارچوب عمدتاً خنثی و منفی)، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی (عمدتاً خنثی و منفی) و اروپای شرقی (عمدتاً خنثی) بوده است.



نمودار شماره ۳. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «پرس»

بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه الجزیره انگلیسی، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها تاییده می‌شود.

بیشترین اخبار شبکه الجزیره مربوط به جهان غرب (با چارچوب عمدتاً خنثی و مثبت) و سپس آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی (عمدتاً خنثی و منفی)، جهان اسلام (عمدتاً خنثی و منفی) و اروپای شرقی (عمدتاً خنثی) بوده است.



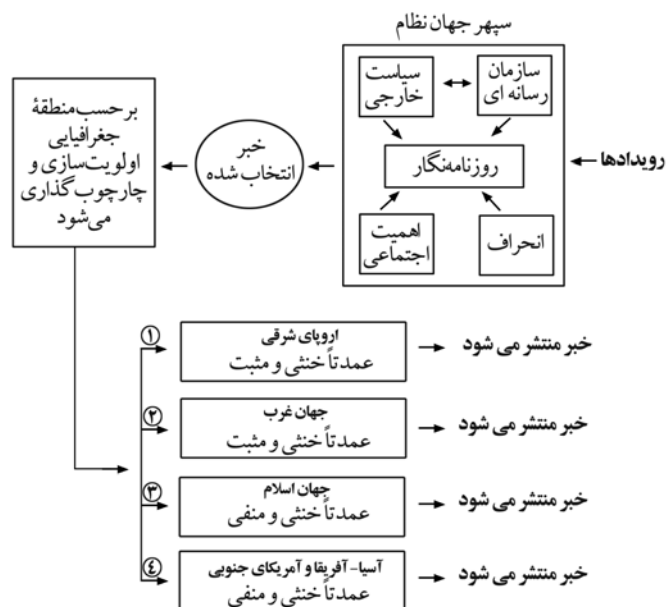
نمودار شماره ۴. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «الجزیره»

نحوه پوشش خبری دو رسانه برون‌مرزی پرس و الجزیره، به‌ویژه در خصوص جهان اسلام با توجه به سیاست خبری آن‌ها، قابل توجیه است. الجزیره یک هدف روشن داشته است و آن هم شکستن استبداد خبری و خفقان حکمرانان عرب بوده است. در شبکه پرس، حمله به جهان عرب، حمله به نظم مستقر در این کشورها (مقصود دولت‌ها و نه ملت‌ها) است. یکی از مهم‌ترین اهداف شبکه‌های پرس و الجزیره، این است که نقش خبری خود را به عنوان رسانه‌های جنوب ایفا نمایند و به صداها و چشم‌اندازهای نادیده گرفته‌شده بخش بزرگی از جهان، توجه نمایند، اما اخبار جهان غرب در هر دوی این شبکه‌ها، اولویت نخست را به خود اختصاص داده است. همبستگی بالای ارزش‌های خبری به کار گرفته‌شده در این شبکه‌ها را می‌توان به این امر که الجزیره بر اساس الگوی بی‌بی‌سی به راه افتاد و بعدها پرس از الجزیره الگو گرفته است، نسبت داد.

بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه راشا، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر

نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها تابیده می‌شود.

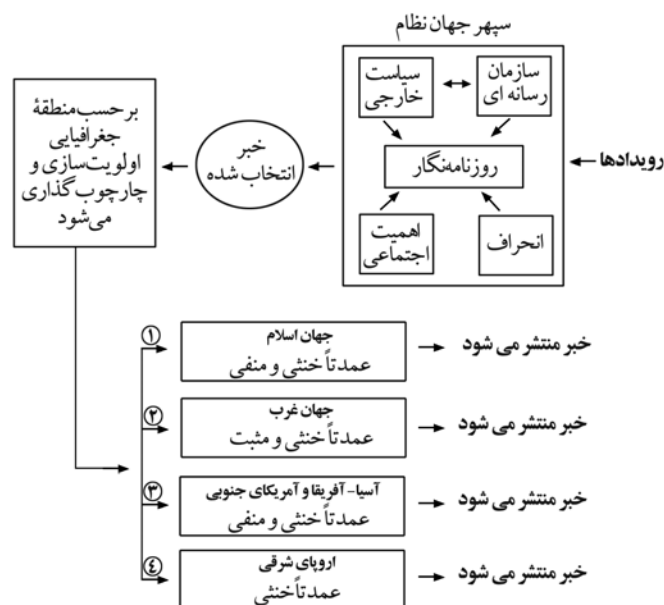
بیشترین اخبار شبکه راشا مربوط به اروپای شرقی (عمدتاً خنثی و مثبت) و سپس جهان غرب (عمدتاً خنثی و مثبت)، جهان اسلام (عمدتاً خنثی و منفی) و آسیا-آفریقا و آمریکای جنوبی (عمدتاً خنثی و مثبت) بوده است.



نمودار شماره ۵. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «راشا»

بر اساس یافته‌های تحقیق در شبکه بین‌المللی نیل (نیل ایترنشنال)، دو عامل انحراف و اهمیت اجتماعی در برجستگی مطالب خبری نقش اندکی دارند و لذا می‌توان گفت عوامل دیگری نظیر نقش سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت و روزنامه‌نگاران تلویزیونی در یک سپهر نظام جهان، نقش بیشتری در انتخاب و برجسته شدن مطالب خبری دارند. سپس اخبار بر اساس منطقه جغرافیایی، اولویت‌سازی می‌شوند و نور مثبت یا منفی (چارچوب‌سازی) بر آن‌ها

تأیید می‌شود. بیشترین اخبار شبکه نیل مربوط به جهان اسلام (عمدتاً خنثی و منفی) و سپس به ترتیب، جهان غرب (عمدتاً خنثی و مثبت)، آسیا-آفریقا و آمریکای جنوبی (متعادل) و اروپای شرقی (عمدتاً خنثی و منفی) بوده است.



نمودار شماره ۶. عوامل انحراف و اهمیت اجتماعی در شبکه «نیل»

در خصوص نحوه پوشش خبری دو شبکه منطقه‌ای راشا و نیل، می‌توان گفت که این شبکه‌ها با توجه به سیاست خبری خود به مناطق جغرافیایی خود (اروپای شرقی برای راشا و جهان غرب برای نیل) توجه کرده‌اند. می‌توان علت جهت‌گیری منفی شبکه راشا در خصوص جهان اسلام را تا حدودی ناشی از تضاد منافع روسیه با جهان اسلام (به ویژه در چین و داغستان و سابقاً افغانستان) دانست. باید به این موضوع توجه کرد که تمرکز عمده راشا بر روسیه و اروپای شرقی است و راشا ناگزیر در پوشش خبری مناطق دیگر از مؤسسه‌های خبری عمده غربی (رویترز، فرانس پرس و آسوشیتدپرس) بهره می‌جوید با در نظر گرفتن این نکته که خبرگزاری ایتارتاس بیشتر بر حوزه جغرافیایی اتحاد جماهیر شوروی سابق متمرکز است؛ جهت‌گیری منفی شبکه



نیل را هم می‌توان به عواملی نظیر سیاست خارجی دولت مصر و بهره‌گیری از آژانس‌های خبری عمده غربی، نسبت داد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که همچنان اخبار جهان غرب، سهم زیادی را در اخبار بین‌المللی کلیه شبکه‌های تلویزیونی که در این تحقیق بررسی گردیدند، دارند. می‌توان گفت که همچنان جریان یکسویه و نامتعادل اطلاعات برقرار است. اگر خبری هم از کشورهای جنوب منعکس شود، اخبار منفی آن‌هاست. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که رسانه‌های غربی و رسانه‌های جهان اسلام، جهان اسلام را منفی نشان داده‌اند، دلیل این امر را می‌توان به سیاست‌های خبری این شبکه‌ها و هم به عواملی نظیر هژمونی فرهنگی غرب و تبعیت روزنامه‌نگاران شبکه‌های تلویزیونی جهان اسلام، از متون و روش‌های روزنامه‌نگاری غربی و بهره‌گیری این شبکه‌ها از خبرگزاری‌های عمده غربی مربوط دانست. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل شش ماه (از ۳۰ می ۲۰۱۰ تا ۹ نوامبر ۲۰۱۰) بود، در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ (یعنی یک ماه و نه روز، پس از پایان جامعه آماری) بهار عربی با قیام در تونس آغاز شد و به لیبی، مصر، یمن، بحرین، اردن، کویت و... سرایت کرد. می‌دانیم در مطالعات آینده‌پژوهی، توصیف دقیق و مشروح «روندهای» گذشته و تحلیل آن‌ها و تبیین «شرایط اولیه وضع موجود» مبنای پیش‌بینی و طراحی آینده قرار می‌گیرند. تشخیص «آن چه بود» و «آن چیست»، به‌عنوان زمینه‌ای برای حدس زدن پیرامون «آن چه خواهد بود»، «آن چه ممکن است باشد»، «آنچه می‌تواند باشد» یا «آن چه باید باشد»، مورد استفاده قرار گیرد (اسلاتر، ۱۳۸۶، ص ۳۷). با توجه به نظریه برجسته‌سازی، رسانه‌ها با برجسته کردن موضوعاتی می‌کوشند تا اولویت خود را به اولویت مخاطب تبدیل کنند و با تأثیر بر نگرش مخاطبان، رفتار آن‌ها را در جهت مورد نظر خود سوق دهند، با توجه به جهت‌گیری منفی همه شبکه‌های مورد بررسی در خصوص جهان اسلام، می‌توان یافته‌های این تحقیق را تصدیقی بر نظریه برجسته‌سازی دانست. به نظر می‌رسد تصویرسازی منفی وقایع جهان اسلام به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، اذهان مردم جهان و از جمله این مناطق را بر ضرورت یک دگرگونی بنیادی آماده کرده است.

## یادداشت‌ها

۱. نویسندگان از زحمات و مشاوره‌های ارزشمند دکتر علیرضا حسینی پاکدهی و دکتر سید محمد مهدی‌زاده قدردانی می‌کنند.

### کتابنامه

- ایزدی، فؤاد و سقای بی‌ریا، حکیم (۱۳۸۷)، «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران»، ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۷۳، بهار.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۶)، *نواندیشی برای هزاره نوین، مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی*، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ثابت سعیدی، شهرزاد (۱۳۸۷)، «بازتاب بین‌المللی اخبار دستگیری ملوانان انگلیسی، تحلیل محتوای خبر دستگیری ۱۵ ملوان انگلیسی در آب‌های خلیج فارس از شبکه‌های سی.ان.ان، بی.بی.سی، العالم و شبکه یک تلویزیون ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- دیرینگ و راجرز (۱۳۸۵)، *مبانی برجسته‌سازی رسانه‌ها*، ترجمه علی‌اصغر کیا و مهدی رشکیانی، تهران: انتشارات شرکت تعاونی سازمان معین ادارات.
- رایف، دانیل؛ لیس، استفن و فیکو، فریدریک جی (۱۳۸۱)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۹) *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، تهران: انتشارات توس.
- همو (۱۳۸۲)، *فرهنگ و امپریالیسم*، ترجمه اکبر افسری، تهران: انتشارات توس.
- سورین، ورنی جی و تانکارد، جیمز دبلیو (۱۳۸۱)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، *ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات آن.

- مک‌کوئیل، دنیس (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۹)، *ارتباطات بین‌الملل*، تهران: مرکز تحقیقات رسانه‌ها، جلد اول.
- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶)، *درک تئوری رسانه*، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: نشر ساقی.
- ویندال، سون، بنوسیگنایزر و جین اولسون (۱۳۷۶)، *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.

Bagdikian, Ben H. (1980), *Media monopoly*, Beacon Press

Cohen, Adoni Hanna and R. Bantz (1990), *Social conflict and television news*, Sage Publicatio

Hansen, Anders & others (1998), *Mass communication research methods*, Newyork: Pal Grave Macmilan,

Laswell, H. D. (1960), "The structure and function of communication in society", In *Mass Communications*, edited by W. Schramm Arabana: University of Illinois Press.

Lent, John A. (1977), "Foreign News in American Media", *Journal of Communication*, Vol.,27, Issue 1.

Mowlana, Hamid (1986), *Global Information and World communication*, publisher: Longman.

Serberny-Mohammadi, Annabelle (1984), "Results of international cooperation", *Journal of Communication*, 34 (1)

Shoemaker Pamela J and choen Akiba A. (2006), *News around the world*, Routledge.

Shomaker, P. J., L. H. Danielian and N. Brelinger (1991), "Deviant acts,risky business and US interests, the newsworthiness of world events", *Journalism quarterly*, 68 (4): 781-795

Vilanilam, J. V. (1989), *Reporting a revolution, the Iranian revolution and the NIICO Debate*, Sage Publication.

Wells, L. E. (1978), "Theories of deviance and self-cocept", *Social Psychology*, 41: 189-204.



## وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

امیرمحمد حاجی یوسفی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۰۷

علی بغیری\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۰۸

### چکیده

این مقاله سعی دارد به مطالعه نقادانه وضعیت موجود مطالعاتی و تحقیقاتی در مورد تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد تا ضمن کشف انواع مطالعات موجود، چرایی عدم تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز بررسی نماید. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی درباره استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چرا جمهوری اسلامی ایران از یک سند مدون و رسمی استراتژی امنیت ملی برخوردار نیست؟ برای پاسخ به این سؤال به بررسی و نقد ادبیات موجود شامل مطالعات و تحقیقات مکتوب و در دسترس درباره سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. این مقاله با بررسی آخرین مطالعات در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسد که این روش‌ها بیش از آنکه به یک سند استراتژیک آینده‌نگر شباهت داشته باشند، تحلیل‌هایی هستند که می‌توانند «روش مبتنی بر مؤلفه‌های استراتژی» را در رسیدن به یک سند مدون و برنامه‌ای برای عمل یاری رسانند.

### واژگان کلیدی

امنیت ملی، سند استراتژی امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، وضعیت مطالعاتی، علم‌سنجی

am-yousefi@sbu.ac.ir

\* دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

bogheiryali@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

## مقدمه

امنیت ملی هر کشور و دولت جزء مهم‌ترین دغدغه‌های آن است و از این رو، باید با طراحی و تدوین یک برنامه بتواند تهدیدهای خود را شناسایی و راه‌های مقابله با آن را مشخص و تقویت امنیت خود را سرلوحه سیاست‌های خود قرار دهد. این کار معمولاً با تدوین یک سند استراتژی امنیت ملی صورت می‌گیرد و در فواصل معین زمانی بر اساس تحولات داخلی و بین‌المللی تجدید می‌گردد. انجام این کار که به صورت رسمی توسط دولت‌ها انجام می‌شود، معمولاً مبتنی بر مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای است که در یک کشور در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی صورت می‌گیرد. تاکنون مطالعات و تحقیقات متعدد در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت تدوین یک سند استراتژی امنیت ملی صورت گرفته است، اما تاکنون کمتر کسی به مطالعه آخرین وضعیت این مطالعات و تحقیقات پرداخته به‌ویژه اینکه چرا در جمهوری اسلامی ایران به‌رغم وجود احساس مشترک میان محققان و سیاست‌گذاران مبنی بر ضرورت تدوین سند استراتژی امنیت ملی، هنوز این سند تدوین نشده است. این مقاله سعی دارد به مطالعه نقادانه وضعیت موجود مطالعاتی و تحقیقاتی در مورد تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد تا ضمن کشف انواع مطالعات موجود، چرایی عدم تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز بررسی نماید. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی درباره استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چرا جمهوری اسلامی ایران از یک سند مدون و رسمی استراتژی امنیت ملی برخوردار نیست؟ برای پاسخ به این سؤال به بررسی و نقد ادبیات موجود شامل مطالعات و تحقیقات مکتوب و در دسترس درباره سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

بعد از مقدمه به مسئله جایگاه نظری بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی یک موضوع، مانند استراتژی امنیت ملی، در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌پردازیم. بخش سوم به مباحث مفهومی می‌پردازد. در بخش چهارم به سابقه تحقیق اشاره خواهد شد. در این بخش نخست به وضعیت تدوین سند استراتژی امنیت ملی در

کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی اشاره و سپس ادبیات موجود در ایران را بررسی می‌کنیم. در بخش‌های پنجم و ششم به بررسی وضعیت مطالعاتی موجود (شامل بررسی منابع موجود و دسته‌بندی دیدگاه‌های آن‌ها) از یک سو، و احصای موانع تدوین سند استراتژی امنیت ملی از دید محققان اشاره شده است. در نتیجه‌گیری، راهکارها و چشم‌انداز پیش رو ارائه خواهد شد.

### ۱. جایگاه نظری بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی موضوعات علمی

این تحقیق را می‌توان از نوع مطالعات علم‌سنجی دانست. «علم‌سنجی» عبارت از علم اندازه‌گیری و تحلیل علم است.<sup>۱</sup> بر اساس یک تعریف، علم‌سنجی یعنی بررسی کمی و کیفی و پاسخ به این سؤال که در هر حوزه علمی «چه کسی، کجا، چه کار می‌کند». این نوع مطالعه می‌تواند شامل شناسایی افراد و سازمان‌های اثرگذار در رشته‌های مختلف علمی، شناسایی موضوعات نوظهور پژوهشی، بررسی روند توسعه رشته‌ها با گذشت زمان، یا توزیع جغرافیایی و سازمانی تولیدات علمی شود (Glossary of Thompson, 2008). یکی از مهم‌ترین فواید علم‌سنجی یعنی شناسایی مهم‌ترین افراد، مؤسسات، دانشگاه‌ها و سایر عوامل مرتبط با تولیدات و فعالیت‌های علمی این است که می‌تواند راهگشا و زمینه‌ساز برقراری ارتباط، همکاری نظام‌مند علمی و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف باشد (نوروزی چاکلی و دیگران، ۱۳۸۶).

در این راستا یکی از فعالیت‌های محققان در هر رشته علمی این است که آخرین وضعیت آن رشته یا موضوعات مختلف درون آن رشته را مطالعه کنند که این عمل اصطلاحاً به «مطالعه آخرین وضعیت رشته»<sup>۲</sup> معروف است. مطالعه آخرین وضعیت رشته یعنی «تشخیص بالاترین سطح پیشرفت هر ابزار، فناوری و یا رشته علمی که در یک زمان خاص بدان نائل آمده است».<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، آخرین سطح دانش در یک رشته، مثلاً علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، که در یک زمان خاص وجود دارد، را مطالعه آخرین وضعیت رشته می‌نامند. این امر در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رایج است؛ برای نمونه، فردریک کراتوچویل و جان راگی در مقاله‌ای، که در فصلنامه معتبر سازمان‌های بین‌المللی منتشر شده، به بررسی آخرین

وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی گرایش سازمان‌های بین‌المللی در رشته روابط بین‌الملل پرداخته‌اند (Kratochwil & Ruggie, 1986). یا جاناتان کرشنر در فصلنامه معتبر *مطالعات امنیتی* به بررسی آخرین وضعیت دانش درباره تحریم‌های اقتصادی پرداخته است (Kirshner, 2002). در این مورد می‌توان به ده‌ها مقاله دیگر نیز اشاره کرد.

متأسفانه در ایران چنین مطالعاتی به‌ندرت یافت می‌شود. به‌عبارت دیگر، اگر محقق یا دانشجویی علاقه‌مند باشد آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی در یک حوزه، مثلاً «رژیم صهیونیستی» شناسی در ایران، مطالعات آمریکا در ایران و غیره، را به دست آورد، هیچ منبعی در این زمینه وجود ندارد و خود باید دست به کار شود و با مطالعه گسترده، تصویری از وضعیت این مطالعات کسب نماید؛ از این‌رو، می‌توان به اهمیت مطالعات آخرین وضعیت رشته در هر موضوع و رشته علمی پی‌برد. در واقع نویسندگان در این مقاله با بررسی بیشتر آثار در باب تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که در دسترس بوده است، به‌دنبال نشان دادن آخرین وضعیت دانش در این حوزه، به‌ویژه فهم این مسئله که چرا هنوز یک سند مدون استراتژی امنیت ملی وجود ندارد، برآمده‌اند و این نو و بدیع بودن این تحقیق را نشان می‌دهد. بدیهی است این مطالعه مبنای نظری ندارد و با استفاده از مطالعات علم‌سنجی که از نوع مطالعات اکتشافی است، صورت می‌گیرد.

## ۲. بررسی مفاهیم

برای بررسی مطالعات و تحقیقات درباره استراتژی امنیت ملی لازم است تا به‌اختصار به مفاهیم استراتژی و امنیت ملی و رابطه میان این دو، نظر افکنیم. ارائه تعریفی مشخص از مفهوم استراتژی دشوار است (Murrey et al., 1997, p.1)، ولی در یک تقسیم‌بندی جامع تعاریف ارائه‌شده برای این مفهوم در پنج نسل قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: هنر جنگیدن، مدیریت جنگ، برنامه‌ریزی سازمانی، مدیریت ملی و مهندسی جهانی (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۳۶).

با این حال، توجه به خاستگاه تاریخی مفهوم استراتژی و تسلط و کاربرد متداول آن در علوم نظامی، جدا کردن استراتژی از صبغه نظامی آن را عجولانه می‌نمایاند (Gray, 1999, p.19)، هرچند در میان قائلان به عدم جدایی بستر نظامی از مفهوم



استراتژی نیز اختلافاتی وجود دارد؛ برای نمونه، استراتژی از نظر بوفر<sup>۴</sup> در هنر کاربرد زور یا فشار برای رسیدن به اهداف تعیین شده سیاسی و هنر دیپلماتیک نیروها در استفاده از زور برای حل منازعاتشان معنی می‌شود (Gray, 1999, p.18). اما استراتژی از نظر لیدل هارت<sup>۵</sup> در هنر توزیع و به کارگیری نیروهای نظامی در دستیابی به اهداف سیاسی مفهوم می‌یابد (سعیدی و مفیدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۶). لذا بوفر برخلاف هارت معتقد است که پیروزی در یک جنگ، هدف سیاسی نیست بلکه هدف، صلح بعد از آن است (بوفر، ۱۳۶۶، ص ۲۶). اما همه این افراد استراتژی را از بستر نظامی موجود در تعریف کلاوزویتس<sup>۶</sup> جدا نمی‌دانند. بنابراین استراتژی همچون پلی میان اهداف سیاسی و قدرت نظامی است (Gray, 1999, p.19).

اما امنیت ملی در توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی ضد حیات سیاسی یا منافع ملی خود نمود می‌یابد؛ بنابراین، امنیت ملی هدف و استراتژی روش حفظ آن است. از طرف دیگر، مطالعات امنیتی از لحاظ زمانی متأخر از مطالعات استراتژیک است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) و از لحاظ گستردگی، مطالعات استراتژیک را تحت پوشش قرار می‌دهد (Craig, 2008, pp.3-9)؛ هرچند که ورود این مطالعات نیز در ایجاد نگاه چندبعدی در طراحی استراتژیک مؤثر افتاد (Davies & Davies, 2000, pp.25-30). مطالعات امنیتی نیز با توسعه حیطه خود همراه بوده است، به نحوی که امروزه شاهد بررسی جنبه‌های جدید تهدیدگر امنیت ملی، همچون شبکه جهانی اینترنت (Tran, 2002, pp.237-241)، گسترش دامنه از تهدیدات نظامی بازیگران دولتی تا تهدیدات ناشی از بلایای طبیعی (Hough, 2008)، توجه به منابع غیرنظامی امنیت (Koithara, 1999) و ورود مفاهیم جدید، همچون امنیت مبتنی بر همکاری<sup>۷</sup> به این عرصه هستیم (Rotblat, 1991, p.25).

### ۳. پیشینه تحقیق

موضوع تدوین سند استراتژی امنیت ملی در برخی کشورها امری رایج است و این کشورها دارای سند استراتژی امنیت ملی می‌باشند. در این بخش نخست، به این موضوع در تعدادی از کشورها می‌پردازیم تا به اختصار نشان دهیم که تدوین سند امنیت

ملی در این کشورها چه وضعیتی دارد. سپس به ادبیات مربوط به این موضوع در داخل کشور اشاره می‌کنیم.

مفهوم جدید امنیت ملی با پایان یافتن جنگ جهانی دوم توسط آمریکا ارائه شد. قانون امنیت ملی در ۱۶ جولای ۱۹۴۷ به امضای ترومن<sup>۸</sup> و در ۱۷ سپتامبر به تصویب سنا درآمد. سنا موافقت خود با حضور فرستال<sup>۹</sup> به‌عنوان اولین وزیر دفاع را اعلان کرد و بیشتر مواد قانون از ۱۸ دسامبر به اجرا درآمد. این قانون در سال بعد اصلاح شد. تأسیس وزارت دفاع، سی‌آی‌ای (CIA) و شورای امنیت ملی از نتایج این قانون بود. بدین ترتیب، ایالات متحده پیش از همه بر ضرورت گام برداشتن به ایجاد سند امنیت ملی واقف گشت. در ۱۹۸۶ قانون گلدواتر- نیکولز<sup>۱۰</sup> در راستای ضرورت بازسازی دائمی وزارت دفاع تصویب شد. این قانون ارتقای امنیت آمریکا، تقویت شکوفایی اقتصادی آمریکا و ترویج مردم‌سالاری و حقوق بشر در خارج از کشور را اهداف حیاتی این کشور دانست (ایزدی، ۱۳۸۰، ص ۲). امنیت ملی آمریکا در دوران جنگ سرد در قالب استراتژی‌های انحصار اتمی، ضربه دوم، جنگ ستارگان و با هدف مهار شوروی (سابق) ترسیم شد (ایزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹). اما ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در ایجاد یک سند مدون از استراتژی امنیت ملی است؛ زیرا برای اولین بار رئیس‌جمهور می‌تواند بعد از تصویب کنگره در قالب یک سند این استراتژی را منتشر سازد (لطفیان، ۱۳۷۶، صص ۱۵۷-۱۵۸). اولین سند در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ تدوین شد. این سند بر پایه قانون گلدواتر- نیکولز و «راهبرد سیاست دفاعی آمریکا» - مصوب ۱۹۹۲ در وزارت دفاع - تدوین و دکتترین جنگ پیشگیرانه بوش بر آن سایه افکنده بود<sup>۱۱</sup> و در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ سند دیگری تصویب شد. در تدوین این سند رئیس‌جمهور، مشاوران اصلی او و شورای امنیت ملی نقش اساسی و وزارت‌خانه‌ها در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین نقش مطبوعات، گروه‌های فشار و سایر مردم در فرایند بازخورد نمایان می‌شود. آخرین سند در ۲۶ می ۲۰۱۰ تصویب شد و برای اولین بار یک رئیس‌جمهور دموکرات به انتشار این سند پرداخت. در سند منتشرشده توسط اوباما ایده جنگ جهانی ضد تروریسم، جنگ پیشگیرانه و الفاظی چون رادیکالیسم اسلامی حذف گردید و بر

دیپلماسی، به‌ویژه در رابطه با هند، چین و روسیه، عدم اشاعه هسته‌ای و تغییرات آب و هوا توجه شده است.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با جهانی کردن مفهوم امنیت در افزایش شمار کشورهای که به تدوین این سند پرداخته‌اند، مؤثر بود.<sup>۱۲</sup> انگلستان نیز اولین استراتژی امنیت ملی خود را در مارس ۲۰۰۸ منتشر و در ژوئن ۲۰۰۹ به‌طور کامل مورد بازبینی قرار داد.<sup>۱۳</sup> نخست‌وزیر در ۹ مارس ۲۰۰۹ دیوانخانه امنیت ملی را تأسیس کرد. کارشناسان علمی، اجتماعی، تجاری و نظامی در این دیوانخانه، به ارائه مشورت به کمیته امنیت ملی می‌پردازند.<sup>۱۴</sup> در ادامه، روسیه در می ۲۰۰۹ نخستین استراتژی امنیت ملی خود را منتشر ساخت.<sup>۱۵</sup> این سند تا سال ۲۰۲۰ معتبر است و جایگزین مفهوم امنیت ملی - که در ۱۹۹۷ تعریف و در ۲۰۰۰ تصحیح شده بود - شد<sup>۱۶</sup> و برای اولین بار فصولی چون «علم»، «فرهنگ» در استراتژی مورد توجه خاص قرار گرفت.<sup>۱۷</sup>

چین از دهه ۱۹۷۰ اصلاح استراتژیک خود را آغاز کرد. برخلاف وجود دگرگونی‌های زیاد در استراتژی امنیت ملی روسیه، استراتژی چین تغییر چندانی با سیاست‌های امنیتی سابق ندارد.<sup>۱۸</sup> خیزش به مدرنیزاسیون، ایجاد وحدت ملی، حفظ صلح جهانی و ارتقای توسعه سه وظیفه اصلی دولت برشمرده شده‌اند. جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری بیشتر چین در عرصه بین‌الملل در زمره نکات جدید این استراتژی قرار دارند. مبارزه با یکجانبه‌گرایی، کمک به صلح جهانی، همکاری با آمریکا در مبارزه با تروریسم و مشکلات منطقه‌ای همچون بحران کره شمالی، اولویت دادن به مردم در دیپلماسی، افزایش ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته و رشد چهارمرحله‌ای تولید ناخالص داخلی (GDP) در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ از اهداف موجود در این استراتژی هستند.<sup>۱۹</sup> با این حال، هنوز بسیاری از بازیگران، همچون رژیم صهیونیستی، دارای یک سند منتشرشده از استراتژی امنیت ملی نیستند. البته، این امر لزوماً به معنای عدم پیروی از راهکار مشخصی در پیشبرد امنیت ملی نیست؛ برای نمونه، می‌توان اولویت نظامی در مقابل همسایگان، حفظ روابط ویژه با آمریکا و حمایت از دولتی که یهودیان را گردهم آورد، را جزء اصول همیشگی رژیم صهیونیستی دانست.<sup>۲۰</sup> مطالب ذکر شده می‌تواند آغازی خوب برای مقایسه و بررسی وضعیت تحقیق در ایران باشد.

بر اساس مطالعه‌ای که توسط نویسندگان انجام شد، به جرئت می‌توان گفت تاکنون هیچ پژوهش مشابهی در مورد آخرین وضعیت ادبیات مربوط به تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت نگرفته، هرچند درباره چرایی عدم تدوین سند امنیت ملی مباحثی پراکنده وجود دارد. برای نمونه، تنها محمدرضا تاجیک در کتاب خود به بخشی از علل عدم موفقیت در این زمینه، همچون وجود محیط کدر تصمیم‌گیری، تلون و تعدد گفتمانی، چند هسته‌ای بودن کانون گفتمان مسلط سیاسی-اجتماعی، عدم تعیین دقیق عناصر شکل‌دهنده گفتمان امنیتی- استراتژیک، نبود ملاک برای تعریف خودی از غیرخودی و تحلیل دقیق از اوضاع و تصویر دیواره‌ای شکننده برای جامعه امن خود، اشاره کرده است (تاجیک، ۱۳۸۱، صص ۱۹-۲۶). این ادعا از آن جهت است که در سایر پژوهش‌ها و حتی در آثاری که در تلاش برای بررسی ابعاد مختلف این استراتژی برآمده‌اند، همچون کتاب «استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، کمتر با بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی موجود در باب استراتژی امنیت ملی ایران به چرایی نبود یک سند استراتژی امنیت ملی اشاره شده است. این کتاب، که متشکل از مجموعه‌ای از مقالات ارائه‌شده در یک هم‌اندیشی است، علاوه بر تحلیل روش‌شناختی و محتوایی استراتژی امنیت ملی، به مورد ایران نیز اشاره نموده است. در فصل دوم سعی بر آن است تا با استفاده از روش طراحی استراتژی با توجه به مؤلفه‌های آن- که در ادامه بحث خواهد شد- مؤلفه‌های اثرگذار بر محیط امنیتی پیرامون ایران را شناسایی نماید. باین‌حال، این فصل بیش از آنکه به ایران بپردازد، مؤلفه‌های عامی را بهره برده که معمولاً ضروری است تا در استراتژی امنیت ملی هر کشور مورد توجه قرار گیرند و حتی در انطباق این مؤلفه‌ها با مورد ایران به بیش از دو صفحه، که با موشکافی همراه نیست، اکتفا نموده است که البته با توجه به محدودیت تعداد صفحات امری بدیهی می‌نماید. مباحث نظری، به‌ویژه نظریات دانشمندان اسلامی و رابطه نظریه دارالاسلام با امنیت ملی، محوریت فصل پنجم قرار گرفته است. در فصل ششم نیز الگوی تعادل تهاتری به‌عنوان راهکار مناسبی برای امنیت ملی ایران برشمرده شده است و مقتضای این الگو در تکثرگرایی داخلی، تنش‌زدایی در خارج، توسعه اقتصادی مبتنی بر رقابت برد- برد، همکاری‌های دفاعی دو یا چندجانبه برشمرده شده

است. بنا بر این الگو راهکار کسب امنیت در برقراری تعادل در عرصه داخلی و خارجی و میان این دو است. در فصل هفتم و هشتم به ترتیب به تأثیرات امنیتی افغانستان و حوادث بعد از یازده سپتامبر و حضور آمریکا در همسایگی ایران اشاره شده است (استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴). بنابراین در این اثر نیز نه از باریک‌بینی‌های بررسی استراتژی امنیت ملی خبری است و نه از چرایی نبود این امر در ایران و اهداف دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به علاوه حضور این آثار نشان از وجود تحلیل‌های درخور تقدیری از استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، ولی به چرایی نبود این سند اشاره نگردیده است. این مسئله در اثر «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» اثر ولی‌پور زرومی مشهود است، که در صفحات بعد به بحث در مورد این اثر و گفتمان پژوهی پرداخته خواهد شد. در ادامه با تقسیم‌بندی آثار صورت گرفته با تفصیل بیشتری به این ادعا اشاره خواهد شد.

#### ۴. آخرین وضعیت مطالعاتی موضوع سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در صورتی که تقسیم ارائه‌شده توسط اصغر افتخاری و همکارانش در مورد نسل‌های مختلف استراتژی را ملاک قرار دهیم (هنر جنگیدن، مدیریت جنگ، برنامه‌ریزی سازمانی، مدیریت ملی و مهندسی جهانی)، بیشتر پژوهش‌ها در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در قالب الگوی مهندسی جهانی و با شروع جنگ تحمیلی در قالب دو نسل اول و دوم (هنر جنگیدن/ مدیریت جنگ) و با پایان یافتن جنگ در قالب نسل سوم (برنامه‌ریزی سازمانی) و بعد از تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در قالب نسل چهارم (مدیریت ملی) جای می‌گیرند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۳۶). اما بسیاری معتقدند که با انتخاب آقای دکتر احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴، با وجود تفاوت‌هایی، به الگوی غالب در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی یعنی مهندسی جهانی نزدیک شده‌ایم (Ansari, 2007, pp.41-90 & Naji, 2008).

مطالعات ما نشان می‌دهد در مجموع می‌توان پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در دسته‌های زیر جای داد. این دسته‌بندی را ضمن مطالعه منابع موجود به صورت اکتشافی و استنباطی استخراج

کرده‌ایم و هیچ مبنای نظری قبلی ندارد. شاید به همین دلیل است که برخی پژوهش‌ها را می‌توان در بیش از یک دسته قرار داد.

#### ۴-۱. توجه به برخی ابعاد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پژوهش‌های صورت‌گرفته در این دسته بیشترین تعداد را شامل می‌شوند. برخی به مسائل امنیتی ایران همچون مسائل سیاست خارجی، نظامی، اجتماعی، حقوقی، منطقه‌ای، و بین‌المللی نگاه کرده‌اند؛ برای نمونه، می‌توان از کتاب‌های *ارتباطات و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق*، و *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران* نام برد. در کتاب اول به مسائلی چون اهمیت تبلیغات، اطلاعات و روزنامه‌ها در شرایط جنگ برای امنیت ملی اشاره شده است. در کتاب دوم علاوه بر آنکه به اهمیت بین‌المللی انرژی به‌عنوان یک منبع کسب درآمد برای حفظ امنیت اشاره شده، یعنی انرژی را به‌مثابه یک امر عرضی در امنیت که به‌طور غیرمستقیم و با سرمایه‌های ناشی از آن به امنیت‌زایی کمک می‌کند، خود انرژی را نیز به‌صورت ذاتی از لوازم امنیت، حداقل برای کشورهایی چون ایران، برشمرده که صرف سرمایه‌گذاری در آن بر امنیت ملی کشور تأثیر مثبت دارد (رنجبر، ۱۳۸۰). امید زمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود بعد از بررسی تاریخ لبنان و چگونگی سهیم شدن آن در تحولات ایران، صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، مقابله با رژیم صهیونیستی، حمایت از وحدت کلیه گروه‌های اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در لبنان به‌عنوان اهداف درازمدت و حمایت از سیاست‌های سوریه و تشکیل حکومت اکثریت در لبنان را در زمره اهداف کوتاه‌مدت جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده است (امیدزمانی، ۱۳۶۹). فرجوند در پژوهش خود با بررسی تهدیدات سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، انتخاب‌هایی همچون تجهیز ایران به این سلاح‌ها در دو قالب خروج از پیمان‌ها یا باقی ماندن در آن‌ها و فریب‌کاری در دستیابی به آن‌ها را به‌لحاظ هزینه و میزان موفقیت در وصول به بازدارندگی مورد بررسی و نقد قرار داده و راهکار توان شبه‌هسته‌ای را مورد تأیید قرار داده است و به‌نحوی با تأکید بر موضع استراتژیک در عرصه نظامی از منظری تهدیدمحور به امنیت جمهوری اسلامی ایران توجه شده است (فرجوند، ۱۳۸۱، صص ۱۶۴-۲۳۰).

برخی دیگر از نوشته‌ها به منابع اصلی استخراج استراتژی برای جمهوری اسلامی ایران مثل قانون اساسی، سخنان حضرت امام(ره)، سخنان مقام معظم رهبری(دام‌ظله)، سخنان مسئولان، سند توسعه، چشم‌انداز ۱۴۰۴، و ویژگی‌های هویتی شیعی- ایرانی نظر داشته‌اند (افتخاری، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۸)؛ برای نمونه، برای تبیین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی از دیدگاه‌های فقهی حضرت امام(ره) در مورد جهاد ابتدایی، همچون صدور مجوز این جهاد صرفاً در زمان حضور معصوم، و جهاد دفاعی، همچون وجوب عینی آن بر مسلمانان (ابریستان، ۱۳۷۷، صص ۱۱۰-۱۱۴)، برای نشان دادن این مسئله استفاده شده است که دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع ملی در حین پایداری بر اصول انقلابی، استراتژی ایران در آن زمان را ترسیم ساخته بود (ابریستان، ۱۳۷۷، ص ۳۰۷). همچنین در برخی منابع با استفاده از برنامه توسعه اول، دوم و سوم، استراتژی رشد محور مورد تحلیل قرار گرفته است (سعدآبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۲۲). در برخی نوشته‌ها توجه به نهادهای مسئول در زمینه امنیت مثل رهبری، مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی امنیت ملی، نیروی انتظامی، و وزارت اطلاعات مورد بررسی واقع شده است؛ برای مثال، در مقاله‌ای، با مبنا قرار دادن این نکته که در جهان کنونی کسانی از قدرت بیشتری برخوردارند که میزان دریافت اطلاعات آن‌ها بیش از میزان تولید آن باشد، به نقش سازمانی چون وزارت اطلاعات در حفظ امنیت ملی اشاره شده است (محسنی، ۱۳۷۷). واضح است که این نوشته‌ها و بسیاری دیگر تحقیقات مشابه که امکان ذکر آن‌ها در این مقاله به سبب طولانی شدن وجود ندارد، صرفاً به برخی ابعاد امنیت و استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

#### ۴-۲. استخراج استراتژی امنیت ملی با ارجاع به مؤلفه‌های امنیت در ایران

در برخی آثار تلاش شده است تا با برشمردن عناصر تشکیل دهنده این استراتژی، آن را با مورد جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهند. هرچند در این پژوهش‌ها سعی شده تا با بررسی قالب استراتژی به انطباق محتوای آن با مورد ایران بپردازند، ولی از آنجاکه فهم این قالب و چگونگی قرار دادن محتوا در آن نیاز به پژوهشی جامع و همکاری

کارشناسان در زمینه‌های علمی مختلف دارد، لذا اغلب حداکثر به‌طور دقیق تنها یکی از مؤلفه‌های استراتژی بررسی شده است؛ برای مثال، با بررسی عنصر هدف در طراحی استراتژیک، اهداف به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم شده‌اند. در بخش اهداف داخلی به اهداف اقتصادی-اجتماعی (همچون مبارزه با فقر، بهره‌برداری بهینه از منابع، رونق بخش کشاورزی و خدمات درمانی، مبارزه با گران‌فروشی) و اهداف سیاسی-نظامی (همچون برقراری نظم و آرامش در نواحی مرزی و داخلی، حفظ امنیت اماکن مقدسه، حل مشکل بلوچ‌ها و کردها، مقابله با تهاجم فرهنگی) و در بخش اهداف خارجی به اهداف اقتصادی - سیاسی (همچون کاهش وابستگی اقتصادی، گسترش روابط با اعضاء اوپک، غیرمتعهدها و کنفرانس اسلامی، گسترش روابط با هند، چین، روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی) و اهداف سیاسی - نظامی (همچون گسترش نفوذ اسلام‌گرایان در منطقه و جهان، حل مشکل جزایر سه‌گانه، مبارزه با منافقین) اشاره شده است (لطفیان، ۱۳۷۶، صص ۲۲۴-۲۲۷). مزیت نسبی این روش در ویژگی پیشینی آن است. بدین معنا که می‌توان قبل از عمل از یک استراتژی برخوردار بود و تنها از طریق این روش می‌توان به یک استراتژی معطوف به آینده دست یافت. با این حال، بر اساس منابع موجود و قابل دسترس، استخراج استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق این روش هیچ‌گاه به‌صورت کامل و تخصصی صورت نگرفته است. به‌علاوه، نه بر روی مؤلفه‌ها و نه در مورد چگونگی تطبیق آن‌ها با مورد ایران اجماع وجود ندارد.

#### ۳-۴. توجه به دیدگاه‌های موجود در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در شماری از پژوهش‌ها شاهد جمع‌آوری دیدگاه‌های شفاهی یا کتبی، رسمی یا غیررسمی نخبگان سیاسی و علمی در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستیم. گاه ذکر خود دیدگاه موضوعیت دارد؛ مثلاً از جمله دیدگاه‌های موجود را می‌توان دیدگاه مبتنی بر رشد اقتصادی، مبتنی بر تفکر سنتی با هدف تداوم اقتدار دولت مرکزی و تأکید بر بسیج عمومی، دیدگاه مبتنی بر توسعه فرهنگی و دیدگاه مبتنی بر رفاه اجتماعی، به‌ویژه در عدالت توزیعی برشمرد (حاجیان، ۱۳۸۱، صص ۵-۱۰). در



پاره‌ای از مواقع طیف ارائه‌دهنده دیدگاه از موضوعیت برخوردار است؛ برای مثال، در کتاب *منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، که در سه فصل (۴، ۵ و ۶) به مسائل مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، پس از شرح شرایط دو دهه آغازین بعد از انقلاب، دهه نخست را با طرد منافع ملی و اولویت دادن به منافع فراملی، همچون منافع دینی، و دهه دوم را با طرح اندیشه ملی در منافع برابر دانسته است. به علاوه منافع ملی را از منظر جناح‌های سیاسی نیز بررسی نموده است. در این کتاب محور منافع و امنیت ملی برای جناح راست در ابتدا منافع «امت»، برای جناح چپ منافع «انقلابی»، برای کارگزاران «منافع دولت با تأکید بر رشد اقتصادی» و برای چپ جدید منافع «سیاسی» همچون دموکراسی و آزادی، قلمداد گشته است (رنجبر، ۱۳۸۲، صص ۱۷۶-۱۸۷). عدم حیطة‌بندی زمانی از ویژگی‌های این روش است؛ بدین معنا که در این روش همزمان ممکن است همه دیدگاه‌ها موجود باشند. در این روش با توجه به فضای سیاسی و امنیتی کشور انتخاب‌های موجود برای اتخاذ استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحلیل و بررسی می‌گردد. اما صرف وجود یک دیدگاه به معنای بالفعل شدن آن نیست و ممکن است صرفاً نظر شخصی و گاه غیرتخصصی یک فرد یا گروه، بدون توجه به میزان اجماع پشتیبان آن، معیار قرار داده شود. در این روش بیشتر به موضوع محوری و هدف استراتژی اشاره می‌شود. لذا معمولاً از باریک‌بینی‌های خاص طراحی استراتژی و توجه همه‌جانبه به ابعاد این انتخاب غافل می‌ماند.

#### ۴-۴. بررسی استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق گفتمان

تعداد پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه در رتبه دوم جای دارد.<sup>۲۱</sup> در مجموع در این پژوهش‌ها از وجود سه گفتمان سخن به میان آمده است: گفتمان بسط‌محور با هدف توسعه انقلاب، گفتمان حفظ‌محور با هدف حفظ نظام و دستاوردهای انقلاب در زمان جنگ تحمیلی و گفتمان رشد‌محور با هدف توسعه به‌ویژه اقتصادی که با پایان یافتن جنگ آغاز شد (تاجیک، ۱۳۸۱، ص ۶). البته در یک پژوهش از وجود سه گفتمان هویت‌محور با هدف روشن شدن مرز خودی از غیرخودی، توسعه‌محور (از وفات امام تا پایان دوره نخست خاتمی) و قدرت‌محور که حاصل تجربه زیست در جهان واقعی

است، سخن به میان آمده است (پورسعید، ۱۳۸۷). ملموس بودن این گفتمان‌ها، مشخص بودن دوره زمانی تسلط یک گفتمان، توجه به وجود حداقل مناسبی از اجماع در سطح افکار عمومی و نخبگان سیاسی، به‌روز بودن و توجه بیشتر به چگونگی تغییر و انطباق استراتژی اخذشده با تحولات سیاسی - اجتماعی از جمله مزایای این روش است. باین‌همه، به‌کارگیری این روش آن را از دو نوع نقد مصون نمی‌دارد: نقد مربوط به ماهیت گفتمان از یک سو و نقد مربوط به تطبیق آن با مورد جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر. در نقد اول باید گفت که گرچه برای فهم یک پدیده می‌توان آن را در بستر گفتمانی خود معنا کرد، ولی این به معنای معنادار بودن همه پدیده‌ها نیست و چه بسا بسیاری از پدیده‌های به‌ظاهر هماهنگ با گفتمان در اثر ایجاد سازوکار انقیاد مشابه با ایدئولوژی (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵)، عدم فهم درست گفتمان، امکان صورت گرفتن تفسیرهای متفاوت از بافت موقعیتی و متنی توسط مشارکت‌کنندگان (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۴۳)، اشتباه سهوی یا عمدی در پذیرش یا رد گفتمان، فضاسازی نویسنده در جهت سوگیری در انتخاب، اتفاقات ناخواسته یا قرار گرفتن واژه نادرست برای یک مفهوم (Hoover, 1980, p.19) ایجاد شوند و افراد ناآگاه و غیرکارشناس به‌طور آزادانه و مسئولانه به بازتولید گفتمان بپردازند، بدون آنکه از خود در مورد علل انتخاب گفتمان مسلط سؤال کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۵۳-۵۵). بنابراین در گفتمان به چگونگی و علل انتخاب و تغییر گفتمان توجه نمی‌شود. به‌علاوه ممکن است درون یک استراتژی چندین گفتمان وجود داشته باشد (عضدانلو، ۱۳۸۰، ص ۵۹). در نقد دوم باید گفت که صرف آمار کمی برای نشان دادن گفتمان مسلط در زمینه استراتژی برای نشان دادن گفتمان شکل‌گرفته در جامعه کافی نیست و با توجه به آنکه کشف گفتمان باید با کسب اجماع بین‌الذهانی جامعه صورت پذیرد، نمی‌توان به‌صرف آنچه اکتفا کرد که اعلان می‌شود. این مسئله در کتاب *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران* به‌ویژه در جاهایی نمودار می‌گردد که سخنان مسئولان، همچون رفسنجانی و خاتمی، در حالی به‌عنوان سندی برای اثبات گفتمان مورد نظر ذکر شده که از ذکر اسنادی مؤید بر وجود اجماع در جامعه، حتی در سطح نخبگان، اشاره نشده است؛ برای مثال، این مسئله می‌تواند با ایجاد چالش در این اثر همراه باشد که دولت آقای هاشمی رفسنجانی

یا خاتمی بر گفتمان توسعه‌محور تأکید داشت، ولی چرا در موضوعات مهمی همچون سیاست خارجی همچنان بر حفظ مواضع برخوردارانه از گفتمان بسط‌محور اصرار گشته است. همچنین در آثار نوشته‌شده با این روش گفتمان‌ها «چه چیزی» و تا حدودی «چه زمانی» را پاسخ داده‌اند و از پاسخ به «توسط چه کسی» و «با چه آمریتی» غفلت ورزیده‌اند. برای مثال، در همین کتاب به زمان ورود گفتمان مبتنی بر ارزش‌هایی همچون آزادی و جامعه مدنی [با ورود خاتمی به عرصه قدرت] اشاره شده است ولی روشن نیست که گفتمان جدید تحت تأثیر جامعه داخلی قرار دارد یا هنجارهای بین‌المللی و روشن نیست که گفتمان جدید تا چه اندازه قادر شد تا سیاست‌گذاری‌ها را به تبعیت از خود فراخواند و آیا عملکرد کلیه سازمان‌های تحت مدیریت این دولت، همچون وزارت امور خارجه، در همه اوقات در راستای این گفتمان قرار داشته است. همچنین در نگارش‌های صورت‌گرفته به قبل و بعد از گفتمان مربوطه و شرایط زمانی و مکانی ظهور گفتمان توجه نشده است؛ برای مثال، در کتاب *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران* گفتمان‌ها طوری بیان شده‌اند که گویا میان گفتمان زمان رفسنجانی با خاتمی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد و شرایط داخلی و خارجی مؤثر بر ایجاد گفتمان توجه مناسب مبذول نشده است؛ به همین دلیل، است که صرف ظهور دولت جدید با تولید روش جدید در امنیت ملی هم‌زمان دانسته شده است. به‌علاوه در استفاده از این روش باید توجه نمود که در جوامعی که سیاستمداران خود را در پاسخگویی به جامعه مسئول نمی‌دانند یا جامعه تقاضایی صورت نمی‌دهد، خودبه‌خود عنصر مؤلف حذف و ماهیت وجودی گفتمان از بین می‌رود، لذا قبل از استفاده از این روش باید به ثبوت سندیت آن در کشور مورد نظر اشاره کرد. در مجموع حتی اگر دو نوع نقد صورت‌گرفته برای استفاده از این روش در استخراج استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نادیده بگیریم، دوباره با مشکل عدم تطابق استراتژی و گفتمان مواجه می‌شویم؛ زیرا استراتژی طرحی الزامی برای رسیدن به هدف در آینده است، ولی اغلب از طریق روش گفتمان می‌توان صرفاً استراتژی در زمان حال را استخراج نمود.

به طور خلاصه، این بررسی به‌خوبی نشان‌دهنده آخرین وضعیت مطالعاتی در ادبیات موجود درباره تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و نشان می‌دهد موانع وجود یک سند استراتژی امنیت ملی به‌شکل نظام‌مند بررسی نشده است. در بخش بعد با استفاده از مطالعه منابع موجود به دسته‌بندی موانع موجود در تدوین سند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

#### **۵. موانع وجود یک سند استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران**

در مورد علت نبود سند استراتژی امنیت ملی در بازه‌های زمانی سابق، مطالعاتی صورت پذیرفته است (برای نمونه رک. ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۱). همچنین، به‌صورت جسته و گریخته به برخی از عوامل مؤثر در مورد این موضوع اشاره شده که بازه زمانی جدید را شامل شود. باین‌حال، تاکنون بررسی جامع و مانعی صورت نگرفته که واکاوی بازه زمانی بعد از انقلاب اسلامی را در برگیرد. مطالعات ما در این مقاله نشان می‌دهد این عوامل عبارت‌اند از:

#### **۵-۱. عدم مشخص بودن یک نهاد برای تدوین سند استراتژی امنیت ملی**

امنیت ملی محدود به وزیر دفاع یا امور خارجه نیست (Sharp & Agbolaje, 2006, p.10)، ولی در مقام تصمیم‌گیری، تدوین این سند در بسیاری از کشورها بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار دارد. باین‌حال، عدم تعیین و تفکیک دقیق وظایف در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران سبب آن شده که پژوهشگران بدون درک دقیق از اولویت عمودی، در سنجش میزان اثرگذاری این نهادها با مشکل مواجه شوند و نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت، رهبری، و قوای سه‌گانه را در تدوین این سند در یک عرض مؤثر گمارند (افتخاری، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۸). لذا موازی‌کاری و اختلاف در خط‌مشی‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌طوری که گاه راهکارهای امنیتی آن‌ها تفاوت زیادی از یکدیگر دارد؛ درحالی‌که آرایش دیوان‌سالاری باید بر اساس استراتژی امنیت ملی ریخته شود (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵).

### ۲-۵. بی‌توجهی به رابطه علم و عمل

عدم نهادینه شدن علوم انسانی و کاربردی دیدن آن‌ها در امور امنیتی و بهره بردن از پژوهش‌های علمی را باید از دو زاویه نگریست (مصفا، ۱۳۸۶): از طرفی همچنان علوم انسانی به خودباوری کافی برای ارائه آثار کاربردی دست نیافته است و عملاً با کم‌توجهی و بدون آزمون نظریه‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی همچنان برای فرار از برچسب اثبات‌گرایی صرفاً بر تفاسیر تکیه می‌دهد. از طرف دیگر هنوز جامعه ما از پذیرش کاربردی دیدن علوم انسانی سرباز می‌زند. نبود هم‌فهمی میان نخبگان علمی و مردم جامعه، بی‌توجهی به فرایند تصمیم‌سازی قبل از تصمیم‌گیری، و وجود فرهنگ تک‌روانه در بعد تصمیم‌گیری موجب شده است که هریک از عناصر اجتماعی و سیاسی ایران خود را در کالبد ادراکی خود و بدون توجه به سایر موضوعات تعریف کند. لذا از این جامعه نمی‌توان انتظار آن را داشت که در سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی افرادی بر منصب نشینند که جدا از این فرهنگ تفکر می‌کنند. لذا شاهد آن هستیم که پژوهش‌های امنیتی بدون توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص ما و صرفاً با توجه به معیارهای تحقیقاتی جدید در زمینه امنیت بررسی می‌شوند. لذا این تحقیقات برای عرصه عمل مناسب نخواهند بود. از طرف دیگر بی‌توجهی زمامداران به جامعه علمی در دور ماندن این جامعه از عرصه‌های عملی بی‌اثر نبوده است. لذا تعامل میان این دو برای اصلاح هر دو ضروری است. هرچند که روزبه‌روز بر این تعامل افزوده می‌شود. با این حال با توجه به تحولات صورت‌گرفته در عرصه علمی و اجتماعی ایران نمی‌توان به راحتی میان دانشگاه و جامعه فاصله انداخت (مصفا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). هرچند که تاکنون بهره بردن از جامعه علمی بیشتر در مقام توجیه‌کنندگی خط‌مشی بوده است تا مقام بهره بردن از مشورت علمی.

### ۳-۵. روزمرگی

فرهنگ اجتماعی و سیاسی شکل‌گرفته در جامعه ما با فرهنگ مبتنی بر برنامه‌ریزی، به‌ویژه طولانی‌مدت، فاصله دارد. بی‌توجهی به مدیریت زمان و هزینه‌های ناشی از سوختن زمان در ایجاد فضای روزمرگی در این فرهنگ مؤثر بوده است. این امر خود را

در سطح کلان جامعه نیز نمایان می‌سازد. البته در سال‌های اخیر تلاش‌هایی چون تدوین سند توسعه و چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشان از بهبود این وضعیت دارد.

#### ۴-۵. بی‌توجهی به تغییرات

وجود شرایط ناپایدار امنیتی و سیاسی حاکم بر کشورهای خاورمیانه در ایجاد تردید نسبت به تدوین یک سند مشخص برای استراتژی امنیت ملی مؤثر افتاده است (قهرمانپور، ۱۳۸۳، ص ۸۸). لذا در میان تصمیم‌گیران دو فضا حاکم شده است: عده‌ای برای تطبیق با تغییرات مداوم روزمرگی را پیش گرفته‌اند و در برخی، به‌ویژه در اوایل پیروزی انقلاب، برای مقابله با تغییرات و استحاله نشدن در آن‌ها پایه تصمیم‌گیری خود را بر اصل ثبات امور بنیان نهاده‌اند و بدین ترتیب، مثلاً بر اجرای حدود به‌صورت علنی تأکید داشتند و آن را اصلی تغییرناپذیر برای حفظ امنیت می‌گماشتند. اما این مسئله با درایت حضرت امام(ره) برطرف شد. لذا هر دو گروه به عدم نیاز به تدوین استراتژی و حتی نامناسب بودن آن در شرایط فعلی صحنه می‌گذارند. توجه به عنصر انعطاف مناسب در طرح‌ریزی سند استراتژی امنیت ملی، توجه به تقسیم‌بندی استراتژی‌ها بر اساس بازه زمانی یا توجه به انواع استراتژی، همچون استراتژی متراکم و پی‌درپی (کالینز، ۱۳۷۳، صص ۴۷-۴۸)، توجه به سلسله‌مراتب طولی در میان انواع مختلف استراتژی، توجه به سناریوسازی در تدوین استراتژی (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲، ص ۸) می‌تواند در حالی ما را از روزمرگی نجات دهد که گرفتار عدم انعطاف‌پذیری نیز نسازد.

#### ۵-۵. عدم تناسب اهداف با توانمندی‌ها

توجه به محدودیت‌ها یکی از عناصر چهارگانه مدیریت استراتژیک است (رحمان‌سرشت، ۱۳۸۳، ص ۱۴). بی‌توجهی به وجود مراحل در رسیدن به هدف اصلی استراتژی سبب غفلت از توجه به رابطه میان اهداف کوتاه‌مدت با اهداف بلندمدت شده است. این در حالی است که دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت در طراحی استراتژی امنیت ملی راهی برای دستیابی به اهداف بلندمدت است. لذا اهداف کوتاه‌مدت خود را در پرتو توانمندی‌های موجود و اهداف بلندمدت تعریف می‌کنند و وصول به آن‌ها باعث

ایجاد شرایط واقعی و محسوس برای بالفعل کردن اهداف بلندمدت می‌شود. به این صورت راه برای فرار استراتژی امنیت ملی از توجه زائد به منافع کوتاه‌مدت و سقوط در معمای امنیت مورد نظر کنت بوث - این معما زمانی به وجود می‌آید که توجه زائد به امنیت امروز، امنیت فردا را مختل می‌سازد یا برعکس - فراهم می‌شود (Booth, 2008, p.1).

#### ۵-۶. نبود سازوکارهای مشخص و مناسب در برقراری رابطه متقابل میان ملت و حکومت

نبود سازوکارهای ایجادکننده عرضه و تقاضا میان حکومت و ملت در ایجاد فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه و یک طرفه بودن عرضه از حکومت به مردم مؤثر بوده است. ایجاد سازوکارهای مالیاتی می‌تواند با ایجاد چرخه مناسب عرضه و تقاضا میان حکومت و ملت، شفافیت مناسب برای اصلاح و تکامل دو طرف را به وجود آورد (میدری، ۱۳۸۳، ص ۳۶۱). تقویت رابطه میان حکومت و ملت باعث نزدیک شدن افق‌های نگاه آن دو به یکدیگر و مانع از بی‌توجهی به رابطه میان اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌شود و بدین ترتیب میان متغیرهای داخلی، خارجی و تصمیم‌گیرنده رابطه مناسبی به‌گونه‌ای برقرار می‌شود که ترس از کاهش محبوبیت سیاسی به‌علت توجه به اهداف بلندمدت در تدوین استراتژی امنیت ملی کاسته می‌شود (کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). به‌عبارت دیگر، مردم در جستجوی منافع کوتاه‌مدتی، همچون رفاه، به‌راحتی تن به پذیرش سیاست‌هایی، همچون هماهنگ ساختن اقدامات امروزی در مسیر سند چشم‌انداز، نمی‌دهند که باید از جانب مسئولان پیگیری شود. در نتیجه، این امکان وجود دارد که مسئولان نیز برای فرار از فشارهای گروه‌های سیاسی رقیب در بهره‌برداری از نارضایتی مردم جهت کنار زدن آن‌ها و بازتاب آن در رسانه‌ها از توجه به منافع بلندمدت سرباز زنند. درحالی‌که در صورت وجود سازوکار مناسب جامعه می‌تواند به درک بهتری از منافع بلندمدت نائل آید و از طرف دیگر، مسئولان نیز به علت نزدیک‌تر شدن با افق دید جامعه بهتر قادر هستند تا دغدغه‌های ملت را در اهداف و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت جای دهند.

#### ۷-۵. عدم درک مناسب شرایط قبلی، فعلی و آینده

استراتژی طرحی است که در زمان حاضر با توجه به رابطه میان حال و گذشته برای وصول به اهداف در آینده ترسیم می‌شود (گروهی از اساتید، ۱۳۷۲، ص ۸). بدین ترتیب با مشخص شدن فرصت‌ها و محدودیت‌های حال و آزمون طرح‌های قبلی با نگاه به گذشته راه برای گریز از ایجاد شکاف میان آرمان و واقع در ترسیم این سند فراهم می‌شود (Neustadt & May, 1986). برای مثال توجه به سابقه تاریخی روس‌ها، در معاهداتی چون ترکمنچای و قزاقیای چون اشغال ایران بعد از جنگ جهانی دوم، مانع از آن می‌شود که در طراحی استراتژی امنیت ملی تکیه زیادی بر روس‌ها صورت گیرد.

#### ۸-۵. عدم درک مناسب از مفهوم «استراتژی امنیت ملی»

وجود تعاریف متعدد از این مفهوم نشان از ابهام ذاتی آن دارد (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۴)، ولی این امر نمی‌تواند ما را از عدم بنیان‌گرایی باز دارد؛ زیرا برای شروع هر عملی تکیه بر یک مفهوم، هرچند درست یا غلط، ضروری است و نمی‌توان در خلأ نظری اقدام نمود. ولی هرچه تعریف ما از این مفهوم انطباق بیشتری با اجماع دانشمندان این حوزه داشته باشد، مؤلفه‌های این مفهوم به صورت جامع‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. براین اساس، تعریف این مفهوم به مثابه ظرفی است که محتوای آن با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص بومی می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲). در هر حال برای تدوین این سند در سطح کلان نیاز به قبول تعریفی واحد با مؤلفه‌های واحد هستیم که همگان، چه موافقان نظری و چه مخالفان نظری، مجبور به پذیرش عملی این تعریف و آثار آن باشند. البته توجه به فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر تصمیم‌سازی و توجه به شمول استراتژی در همه مسائل یک کشور (Jacobsen, 1990, p.10)، و حضور مباحث تخصصی در علوم طبیعی و انسانی در آن ما را به انعطاف‌پذیری طراحی استراتژی برای دستیابی به حداکثر اجماع واقف می‌سازد (قهرمانپور، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

#### ۹-۵. احساس تهدید

ناپایداری مسائل امنیتی خاورمیانه و ترس از کاهش محبوبیت سیاسی سبب آن شده که اغلب مواضع سیاسی و امنیتی در ظاهری چند چهره و قابل تفسیر بیان شوند. به نحوی



که حتی برخی از مسئولان بر استراتژی مبهم‌سازی تأکید می‌ورزند (موسوی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸). البته این گروه معتقدند که عدم توازن سخت‌افزاری میان ایران و دشمنان او سبب آن می‌شود که موافق مفهوم استراتژی غیرمستقیم، از جهتی به دشمن ضربه وارد کنیم که در آن موضع در ضعف است (بوفر، ۱۳۶۹، ص ۲۵۱). لذا با ایجاد جوی مبهم حریف را در برآورد توانایی‌های خود به‌منظور مقابله، با تردید مواجه می‌سازیم. لذا پیگیری سیاست‌های اعلانی امنیت‌زدا، همچون تأکید بر برنامه هسته‌ای و مبارزه با استکبار جهانی، را راهی مؤثرتر، از تدوین یک استراتژی مشخص، در ایجاد امنیت عملی (امنیت‌زایی) می‌انگارند. البته باید توجه داشت که استفاده از این روش میان نخبگان سیاسی با تردید مواجه است؛ برای مثال، محمدجواد لاریجانی از نبود یک استراتژی مدون در این زمینه شکوه می‌کند (لاریجانی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸). این گروه معتقد هستند که حتی پیگیری روش حرکت با چراغ خاموش نیز نمی‌تواند خالی از اصول باشد و به‌منظور مبارزه نامتعارف باید حداقل از اصول مبارزه متعارف آگاه بود.

### نتیجه‌گیری

این مقاله دو هدف داشت که یکی بررسی آخرین وضعیت مطالعاتی در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و دیگری نشان دادن چرایی نبود یک سند استراتژی امنیت ملی، که همگان را ملزم به اطاعت از خود کند، بود. این مقاله نشان داد که در مجموع این احساس وجود دارد که باید یک سند استراتژی مشخص امنیت ملی برای جمهوری اسلامی ایران تدوین گردد. البته این بدان معنا نیز نیست که جمهوری اسلامی ایران در رفتار امنیتی خود سلیقه‌ای عمل کرده و همان‌طور که ذکر شد، می‌توان بدون وجود یک سند از میزان مناسبی از قاعده‌مندی در رفتار استراتژیک برخوردار بود؛ برای مثال می‌توان تلاش در جهت نشان دادن عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی، حمایت از حزب‌الله لبنان، و مخالفت با حضور آمریکا در منطقه را در زمره رفتارهای ثابت و افزایش یا کاهش روابط با روسیه و اتحادیه اروپا را در زمره اصول متغیر حاکم بر این رفتار دانست. به‌علاوه صرف وجود سند نشان از بی‌نقص بودن نیست. برای نمونه، روسیه در حالی از وجود این سند بهره می‌برد که وظایف دفاع ملی

و چگونگی بهره بردن از حقوق بین‌الملل در جهت منافع ملی چندان روشن توضیح داده نشده‌اند (Zysk, 2009).

این مقاله با بررسی آخرین مطالعات در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسد که این روش‌ها بیش از آنکه به یک سند استراتژیک آینده‌نگر شباهت داشته باشند، تحلیل‌هایی هستند که می‌توانند «روش مبتنی بر مؤلفه‌های استراتژی» را در رسیدن به یک سند مدون و برنامه‌ای برای عمل یاری رسانند. به‌علاوه روش‌های ارائه‌شده در این تحقیقات برای رسیدن به هدف استراتژیک از وجود تناقض بین هدف و روش یا تناقض در اهداف یا روش‌ها خالی نیست؛ برای مثال، درحالی‌که از وصول به قدرت اول اقتصادی در منطقه صحبت می‌شود که از حمایت از مقابله با غرب سخن به میان می‌آید. روشن است که وصول به رشد اقتصادی به کاهش التهاب در عرصه سیاسی و خارجی برای افزایش سرمایه‌گذاری نیازمند است. لذا حتی بر روی اهداف نیز اجماع دیده نمی‌شود و مشخص شدن این نکته ضروری است که آیا برای ما اهداف ایدئولوژیک در اولویت قرار دارند یا اهداف مادی؟ یا آیا می‌توان اهداف ایدئولوژیک را در اولویت قرار داد ولی برای کسب توان لازم در جهت گسترش آن‌ها برای مدتی به پیگیری استراتژی التهاب‌زدا و مبتنی بر منافع عینی اقدام کرد تا با کسب حداقل توان لازم به گسترش اهداف ایدئولوژیک خود پرداخت؟ روش اخیر به‌نحوی همان روشی است که در استراتژی‌های امنیتی چین و روسیه دیده می‌شود. البته پاسخ به این سؤال نیاز به تحقیق دیگری دارد. اما قبل از هرچیز نیاز به آن است که با فهم مشکلات موجود در این راه به درمان آن‌ها پرداخت. در رفع این مشکلات باید به تقویت رابطه بین جامعه، حکومت و نخبگان سیاسی و کنار گذاشتن ترس زائد توجه شود. با رفع این موانع می‌توان به اجماعی مناسب بر روی مؤلفه‌های استراتژی امنیت ملی - که در فرایند تصمیم‌سازی به‌خوبی از کوره بررسی علمی بیرون آمده - رسید و سپس، با درک شرایط بومی خود محتوای این ظرف را پر کرد. بنابراین در این مقاله بیشتر بر روی روش‌های پژوهش این موضوع در جمهوری اسلامی ایران کاوش شده است. ولی چگونگی برقراری رابطه مناسب میان جامعه، نخبگان علمی و

سیاسی، و چگونگی مدیریت در طراحی استراتژی امنیت ملی سؤالات دیگری هستند که برای پاسخ به آنها انجام پژوهش‌های دیگر ضروری است.

## یادداشت‌ها

1. <http://en.wikipedia.org/wiki/scientometrics>
2. State of the art
3. [http://en.wikipedia.org/wiki/State\\_of\\_the\\_art](http://en.wikipedia.org/wiki/State_of_the_art)
4. Andre Beaufre
5. Basil H. Liddell Hart
6. Clausewitz
7. Cooperative Security
8. Truman
9. James Forretal
10. Gold Water-Nichols
11. <http://en.wikipedia.org>
12. <http://en.wikipedia.org>
13. <http://www.cabinetoffice.gov>
14. <http://www.timesonline.co>
15. <http://cria-online.org>
16. <http://www.jamestown.org>
17. <http://persian.ruvvr.ru>
18. <http://trnslator.google.com>
19. <http://epress.anu.edu.au>
20. <http://www.jweekly.com>

۲۱. برای مثال، می‌توان از کتاب‌های «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته ولی‌پور زرومی، صفحات ۴۱ تا ۸۵ و کتاب «نگاهی به مسائل امنیتی ایران» نام برد. از میان آثار مورد بررسی در این مقاله تقریباً ۳۱/۵۷٪ با استفاده از روش گفتمان، ۱۰/۵۲٪ با استفاده از روش دیدگاه، ۱۰/۵۲٪ با استفاده از روش انطباق عناصر استراتژی با مورد جمهوری اسلامی ایران و ۴۷/۳۶٪ با بررسی برخی از ابعاد به مسائل مربوط به استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه نموده‌اند.

### کتابنامه

- ابریستان، غلامرضا، (۱۳۷۷)، «استراتژی امام خمینی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، تیر ماه.
- استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- استراتژی امنیت ملی روسیه: <http://persian.ruvr.ru/2009/05/13/497572.html>
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۴)، «سیر تحول مطالعات استراتژیک، روندهای جهانی و تجارب ایرانی» در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در ج ۱ ا.، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امید زمانی، محسن (۱۳۶۹)، «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در لبنان (۱۳۶۹-۱۳۵۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع) (دی ماه).
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۰)، استراتژی آمریکا برای قرن جدید، چاپ اول، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- بوفر، آندره (۱۳۶۶)، استراتژی اقدام، چاپ اول، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- همو (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)، تحولات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گزارش تحقیقاتی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سند ۱۳۸۷-۱-۱-۱-۳۸۸)
- پیشگاه هادیان، حمید (۱۳۸۶)، تحول سیاست دفاعی و امنیتی ایالات متحده پس از یازده سپتامبر، چاپ اول، تهران: مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی ج.ا.ا، جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۱)، «رویکردهای عمده نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، گفتگو، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (سند ۳۲-۷-۴-۴-۱۳۸۱).
- خلیلی، رضا (۱۳۸۲)، «عوامل و مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی امنیت ملی»، نشریه راهبرد، شماره ۲۹، آذر ماه.
- رحمان سرشت، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی در اندیشه نظریه پردازان، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۰)، منافع ملی در سیاست خارجی ج.ا.ا، چاپ اول، قم: نگاه نو.
- سعدآبادی، علیرضا (۱۳۸۲)، «استراتژی امنیت ملی؛ رویکرد ایرانی»، گزارش تحقیقاتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (سند ۲۴-۷-۴-۲-۱۳۸۲).
- سعیدی، روح الامین و مفیدنژاد، سید مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی راهبرد نگاه به شرق در سیاست جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای»، مقاله برگزیده هفته پژوهش در دانشگاه امام صادق(ع) (سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸).
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۱)، نظریه‌های امنیت، جلد اول، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- همو (۱۳۸۴)، دیباچه‌ای بر قانون امنیت ملی، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، گفتمان و جامعه، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فرچوند، هادی (۱۳۸۱)، «اثرات پایان جنگ سرد بر رژیم بین‌المللی خلع سلاح کشتار جمعی و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران»، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع).
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی گفتمان»، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر روش شناسی تدوین استراتژی امنیت ملی با تأکید بر مورد جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۳).
- کالینز، جان ام (۱۳۷۳)، استراتژی بزرگ، چاپ اول، ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کیانی، داوود (۱۳۸۶)، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مطالعات راهبردی.
- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)، استراتژی و برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- محسنی، علی اکبر (۱۳۷۷)، «نقش وزارت اطلاعات در رامنیت ملی و استراتژی ملی»، نشریه کار و کارگر، ۷۷/۱۱/۱.
- مرکز آموزش مدیریت دولتی (۱۳۷۲)، مدیریت استراتژیک، چاپ اول، مترجم: عباس منوریان، (تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی).
- مصفا، نسرين (۱۳۸۶)، سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، نقش عوامل تأثیرگذار سطح کلان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نودری، چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوروزی چاکلی، عبدالرضا، و دیگران (۱۳۸۶). «تولید علم ایران در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بر اساس آمار پایگاه‌های موسسه اطلاعات علمی (آی.اس.آی). فصلنامه کتاب. شماره ۷۱ (پاییز).
- ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۱)، «موانع اساسی پیدایش استراتژی امنیت ملی در ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳.

Ansari, Ali M (2007), *Iran under Ahmadinejad: the politics of confrontation*, first published, London: Routledge.

Bain, William (2006), *The empire of security and the safety of the people*, first published, London & New York: Routledge.

Baylis, John et al (2002), *strategy in the contemporary world*, first published, Oxford & New York: OXFORD UNIVERSITY Press.

Booth, Ken & J.Wheeler, Nicholas (2008), *the security dilemma: fear, cooperation and trust in world politics*, first published, New York: Palgrave Macmillan.

- Buzan, Barry & Hansen, Lene (2007), *International security*, Vol.IV, first published, London & California: SAGE Publishing.
- Craig, A.Snyder (2008), *Contemporary Security and Strategy*, second edition, New York: Palgrave Macmillan.
- Davies, Warnock & Davies, Warnock, “*understanding strategy*”, *strategy & leadership*, Vol.28, N.5 (2000).
- Dimitrakopoulou, Sophia & Liaropoulos, Andrew, “*RUSSIA’S NATIONAL SECURITY STRATEGY TO 2020: A GREAT POWER IN THE MAKING?*”[http://cria-online.org/Journal/10/Done\\_Russias\\_National\\_Security\\_Strategy\\_To\\_2020\\_A\\_Great\\_Power\\_In\\_The\\_Making\\_Dimitrakopoulou\\_Liaropoulos.pdf](http://cria-online.org/Journal/10/Done_Russias_National_Security_Strategy_To_2020_A_Great_Power_In_The_Making_Dimitrakopoulou_Liaropoulos.pdf)
- Gordon Brown unveils first National Security Strategy*, March 19, (2008), <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/politics/article3584179.ece>
- Glossary of Thompson Scientific Terminology (2008), <http://science.thompsonreuters.com/support/patents/patinf/terms>.
- Gray, Colin S (1999), *Modern strategy*, first published, OXFORD: UNIVERSITY Press.
- Grinstein, Gidi,” *for Israel, time to create a real national security strategy*” (Friday, April 20, 2007), <http://www.jweekly.com/article/full/32180/for-israel-time-to-create-a-real-national-security-strategy/>
- Hoover, Kenneth R (1980), *the elements of social scientific thinking*, second edition, New York: St. Maetins Perss.
- Hough, Peter (2008), *Understanding Global Security*, second edition, London & New York: Routledge.
- [http://en.wikipedia.org/wiki/National\\_security](http://en.wikipedia.org/wiki/National_security)
- <http://en.wikipedia.org/wiki/National-security-strategy-of-the-united-states>
- [http://epress.anu.edu.au/sdsc/rc/mobile\\_devices/cho9s02.html](http://epress.anu.edu.au/sdsc/rc/mobile_devices/cho9s02.html)
- <http://www.cabinetoffice.gov.uk/reports/national-security.aspx>
- Jacobsen, Carl G (1990), *Strategic power USA/USSR*, first published, London: Macmillan.

- Kirchner, Emil J & Sperling, James, *Global security governance*, first published, London & New York: Routledge.
- Kirshner, J. (2002), "Economic Sanctions: The State of the Art", *Security Studies*, 11: 160.
- Koithara, Verghese (1999), *society state & security: the Indian experience*, first published, New Delhi: SAGE Publications.
- Kratochwil, F & Ruggie, J (1986), "International Organization: A State of the Art on an Art of the State", *International Organization*, Vol. 40, No. 4, 753-775.
- McDermott, Roger, "Russia's national security strategy", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.6, issue.96.[http://www.jamestown.org/single/?no\\_cache=1&tx\\_ttnews%5Btt\\_news%5D=35010](http://www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews%5Btt_news%5D=35010)
- Murrey, Willianson, Knox, Mac Gregor & Bernstein, Alvin (1997), *The Making of Strategy*, fifth edition, Cambridge & New York: CAMBRIDGE UNIVERSITY Press.
- Naji, Kasra (2008), *Ahmadinejad: the secret history of Iran's Radical leader*, first published, New York: I.B. Tauris & Co. Ltd.  
[http://en.wikipedia.org/wiki/State\\_of\\_the\\_art](http://en.wikipedia.org/wiki/State_of_the_art)
- Neustadt, Richard E & May, Ernest R (1986), *thinking in time: the Uses of history for decision*, USA: The Free Press.
- New thinking in China's national security strategy*[http://translate.google.com/translate?hl=fa&sl=en&tl=fa&u=http%3A%2F%2Ffepress.anu.edu.au%2Fsdsc%2Frc%2Fmobile\\_devices%2Fch09s02.html&anno=2](http://translate.google.com/translate?hl=fa&sl=en&tl=fa&u=http%3A%2F%2Ffepress.anu.edu.au%2Fsdsc%2Frc%2Fmobile_devices%2Fch09s02.html&anno=2)
- Rotblat, Joseph (1991), *Striving for Peace, Security and Development in the World*, first published, Singapore: World Scientific Publishing Co.Pte.Ltd.
- Sharpe, Mary & Agbolaje, Abimbola (2006), *science and society in the face of the new security threats*, first published, Amsterdam: IOS Press.



Tran, Elizabeth (2002), *Security of personal data across national borders*, first published, Seattle, Washington: Central Washington University.

Willam, Michael C (2007), *Culture & security*, first published, USA & Canada: Routledge.

Zysk, Katarzyna (2009), *Russian National Security Strategy to 2020*, [http://www.geopoliticsnorth.org/index.php?option=com\\_content&view=article&id=87:russian-national-security-strategy&catid=1:latest-news](http://www.geopoliticsnorth.org/index.php?option=com_content&view=article&id=87:russian-national-security-strategy&catid=1:latest-news)



## زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمانند در بریتانیا

کاووس سیدامامی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۲۰

سید محمدمهدی حسینی فائق\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۶

### چکیده

اسلام‌هراسی معضلی است که در اشکال مختلف تبعیض، خشونت، طرد، توهین نمایان می‌گردد و گسترش روزافزون این معضل و پیامدهای آن تأثیرات زیانباری بر جوامع مسلمان کشورهای غربی داشته است. گسترش و رشد اسلام‌هراسی در برخی از حوزه‌ها نظیر رسانه‌ها یا سطوح رسمی و دولتی به دلیل دامنه نفوذ گسترده، توانمندی و تأثیرات عمیقی که دارند، نیازمند توجه و بررسی‌های جدی است. در بریتانیا مسلمانان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی هستند و از این رو، توجه به اسلام‌هراسی و پیامدهای آن در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله با بررسی اسلام‌هراسی در سطوح رسمی و دولتی بریتانیا تلاش کرده‌ایم تا پس از تعریف اسلام‌هراسی، مفهوم «اسلام‌هراسی ساختمانند» را در کانون تحلیل خود از موضوع قرار دهیم. بنابراین، سؤال و بررسی اصلی این مقاله چگونگی شکل‌گیری اسلام‌هراسی ساختمانند به ویژه پس از یازده سپتامبر است. مباحث در دو محور کلی ارائه شده است. نخست، اسلام‌هراسی ساختمانند در چارچوب‌های نظری و قانونی (با نگاهی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و برخی از قوانین بریتانیا که به طور خاص با موضوع مذکور مرتبط هستند، نظیر قانون روابط نژادی و قوانین مبارزه با تروریسم) مورد بررسی قرار گرفته و سپس اسلام‌هراسی ساختمانند در چارچوب‌های عملی و اجرایی (نظیر اقدامات پلیس و سایر تهاذهای اعمال قانون و نیز تبعیض در اجرای قوانین ضد تروریستی) بحث شده است. مقاله در پی بیان این است که ساختار رسمی و قانونی بریتانیا، در بخش وضع و اجرای قوانین، نتوانسته به طور شایسته از حقوق مسلمانان (به عنوان یک اقلیت مذهبی) حمایت کند و در نتیجه این امر در سال‌های گذشته شاهد شکل‌گیری نوع خاصی از اسلام‌هراسی و تبعیض ضد مسلمانان بوده‌ایم که آن را تحت عنوان اسلام‌هراسی ساختمانند مفهوم‌سازی کردیم.

### واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، اسلام‌هراسی ساختمانند، بریتانیا، قوانین ضد تروریسم، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

seyedemami@isu.ac.ir

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

\*\* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

h.faeigh@gmail.com

## مقدمه

قرن بیست و یکم عصر آزادی و حقوق بشر و احترام به همه حقوق فردی تصور می‌شود و تمام سیاستمداران و رهبران سیاسی با افتخار بر حمایت و گسترش این اصول تأکید می‌ورزند. برای مسلمانانی که امروزه در اتحادیه اروپا و بریتانیا<sup>۱</sup> زندگی می‌کنند، باور این شعارها مشکل است؛ زیرا در عمل وضع به گونه‌ای دیگر است؛ آنان نه تنها از عملی شدن این شعارها به درستی بهره‌مند نمی‌گردند بلکه شاهدند که تبعیض و ناشکیبایی ضد آنان روزبه‌روز افزایش می‌یابد و اقدام موثری در جهت مقابله با آن اندیشیده نمی‌شود. نکته‌ای که ذکر آن در ابتدای بحث ضروری به نظر می‌رسد اینست که بریتانیا در میان کشورهای غربی یکی از کشورهایی است که مسلمانان در آن به نسبت از آزادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی برخوردارند<sup>۲</sup> (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸) ولی با این همه در این کشور نیز شاهد گسترش اسلام‌هراسی هستیم. هدف از طرح بحث حاضر نفی آزادی‌هایی که مسلمانان در بریتانیا از آن برخوردارند نیست<sup>۳</sup> بلکه در پی بررسی وضعیتی هستیم که مسلمانان بریتانیا (به طور عمده تحت تأثیر سیاست‌های رسمی و قانونی - به طور عمدی یا غیرعمدی) با آن روبه‌رو هستند. طرح مباحث مربوط به وجود و گسترش اسلام‌هراسی در بریتانیا، با توجه به تأکید فراوان مسئولان و جامعه این کشور بر مفاهیمی مانند تساهل، چندفرهنگ‌گرایی، حقوق بشر، احترام به حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و عقیده و مقایسه این شعارها با وضعیت فعلی مسلمانان در بریتانیا صورت گرفته است.<sup>۴</sup> شواهد زیادی در مورد وجود اسلام‌هراسی در بریتانیا به‌واسطه نظرسنجی‌های معتبر سازمان‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی در دست است<sup>۵</sup> و پدیده مذکور، به‌ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، به طور واضح در سطح جامعه قابل مشاهده بوده است (Marranci, 2004, p.105). اسلام‌هراسی در بریتانیا در سه حوزه نمود بیشتری دارد: (الف) بخش دولتی و رسمی، (ب) رسانه‌ها، و (ج) فضای عمومی. البته می‌توان گفت که دو حوزه اول در گسترش اسلام‌هراسی در فضای عمومی نقش بسیار کلیدی دارند و وجود اسلام‌هراسی در فضای عمومی جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر از دو عامل نخست است.<sup>۶</sup>

سؤال اصلی این مقاله درباره بررسی نقش نهادهای رسمی و دولتی بریتانیا در گسترش اسلام‌هراسی است که در این میان تمرکز ویژه‌ای بر قوانین و نوع اجرای آن‌ها به عمل آمده است. اهمیت بررسی این مطلب از آنجایی که با توجه به نقش انکارناپذیر دولت در مدیریت بخش‌های مختلف جامعه، به نظر می‌رسد یکی از قدرتمندترین نهادهای مقابله با گسترش اسلام‌هراسی بخش دولتی و رسمی باشد و اقدامات اسلام‌هراسانه هنگامی حالت جدی‌تری به خود می‌گیرد که با سکوت یا پذیرش ضمنی دولت همراه باشد. اگر دولت برای مقابله با اسلام‌هراسی اقدام جدی به عمل نیاورد و نسبت به اقدامات اسلام‌هراسانه در سطوح مختلف جامعه بی‌تفاوت باشد، اسلام‌هراسی روندی روبه‌رشد خواهد داشت و تأثیرات آن در جامعه بیشتر خواهد بود. این مقاله ضمن ارائه تعریفی از اسلام‌هراسی و معرفی مفهوم «اسلام‌هراسی ساختمان‌دو»<sup>۷</sup> در پی بررسی نقش حوزه رسمی و دولتی در گسترش اسلام‌هراسی است. مباحث در دو محور ارائه شده است: نخست، قوانینی<sup>۸</sup> که در اسلام‌هراسی نقش دارند (یا به نوعی بر زندگی مسلمانان مؤثرند) و سپس پیاده شدن این قوانین و رویه‌ها در عرصه عمل و در مرحله اجرا.

### ۱. اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی که در زبان انگلیسی «Islamophobia» خوانده می‌شود از ترکیب دو کلمه اسلام (Islam)، حرف ما بعد کلاسیک O و کلمه فوبیا (phobia) به معنای ترس یا بیزارى نامعقول از چیزی تشکیل شده است. اسلام‌هراسی ترسی واهی در میان سیاستمداران و افراد عادی است، مبنی بر اینکه دنیای اسلام به‌طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به‌طور اخص منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است. البته باید توجه داشت که هرچند کاربرد این واژه به چند دهه اخیر باز می‌گردد،<sup>۹</sup> بحث اسلام‌هراسی پیشینه‌ای تاریخی دارد و در پس‌زمینه آن علل مختلف تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و روان‌شناختی وجود دارد. به‌طور کلی اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر

مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد؛ یک دین خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه پایین‌تری قرار دارد. بر این اساس، مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند.<sup>۱۰</sup> شکل‌گیری فضای ضد اسلامی ضد مسلمانان در کشورهای غربی (که توسط احزاب راست افراطی و رسانه‌ها تقویت می‌شود) منجر به سخت شدن شرایط زندگی برای مسلمانان شده و بدیهی است که این فضا زمینه را برای اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان بیشتر می‌کند. امروزه این فضای ضد اسلامی تا حدی پیش‌رفته که در برخی از پژوهش‌ها اسلام‌هراسی به عنوان یک شکل از عدم تساهل در کنار بیگانه‌هراسی<sup>۱۱</sup> و یهودستیزی<sup>۱۲</sup> شناخته شده است (Roald, 2004, p.53). دیگری اسلام‌هراسی را شکل جدیدی از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز مانند یهودی‌ستیزی، از سنخ بیگانه‌ترسی، نژادپرستی و عدم تساهل است (Johnson et al., 1998, p.182). در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی واژه‌ای با اشکال بسیار متفاوت است که در سه حوزه عمومی، رسانه‌ای و دولتی رخ می‌دهد و برآیند همه اشکال و پیامدهای آن اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان، تجاوز به حقوق آنان، برخورد فیزیکی، توهین لفظی، بی‌حرمتی به مقدسات، تبعیض سازمان‌یافته، و نادیده‌انگاری و بیگانه‌انگاری مسلمانان است.

## ۲. اسلام‌هراسی ساختمانند

مفهوم اسلام‌هراسی ساختمانند را از طریق قرینه‌سازی با مفهوم نژادگرایی ساختمانند ساخته‌ایم. دیگر مفاهیم مرتبط با نژادگرایی ساختمانند عبارت‌اند از: نژادگرایی نظام‌مند (Cashmore, 2008, p.416) و نژادگرایی نهادی (Cashmore, 2008, p.204). نژادگرایی ساختمانند را «استاکلی کارمایکل»<sup>۱۳</sup> در دهه ۱۹۶۰ میلادی برای وجود نوعی از تبعیض نژادی در ایالات متحده به کاربرد که به واسطه عملکرد نهادهای دولتی، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی اثرگذاری چون نهادین و آموزش و پرورش در جامعه شکل می‌گیرد. مهم‌ترین پیامد این‌گونه نژادگرایی کوتاهی جمعیتی یک سازمان در ارائه خدمات تخصصی و مناسب برای مردم به سبب رنگ پوست، نژاد، یا فرهنگ آنان

است. بنابراین نژادگرایی ساختمانند دلالت بر این دارد که یک نظام در سیاست‌های عمومی، فعالیت‌های سازمانی، نمودهای فرهنگی، و دیگر هنجارها در ارتباط با گروه‌های مختلف شهروندان به واسطه تفاوت‌های نژادی به‌گونه‌ای متفاوت برخورد می‌کند و زمینه را برای تقویت و پایدار ساختن بی‌عدالتی و تبعیض ضد گروه‌های نژادی یا قومی فراهم می‌سازد.<sup>۱۴</sup>

هنگامی که اقدامات اسلام‌هراسانه و تبعیض‌آمیز در سطوح رسمی و دولتی رخ دهد و فراتر از اقدامات احزاب نژادپرست، افراطیون و گروه‌های ضدم هاجران باشد، توجه و بررسی آن اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند، زیرا از رخ‌دادن شکلی از اسلام‌هراسی حکایت دارد که تأثیر آن بر وضعیت مسلمانان شدیدتر از حوزه‌های دیگر است. در مورد نقش دولت و نهادهای رسمی در گسترش اسلام‌هراسی دو حالت قابل فرض است: نخست اینکه دولت به صورت سازمان‌یافته و هدفمند به مقابله با اسلام و مسلمانان پردازد و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را از این طریق گسترش دهد. در این حالت دولت و نهادهای رسمی با وضع قوانین ضد مسلمانان به طور آشکار با آنها مقابله می‌کنند و در ساختارهای دولتی و رسمی هم شرایطی ایجاد می‌شود که در نتیجه آن مسلمانان مورد تبعیض قرار می‌گیرند. شکل دوم (که در این مقاله مد نظر است) بدین‌گونه است که دولت به شکل آشکار ضد مسلمانان قانون وضع نمی‌کند و در رویه‌های سازمانی و رسمی هم ساختار آشکاری وجود ندارد که در آن مسلمانان مورد تبعیض قرار گیرند، اما از طرف دیگر، در نتیجه وضع یا اجرای برخی قوانین (به طور غیررسمی و حتی شاید ناخواسته) مسلمانان در معرض فشار و تبعیض قرار می‌گیرند و با این وجود نهادها و ساختارهای دولتی تمهیدات لازم را برای حفظ و تأمین حقوق مسلمانان (به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی) فراهم نمی‌کنند. به‌طور کلی شکست، ناتوانی و قصور جمعی سازمانی در ارائه خدمات مناسب و لازم به اقلیت مسلمان به سبب ریشه دینی، نژادی یا فرهنگی آنان اسلام‌هراسی ساختمانند نامیده می‌شود که در نتیجه آن پیش‌داوری، تبعیض و نادیده‌انگاری حقوق مسلمانان گسترش می‌یابد.

اسلام‌هراسی ساختمانند شکلی از اسلام‌هراسی است که نتایج آن فراتر از اقدامات گروهی از نژادگرایان و احزاب راست افراطی می‌رود؛ زیرا نفوذ و قدرت دولت و

ساختارهای دولتی بسیار گسترده و فراگیرتر از این گروه‌هاست و هر مسلمان ساکن بریتانیا به‌نوعی با این ساختارهای سازمانی و قانونی دولتی در ارتباط است. البته باید توجه داشت اسلام‌هراسی ساختمانده می‌تواند زمینه را برای حرکت به سمت اسلام‌هراسی آشکار فراهم نماید. مسیر مذکور در شکل زیر نمایش داده شده است:<sup>۱۵</sup>



در فضای فعلی جامعهٔ بریتانیا به رغم وجود قوانین بازدارندهٔ تبعیض، چگونگی تفسیر قوانین و نحوهٔ عملکرد دستگاه‌های پلیسی و قضایی بریتانیا، منجر به شکل‌گیری نوعی اسلام‌هراسی ساختمانده در بریتانیا شده است. در این شرایط، اظهارات برخی از مقامات رسمی (که به بهانهٔ مقابله با افراط‌گرایان در اظهارات خود اسلام و مسلمانان را متهم به تشویق تروریسم می‌نمایند)، اوضاع را پیچیده‌تر می‌نماید. برای مثال تونی بلر در سخنرانی خود در همایش ملی حزب کارگر در ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۵ «عقاید بربری»<sup>۱۶</sup> مسلمانان افراطی را این‌گونه برمی‌شمرد: حذف اسرائیل، حذف غربی‌ها از کشورهای اسلامی، عدم توجه به مردم و دولت، تأسیس دولت طالبان و برقراری احکام شریعت و احیای خلافت اسلامی برای همه ملت‌های مسلمان.<sup>۱۷</sup> البته همان‌طور که خاطر نشان شد، این اظهارات و دشمنی آشکار در قوانین و رویه‌های سازمانی به‌طور آشکار تجلی نیافته است، اما با توجه به وضعیت فعلی اگر راهکاری برای مقابله با آن اندیشیده نشود، این امر زیاد دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد. در ادامهٔ بحث به بررسی قوانین و نحوهٔ اجرای آن‌ها می‌پردازیم تا نقش دولت و ساختارهای قانونی در اسلام‌هراسی (که اسلام‌هراسی ساختمانده نامیده شد) مشخص شود.



## ۲-۱. اسلام‌هراسی ساختمانند: بررسی قوانین

### ۲-۱-۱. قانون روابط نژادی

سابقه استعماری بریتانیا در کشورهای اسلامی سبب مهاجرت بسیاری از مسلمانان به این کشور شد. در سال‌های آغازین این مهاجرت‌ها، مسلمانان به عنوان نیروی نظامی، یا کارمند (و مشاغلی از این دست که به نوعی با دولت بریتانیا در ارتباط بوده) به این کشور مهاجرت کردند بدون اینکه حس دشمنی خاصی نسبت به بریتانیا داشته باشند. پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به نیاز بریتانیا به نیروی کار برای بازسازی خرابی‌های جنگ و بهبود اوضاع اقتصادی، ورود مهاجران مسلمان به بریتانیا تشدید شد. هدف بیشتر مهاجران این بود که سرمایه‌ای جمع کرده و پس از مدتی به کشورهای خود بازگردند (Fetzer & Soper, 2005, p.26). در سال ۱۹۴۸ «قانون ملیت بریتانیایی»<sup>۱۸</sup> تصویب شد. بر اساس این قانون، مهاجران کشورهای مشترک‌المنافع امکان دسترسی به کلیه حقوق و شهروندی بریتانیایی را پیدا کردند.<sup>۱۹</sup> با تصویب این قانون، مهاجران کشورهای مشترک‌المنافع نه بیگانه محسوب می‌شدند و نه جزو مهاجران بودند بلکه می‌توانستند از کلیه حقوق شهروندان انگلیسی بهره‌مند شوند (Adolini, 1998, p.25). بر این اساس، ۸۰ میلیون نفری که تحت امر امپراتوری بریتانیا بودند، اجازه ورود و اسکان در بریتانیا را یافتند (Joppke, 1998, p.287). در سال‌های اولیه تصویب قانون ۱۹۴۸ مشکلی ایجاد نشد و فقط شورش‌های ضد مهاجرتی محدودی در اواخر دهه ۱۹۴۰ اتفاق افتاد. اما با وقوع شورش‌های ضد مهاجرت در دهه ۱۹۶۰، نگرانی‌ها افزایش یافت. در سال ۱۹۶۲ قانون مهاجرت در کشورهای مشترک‌المنافع<sup>۲۰</sup> توسط گروهی از حزب محافظه‌کار و حزب کارگر تصویب شد که این قانون هم کسب شهروندی بریتانیا و هم ورود اتباع کشورهای مشترک‌المنافع به بریتانیا را مشکل می‌ساخت. ایناک پاول<sup>۲۱</sup> در سال ۱۹۶۸ سخنرانی تندی با عنوان «رودهای خون» انجام داد و خواستار پایان یافتن مهاجرت غیرسفیدها به بریتانیا شد.<sup>۲۲</sup> هر چند که محافظه کاران پس از این سخنرانی وی را از دولت سایه اخراج کردند، اما این سخنرانی موضوع مهاجران را در بریتانیا پررنگ کرد (Spencer, 1997, p.142) و سیاست‌های جدیدی برای کاهش میزان مهاجرت اتخاذ گردید. بالاخره در بریتانیا نیز همانند سایر

کشورهای اروپای غربی، قوانین سخت‌گیرانه‌ای در مورد پذیرش مهاجران وضع شد (Money, 1999, pp.66-68). تدوین قوانین مهاجرتی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چند تأثیر عمده بر روی جامعه بریتانیا داشت:

- با این قوانین بحث‌هایی جدی در مورد هویت و نژاد بریتانیایی مطرح شد؛
- بحث‌های هویت نژادی زمینه را برای طرح گفتمان‌های نژادپرستانه و ظهور احزاب افراطی مهیا کرد؛
- احزاب پارلمانی برای کسب موفقیت گرایش‌های دست راستی پیشه کردند (لوییس، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰).

زمینه‌های اولیه وضع سیاست‌های کنترل مهاجرت‌ها در بریتانیا برخاسته از مباحث نژادی بود و با وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر مهاجرتی عملاً از مهاجرت رنگین‌پوستان از آفریقا، کارائیب و شبه‌قاره هند به بریتانیا جلوگیری می‌شد، درحالی‌که بسیاری از این افراد طبق قانون سال ۱۹۴۸ از اتباع بریتانیا محسوب می‌شدند. با افزایش حضور مهاجران در جامعه بریتانیا، نوعی حساسیت ضد آنان برانگیخته شد و موجب فعال شدن گروه‌های نژادپرست، افراطی و ضد مهاجران شد. در این شرایط نژادگرایی که پیش از این حول محور مقابله و برخورد با رنگین‌پوست‌ها (به عنوان اقلیت) در جریان بود، دچار یک تحول اساسی گشت. به عبارتی، پیش از ورود عمده مهاجران آسیایی (و مسلمانان)، تمرکز گروه‌های نژادپرست بر روی رنگ پوست بود و به طور خاص با سیاه‌پوستان و حضور آنان در جامعه بریتانیا مقابله می‌کردند. پس از جنگ جهانی و ورود سیل عظیم مهاجران آسیایی توجه به مسئله نوع «نژاد» و نژادهای غیرسفید جلب گردید (نگاهی که هنوز آثار آن در بحث سرشماری و آمارگیری بریتانیا موجود است)<sup>۲۳</sup> و توجهات نژادگرایانه از رنگ پوست به نوع نژاد تغییر یافت.<sup>۲۴</sup> دولت برای رفع این مشکل در سال ۱۹۷۶ قانون روابط نژادی<sup>۲۵</sup> را تصویب کرد<sup>۲۶</sup> و بر اساس آن هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد یا قومیت ممنوع گردید و بدین منظور کمیسیون برابری نژادی<sup>۲۷</sup> تشکیل شد تا بر اجرای صحیح این قانون نظارت کند. اما مشکلی که برای مسلمانان در بهره‌گیری از این قانون وجود داشت، این بود که تبعیض بر اساس مذهب را مورد توجه قرار نداده و از آنان در مقابل تبعیض‌های مذهبی حمایتی نکرده بود.<sup>۲۸</sup> مسلمانان

از دیدگاه این قانون یک گروه نژادی نیستند و برای بهره‌گیری از این قانون و دفاع از حقوق خود در مقابل تبعیض مجبورند ثابت کنند که به عنوان یک گروه نژادی (نه به عنوان یک مسلمان) مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، یک مسلمان بر اساس قانون یادشده می‌تواند به عنوان یک آسیایی از تبعیض‌هایی که ضد او روا داشته شده، شکایت کند، اما به عنوان یک مسلمان شکایت او قابل پیگیری نیست؛ زیرا قانون دربارهٔ مقابله با تبعیض مذهبی راهکاری را ارائه نکرده و به نظر می‌رسد دولت نسبت به هویت مذهبی مسلمانان بی‌تفاوت بوده است.<sup>۲۹</sup> البته بخشی از علت این امر به خود مسلمانان باز می‌گشت؛ زیرا از آنجاکه مسلمانان قصد اقامت دائم در بریتانیا را نداشتند، ترجیح می‌دادند که برای اجتناب از به وجود آمدن مشکلات احتمالی با دولت و جامعهٔ بریتانیا، جنبه‌های مذهبی هویت خود را چندان برجسته نکنند<sup>۳۰</sup> (Ramadan, 1999, p.113). هر چند که در نسل‌های بعدی پنهان نمودن جنبهٔ مذهبی غیرممکن شد، قانون همچنان در این زمینه انعطافی نشان نداد. با گذشت زمان، دولتمردان همچنان سرسختانه با گنجاندن تبعیض مذهبی در قانون روابط نژادی مخالفت کردند. در تحقیقی که در سال ۱۹۹۹ برای بررسی تبعیض مذهبی توسط وزارت کشور<sup>۳۱</sup> با عنوان «گزارش دربی»<sup>۳۲</sup> انجام شد، خاطر نشان شده بود که مسلمانان با تبعیض‌های فراوان در بخش‌های آموزش، اشتغال، مسکن، قانون و تمام خدمات دولتی که نیاز به تکمیل پرسش‌نامه دارند، روبه‌رو هستند. در این گزارش به دولتمردان توصیه شده بود تا قوانین جدیدی برای رفع تبعیض ضد مسلمانان تصویب کنند (Weller et al., 2004, p.103). در سال ۲۰۰۰ لرد احمد<sup>۳۳</sup> لایحه‌ای را برای الحاق به قانون روابط نژادی پیشنهاد داد که بر اساس آن از تبعیض‌های مذهبی جلوگیری شود، اما دولت حزب کارگر با این توجیه که در قانون حقوق بشر ۱۹۹۸<sup>۳۴</sup> حمایت کافی از مسلمانان به عمل آمده است با الحاق این لایحه مخالفت کرد (Fetzer & Soper, 2005, p.32).

در ادامهٔ بحث به بررسی کلی حقوق بشر در اروپا و جایگاه مسلمانان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که همهٔ کشورهای اتحادیه اروپا از جمله بریتانیا متعهد به آن هستند، می‌پردازیم تا میزان حمایت آن از حقوق مسلمانان و کاستی‌های آن مشخص گردد.

## ۲-۱-۲. حقوق بشر در اروپا

در اروپای پس از جنگ جهانی دوم حقوق بشر و آزادی‌های اساسی محور اصلی تحولات سیاسی بوده‌اند. شورای اروپا یکی از نهادهایی است که از جمله وظایف اصلی آن موضوع حقوق بشر است، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی اروپا از ابزارهای قانونی نظم عمومی اروپا در این دوران به شمار می‌روند. اتحادیه اروپا بعد از جنگ سرد حقوق بشر را به یکی از مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی خود بدل ساخته است. با اجرای پیمان ماستریخت، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا مبدل شده است، به طوری که نقض جدی و دائمی آن می‌تواند به تعلیق عضویت کشور مورد نظر منجر شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر یکی از اهداف سیاست خارجی و سیاست امنیتی مشترک اتحادیه اروپا به شمار می‌رود (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱). منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا که در شهر نیس در ۲۰۰۰ منتشر شد، برای اولین بار در تاریخ اتحادیه اروپا و در یک متن واحد انواع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اروپایی و تمامی افراد ساکن در این اتحادیه را تعیین کرد. شرایط مطرح شده در این منشور نهادهای اتحادیه را مخاطب قرار می‌دهد. هر گونه اقدام کمیسیون اروپا در زمینه روابط خارجی با توجه به حقوق و اصول مذکور در منشور انجام می‌شود (خطیبی، ۱۳۸۶، صص ۴۳-۴۵).

حقوق بشر، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون ارزش‌های بنیادین اتحادیه اروپا هستند و این موضوع در تمام معاهده‌های اتحادیه اروپا مد نظر قرار گرفته و بیان شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۳۵</sup> مقرر می‌کند که همه در برابر قانون برابرند و عادلانه استحقاق برخورداری از حمایت قانون را دارند (UDHR, Article 7). ماده دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۳۶</sup> (ICCPR) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۳۷</sup> دولت‌ها را موظف می‌سازد که بدون تمایزگذاری از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، باور سیاسی و دیگر باورها، خاستگاه ملی و اجتماعی، مالکیت، تولد و دیگر شئون (ICCPR, Article 2; ICESCR, Article 2)، به حقوق مطرح شده در این اسناد احترام بگذارند. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در بردارنده موارد مشابه است.

ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام و مقرر می‌کند که قانون باید مانع هرگونه تبعیض شود و برای همه اشخاص حمایت برابر و مؤثر در مقابل تبعیض در هر زمینه‌ای، مانند نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، باور سیاسی و دیگر باورها، خاستگاه ملی و اجتماعی، مالکیت، تولد و دیگر شئون را تضمین کند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل اشاره کرده است که ماده ۲۶ هم تبعیض در قانون را منع می‌کند و هم در مورد دوم، حقوق سیاسی، مانع از اقدامات مقامات دولتی و شخصیت‌های خصوصی و گروه‌ها می‌شود. این کمیته همچنین اشاره دارد که اجرای اصل عدم تبعیض مندرج در این ماده فقط به حقوقی که در میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی آمده است، محدود نمی‌شود. منشور اروپایی حقوق بنیادین، که به هنگام به اجرا در آمدن قانون اساسی جدید اتحادیه اروپا برای دولت‌های عضو این اتحادیه لازم خواهد شد، نیز همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دربردارنده منع کلی تبعیض است. ماده ۴ اعلامیه رفع هرگونه عدم تساهل و تبعیض بر اساس دین یا باور (اعلامیه عدم تساهل و تبعیض دینی)، که در سال ۱۹۸۱ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، از دولت‌ها می‌خواهد که در جهت شناسایی، اجرا و بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در همه حوزه‌های حیات مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات مؤثری برای جلوگیری و رفع تبعیض بر اساس دین و باور به عمل آورند. افزون بر این، از دولت‌ها خواسته شده است همه تلاش خود را برای منع این تبعیض به عمل آورند، قوانینی را لغو یا تصویب کنند، و اقدامات مناسب را برای مبارزه با عدم تساهل در حوزه دین یا باور مبذول دارند. دولت‌های عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا بارها خود را به احترام بدون تمایز به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز تضمین حمایت در مقابل تبعیض متعهد ساخته‌اند.<sup>۳۸</sup> کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ تصویب و در سال ۱۹۵۳ اجرایی شد. کنوانسیون در مقدمه، با اشاره به اعلامیه جهانی حقوق بشر و با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های اروپایی هم‌فکرند و دارای میراث مشترک و سنت‌های سیاسی، عقیدتی، آزادی‌خواهی و حکومت قانون هستند، اعلام می‌دارد که این کنوانسیون نخستین گام در اجرای دسته‌جمعی برخی حقوق اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. کنوانسیون

شامل فهرستی از حقوق و آزادی‌های اساسی است که دولت‌ها بر اساس این کنوانسیون رعایت و حفظ آن را به طور همگانی تعهد داده و ضمانت می‌کنند. بر اساس این کنوانسیون، رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی در دادگاه‌ها و محاکم قضایی، حق حیات، منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، آزادی و امنیت، دادگاه‌های عادلانه، احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، پاسخگویی، آزادی بیان، اندیشه و مذهب باید به رسمیت شناخته شده و حمایت گردد. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده است و دولت‌های اروپایی با تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در واقع حقوق اساسی ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را در قالب قرارداد بین خود درآوردند و سازوکار اجرایی خاصی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند.

ماده یک کنوانسیون اعلام می‌کند که دولت‌های امضاکننده این کنوانسیون برای همه افرادی که در حوزه صلاحیت آن‌ها قرار دارند، حقوق و آزادی‌های ذکر شده در بخش «یک» این کنوانسیون را تضمین می‌کند. از جمله این حقوق می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

منع شکنجه و مجازات غیرانسانی (ماده ۳)، منع بردگی، استثمار و کار اجباری (ماده ۴)، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بازداشت شخصی جز به علت قانونی و به وسیله مقامات با صلاحیت، اعلام علت بازداشت و تحویل سریع به مقامات قضایی، حق اعتراض به بازداشت غیرقانونی به دادگاه، حق مطالبه خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت (ماده ۵) علنی و عادلانه بودن محاکمات و اعلان رای به صورت علنی (ماده ۶) و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عطف به موارد گذشته، نشدن قانون (ECHR, article 7).<sup>۳۹</sup> حق آزادی فکر، عقیده، تغییر مذهب، آزادی بیان، تشکیل اجتماعات و شرکت در آن‌ها در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ پیش‌بینی شده و در ماده ۱۴ تصریح شده که برخورداری از حقوق اعلام شده در کنوانسیون بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث رنگ پوست، نژاد، مذهب، زبان و ملیت اجرا می‌شود.

دو نوع محدودیت در ارتباط با حقوق مندرج در کنوانسیون برای هر دولت ذکر شده است: یکی محدودیت‌هایی است که هر دولت طبق قانون برای رعایت نظم عمومی و امنیت جامعه و حفظ سلامتی و اخلاق جامعه در خصوص آزادی بیان،

اجتماعات و اظهار مذهب می‌تواند برقرار نماید که در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ ذکر شده است، و دیگری حق انصراف یا در واقع خودداری از اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون است که دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌توانند از آن استفاده نمایند (ماده ۱۵).

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فقط یک بند با تبعیض مذهبی مخالفت می‌کند و آن‌هم ماده ۱۴ است (ECHR, article 14).<sup>۴۱</sup> در عین اینکه کنوانسیون کوشیده تا از لحاظ نظری امکان حفظ حقوق بشر و آزادی را به رسمیت بشناسد اما محقق شدن این موارد در عرصه عملی و اجرایی با مشکلاتی روبه‌روست که این مشکلات از یک سو به رویه‌های دولت‌ها و میزان پایبندی آن‌ها به کنوانسیون بازمی‌گردد و از سوی دیگر به بندهای خود کنوانسیون مربوط می‌شود. بر اساس ماده ۱۵ امکان نادیده گرفتن تعهدات دولت‌ها ممکن است و دولت‌ها می‌توانند در شرایط جنگ یا هر وضعیت اضطراری دیگر از انجام مواردی که متعهد شده‌اند، سرباز زنند (درحالی که برخی بندها تحت هر شرایطی - حتی شرایط اضطراری - قابل اجرا هستند)<sup>۴۱</sup> و ماده ۱۴ از این میان مستثنی نشده است. ماده ۱۵ از نگاهی دیگر بدین معنی است که مقابله با تبعیض، که در ماده ۱۴ آمده است، در اولویت‌های نخست دولت‌های اروپایی نیست و دولت‌ها تحت شرایط خاص<sup>۴۲</sup> ضمن سلب تعهد از پاسخگویی در این زمینه، می‌توانند از حق دادگاه عادلانه، تضمین آزادی و امنیت برای شهروندان، فراهم نمودن آزادی در اندیشه و عمل، آزادی بیان و اجتماعات و حق ازدواج و حق داشتن خانواده و مواردی از این دست سر باز زنند، درحالی که هدف از وضع قوانین مذکور این است که به قربانیان تبعیض کمک کند و حقوق شهروندان را به رسمیت بشناسد. به عبارتی، از لحاظ نظری ماده ۱۴ و ۱۵ بیانگر نوعی سردرگمی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. از یک سو ماده ۱۴ چنین حقوقی را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر بر اساس ماده ۱۵ به نوعی راه را برای عدم تعهد به انجام چنین مسئولیت‌ها و تکالیفی باز کرده است.<sup>۴۳</sup>

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد مسائل اساسی مربوط به جامعه مسلمانان، سیاست‌های پناهندگی، کنترل مهاجرت و همکاری‌های پلیسی با حفظ حریم خصوصی افراد سکوت کرده و کمیسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۴۴</sup> و دادگاه اروپایی حقوق بشر<sup>۴۵</sup>

مبنایی برای قضاوت درباره این مسائل ندارند. باید این نکته را ذکر کنیم که کنوانسیون با وجود اینکه حقوق گروه‌هایی مانند هم‌جنسگرایان و طرفداران سقط‌جنین را به رسمیت شناخته، اما به حقوق مسلمانان (به طور خاص) به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی (در بیشتر کشورهای اروپایی) توجهی نکرده است. در نتیجه بسیاری از شکایات مسلمانان اصولاً بر اساس قوانین مذکور قابل طرح در کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیست. بر اساس گزارش «کمیسیون حقوق بشر اسلامی»<sup>۴۶</sup> آماری که در سال ۱۹۹۳ به دست آمده، از میان بیش از ۲۰۰۰ موردی که به کمیسیون اروپایی حقوق بشر گزارش داده شده، ۱۴۵۰ مورد قابل طرح در کمیسیون تشخیص داده نشده‌اند و از ۲۵۰ شکایتی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، فقط ۴۱ شکایت در مرحله دادرسی و دادگاه مطرح شده‌اند که بر اساس این گزارش تاکنون موردی درباره تبعیض مذهبی (که در ماده ۱۴ آمده است) در دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دیوان عدالت اروپایی به نتیجه نرسیده است (Ishaq<sup>۴۷</sup>, 1999, p.3). برای نشان دادن ناکارآمدی این کنوانسیون، علاوه بر موارد یادشده، مسائل زیر را باید در نظر داشت:

تأمین هزینه زیاد دادرسی‌ها برای شهروندان معمولی بسیار مشکل است. شاکیان حدود ۵ سال در فهرست انتظارند تا شکایت آن‌ها بررسی شود<sup>۴۸</sup> (Ishaq, 1999, p.3). به نظر می‌رسد که به طور شایسته‌ای دادرسی و احقاق حقوق مسلمانان صورت نگرفته و قانون‌گذاران اروپایی در به رسمیت شناختن برخی حقوق برای مسلمانان (حقوق دینی و مذهبی) کوتاهی و غفلت نموده‌اند و شاید این منصفانه باشد که بگوییم در قوانین و نظام قضایی اروپا راهکارهای مؤثری برای مقابله با اسلام‌هراسی وجود ندارد.

## ۲-۱-۳. قانون مبارزه با تروریسم

پس از ناآرامی‌های شمال در سال ۲۰۰۱ و آغاز مبارزه با تروریسم و در نتیجه سیاست‌های دولت، نوعی ترس از اقلیت مسلمان ساکن در جامعه بریتانیا به وجود آمد.<sup>۴۹</sup> به گفته «کاندانی»<sup>۵۰</sup> در گزارش «همبستگی اجتماعی»<sup>۵۱</sup> پس از ناآرامی‌های شمال دولتمردان در سطوح مختلف کوشیدند مقصری برای این وقایع پیدا کنند و در این میان مسلمانان به عنوان مقصر اصلی معرفی شدند.<sup>۵۲</sup> در همین مقطع لایحه مبارزه



با تروریسم با شتاب فراوان به مجلس فرستاده شد، که بر اساس آن این اجازه به دولت داده می‌شد که بدون هیچ دلیل قانونی بتواند کلیه اتباع خارجی را که مظنون به تروریسم هستند، بازداشت کند. دولت بریتانیا باید برای اجرایی کردن این قانون به نوعی ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۵۳</sup> را نادیده می‌گرفت (به استناد اینکه در شرایط جنگ و شرایط اضطراری قرار دارد که در این وضعیت امنیت اجتماعی و زندگی اتباع آن به خطر افتاده است) و دولت بریتانیا برای خروج از ماده ۵ به ماده ۱۵ متوسل شد<sup>۵۴</sup> (Abbas, 2007, p.293). یکی از دلایل این اقدام دولت بریتانیا<sup>۵۵</sup> و واکنش‌های سخت‌گیرانه پس از آن شاید این بود که بریتانیا در اخبار رسانه‌ها و بازتاب گزارش‌ها در مورد همراهی رهبران گروه‌های رادیکال اسلامی<sup>۵۶</sup> با القاعده، بهشت تروریست‌ها نامیده می‌شد.<sup>۵۷</sup>

پس از تصویب قانون مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۱ و حوادث تروریستی یازده سپتامبر، مسلمانان در معرض فشارهای بی‌سابقه‌ای از سوی دولت بریتانیا، نیروهای پلیس و سایر نهادهای دولتی قرار گرفتند. قوانین ضد تروریستی سخت‌گیرانه نظیر دستگیری و بازداشت بدون رعایت مراحل قانونی، اجرای سیستم‌های نظارتی و کنترلی، بازداشت‌های خانگی و مسائلی از این دست که عموماً تا پیش از این در زیمباوئه یا برمه قابل مشاهده بود، از آن پس در بریتانیا اتفاق می‌افتاد. ایست و بازرسی‌های روزانه که طی آن مسلمانان بی‌گناه دستگیر می‌شوند و معرفی مسلمانان به عنوان یک دشمن نفوذی<sup>۵۸</sup> و همه این‌ها از یک سو و پوشش گسترده رسانه‌ها که اغلب جهت‌دار و مغرضانه است<sup>۵۹</sup> از سوی دیگر، فضایی را ایجاد کرده که به این اقدامات متعصبانه و نابردبارانه مشروعیت می‌بخشد. البته بخشی از فضای اسلام‌هراسانه جامعه و دولت بریتانیا از حملات تروریستی هفتم ژوئیه ناشی می‌شود، که در آن مسلمانان، حتی با وجود محکوم کردن حوادث تروریستی، متهم اصلی قلمداد شدند. به‌هرحال، نوعی هم‌افزایی در این فرایند وجود دارد (از یک سو اقدامات افراط‌گرایان مسلمان و از سوی دیگر اقدامات دولت بریتانیا) که نتیجه این هم‌افزایی، شدت یافتن فشار و تبعیض ضد مسلمانان است. این افزایش فشارها و سخت‌تر شدن شرایط زندگی مسلمانان با تصویب قانون جدید ضد تروریسم در سال ۲۰۰۶ تجلی عینی یافته است. این قانون

ضمن تأیید برخی مسائل غیرمنطقی قانون قبلی، درصدد محدود کردن هرچه بیشتر آزادی‌های مدنی و فردی برآمده است. بعد از تصویب قانون ضد تروریسم و افزایش قدرت دولت در دستگیری افراد بدون دلیل و مدرک قانونی و صرفاً با اتهام مظنون بودن به تروریسم، ترس و وحشت در میان اقلیت مسلمان افزایش یافت. ایست و بازرسی‌های روزانه (که عموماً مسلمانان مورد بازرسی قرار می‌گرفتند) با اظهارات ناسنجیده برخی مقامات دولتی تشدید گردید. برای نمونه، هیزل بلیرز، وزیر کشور در سال ۲۰۰۵، در اظهارتی گفته بود که مسلمانان باید این واقعیت را بپذیرند که ایست و بازرسی‌های پلیس در مورد آنان بیش از بقیه افراد اجتماع اعمال شود<sup>۶۰</sup>، هنگامی که در سال ۲۰۰۱ قوانین اولیه مبارزه با تروریسم تصویب شد، حدود ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند و در دسامبر ۲۰۰۶ نیمی از آنها بدون هیچ اتهامی آزاد گشتند.<sup>۶۱</sup> «مؤسسه روابط نژادی»<sup>۶۲</sup> اخبار گسترده‌ای را در مورد دستگیری مسلمانان پوشش داد، درحالی‌که در مورد غیرمسلمانان چنین تمرکزی دیده نمی‌شد. تا ژوئیه ۲۰۰۵ و پس از آن، تعداد زیادی از مسلمانان بی‌گناه دستگیر شدند و پس از بازجویی آزاد شدند، بدون اینکه اتهامی قانونی متوجه آنان باشد.

«توطئه تروریستی کشف‌شده»<sup>۶۳</sup> در ۱۰ اگوست ۲۰۰۶ جلوه‌هایی را از روند روبه‌رشد اسلام‌هراسی در جامعه بریتانیا نمایان ساخت و در پی آن دستگیری‌های گسترده مسلمانان و افزایش اعمال فشار پلیس بر آنان آغاز شد. در روزی که این قانون اعلام شد، بیش از ۲۰ نفر دستگیر شدند که بیشتر مسلمانان پاکستانی بودند و در میان آنها افراد تازه‌مسلمان هم وجود داشتند. پرسش و پاسخ‌های طولانی از مسافران، بررسی شیر خشک کودکان<sup>۶۴</sup> در فرودگاه‌ها به درخواست مقامات امنیتی آغاز شد که در روزهای پس از آن هم نوعی فضای بی‌اعتمادی و سوءظن در جامعه ایجاد گردید. این فضای بی‌اعتمادی توسط روزنامه‌ها، وب‌نوئیس‌های اینترنتی و رسانه‌ها تشدید شد. در ادامه بحث به بررسی قوانین جدیدی خواهیم پرداخت که با وجود پوشش مبارزه با تروریسم یا پایبندی به اصول مردم‌سالاری، این اصول را نادیده گرفته<sup>۶۵</sup> و در نتیجه اعمال این قوانین، مسلمانان تحت فشار قرار می‌گیرند.

در ۳۰ مارس سال ۲۰۰۶، پس از ماه‌ها بحث و گفتگو، سرانجام قانون پناهندگی و ملیت<sup>۶۶</sup> و قانون اوراق هویت<sup>۶۷</sup> تصویب شد. پیش از آن قانون تروریسم در سال ۲۰۰۰<sup>۶۸</sup> قانون امنیت و جرایم ضد تروریستی در سال ۲۰۰۱<sup>۶۹</sup> و قانون مقابله با تروریسم در سال ۲۰۰۵<sup>۷۰</sup> به تصویب رسیده بود. با تصویب قوانین جدید، ضمن تأیید قوانین قبلی در چارچوب مبارزه با تروریسم، آزادی‌های مدنی محدودتر گردید و تأثیر این قوانین بر جوامع مسلمانان<sup>۷۱</sup> بسیار شدیدتر از دیگر بخش‌های جامعه بریتانیا بود. برای مثال، در پیمایشی که در مارس ۲۰۰۴ در بریتانیا انجام شد، ۶۴ درصد از مسلمانان بر این باور بودند که از قوانین ضد تروریستی غیرمنصفانه‌ای ضد آنان استفاده می‌شود و تحت تأثیر این قوانین آن‌ها تبدیل به «مظنونان جمعی» شده‌اند (IHF, 2005, p.146).<sup>۷۲</sup>

در قوانین جدید مبارزه با تروریسم<sup>۷۳</sup> مواردی وجود دارد که می‌تواند به اسلام‌هراسی ساختمانند و اقدامات تبعیض‌آمیز بیشتر ضد مسلمانان بینجامد:

- اعلام جرم ضد کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تروریسم و فعالیت‌های تروریستی را تشویق یا حمایت کنند.

- اردوگاه‌ها و پایگاه‌های تروریستی در هر نقطه از جهان مورد بررسی و نظارت قرار می‌گیرند و اسناد مربوط به فعالیت‌های تروریستی در سرتاسر دنیا منتشر می‌گردد.

- حداکثر زمان بازداشت بدون مدرک از ۱۴ روز به ۲۸ روز افزایش یافته است.

- گسترده‌تر نمودن دلایلی که بر اساس آن می‌توان از فعالیت سازمان‌هایی که به

طور خاص از تروریسم تقدیر می‌نمایند، جلوگیری کرد.

نکته‌ای که در همه این قوانین حائز اهمیت است، تعریف «تروریسم» است؛ زیرا

بر اساس این تعریف است که پیامدهای آن مشخص می‌گردد. تعریفی که برای

تروریسم آمده، بسیار مبهم و گسترده است که بر اساس آن، هر فعالیت سیاسی می‌تواند

جرم تروریستی تلقی شود.

## ۲-۲. اسلام‌هراسی ساختمان‌د در عمل

### ۲-۲-۱. تبعیض در اجرای قانون

ماده ۲۱ قانون مبارزه با تروریسم<sup>۷۴</sup> به وزارت کشور این اجازه را می‌دهد تا از فعالیت سازمان‌هایی که در اعمال تروریستی یا تشویق و تحریک تروریسم مشارکت دارند، جلوگیری نماید. بر اساس تعریف گسترده تروریسم، دولت می‌تواند از فعالیت بسیاری از سازمان‌هایی که حتی بر اساس قوانین بین‌المللی اجازه فعالیت دارند جلوگیری نماید. مشکل این گونه قوانین دو وجهی است؛ زیرا قانون هم دارای ایراد ماهوی و هم ایراد شکلی است. به عبارتی از یک سو تعریف موسع تروریسم می‌تواند از فعالیت بسیاری از سازمان‌ها جلوگیری کند؛ از سوی دیگر شاهد تبعیض آشکار در اجرای قانون هستیم. برای مثال، گروه «شین فن»<sup>۷۵</sup> در اوج درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در ایرلند شمالی ممنوع‌الفعالیت نگردید درحالی‌که فعالیت حزب التحریر صرفاً به سبب عقاید اسلامی ممنوع اعلام شد.

### ۲-۲-۲. اقدامات پلیسی و سیاسی ضد مسلمانان

در اینجا به مواردی از نقض حقوق مسلمانان که توسط مراجع قانونی و دولتی صورت گرفته است، اشاره می‌کنیم. هر چند که حکومت بریتانیا اندکی پس از حوادث یازده سپتامبر هر گونه عدم تساهل ضد مسلمانان را محکوم کرد، اما چند عضو دولت با زیر پا گذاشتن این درخواست معتقد بودند که مسلمانان در مقایسه با دیگر اعضای جامعه تعهد کمتری در قبال مردم‌سالاری و عدم خشونت دارند. مثلاً منابع رسانه‌ای در اواخر سال ۲۰۰۳ گزارش دادند که دنیس مک‌شین،<sup>۷۶</sup> وزیر امور اروپا، از مسلمانان خواسته که بین شیوه بریتانیایی و شیوه تروریستی یکی را انتخاب کنند (Guardian, 2011/05/03).<sup>۷۷</sup> افزون بر این، گروه‌های مسلمان و طرفدار حقوق بشر از حکومت بریتانیا به سبب اینکه به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، مسلمانان اغلب به عنوان متهم اصلی در مظان اتهام قرار می‌گیرند، انتقاد می‌کنند. پس از یازده سپتامبر بیش از ۶۰۰ نفر بر اساس قانون ضد تروریسم دستگیر شدند بیشتر آنان مسلمان بودند. اما کمتر از ۱۰۰ نفر از دستگیرشدگان به اقدامات تروریستی متهم، و فقط ۱۵ نفر از آنها به این جنایت محکوم شدند، و از این میان فقط ۳ نفر مسلمان بودند (Jaggi, 2004). سازمان‌های

مسلمان و طرفدار آزادی‌های مدنی ابراز نگرانی کرده‌اند که اغلب هنگامی که پاتک پلیس به دستگیری منجر می‌شود رسانه‌ها به پوشش گسترده‌ی خبر می‌پردازند، ولی از آزادی بازداشت‌شدگان خبری پخش نمی‌کنند. در نتیجه این احساس در میان عامه‌ی مردم به وجود می‌آید که دستگاه دادگستری جنایی بریتانیا به صورت موفقیت‌آمیز تروریست‌های مسلمان را تحت پیگرد قرار داده است، حال آنکه در واقع بیشتر مسلمانانی که به بهانه‌های تروریستی دستگیر شده‌اند، هیچ‌گاه بدین جرایم متهم نشدند. در عین حال، شهرت کسانی که به اتهام تروریست بودن به اشتباه دستگیر شده بودند، آسیبی جبران‌ناپذیر دید و آن‌ها و اعضای خانواده‌شان همچنان پس از آنکه از اتهامات مبری شدند و توجه رسانه‌ها کاهش یافت در اشتغال و زندگی اجتماعی با بدنامی روبه‌رو هستند (مرشدی‌زاد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴).<sup>۷۸</sup> افزون بر این، احساس رو به گسترشی در میان مسلمانان وجود دارد که فقط به سبب مسلمان بودن از سوی پلیس توقیف و بازرسی می‌شوند و حتی در برخی موارد با گزارش به پلیس مشکلات آنان افزایش هم یافته است (Ameli & Merali, 2004, p.33). گزارش شده که حقوقدانان و سازمان‌های نماینده‌ی مسلمانان تعداد روزافزونی شکایت از سوی مردمی دریافت می‌دارند که هیچ‌گاه پیش از آن با قانون مشکلی نداشتند، اما اکنون فقط به علت مسلمان بودن از سوی پلیس در خیابان یا در خودروی خود متوقف می‌شوند و منزل آن‌ها بازرسی می‌شود (IHF, 2006, p.145).

پس از یازده سپتامبر، مسلمانان با ایست و بازرسی‌های فراوان پلیس روبه‌رو گشتند. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ میزان ایست و بازرسی آسیایی‌ها، از جمله سیک‌ها و هندوها و دیگران و مسلمانان، در مجموع از ۴۵/۳ درصد به ۲۸۵ درصد رسید و از فعالیت ۱۶ سازمان اسلامی جلوگیری شد (Poynting & Mason, 2006, p.372). بر طبق آمار رسمی ارائه‌شده در اواسط سال ۲۰۰۴، تعداد آسیایی‌هایی که بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و ۲۰۰۲-۲۰۰۳ بر اساس لایحه‌ی تروریسم متوقف و بازرسی شده‌اند، ۳۰۰ درصد افزایش یافته است (BBC).<sup>۷۹</sup> وابستگی دینی کسانی که متوقف شده‌اند ثبت نشده است، اما احتمال می‌رود که از اجتماعات بزرگ پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها و اکثراً مسلمان باشند. در حالی که ۱۳ درصد از ایست و بازرسی‌های انجام‌گرفته به دست نیروی عادی

پلیس در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به دستگیری ختم شد، تعداد دستگیری‌های ایست و بازرسی‌های مبتنی بر گمان به تروریسم فقط ۱/۷ درصد بود (Kundanin, 2004).

نشانه‌های زیادی دال بر این مطلب وجود دارد که سیاست‌های ضد تروریسم فعلی باعث نارضایتی گسترده مسلمانان بریتانیا شده است. در پیمایشی که در ماه مارس ۲۰۰۲ انجام شد، ۶۴ درصد از مسلمانان مصاحبه‌شده معتقد بودند که قوانین ضد تروریستی به گونه‌ای غیرمنصفانه در مورد مسلمانان اجرا شده است و ۶۸ درصد با تضمین‌های ارائه‌شده رهبران سیاسی مبنی بر اینکه جنگ با تروریسم جنگ با اسلام نیست موافق نبودند (ICM, 2004). گروه‌های مسلمان همچنین هشدار داده‌اند که سیاست‌های ضد تروریستی کنونی اعتماد مسلمانان را به عملکرد و بی‌طرفی پلیس از بین برده و باعث کاهش تمایل مسلمانان به همکاری با پلیس شده است. چنان‌که سازمان حقوق بشر اسلامی بیان کرده، خانواده مسلمانی که بدون هیچ علت آشکاری متوقف و بازرسی شده‌اند و با آن‌ها بدرفتاری لفظی شده است، اگر متوجه شوند که اتفاقی مشکوک در درون اجتماعات می‌افتد، به پلیس گزارش نخواهند کرد (IHRC, 2004, p.51). برای نمونه، در تحقیقی که توسط دانشگاه اکستر انجام شد، بیشتر مسلمانانی که مورد تبعیض نژادی قرار گرفته بودند، به پلیس گزارش نداده بودند؛ زیرا به آن اطمینان نداشتند یا معتقد بودند که پلیس نمی‌تواند کاری برای آن‌ها انجام دهد<sup>۸۰</sup> (Githens-Mazer & Lambert, 2010, p.11). این در حالی است که شورای مسلمانان بریتانیا فعالانه کوشیده است برای جلوگیری از تروریسم همکاری میان پلیس و مسلمانان را افزایش دهد. افزون بر این، گروه‌های مسلمان هشدار داده‌اند که سیاست‌های کنونی ممکن است واکنش‌هایی را برانگیزد و مسلمانان معتدل را به دامن گروه‌های افراطی بیندازد که می‌کوشند از احساس محرومیت موجود در اجتماع مسلمانان بهره‌برداری کنند (Bennetto, 2004)؛ زیرا بر اساس تحقیقات انجام‌شده مشخص گردیده که جرائم نفرت نژادی ضد مسلمانان جزو اولویت‌های پلیس در بررسی جرائم نژادی نیست (Githens-Mazer & Lambert, 2010, p.11). در ۳ هفته پس از بمب‌گذاری لندن، جرائم نژادی ضد مسلمانان ۶ برابر شد و بر اساس گزارش مرکز اروپایی کنترل نژادپرستی و بیگانه‌هراسی، میزان جرائم نژادی<sup>۸۱</sup> در لندن ۵ درصد افزایش یافت و بیش از ۲۰۰

تماس با Merseyside Racial Monitoring در ۶ هفته نخست پس از بمب‌گذاری گرفته شد (EMCRX, 2005, pp.15-9).

در ادامه اشاره‌ای به اقدامات علنی حزب ملی بریتانیا که یک حزب نژادگرایی دست راستی است، در زمینه دامن زدن به اسلام‌هراسی خواهیم داشت.

### ۲-۳. تبعیض ضد مسلمانان در حوزه‌های گوناگون جامعه

بر اساس آمار منتشرشده، مسلمانان در مقایسه با دیگر گروه‌ها در بازار کار وضعیت بدتری دارند. مسلمانان در میان گروه‌های دینی پایین‌ترین نرخ اشتغال را دارند و نرخ بیکاری آن‌ها سه برابر میانگین ملی و دو برابر سطح بیکاری دیگر اجتماعات دینی اقلیت است. به‌علاوه، بیشتر مسلمانان در میان بخش‌های دارای درآمد پایین کشور قرار دارند. دلایل پیچیده‌ای برای این وضع نامطلوب مسلمانان در امر اشتغال وجود دارد، اما از جمله این عوامل سیاست‌های نامناسب کاری و تبعیض در استخدام است (OSI, 2004, pp.8-9).<sup>۸۲</sup> تحقیقی که بی‌بی‌سی در سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ انجام داد نشان می‌دهد مردمی که دارای نام اسلامی‌اند، سه برابر کمتر از دارندگان نام‌های انگلیسی احتمال دعوت به مصاحبه برای یافتن شغل را دارند. افرادی ساختگی به‌عنوان درخواست‌کننده شغل به پنجاه مورد نیاز شغلی فرستاده شدند. درحالی‌که دارندگان نام‌های انگلیسی در ۲۳ درصد از موارد برای مصاحبه دعوت شدند، از دارندگان نام‌های اسلامی، فقط در ۹ درصد موارد دعوت شد (Muir, 2004).

تحلیل‌های مربوط به داده‌های سرشماری و دیگر آمار مربوط نشان داده‌اند که اجتماعات مسلمان در مقایسه با همه گروه‌های دینی کشور بدترین وضعیت بهداشتی، بالاترین میزان ناتوانی و پایین‌ترین سطح آموزش را دارند. مطالعات همچنین نشان داده‌اند که مسلمانان از نظر مسکن نیز در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و اغلب در سکونت‌گاه‌هایی زیر استاندارد و بسیار شلوغ زندگی می‌کنند. در برخی از مکان‌ها، اجتماعات مسلمان جدا از اجتماع اکثریت زندگی می‌کنند و این پدیده‌ای است که حداقل تا حدودی باعث تبعیض در دسترسی به مسکن می‌شود (IHF, 2005, p.148). گزارش شده است که الگوهای مسکن، همراه با سیاست‌های پذیرش در مدارس و

انتخاب‌های والدین، وضعیتی را پدید آورده است که دانش‌آموزان مسلمان اغلب در مدارس درس می‌خوانند که عملاً از دیگران جدا می‌مانند. این جدا افتادن باعث کاهش تعامل میان مسلمانان و جمعیت اکثریت می‌شود و بی‌اعتمادی و سوء تفاهم را میان این دو اجتماع تقویت می‌کند (MRG, p.9).<sup>۸۳</sup>

گروه‌های مسلمان گزارش داده‌اند که در سال‌های اخیر احساس تبعیض در میان مسلمانان افزایش یافته است. در پیمایشی که کمیسیون حقوق بشر اسلامی انجام داده از مجموع مسلمانانی که در سال ۲۰۰۴ مصاحبه شدند، ۸۰ درصد گفته‌اند که آنان به علت دین خود مورد تبعیض واقع شده‌اند، حال آنکه این رقم ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۰، و ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۹ بوده است. در دو پیمایش نخست زنان و جوانان بیش از دیگر گروه‌های مسلمان تبعیض را تجربه کرده بودند. اما در سال ۲۰۰۴ این سطح در میان همه گروه‌ها تقریباً یکسان بود. کمیسیون حقوق بشر اسلامی معتقد است که علت این امر در افزایش آگاهی مسلمانان از معانی و اشکال تبعیض و نیز تأثیرات افزایش ایست و بازرسی پلیس (در مورد مسلمانان) نهفته است.<sup>۸۴</sup> (مدیر تحقیقات IHRC).

### نتیجه‌گیری

اسلام‌هراسی از جمله مسائلی است که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی در حال رشد است.<sup>۸۵</sup> در این پژوهش با تمرکز بر کشور بریتانیا کوشیدیم تا زمینه‌های ظهور نوعی از اسلام‌هراسی که آن را «اسلام‌هراسی ساختمان‌د» خواندیم، بیان کنیم. اسلام‌هراسی به‌ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تصویب قوانین ضد تروریسم تشدید شده است و از سطح عمومی و رسانه‌ها به ساختارهای تشکیلاتی و قانونی انتقال یافته و در نهادهای رسمی و دولتی نیز تجلی یافته است. در این نوع از اسلام‌هراسی تبعیض و فشار ضد مسلمانان اعمال می‌شود، بدون اینکه قانون یا مجریان قانون خود را در برابر آن مسئول بدانند یا اقدام مؤثری در جهت رفع آن به عمل آورند. بخشی از آنچه اسلام‌هراسی ساختمان‌د می‌نامیم، در نتیجه ضعف قوانین موجود و تفسیرهایی که از آن به عمل می‌آید و عدم توجه به وضعیت خاص فرهنگی و مذهبی مسلمانان بریتانیا پدید آمده است. از آنجاکه تجلی این نوع از اسلام‌هراسی در سطوح قانونی و ساختارهای



دولتی است، گسترش روزافزون آن تأثیرات منفی بر وضعیت زندگی مسلمانان و جامعه بریتانیا خواهد داشت و اسلام‌هراسی ساختمان‌دو را می‌توان یکی از معضلات جدی پیش روی مسلمانان بریتانیا دانست. از پیامدهای طبیعی این شکل از اسلام‌هراسی این است که علاوه بر مسلمانان، جامعه غیرمسلمان بریتانیا را هم متأثر می‌کند و در نتیجه، علاوه بر کم شدن میزان همبستگی اجتماعی و ایجاد حس بی‌اعتمادی، زمینه برای گسترش افکار نژادگرایانه<sup>۸۶</sup> و افراطی فراهم می‌شود.

در این شرایط اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی اسلام‌هراسانه برخی مسئولان بریتانیایی به سخت‌تر شدن شرایط قانونی و سازمانی برای مسلمانان و تشدید اسلام‌هراسی ساختمان‌دو انجامیده است. سوءاستفاده رسانه‌ها و بزرگ‌نمایی‌های آن‌ها از برخی اقدامات افراطی‌ها مسلمان در اروپا نیز از جمله عواملی است که به گسترش اسلام‌هراسی و در نتیجه تشدید اسلام‌هراسی ساختمان‌دو در سطوح رسمی کشور بریتانیا دامن زده است.

## یادداشت‌ها

۱. سه نام «پادشاهی متحده»، «بریتانیای کبیر» و «انگلستان» گاه به اشتباه به معنای واحدی به کار می‌روند، درحالی‌که این سه هر کدام نام منطقه جغرافیایی خاصی است. انگلستان یکی از چهار کشوری است که پادشاهی متحده را تشکیل می‌دهند. بریتانیای کبیر نام کشور انگلستان، ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز است. در این مقاله برای اختصار از لفظ بریتانیا استفاده شده است.

۲. این مطلب هنگامی نمایان‌تر می‌شود که آزادی‌های مسلمانان در بریتانیا با آزادی‌های مسلمانان در فرانسه یا آلمان مقایسه شود. مسلمانان این کشورها در عمل با مشکلات و موانع زیادی برای اتخاذ سبک زندگی مطلوب خود روبه‌رو هستند و به انحای گوناگون در معرض تبعیض و نارواداری قرار دارند.

۳. هرچند دیدگاه‌هایی در مخالفت با این نظریه وجود دارد (گرهلم و لیتمن، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

۴. در مورد آگاهی بیشتر در این زمینه رک. شریعت، ۱۳۸۹، صص ۶۱-۸۴.

۵. برای آگاهی از برخی از این تحقیقات رک. Allen, 2006, p.52.

۶. این مطلب با بررسی ۱۰۴ نظرسنجی که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ انجام شده است، به تأیید می‌رسد. برای آگاهی از جزئیات بیشتر رک. Field, 2007, p.465.

7. structural Islamophobia

۸. مراد از قوانین مذکور قوانین داخلی بریتانیا و قوانین و اصولی است که بریتانیا از لحاظ بین‌المللی به آن متعهد است، نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۹. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر استفاده از این واژه به میزان چشمگیری افزایش یافته است.

۱۰. مؤسسه «رانی مدتراست» هشت برداشت را دربارهٔ اسلام‌هراسی برمی‌شمرد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه شود:

[www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf](http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf)- accessed in: 2010/11/27

11. xenophobia

12. anti-semitism

13. Stokely Carmichael

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Racism>

۱۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

Aspen Institute Roundtable on Community Change. 2004. "Structural Racism and Community Building." Keith Lawrence, Stacey Sutton, Anne Kubisch, Gretchen Susi and Karen Fulbright-Anderson, authors. Washington, D.C.: The Aspen Institute.

۱۵. این مقاله به بررسی سطح ۴ - یعنی اسلام‌هراسی ساختمانند- پرداخته است.

16. barbaric ideas

17. [http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk\\_news/4689363.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4689363.stm)- accessed in : 2010/07/18

18. British Nationality Act

۱۹. برای اطلاع از متن کامل این قانون به این منبع رجوع شود:

<http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.htm>- accessed in : 2010/07/18

20. Common Wealth Immigrants Act

21. Enoch Powell

۲۲. سخنرانی پاول در بیستم آوریل ۱۹۶۸ ایراد شده بود. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌ها و زندگی وی به این منبع رجوع شود:

<http://www.enochpowell.net/>- accessed in : 2010/07/18

۲۳. در وب‌گاه ملی مرکز آمار بریتانیا در بحث سرشماری و جمعیت، تقسیم‌بندی بر این اساس است: نژاد سفید (بریتانیایی) و نژاد غیرسفید (آسیایی، چینی، مختلط، دیگر).

۲۴. با گذشت زمان (و در سال‌های اخیر) شاهد هستیم که این نگاه هم دچار تغییر شده و گفتمان نژادگرایی بر روی مذهب و به‌خصوص اسلام و مسلمانان متمرکز گشته است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. Abbas, 2007, pp.288-9

#### 25. Race Relations Act

۲۶. متن کامل این قانون در منبع زیر موجود است:

<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents-> accessed in:2011/06/26

#### 27. Commission for Racial Equality

کمیسیون برابری نژادی، سازمانی غیردولتی و برخوردار از کمک‌های عمومی است که با انجام تحقیقات رسمی در موارد ادعای تبعیض، بر اجرای قانون منع تبعیض نژادی نظارت دارد. این کمیسیون همچنین می‌تواند پیشنهادهای ارائه دهد که البته الزام‌آور نیست. برای اطلاعات بیشتر در مورد این کمیسیون به این منبع رجوع شود:

[www.cre.gov.uk/about/about.html](http://www.cre.gov.uk/about/about.html) accessed in:2011/07/26

۲۸. درحالی‌که در مورد ایرلند شمالی، بر اساس قانون Northern Ireland Act 1998 هرگونه تبعیض در زمینه‌های مذهبی و سیاسی ممنوع شده است و به نظر می‌رسد قانون تنها در مورد ایرلند شمالی توانسته از تبعیض مذهبی جلوگیری کند.

۲۹. قانون روابط نژادی بریتانیا از حقوق اقلیت‌هایی مانند یهودیان و سیک‌ها حمایت می‌کند؛ زیرا آنان در قانون مذکور با عنوان "اقلیت‌های نژادی" دسته‌بندی شده‌اند، اما در مقابل مسلمانان چون از نژادهای مختلف هستند، سکوت اختیار نموده است.

۳۰. برای مثال، برای برگزاری نماز، یک اتاق و یا گوشه‌ای از محل کار برای آنان کافی بود و به فکر تأسیس مسجد نبودند.

#### 31. Home Office

#### 32. Derby Report

۳۳. اولین نماینده مسلمانان در مجلس لردها

#### 34. Human Rights Act 1998

35. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) – in: <http://www.un.org/en/documents/udhr/index.shtml>- accessed in: 2010/09/14

36. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>- accessed in: 2010/09/14

37. The International Covenant on Economic , Social and Cultural Rights (ICESCR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>- accessed in: 2010/09/14.

38. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>- accessed in: 2010/09/14

39. European Convention on Human Rights (ECHR)  
In: <http://www.echr.coe.int/echr/>- accessed in: 2011/01/14

40. European Convention on Human Rights (ECHR)-article 14  
In: <http://conventions.coe.int/treaty/en/Treaties/Html/005.htm>- accessed in: 2011/01/14

۴۱ فقط مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۷ کنوانسیون مستثنی شده است و دولت‌ها حق ندارند در هیچ وضعیتی از انجام تعهدات داده‌شده در این بندها، سر باز زنند.

۴۲. البته به این مطلب اذعان داریم که اعلام شرایط خاص و اضطراری به‌سادگی نیست و تحت وضعیت و شرایط خاص این امر صورت می‌گیرد، ولی از آنجاکه بحث ما بررسی نظری این کنوانسیون است، اشاره به این مطالب ضروری به نظر می‌رسد.

۴۳. در ادامه بحث نشان می‌دهیم که دولتمردان بریتانیایی با تصویب قوانین ضد تروریسم و بهره‌گیری از همین ماده ۱۵، از تعهدات خود در ماده ۱۴ سر باز می‌زنند.

۴۴. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، برای تضمین اجرا و رعایت تعهداتی که دولت‌های عضو به عهده گرفته‌اند، علاوه بر دادگاه اروپایی حقوق بشر، یک نهاد نظارتی و اجرایی دیگر به نام کمیسیون اروپایی حقوق بشر را نیز تأسیس کرده است. کمیسیون اروپایی حقوق بشر به تعداد دولت‌های عضو کنوانسیون، عضو دارد.

از مهم‌ترین وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون اروپایی حقوق بشر رسیدگی به شکایات خصوصی است که طبق ماده ۲۵ کنوانسیون، هر فرد، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد، که مدعی‌اند قربانی نقض حقوق بشر موضوع کنوانسیون از سوی یکی از دولت‌های عضو شده‌اند، می‌توانند از طریق دبیر کل شورای اروپا، شکوائیه خود را به کمیسیون تحویل دهند. البته دولت‌ها باید پیش از آن، صلاحیت کمیسیون برای دریافت شکایت افراد ضد خود را به رسمیت شناخته باشند (بند ۱ ماده ۲۵ از کمیسیون اروپایی حقوق بشر)، (دهقانی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۵-۲۰۹).

۴۵. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌منظور ایجاد یک سازوکار اجرایی برای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، دادگاه اروپایی حقوق بشر را تأسیس کرد که در آن افراد و دولت‌ها بدون توجه به ملیت، در صورت نقض شدن حقوق مورد حمایت کنوانسیون، می‌توانند به آن مراجعه و دادخواهی کنند. احکام این

دادگاه برای تمام طرفینی که کنوانسیون را پذیرفته‌اند، اجباری است. دادگاه اروپایی حقوق بشر از قضات کشورهای عضو کنوانسیون تشکیل شده است (European Commission: 5).

46. The Islamic Human Rights Commission

کمیسیون حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۹۷ در لندن تأسیس شده و یک سازمان غیرانتفاعی است که در جهت حمایت از حقوق مسلمانان و ترویج افکار اسلامی در بریتانیا فعالیت می‌کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این سازمان به وب‌گاه آن مراجعه شود:

<http://www.ihrc.org/>

47. Adeeba Ishaq : LLB LLM, Solicitor of the Supreme Court of England, October 1997.

۴۸. کمیسیون حقوق بشر، موارد را قبل از اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع داده شوند، بررسی می‌کند که آیا صلاحیت بررسی در دادگاه را دارند یا خیر و اینکه موضوع در کمیسیون حقوق بشر مطرح گردد یا نه، توسط دادگاه حقوق بشر، مقرر می‌گردد.

۴۹. البته به این مطلب که اقدامات افراطی‌های مسلمان و برخی مشکلات داخلی جهان اسلام، در این جریان اثرگذار بوده‌اند، اذعان داریم اما با توجه به اینکه تمرکز بحث ما در مورد اقدامات دولتی و سازمانی بریتانیاست، این موارد ذکر شده است.

50. Kundnanin

51. "Community Cohesion"

۵۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. Kundnanin, 2001.

53. European Convention on Human Rights , Article 5.

بر اساس ماده ۵، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بازداشت شخصی جز به علت قانونی و به وسیله مقامات با صلاحیت، اعلام علت بازداشت و تحویل سریع به مقامات قضایی، حق اعتراض به بازداشت غیرقانونی به دادگاه، حق مطالبه خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت؛ به رسمیت شناخته شده و دولت بریتانیا به آن متعهد است.

۵۴. ماده ۱۵ حق انصراف یا در واقع خودداری از اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون است که دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌توانند از آن استفاده نمایند.

۵۵. تصویب قانون ضد تروریسم و جنایت، ۲ ماه پس از یازده سپتامبر.

۵۶. برای نمونه می‌توان به عمر بکری محمد امام جماعت مسجد لندن و ابو حمزه از سازمان المهاجرون اشاره کرد.

۵۷. برای نمونه مراجعه شود به:

[http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists-](http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists)  
accessed in: 2010/04/09

58. enemy within

۵۹. برای مثال، رسانه‌ها از دستگیری مسلمانان به عنوان مظنونان به اعمال تروریستی گزارش‌های گسترده‌ای پخش می‌کنند اما از آزاد شدن و متهم نبودن آن‌ها گزارشی پخش نمی‌کنند و یا به طور ضمنی و کمرنگ به آن می‌پردازند.

۶۰. به نقل از:

accessed in: 2010/04/09 -[http://www.dailymail.co.uk/news/article-](http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html)  
339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html

۶۱. ارائه تصویر دقیق برای اثبات این مسائل بسیار مشکل است؛ زیرا اطلاعات کافی در این زمینه در دست نیست.

62. The Institute of Race Relations

<http://www.irr.org.uk/> آدرس وب‌گاه این مؤسسه:

۶۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک.

Foiled Terrorist Plot In: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/4778575.stm>- accessed in:  
2010/04/09

۶۴. مادران را مجبور به چشیدن شیرخشک می‌کردند.

۶۵. برای نمونه به این منبع مراجعه شود (Poynting, 2006: 374).

66. Asylum and Nationality Act (2006).

67. Identity Cards Act (2006).

68. Terrorism Act (2000).

69. Anti Terrorism Crime and Security (2001).

70. Prevention of Terrorism Act (2005)

۷۱. علت اینکه در اینجا اصطلاح «جوامع مسلمانان» به کار برده شده به این سبب است که مسلمانان بریتانیا یکدست نیستند و از ملیت، قومیت و گرایش‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و از این رو، شاید به کار بردن اصطلاح "جامعه مسلمانان" دارای دقت نباشد.

72. Report by the International Helsinki Federation for Human Rights (IHF), 2005, *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU, Developments since September 11*

۷۳. اطلاعات کامل در مورد این قانون در این منبع قابل دسترسی است:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism\\_Act\\_2006](http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism_Act_2006)- accessed in: 2010/02/12

74. Terrorism Act 2006 , part two , section 3 , p:19

75. Sinn Fein

76. Denis MacShane

اطلاعات بیشتر راجع به "مکشین" در سایت رسمی وی موجود است:

<http://www.denismacshane.com/>

77. <http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>- accessed in: 2011/05/03

۷۸. با استناد به منبع زیر:

*Submission to the Home Office in response to Discussion Paper, Counter- IHRC, terrorism powers: Reconciling Security and Liberty in an Open Society*, p:45-

In: [www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf](http://www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf)- accessed in: 2011/01/18

79. Muslim anger over stop and search -bbc- july 2, 2004- in: [http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk\\_news/3860505.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3860505.stm)

۸۰. مسئله عدم گزارش مسلمانان به مقامات دولتی یکی از معضلات مهمی است که جامعه مسلمانان با آن روبه‌رو هستند و همین امر ارزیابی صحیح وسعت و شدت جریان اسلام‌هراسی را مشکل می‌سازد.

81. hate crimes

82. OSI, Aspirations and Reality: British Muslims and the Labor Market, p.8-9.

In : [http://www.soros.org/initiatives/home/articles\\_publications/publications/aspirations\\_20040722/british\\_muslims.pdf](http://www.soros.org/initiatives/home/articles_publications/publications/aspirations_20040722/british_muslims.pdf)- accessed in: 2011/01/18

83. MRG, Muslims in Britain, p. 9 ; OSI, Monitoring the EU Accession Process: Minority Protection. The Situation of Muslim in the UK, p.364, 392-393

۸۴. اطلاعات ارائه شده از آرزو مرالی (مدیر تحقیقات IHRC) به IHF در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴؛ برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به :

IHRC, Social Discrimination : Across the Muslim Divide, December 16,2004

In : [http://www.ihrc.org.uk/file/1903718287\\_content.pdf](http://www.ihrc.org.uk/file/1903718287_content.pdf)- accessed in: 2010/11/08

۸۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

مرشدی زاد، علی . غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۸۶). اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و

عوامل، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۶، صفحه ۱۱۳-۱۳۹.

۸۶. برای مطالعه بیشتر در مورد تعریف مفاهیم نژاد و نژادگرایی به این منبع مراجعه شود :

Les Back and John Solomos, eds. (2003), *Theories of race and racism: a reader*, London :Routledge, pp. 64-70.

### کتابنامه

- شریعت، فرشاد (۱۳۸۹)، «لیبرالیسم، سکولاریسم و غرب جدید»، دانش سیاسی، سال ششم، بهار و تابستان.
- خطیبی، زهره (۱۳۸۶)، «نگاهی به سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر»، پژوهشنامه حقوق بشر، شماره اول.
- دهقانی، رضا (۱۳۸۲)، کتاب اروپا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- گرهلم، توماس و لیتمن، جرج (۱۳۷۸)، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، مترجم محمد قالیباف خراسانی، تهران: الهدی.
- لوئیس، برنارد و دومینیک اشتایپر (۱۳۷۶)، مسلمانان در اروپا، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۸)، تبعیض و ناشکیبایی ضد مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از یازده سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- همو و غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶.
- منصوری، محمد (۱۳۸۶)، مسلمانان اروپا و امریکا، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.

- Abbas, Tahir (2007), "Muslim Minorities in Britain: Integration, Multiculturalism and Radicalism in the Post-7/7 Period," *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 28, No. 3, August 2007.
- Adolino, Jessica R. (1998), *Ethnic Minorities, Electoral Politics and Political Integration in Britain*, London: Printer.
- Allen, Chris (2006), *Secularization and Religious Divides in Europe*, GSRL-Paris and Harvard University, Submission to the Changing Landscape of Citizenship and Security 6th PCRD of European Commission.
- Ameli, Saied R. and Arzu Merali (2004), *Dual Citizenship: British, Islamic or Both? Obligation, Recognition, Respect and Belonging*, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-26-6.



- Ameli, Saied R. (2007), *The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonisation*, England: Islamic Human Rights Commission.
- Ansari, Fahad (2006), *British Anti-Terrorism: A Modern Day Witch-hunt*, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-36-8
- Back, Les and John Solomos, (2003), *Theories of Race and Racism : A Reader*, London : Routledge.
- Bennetto, Jason (2004), "Crackdown by Police is Driving Muslims to Extremists," *The Independent*, February 2, In: <http://www.independent.co.uk/news/uk/crime/crackdown-by-police-is-driving-muslims-to-extremists-568574.html>
- Cashmore, Ellis (2008), *Encyclopedia of race and ethnic studies*, London: routledge.
- EMCRX (2005), "The Impact of 7 July 2005 London Bomb Attacks on Muslim Communities in the EU," *European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia (EMCRX)*, Nov. 2005 : [/http://eumc.eu.int/eumc/material/pub/London/London-Bomb-attacks.pdf](http://eumc.eu.int/eumc/material/pub/London/London-Bomb-attacks.pdf).
- Field, Clive D. (2007), "Islamophobia in Contemporary Britain: The Evidence of the Opinion Polls, 1988-2006," *Islam and Christian-Muslim Relation*, Vol. 18, No: 4.
- Fetzer Joel S. and J. Christopher Soper (2005), *Muslims and the State in Britain, France, and Germany*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Geddes, Andrew (2002), *Labour's Second Landslide: The British General Election 2001*, Manchester: Manchester University Press.
- Githens-Mazer, Jonathan, and Robert Lambert (2010), *Islamophobia and Anti-Muslim Hate Crime : a London Case Study*, University of Exeter, European Muslim Research Centre.
- IHRC (2004), *Submission to the Home Office in response to Discussion Paper " Counter-terrorism powers: Reconciling Security and Liberty in an Open Society," Islamic Human Rights Commission*, In: [www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf](http://www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf)
- ICM Research, Muslim Poll– March 2004, at: <http://www.icmresearch.co.uk/>
- IHF (2005), *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU: Developments since September 11*, Report by the International Helsinki Federation for Human Rights (IHF).
- "Islamophobia" (2006), *Oxford English Dictionary*, Oxford University Press.

- Jaggi, Rohit (2004), "Police Gain Extra Time to Question Suspect", *Financial Times*, August 9, 2004- At : <http://www.ft.com/cms/2fa428e8-e984-11d8-b556-00000e2511c8.html>
- Johnson, M. R. D., H Soydan, and C. Williams (1998), *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London and New York: Routledge.
- Joppke, Christian (1998), "Why liberal states accept unwanted immigration," *World Politics* Vol. 50, No. 2.
- kundanin, Arun (2004), "Analysis : The War on Terror Leads to Racial Profiling", *Independent Race and Refugee News Network* , July 7 , 2004.
- Kundanin, Arun (2001), "From Oldham to Bradford: The Violence of the Violated," in: *The Three faces of British Racism*, London: Institute of Race Relations.
- Malik , Nadeem (2000), *The East London Central Mosque: Organizing in Action*, Leicester, UK: Islamic Foundation.
- Marranci, Gabriele (2004), Multiculturalism, Islam and The Clash of Civilization Theory: Rethinking Islamophobia, *Culture and Religion*, Vol. 5, No 1, 2004.
- Modood, Tariq (1997), *Ethnic Minorities In Britain*, London: PSI.
- Money, Slamic(1999), *Fences and Neighbors : The Political Geography or Immigration Control*, New York: Cornell university press.
- Muir, Hugh (2004), "Muslim Names Harm Job Chances," *The Guardian*, July 12, 2004 , in : <http://www.voy.com/126349/155.html>
- OSI (2002), Aspirations and Reality: British Muslims and the Labor Market, Minority Protection in the UK: The Situation of Muslims, Open Society Institute (OSI), In:  
[http://www.soros.org/initiatives/home/articles\\_publications/publications/aspirations\\_20040722/british\\_muslims.pdf](http://www.soros.org/initiatives/home/articles_publications/publications/aspirations_20040722/british_muslims.pdf)
- Poynting, Scott and Victoria Mason (2006), "Tolerance, Freedom, Justice and Peace: Britain, Australia and Anti-Muslim Racism since 11 September 2001," *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 27, No. 4.
- Ramadan, Tariq (1999), *Muslims in France: The Way Towards Coexistence*, Leicester, UK: Islamic Foundation.
- Roald, Anne Sofie (2004), *NewMuslims in the European Context: The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill.

Spencer, Ian (1997), *British Immigration Policy since 1939: The Making of a Multi-Racial Britain*, London: Routledge.

Weller, P, A. Feldman, and K. Purdam (2004), "Muslims and Religious Discrimination in England and Wales," In: Jamal Malik (ed.), *Muslims in Europe: From the Margin to the Centre*, Munster: LIT.

#### منابع اینترنتی

<http://conventions.coe.int/treaty/en/Treaties/Html/005.htm>

[http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism\\_Act\\_2006](http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism_Act_2006)

<http://en.wikipedia.org/wiki/Racism>

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/4778575.stm>

[http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk\\_news/3860505.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3860505.stm)

[http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk\\_news/4689363.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4689363.stm)

[http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk\\_news/4100481.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4100481.stm)

[http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=story\\_3-7-2004](http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=story_3-7-2004)

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html>

<http://www.denismacshane.com/>

<http://www.echr.coe.int/echr>

<http://www.enochpowell.net/>

<http://www.independent.co.uk/news/uk/crime/crackdown-by-police-is-driving-muslims-to-extremists-568574.html>

<http://www.ihrc.org/>

<http://www.irr.org.uk/>

<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=2960>

<http://www.guardian.co.uk/racism/Story/0,624352,00.html>

<http://www.guardian.co.uk/politics/2005/oct/13/terrorism.world>

<http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>

<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents>

<http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists>

<http://www.parliament.uk/biographies/alexander-carlile/26889>

<http://www.parliament.uk/biographies/leonard-hoffmann/26998>

<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>

<http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.htm>

<http://www.un.org/en/documents/udhr/index.shtml>

<http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

<http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>

[www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf](http://www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf)

[www.cre.gov.uk/about/about.html](http://www.cre.gov.uk/about/about.html)

## مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی

محمد رحیم عیوضی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۱۰

غلامرضا کریمی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۱۱

### چکیده

ورود زنان به حوزه‌های فراتر از محدوده تعریف‌شده خانواده و مسئولیت‌پذیری در جامعه و انجام فعالیت‌هایی که به صورت فردی قابل تحقق نیست، به منزله ورود به عرصه حضور و مشارکت اجتماعی است.

روند تحول در حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان در طول تاریخ کند و همواره با حساسیت همراه بوده است. در پی ظهور اسلام، رویه‌ها و قواعد متحجرانه نسبت به زنان و دختران به شدت منع گردید و قرآن و سنت رویه‌های حمایت‌گونه از حقوق و مسئولیت‌های زنان را ارتقاء بخشیدند.

رکود روندهای حضور اجتماعی زنان در سده‌های پس از ظهور اسلام به‌ویژه در سده‌های میانی موحی از جنبش‌های و نهضت‌های مساوات‌طلبانه زنان و مردان را در قالب مفاهیم فمینیستی در پی داشت که با افراط و تفریط‌هایی مواجه گشت و بنیاد خانواده را در جوامع غربی به شدت متزلزل کرد. این رویه‌های غلط، رجوع مجدد به قرآن کریم و سنت نبوی را در خصوص نحوه مشارکت اجتماعی زنان به‌عنوان یک ضرورت نه تنها پیش روی مسلمانان بلکه کلیه افراد جامعه بشری قرار داد. در این مقاله ضمن بررسی آداب حضور اجتماعی از منظر قرآن و سنت و آسیب‌شناسی نگاه‌های افراطی به حضور اجتماعی زنان، الگوی حضور اجتماعی آن‌ها با نگاه دینی در پرتو تجربه عملی نظام جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از دین مبین اسلام است، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گردد.

### واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی، زنان، خانواده، قرآن کریم، سنت

\* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و مدیر گروه آینده‌پژوهی Aivazi2000@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران و دبیر کل کمیسیون ملی آیسسکو ghkarimi@tmu.ac.ir

## مقدمه

نحوه مشارکت و حضور اجتماعی زنان در طول تاریخ همواره حساسیت مخصوص به خود را داشته است به طوری که با ظهور هر پیامبری، تغییرات خاصی به نفع حقوق زنان صورت گرفته است؛ برای مثال، در پرتو آیین مسیحیت، حمایت از بیوه‌زنان افزایش یافت و با حضور اسلام، نوآوری و تحول خاصی در این حوزه به وجود آورد، به طوری که از همان ابتدا زنده‌به‌گور کردن و سوءرفتار با دختران ممنوع کرد و قوانینی وضع نمود تا بر اساس آن زنان متأهل از حمایت و حقوق بیشتری برخوردار شوند.

در پرتو جنبش‌ها و نهضت‌های فمینیستی ظهور یافته از ابتدای سده بیستم و همچنین افراط و تفریط‌های گسترده در خصوص مشارکت زنان، مسئله مشارکت اجتماعی زنان از نظر و دیدگاه آخرین دین آسمانی یعنی اسلام از اهمیت خاصی برخوردار شده است. با مراجعه به آیات قرآن و سنت نبوی و همچنین، رویه‌های شکل گرفته در طول ۱۴ سده گذشته می‌توان الگوی مشارکت اجتماعی زنان را از منظر اسلام ترسیم نمود که به دور از سوءاستفاده‌ها و شالوده‌شکنی‌های موجود در جامعه بشری باشد. چارچوب نظری مقاله مبتنی بر الگوی مشارکت اجتماعی زنان در نظر و عمل حضرت امام خمینی(ره) است که رویکردی مبتنی بر احکام وحی و سنت پیامبر(ص) و دستاوردهای فقهی است.

### ۱. چارچوب مفهومی

مفهوم‌شناسی، فعالیتی مستقل به شمار می‌آید؛ اما در خصوص مفهوم «مشارکت»، شناخت این مفهوم نیازمند توجه به مباحث پیرامونی‌ای چون انواع مشارکت و یا ویژگی‌های آن است که به تناسب هر یک معنایی متفاوت از مشارکت پدید می‌آید. برای همین در نوشتار حاضر، مفهوم‌شناسی مشارکت از سه منظر مختلف (اما مرتبط یا یکدیگر) صورت می‌گیرد.

#### ۱-۱. معنای مشارکت

توسعه هر کشور بیش از هرچیز به مشارکت فعال و مؤثر کلیه افراد آن بستگی دارد. (قوام، ۱۳۷۴، ص ۲۳). پدیده مشارکت، به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی

است که از انسان سر زده است (Tri, 1982, p.9). در اصل مشارکت، کنشی هدفدار و اختیاری است که از روی میل و رغبت و نیاز و در جهت بهبود زندگی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مشارکت را می‌توان فرایند سهیم شدن در تصمیم‌های اثرگذار بر زندگی شخصی و جامعه محل زندگی تعریف کرد (هارت، ۱۳۸۰، ص ۴۵). هرچند این مفهوم را کم‌وبیش دانشمندان از سده‌های گذشته طرح و به کار برده‌اند. اما تا امروز در کاربردهای مختلف، ابعاد تازه‌تری را به خود اختصاص داده است.

الن بیرو در تعریف مفهوم مشارکت چنین می‌نویسد: «مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین، با آن همکاری داشتن است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به‌عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد» (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷).

در بیان دیگر، مشارکت را می‌توان به‌صورت تعهد مشترک در پرداختن به مسائل توسعه بر اساس تقسیم توافقی‌شده وظایف و مسئولیت‌ها تعریف کرد، براین‌مبنای مشارکت‌ها حول هدف‌های مشترک شکل می‌گیرد و شرکاء پیگیری یک یا چند فعالیت را در راستای یک هدف، به‌صورت مشترک یا به‌صورت ردیفی، بر عهده می‌گیرند. مشارکت‌ها با عنایت به هدف مورد دستیابی، موقت یا برای مدتی طولانی باشند. در این تعریف تأکید بیشتر بر بعد عمل و تعهد‌آمیز مشارکت است.

## ۲-۱. گونه‌های مشارکت

دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی تقسیم‌بندی مشارکت وجود دارد، اما دسته‌بندی زیر را می‌توان به‌دلیل جامعیت محتوایی، مبنا قرار داد:

الف. مشارکت اجتماعی نخستین: این مشارکت در شکل گفتگو با مردم است. این نوع مشارکت سده‌ها توسط رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژی‌ها برای جلب مردم به کار رفته و دربرگیرنده تمامی مشارکت‌های افراد برای اعمال و مناسک مورد نظر

بوده است. چنین مشارکت‌هایی را مشارکت‌های آیینی نیز می‌توان نام نهاد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

ب. مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه یا مشروط: این مشارکت به‌نوعی از مشارکت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در پی بسیج اجتماعی از راه به‌کارگیری روش‌های روان‌شناسی اجتماعی و کاربرد رسانه‌ها و سازوکارهای فرهنگی برای جلب همگان به مشارکت است.

ج. مشارکت اجتماعی انسجام‌گرا: این مشارکت در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد و بر پایه ادغام اجتماعی و فرهنگی و جامعه‌پذیری فرهنگ مشارکت‌جویانه پیش می‌رود.

د. مشارکت اجتماعی توسعه‌گرا: این نوع مشارکت را فرایندی اجتماعی، جهانی، تام و تمام، چندبعدی و چندفرهنگی تلقی می‌کنند و افراد را در آن برای توسعه ملی به مشارکت می‌خوانند (پیران، ۱۳۷۶، صص ۲۷-۲۸).

اساساً مشارکت و حضور اجتماعی به مفهوم عمومی آن به معنای سهم شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی یا عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی و تاریخی، به‌اندازه زندگی اجتماعی بشر است. از این جهت می‌توان نخستین گروهی را که از انسان‌های اولیه تشکیل شده بود، یک جامعه مشارکتی نامید؛ زیرا زندگی انسانی بدون سهم شدن آن‌ها در فعالیت‌های دسته‌جمعی و گروهی خاص امکان‌پذیر نبود. در واقع، بشر موجودی اجتماعی است و بدون شرکت کردن در فعالیت‌های جمعی زندگی او بی‌معناست. انسان از آغازین روز زندگی خود بر کره خاکی نوعی تقسیم کار را به وجود آورده است که این تقسیم کار در کنار اینکه او را برای به‌فعلیت درآوردن استعدادهایش توانا ساخته، امر مشارکت افراد را در امور زندگی انسانی نیز میسر ساخته است. این شکل از مشارکت را می‌توان نوعی مشارکت از روی ضرورت دانست؛ زیرا انسان‌ها در صورتی که به آن دست نزنند، حیات جمعی آنان تهدید می‌شود.

مشارکت اجتماعی به معنای خاص آن به‌نوعی با مفهوم مشارکت سیاسی و به‌ویژه حق رأی دادن به‌شدت عجین شده است. بر اساس این برداشت خاص مشارکت



اجتماعی را می‌توان در دنیای غرب محصول انقلاب‌های مردم‌سالارانه دانست. در حوزه فعالیت سیاسی پس از انقلاب فرانسه مباحث مربوط به برابری رأی مطرح شده و پس از آن در سایر نقاط دنیا منتشر گردیده است. بنا به عقیده گیدنز، «دولت دارای حاکمیت در آغاز دولتی نبود که شهروندان از حقوق مشارکت سیاسی برخوردار باشند. این حقوق تا اندازه زیادی از طریق مبارزاتی که قدرت شاهان را محدود کرد یا عملاً آنان را برانداختند - گاهی از راه انقلاب، مانند موارد فرانسه یا ایالات متحده - کسب گردیدند» (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

در حوزه فعالیت اقتصادی مفهوم مدرن مشارکت را می‌توان پس از ایجاد شرکت‌های تعاونی مورد توجه قرار داد که اولین نوع آن را اصول راجدیل مشخص می‌سازد. در حوزه فعالیت مدنی حق مشارکت انسان‌ها همراه با مسئله شهروندی مطرح می‌گردد و در حوزه فعالیت فرهنگی در دهه‌های اخیر است که مسئله برابری فرهنگ‌ها طرح گردیده است. اگرچه تا پذیرش حق مشارکت همگان در این زمینه احتمالاً بشر در حال حاضر با نوعی تردید مواجه است، جنبش‌های قومی زمینه را برای پذیرش برابری در این زمینه نیز فراهم کرده‌اند.

### ۳-۱. ویژگی‌های مشارکت

اما نکته مهم در خصوص مشارکت، ویژگی‌ها و شرایطی است که در آن مشارکت معنا و مفهوم می‌یابد. به‌طور کلی ویژگی‌های مشارکت عبارت‌اند از:

اول. مشارکت مشروط به برابری انسان‌ها و منوط به آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای اثرگذاری بر سیاست‌ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی افراد مهیا کند.

دوم. مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان‌بخشی به گروه‌های ضعیف توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشکلاتی نه فرمایشی است و نه وضع

کردنی بلکه باید آن را به دست آورد؛ یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می‌دهد. بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند.

سوم. مشارکت با محصول ثابت و نهایی توسعه یک فرایند است.

چهارم. مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای درجاتی است؛ لذا گستره و ژرفای آن متغیر و درعین حال مهم است. وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب‌پذیر می‌گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی‌شود.

پنجم. مشارکت دارای پیامدهای دوسویه است و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع گردد. مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت است (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۷).

## ۲. مشارکت اجتماعی زنان

مشارکت اجتماعی زنان در جوامع مختلف و بر اساس نگرش‌ها و دیدگاه‌های هریک از جوامع متفاوت است، اما به‌طور کلی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و ویژگی‌های متقابل و همچنین، شرایط ویژه هر جامعه است. در این قسمت پدیده مشارکت اجتماعی در دو سطح تحلیل می‌شود:

### ۲-۱. عوامل و ویژگی‌های مؤثر

الف. ویژگی‌های فرهنگی - ارزشی زنان دربرگیرنده متغیرهایی است که در رفتار مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: نظم‌گرایی، جمع‌گرایی و میل به کار گروهی، نوپذیری، تقدیرگرایی و عدالت‌جویی (باور به ضرورت تلاش برای رفع تبعیض بین زنان و مردان در جامعه، باور به وجود نیروهای خارج از اراده فردی در تعیین امور و برنامه‌های زندگی).

ب. ویژگی‌های خانوادگی زن که در تمایلات وی به مشارکت اجتماعی و رفتار مشارکت اجتماعی اثرگذارند؛ این ویژگی‌ها شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده،

میزان پایبندی خانواده به سنت‌ها، نقش زن در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانواده (تعداد فرزندان) و میزان انسجام خانوادگی است.

ج. ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زنان، نظیر سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، سابقه مشارکت و میزان استفاده آن‌ها از رسانه‌ها. این گروه از عوامل متغیرهایی هستند که به‌طور گسترده‌ای تعیین‌کننده فرصت‌های رسیدن زن به موفقیت و رضامندی در زندگی‌اند. همچنین، بر استفاده بهینه زنان از فرصت‌ها و وسائل نهادینه‌شده برای نیل به هدف‌های فرهنگی و انطباق با قواعد رفتار اجتماعی اثرگذارند.

د. ویژگی‌های گرایشی-انگیزشی زنان که شامل رقابت‌جویی، ازخودبیگانگی، خوداثربخشی و نیاز به پیشرفت است.

هـ. تمایل زنان به مشارکت اجتماعی که بر تمایلات اولیه و آمادگی روانی آن‌ها برای عمل واقعی مشارکت-شرکت در فرایندهای اجتماعی مانند علاقه مشارکت در امور سیاسی نظیر شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات و علاقه مشارکت محیطی، نظیر پاکسازی محیط، فعالیت‌های خیریه و حفظ محیط زیست-دلالیت دارد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

## ۲-۲. زمینه‌ها و شرایط مؤثر

گونه‌های جدید و مدرن مشارکت اجتماعی برای زنان را می‌توان به شرح زیر توضیح داد که در آن‌ها شرایطی که منجر می‌شود زنان مشارکت نمایند و یا اینکه از مشارکت محروم گردند، تشریح شده است:

الف. مشارکت فرهنگی: شرکت فعالانه و مؤثر همه مردم به‌ویژه زنان در امور فرهنگی از سابقه چشمگیری برخوردار نیست و تلاش‌های مشارکت‌جویانه و برابری‌جویانه فرهنگی چند دهه‌ای است که به‌عنوان یک موضوع جدی وارد روابط اجتماعی شده است. البته نوع مشارکت فرهنگی بسته به آداب و رسوم، سنت‌ها، دین و ایدئولوژی کشورهای مختلف، متفاوت است. اما در ایران با توجه به مذهبی بودن

کشور، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی به‌ویژه مشارکت در هیئات مذهبی، مناسبت‌های دینی و امور خیریه از رونق خوبی برخوردار است.

ب. مشارکت اقتصادی: شرکت فعالانه زنان در فعالیت‌های اقتصادی، از تقاضای روبه‌رشد این قشر عظیم جوامع بشری است، اگرچه این تقاضاها همواره با چالش‌های جدی برنامه‌ریزی و خود زنان نیز مواجه بوده است. به‌طور کلی اشتغال زنان عمدتاً در مشاغلی است که تناسب بیشتری با شرکت و جایگاه زنان دارد؛ به‌عبارت دیگر، انتخاب مشاغل در هر جامعه‌ای برخاسته از فرهنگ حاکم بر آن جامعه است.

در جمهوری اسلامی ایران، روند فزاینده تقاضای زنان برای تحصیلات متوسطه و عالی، زمینه را برای ورود آن‌ها در مشاغل متعدد اقتصادی فراهم کرده و همین موضوع وضعیت مشارکت اجتماعی زنان را در معرض تحول و دگرگونی جدی قرار داده است؛ زیرا ضمن اینکه مشارکت اقتصادی خود نمادی از مشارکت اجتماعی است. اساساً داشتن شغل به‌عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار بر روی میزان و نحوه مشارکت اجتماعی زنان است.

ج. مشارکت سیاسی: یکی از ابعاد مشارکت اجتماعی زنان، مشارکت سیاسی است که در تعریف عبارت است از هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر برای تأثیر نهادن بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. البته لازمه مشارکت سیاسی فعال، طی کردن فرایند جامعه‌پذیری مناسب و مطلوب است؛ زیرا هرگونه مشارکتی، نوعی تربیت خاص را می‌طلبد که فرد بتواند در آن زمینه از خود واکنش نشان دهد.

در تعریف، جامعه‌پذیری سیاسی، فرایند مستمر یادگیری است که به‌موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند. در این فرایند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد (قوام، ۱۳۷۱، ص ۷۴).

بنابراین، در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی که در اثر یادگیری ایجاد می‌شود، از عوامل مختلفی نظیر خانواده، گروه‌های مختلف همسالان، همکاران، گروه‌های مرجع مانند احزاب و بعضی نهادهای سیاسی و رسانه‌های گروهی و آموزش و پرورش می‌توان یاد کرد. بنابراین، نقش خانواده در این فرایند خیلی مهم است؛ زیرا دختران و پسران در خانواده‌ها به صورت غیررسمی با توجه به رفتار والدین خود، وظایف، حقوق و نقش‌های خود را فرامی‌گیرند. علاوه بر این، در گرایش‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی افراد تأثیر گروه‌های مرجع و احزاب نیز تعیین‌کننده است.

### ۳. چارچوب تاریخی

برای آشنایی با جایگاه زنان در شرایط حاضر، باید جایگاه آن‌ها در روند تاریخی بررسی شود. اساساً در طول تاریخ به‌ویژه در گذشته‌های دور، نگاه به زن به‌عنوان یک موجود ضعیف و درجه دو بوده است، به طوری که زن در زمان اوج پیشرفت ملت یونان، از نظر اخلاقی و حقوق و رفتار اجتماعی در نهایت بدبختی و تیره‌روزی به سر می‌برد (قطب، بی‌تا، ص ۱۲). ارسطو در خصوص جایگاه زنان این‌گونه ادعا می‌کند: «زن و بنده بر اساس طبیعت خود محکوم به اسارت بوده سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند» (دورانت، ۱۳۷۴، ص ۸۰).

زن در یونان باستان نه تنها مخلوقی حقیر شمرده می‌شد بلکه دست‌کم به‌عنوان انسان با زن رفتار نمی‌شد. زن همانند شیء در اختیار مرد بود و مرد هرگونه رفتاری را با او انجام می‌داد و زن در این دوره از هیچ حقوقی برخوردار نبود، در نتیجه، از فعالیت اقتصادی و اشتغال نیز محروم بود (عبدالحمید محمد، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹). تنها موردی که برای فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در تاریخ یونان باستان ذکر شده، مربوط به حضور زنان برای فعالیت اقتصادی و اشتغال در بازار بوده است. این اشتغال همراه با مردان بوده و فقط در منطقه «کریت» مشاهده شده است (منیسی، ۱۹۷۷، ص ۲۴).

این وضعیت در دوره روم باستان نیز وجود داشته است. به‌طور کلی زن در رم باستان از همه حقوق محروم بود و دارای هیچ‌گونه جایگاه و اختیاری نبود. دختران و زنان مانند شیء مملوک معامله می‌شدند و از حقوق اقتصادی نیز هیچ بهره‌ای نداشتند.

نکته قابل توجه در خانواده‌های رومی این است که قرابت و خویشاوندی رسمی و حقوقی فقط در خصوص مرد معنا پیدا می‌کند و بین زن با مرد و زن با زن خویشاوندی وجود ندارد. مرد هر وقت صلاح می‌دانست، می‌توانست زن یا دختر را بفروشد، قرض و کرایه دهد یا بکشد؛ از این رو، وقتی زن از حداقل حقوق انسانی محروم باشد و به‌عنوان شیء با او رفتار شود، قطعاً از حقوق و امتیازات اقتصادی بهره‌مند نخواهد شد. در حقوق رم باستان، زن بهره‌ای از فعالیت اقتصادی و کار نداشت؛ چون اصلاً از اطلاق عنوان انسان بر آنان دریغ داشتند (منیسی، ۱۹۷۷، صص ۲۵-۲۶).

در مصر باستان هم اگرچه زنان کم‌وبیش ارجی داشتند و به آن‌ها اجازه می‌دادند که در مجامع حاضر شوند، دختران زیبا را برای پرآب شدن رود نیل قربانی می‌کردند و روزگاری آن‌ها را زنده‌به‌گور می‌کردند (علویقی، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

اعراب زمان جاهلیت هم هیچ حرمتی برای زن قائل نبودند، به‌طوری‌که دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند. علاوه‌براین، در این دوره زنان ارث نمی‌بردند و تعدد زوجات، آن هم بدون حدی معین جایز بود.

در جامعه ایران باستان هم زنان عملاً نقشی در جامعه نداشتند و عمدتاً کنیزانی در خدمت مرد بودند و در قوانین متداول، زن از قدیم شخصیت حقوقی نداشت و در تملک مرد قرار داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۵).

البته در تاریخ ایران، همواره نهاد خانواده، مستحکم بوده، اقتدار و حاکمیت مرد در خانواده مسلم فرض شده است. اساساً در نظام مردسالاری اگرچه برتری مشخص مرد بر زن در تمام تصمیم‌گیری‌ها فرض شده، ولی مقام زن به‌عنوان عضوی از خانواده، محترم و مقدس شمرده شده است (شعبانی، ۱۳۷۵، ص ۹۳).

به‌طورکلی، اگرچه زنان در عصر هخامنشیان و اشکانیان دارای حداقل حقوق انسانی نبودند، وجود طبقات ممتاز در ایران موجب شد زنان از حیث اختیارات و مزایای اجتماعی به دو دسته تقسیم شوند: الف. زنان اشراف و بزرگان، ب. زنان طبقه پایین‌تر.

اما واقع مطلب این است که زنان اشراف در مقابل مردان طبقه خود، همان مقام و موقع را داشتند که زنان طبقه پست‌تر نسبت به مردان خود دارا بودند. هر دو دسته از

زنان، از حقوق اقتصادی و اشتغال بهره‌ای نداشتند و فقط زنان طبقه اشراف از زندگی بهتری نسبت به زنان طبقه پایین‌تر برخوردار بودند.

اما در عصر ساسانی که افراد جامعه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شدند، در داخل هر یک از طبقات، زنان متناسب با فرهنگ و وضعیت اشتغال طبقه خود، مشاغلی را بر عهده داشتند؛ مثلاً پوراندهخت و آذر می‌دخت که از زنان خاندان سلطنتی بودند، حکومت کردند. زنان سایر طبقات نیز بسته به طبقه خود به کار ریسندگی، کشت و زرع یا صنعت آن روز اشتغال داشتند. از ویژگی‌های این دوران، مالک شدن دستمزد و درآمد توسط زنان بود که می‌توانست خود آن را بردارد یا به شوهرش بدهد (مظفری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

تحول جدی در رویکرد موجود نسبت به نقش و جایگاه زنان، با ظهور اسلام به‌ویژه در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) صورت گرفت که جایگاه و نقش جدی به زن در خانواده داده شد و وضعیت حقوقی وی به‌عنوان یک عضو خانواده و دارای شخصیت حقوقی در جامعه تثبیت شد و خیلی از ظلم‌ها و تزییقات قبلی که در حق او روا داشته می‌شد، تضعیف گردید.

به‌واقع، با ظهور اسلام کرامت انسانی زن احیا شد و زن در کنار مرد به‌عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زن‌های صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند (ابوفارس، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۰). قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت آنان را بر آن مترتب ساخته است. « (نساء: ۳۲)؛ برای

مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره است و برای زنان (نیز) از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.

اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به‌شکلی گسترده دیده می‌شد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند (مه‌ریزی، ۱۳۷۸، ص ۵۸)؛ برای مثال زینت، دختر جحش، به صنایع دستی اشتغال داشت (ابن‌اثیر، ج ۵، ص ۶۲۰). زنی به نام

زینت پزشک قبیله ابن داوود بود و مریضان را مداوا می‌کرد. زنان بسیاری به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند؛ مانند سلامه و امرهانی و زنانی چون قیله، مادر بنی‌نمار، به تجارت اشتغال داشتند (ابن اثیر، ص ۴۷۷).

در رویه عملکردی، آنچه از موقعیت اجتماعی زنان بعد از ورود اسلام به ایران وجود داشته، این است که با توجه به تفاوت‌ها در وضع عمومی زنان در مناطق مرکزی شمالی و جنوبی ایران، اختلاف‌هایی برحسب موقعیت محل، عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایرانی وجود داشته است، ولی به‌طور کلی در دوره سلسله‌های مختلف پادشاهی، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند (راوندی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۶۳۷).

نگرش جدیدی نسبت به زن، پس از انقلاب مشروطیت و نفوذ تمدن غرب در ایران صورت گرفت که بسیاری از آداب و سنن قدیم اجتماعی را دگرگون کرد و در مقام و موقعیت اجتماعی زنان آن‌هم در طبقه مشخص و معینی که عمدتاً در حاکمیت بودند و یا با قدرت سیاسی تعامل مثبت داشتند، به وجود آمد. در دوره پهلوی رژیم سعی داشت با ایجاد تغییراتی روبنایی در وضعیت اجتماعی ایران از جمله دگرگونی در ظاهر، لباس و چهره زن ایرانی، تصویری از ایران مدرن‌شده به جهانیان ارائه دهد. کشف حجاب و ترغیب زنان ایرانی به آراستن چهره و ظاهر خود و مشارکت دادن چند زن از طبقه حاکم در برخی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از جمله تلاش‌های آن رژیم برای مدرن جلوه دادن ایران بود، درحالی‌که بیشتر زنان جامعه، به‌ویژه زنان متدین و مؤمن، از تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند و فقط شمار اندکی از زنان متعلق به طبقات خاصی امکان تحصیل و مشارکتی نمادین در امور اجتماعی و سیاسی را داشتند. رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۱ به زنان حق رأی داد و تعدادی از زنان به‌عنوان کارمندان معمولی در ادارات، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های تعاونی روستایی و غیره مشغول به کار شدند (راوندی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۹).

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) فرصت تازه‌ای را در اختیار زنان ایرانی قرار داد تا ضمن مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استعدادهای بالقوه خود را به ظهور رسانیده و مشارکتی گسترده در امور مهم و سرنوشت‌ساز کشور داشته باشند. در واقع، تحول اساسی در مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در فرایند



شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و این روند با مشارکت فعال آنان در بسیج و امور مربوط به جنگ تحمیلی و همچنین، فعالیت‌های مدنی پس از جنگ نهادینه گردید، به طوری که امروز روند اشتغال و سواد مرتباً رو به افزایش است.

#### ۴. چارچوب نظری

اگرچه نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی متعددی در خصوص حضور اجتماعی زنان در مجامع علمی کشورهای غربی شکل گرفته و امروزه از نفوذ و اعتبار بالایی برخوردارند، در خصوص مشارکت اجتماعی زنان در اسلام چارچوب نظری مشخصی تدوین نشده و بیشتر مباحث حول دیدگاه‌ها عالمان و شخصیت‌های اثرگذار است. در این مقاله نگرش امام خمینی (ره) به مسئله زن و نحوه مشارکت او به‌عنوان چارچوب نظری بحث در نظر گرفته می‌شود. در واقع، الگوی مورد نظر حضرت امام (ره) با الهام از قرآن و وحی و سیره نبوی به‌ویژه تأکید بر الگوگیری از حضرت زهرا (س) و حضرت زینت (س) و همچنین، دستاوردهای فقهی است. نوع نگرش امام به‌گونه‌ای است که با الگو قرار دادن حضرت فاطمه (س) برای زنان، ضمن رد نگرش جوامع سنتی به زن و نوع رابطه زن و مرد بر مبنای توزیع قدرت، زن را از مقام مساوات با مرد عبور داده و به پیشوایی و رهبری وی معتقد است. ایشان در خصوص نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «شما زنان دلیر در این پیروزی پیش‌قدم بودید و هستید» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۷)؛ «شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید، مردها از شما الهام می‌گرفتند...» و «شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشتید و در همه‌جا کمک کردید و پیشوا بودید» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱). امام (ره) ضمن پذیرش تفاوت‌های جنسی، معتقد است که این تفاوت‌ها مانع حضور اجتماعی زن نمی‌شود. ایشان ضمن اشاره به احیای کرامت و شخصیت زن در صدر اسلام و حضور اجتماعی وی تأکید می‌کند که آن سنت و رویه می‌تواند الگوی زن مسلمان این عصر نیز باشد.

## ۵. حضور اجتماعی زنان در مکتب اسلام

### ۵-۱. رویکرد

بحث حضور و نقش‌آفرینی زن در جامعه و مناظرات فراوان صورت گرفته پیرامون آن، از یک منظره گسترده‌تری که بین سنت و نوگرایی وجود دارد، ناشی می‌شود. تفاوت چشمگیر موقعیت زنان در جهان غرب و در جهان اسلام، ما را در وضعیت دشواری قرار داده است؛ زیرا اعتقاد به آموزه‌های دینی و اسلامی در جامعه ایرانی عمیق و پایدار است و همه به‌نوعی درصدد تطبیق دادن خود با آن‌هاست، ولی نگاه به غرب و بهره‌گیری از تجربه‌های آن‌ها نیز در جامعه ایرانی تا حدی ریشه‌دار شده است. بنابراین، ساده‌ترین دسته‌بندی از دیدگاه‌ها سه دیدگاه سنتی، مدرن و میانه است که گروه سوم تلاش می‌کنند آشتی را بین دو رویکرد سنتی و نوین ایجاد کنند.

تنوع قومی، طبقاتی و اجتماعی زنان هم در ایران آن‌چنان گسترده است که برخورد‌های یک دست و یک پارچه با امر مشارکت اجتماعی موجب افتادن در چاله‌های تنزل‌گرایی<sup>۱</sup> و تعصبات ایدئولوژیک می‌شود، به‌طوری‌که از یک طرف عده‌ای معتقدند که عقیده اسلامی در اساس با تجددگرایی، سکولاریسم و آزادی زنان و مردم‌سالاری در تضاد است و لذا به‌هیچ‌وجه اصلاح‌پذیر نیست. در طرف مقابل کسانی هستند که معتقدند زنان به‌عنوان افراد درجه دوم باید فقط در خانه بمانند و نباید فعالیت اجتماعی داشته باشند. گروه سوم نیز روشن‌فکران دینی و فمینیست‌های اسلامی و زنان مسلمانی هستند که با تفاسیر زن‌باورانه از قرآن و اسلام، در جهت تضعیف اقتدار مرد و برابری حقوقی می‌کوشند. این گروه به عرصه جامعه مدنی تعلق دارند و در نوگرایی جامعه ایرانی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

واقعیت این است که اسلام مردان و زنان را موجودات کامل‌کننده یکدیگر می‌داند و تفاوت این دو جنس را در نقش و وظیفه ظاهری اجتماعی آن دو تلقی می‌کند. اسلام در این زمینه، به‌نوعی استکمال زن و مرد نسبت به یکدیگر قائل است تا برابری کمی ایشان؛ انتقادی که غالباً به نقش زن در اسلام دارند، پیش از هرچیز اطلاق متکلفانه رسم و روش‌های غربی بر جهان اسلام مبتنی است.

## ۲-۵. نقش‌ها

به‌طور کلی نقش‌های زنان را در قالب‌های «شخصیت زن به‌مثابه یک انسان»، «شخصیت زن به‌مثابه یک جنس» می‌توان بررسی و تجزیه و تحلیل کرد:

### ۱-۲-۵. نقش انسانی

در آیات قرآن کریم و سیره نبوی، زن به‌عنوان یک انسان در دستیابی به کمالات انسانی و وظایف اجتماعی با مرد برابر است و تفاوتی میان آن دو به لحاظ ماهیت وجودی انسان وجود ندارد. همچنین، از نظر قرآن، زن همانند مرد به‌تناسب هویت خاکی-ملکوتی خود، از غرایز و گرایش‌هایی برخوردار است که می‌تواند بستر اوج‌گیری او تا فراسوی جهان خاکی یا سقوط او به «اسفل سافلین» باشد (سجادی، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

\* \* \*

... (تین: ۴-۶)؛

به‌راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین (مراتب) پستی‌ها بازگردانیدیم. مگر مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند.

\* \* \*

« (شمس: ۷-۱۰)؛

سوگند به نفس و آن‌کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به او الهام نمود که هرکس آن را پاک گردانید. قطعاً رستگار است و هرکس آلوده‌اش ساخت، قطعاً باخته است.

زنان می‌توانند در مسیر تزکیه و تعالی‌جویی حرکت کنند و به قصد عصمت، مقتدایی اسوه شدن و الهام‌گیری قدم گذارند. قرآن با تکیه بر نمونه‌های عینی و پیش‌داوری‌های کلی در رابطه با امکان دستیابی زنان به والاترین مرتبه تکامل در پی این است که همه زنان را تشویق به تعالی‌خواهی کنند.

قران زنان راه‌یافته به قلۀ درک و شهود را با زیباترین تعبیرها و خطاب‌ها می‌ستاید:

« مثال ۱. »

(احزاب: ۳۳)؛

خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما خانواده پیامبر(ع) بردارد و شما را به پاکی کامل رساند.

مثال ۲. »

« (آل عمران: ۴۲)؛

و آن‌گاه که فرشتگان گفتند: مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برتری بخشید.

مثال ۳. »

«...

\*

(طه: ۳۸-۳۹)؛

آن‌هنگام به مادرت وحی مهمی نمودیم. وحی کردیم که کودک خود را در صندوقی قرار بده و او را در دریا افکن.

مثال ۴. »

\*

\*

« (تحریم: ۱۰-۱۲).

خداوند برای مؤمنان مثل زده است؛ همسر فرعون را آن‌گاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان و مریم، دخت عمران، را همان که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

بنابراین، در سایه آموزه‌های قرآنی زنان می‌توانند زندگی ارزشی‌شان را در پرتو عقل بی‌پیرایه، سامان بخشیده و آرمان‌ها و خواسته‌های ارزشی خود را جامه عمل بپوشانند. حضرت امام(ره) در این خصوص می‌فرماید: «در حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را

همچون مرد دارد. بله، در بعضی موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۹).

#### ۵-۲-۲. نقش مبتنی بر جنسیت

اما بحث اساسی در مورد هویت زن به‌مثابه یک جنس وجود دارد. بحث جنسیت یکی از بحث‌های مهم جامعه‌شناختی است که امروزه در جامعه‌شناسی مدرن شاخه جدیدی به نام «جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی»<sup>۲</sup> شکل گرفته که بر اساس آن ویژگی‌های اساسی جنسیت که از زن و مرد مورد انتظار است، در اوایل زندگی و در محیط خانواده فراگرفته می‌شود و سپس، در محیط‌های آموزشی، گروه‌های همسالان و از طریق رسانه‌های جمعی و سایر عوامل در جامعه حاصل می‌شود و افراد بر اساس آن، نقش‌های جنسیت خود را فرامی‌گیرند و ایفا می‌نمایند و از همین جاست که پایگاه‌های اجتماعی جنس‌های مختلف مشخص می‌گردد.

حال با توجه به امتیازات در نظر گرفته‌شده برای جنس مرد، معمولاً از زن‌ها نقش‌های کلیشه‌ای در جامعه و در منابع آموزشی و رسانه‌های جمعی ساخته می‌شود که گویای واقعیت آن جنس نیست و در برخی از جوامع به‌ویژه جوامع غربی از این جنس سوءاستفاده‌های فراوان حتی در حد یک کالا و وسیله شده که این آسیب‌های جدی به نقش و جایگاه زنان وارد کرده است. نگاهی به فیلم‌ها و تولیدات تلویزیونی کشورهای غربی، نشان‌دهنده سوءاستفاده آشکار از نقش و ابزاری نمودن این قشر از جامعه است. دین اسلام تفاوت به لحاظ جنسیتی بین زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد و بر اساس این نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها را نیز متفاوت می‌گرداند، به طوری که قرآن بر نقش عاطفی زن و همچنین، نقش پرورشی او در کانون زندگی زناشویی تأکید دارد.

مثال ۱. »

«... (روم: ۲۱)؛

از نشانه‌های او این است که او از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

در این تأکید قرآن بر نقش عاطفی زنان تأکید دارد که بر اساس آن آرامش در خانواده حاکم می‌گردد.

مثال ۲. «...»  
(نحل: ۷۳)؛

و خداوند برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی پدید آورد. در این آیه نیز تأکید بر نقش زنان در تربیت و پرورش فرزندان است. علاوه بر این، قرآن عرصه‌های حضور اجتماعی دیگری را برای زنان در نظر گرفته است؛ نظیر بیعت (ممتحنه: ۱۲)؛ هجرت (نساء: ۹۷-۹۸)؛ امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱) و کسب و تلاش اقتصادی و مالکیت (نساء: ۳۲).

اما در نگرش غربی، تأکید بر برابری نقش‌ها بین زن و مرد است و تلاش اصلی بر نادیده گرفتن نقش‌های جنسیتی متمرکز شده است.

با انکار نقش‌های جنسیتی، ساختار خانواده که بر اساس مدل عمودی و رابطه طولی پدر، مادر و فرزندان بود، به چالش کشیده می‌شود و در گام بعدی، ساختار افقی مردم‌سالاری در خانواده که تمام اعضا را در یک خط افقی هم‌رتبه قرار می‌دهد، مورد تأکید قرار گرفت و در نتیجه خانواده در جایگاه نهادی منسجم، نقش خود را از دست داده و نقش‌های انحصاری در آن نیز از بین رفت؛ مثلاً در فرانسه و انگلستان، تأمین هزینه خانواده از انحصار مرد خارج شد و مشترکاً بر عهده زن و مرد قرار گرفت (اسدی، ۱۳۸۰، صص ۶-۹). حتی نقش مادری هم به‌عنوان نقش انحصاری زنانه زیر سؤال رفته است.

علاوه بر این، با محوریت جنسیت در روابط اجتماعی و ویژگی‌های بی‌واسطه آن به‌گونه‌ای افراطی، انحرافات اجتماعی متعددی بروز می‌کند. یکی از انحرافات مهم ناشی از جنسیت به خدمت گرفتن کارکردهای جنسیت و ویژگی‌های آن در مسیر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نگاه ابزاری به زن به‌عنوان موجود برخوردار از این استعداد، در راه نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی و تجاری است که روابط انسانی را سخت‌مخدوش و منحرف می‌سازد. تأثیر این شکل از برخوردها بر اخلاق و روابط اجتماعی و خانوادگی بر کسی پوشیده نیست. چون در واقع، سودجویان معامله‌گر و

بازیگران سیاسی به هدف متأثر ساختن تصمیم‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها در قلمرو رفتارهای اخلاقی، تجاری و اجتماعی، این‌گونه به سوءاستفاده از وجود زن و صفات جسمانی او روی می‌آورند.

دومین شکل این انحراف آن است که کارکردهای جنسی به صورت افراطی و تمام‌عیار تعیین‌کننده رفتار و تأمین‌کننده انحراف شخصی قرار می‌گیرد. در این انحراف استعداد و ویژگی‌های جنسی در خدمت اهداف اقتصادی و سیاسی نیستند بلکه این استعداد جنسی خود، هدف قرار می‌گیرند و اهداف سیاسی و اقتصادی به حاشیه کشیده می‌شوند. گویا آدمی به دنیا آمده است تا آن‌ها را ارضا کند. لذا در تمام صحنه‌ها حتی در صحنه فعالیت‌های اجتماعی، ارضای آن را جستجو می‌کند و از این طریق هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارند. درحالی‌که استعدادهای به ودیعه نهاده شده در نهاد انسان از جمله استعدادهای جنسی وسیله‌ای برای کمال و تعالی انسان هستند. نه اینکه خودشان هدف قرار گیرند و تمام توان فکری، جسمی، انگیزشی، وقت و همت انسان مصروف آن شود. این نگاه افراطی باب ابتلا به انواع متنوع انحراف‌های اجتماعی را فراروی آن‌ها می‌گشاید که موجب می‌شود زن خود را فقط به همین خصایص معرفی نماید و جامعه هم تنها وی را به این صفات بشناسد، گویا ویژگی‌های جنسی زنانه، تنها صفت خاص آن‌هاست، آرایش‌های جلف‌گونه، جلوه‌گری‌های جنسی و خودنمایی‌های شهوت‌انگیز گوشه‌ای از این رفتارهای انحرافی است.

انحراف اختصاصی دیگر زنان که بر جنسیت تکیه دارد، همانا نادیده گرفتن و رها ساختن مسئولیت‌هایی است که نظام تکوین در پرتو جنسیت بر عهده زن گذارده است. این مسئولیت‌ها غیر از آن وظایفی است که مقررات اخلاقی، قراردادهای اجتماعی و نقش مادری بر عهده زنان گذارده است. اگرچه در نگاه اولیه وظایف مادر به‌مثابه یک وظیفه فردی تلقی می‌گردد، اما واقعیت غیر از این است؛ زیرا هیچ‌یک از این وظایف بدون ارتباط با دیگران و به‌صورت فردی محقق نمی‌شود بلکه تمام آن‌ها در یک ارتباط انسانی، هرچند کوچک ولی در کانون و نهاد اصلی جامعه یعنی خانواده امکان تحقق پیدا می‌کند. لذا درحالی‌که این امور، وظایف فردی تلقی می‌شوند، ولی چون نقش

اجتماعی گسترده دارند، در صحنه روابط خانوادگی بروز می‌کنند، بدین جهت منجر می‌شود تا این وظایف از زاویه رفتار اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی که در کمین زن نشسته است، فراموش نمودن مسئولیت‌های اجتماعی محول‌شده به وی است که تأثیر بسزایی در انجام نقش مادری دارد. همان‌گونه که شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌های فردی، زن را از انجام تعهدش باز می‌دارد، پایبند نبودن در انجام مسئولیت‌های اجتماعی - به‌ویژه در حوزه نهاد خانواده - نیز چنین پیامدی را به دنبال دارد.

با توجه به کم‌رنگ شدن توجه به نقش‌های جنسیتی و حمایت از آن‌ها در پرتو شاخص‌های غربی، سیاست اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌تواند راهگشا باشد که این‌گونه مسئولیت‌ها و نقش‌ها را تبیین می‌کند که نقش همسری و مادری را برای زنان به‌خوبی بیان می‌کند. در این چارچوب از نشانه‌های جایگاه نقش‌های جنسیتی زنان معادل دانستن همسرمداری شایسته با جهاد مردان (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۰۷)، بالاترین سعادت مرد مسلمان را برخورداری از همسر شایسته دانستن (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۴۹۷۹، ۲۴۹۵۴)، بهشت را زیر قدم مادران توصیف کردن (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۷۵۵۷) و ثواب فراوان مقرر نمودن بر بارداری، وضع حمل و شیردهی فرزندان می‌توان یاد کرد (نوری، ۱۴۰۸، ح ۱۷۹۳۳).

### ۳-۵. شاخص‌ها

امروزه عمده شاخص‌های حضور اجتماعی زنان و همچنین شاخص‌های رشد و توسعه زنان توسط سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی ترویج و توصیه می‌شود و کمتر نشانی از شاخص‌های بومی و مذهبی در تحلیل وضعیت زنان وجود دارد و متأسفانه احساس نیاز به تدوین و تنظیم شاخص‌های مبتنی بر دین و هویت ایرانی نیز چندان احساس نمی‌شود.

بر مبنای این شاخص‌های عمدتاً غربی جایگاه کشورهای نظیر سوئد، نروژ در رتبه‌های اول است و وضعیت کشورهای نظیر ایران که مبتنی بر اندیشه‌های الهی و دینی است، در رتبه‌های ۱۵۰ به بعد از میان ۱۹۰ کشور قرار می‌گیرد و ترویج گسترده



این شاخص‌ها، احساس حقارت و خودکم‌بینی را بر اندیشه تحلیل‌گران و مدافعان مذهبی حقوق زنان حاکم می‌گرداند و آنان را ناگزیر به پیروی از کشورهای غربی می‌کند. اما اگر شاخص‌سازی بر مبنای مدل دینی و به‌ویژه دین اسلام صورت گیرد، مسلماً این دسته‌بندی تغییرات اساسی خواهد کرد. بنابراین، باید تلاش کرد بر مبنای هویت دینی و اسلامی، شاخص‌هایی را طراحی کرد که در آن‌ها ضمن توجه به موضوع استحکام ساختار خانواده، رویکرد افزایش اعتماد به نفس را در زنان مسلمان و مؤمن تقویت گردد.

## ۶. آداب حضور اجتماعی زن مسلمان

### ۶-۱. اصول قرآنی

بر اساس برداشت پاره‌ای از مفسران از قرآن کریم، زنان باید خانه‌نشین باشند و از حضور در اجتماع پرهیز کنند. اما دلایل و تفسیرهای متعددی برای رد این برداشت وجود دارد که در ذیل به بخشی از آن‌ها اشاره می‌گردد. دیدگاه فقهی که حبس و نگهداری زن در خانه را واجب می‌شمارد، برای قرآنی جلوه دادن آن به این آیه استدلال می‌کند:

« (احزاب: ۳۳)؛ در خانه‌هایتان بمانید.

بر مبنای این تفسیر، حضور اجتماعی زنان بدون موضوعیت است و بر اساس این دستور شریف، قرآن زنان مسلمان را به خانه‌نشینی و پیوند و معاشرت نداشتن با نامحرمان دستور داده است.

استدلال به آیه «...» «...» بر این فرض استوار است که «قرن» برگرفته از ریشه «قرار» به معنای درنگ باشد و نه از ریشه «وقار» که احتمال دیگر است و با سیاق « (احزاب: ۳۳)؛ سازگاری بیشتری دارد؛ یعنی در این صورت «...» توضیح «وقار» و متانت به حساب می‌آید و می‌گوید: حفظ وقار زنان به این است که چونان زنان جاهلیت قدیم، زینت‌هاشان را آشکار ننمایند. بی‌تردید این توصیه با حضور در جامعه سازگاری بیشتر دارد تا درنگ در خانه.

در همین حال، بسیاری از مفسران و فقیهان با توجه به صدر و ذیل آیه شریفه، دستور یادشده را خاص زنان پیامبر(ص) می‌دانند و بر فرض فراگیر دانستن آن، مقصود از این آیه خانه‌نشینی و انزوای از جامعه برای زنان نیست و گرنه زنان پیامبر(ص) که مخاطبان اصلی آیه هستند، هیچ‌کدام، چه در زمان حیات آن حضرت و چه پس از آن، به این دستور عمل نکرده‌اند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۸۹). سیره خود پیامبر(ص) نیز خلاف این بوده است (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۳۵۶). بنابراین مقصود از این دستور آن است که زن با هدف خودنمایی از خانه بیرون نرود، نه اینکه هیچ‌گاه حق بیرون رفتن نداشته باشد (صادق، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴). افزون‌براین، هیچ فقیهی به مقتضای ظاهر این آیه شریفه، فتوا به واجب بودن خانه‌نشینی و حرام بودن مشارکت اجتماعی زنان را نداده است.

آیه دیگری که از آن برای خانه‌نشینی زنان و عدم ارتباط زنان با مردان نامحرم و به تبع عدم مشارکت اجتماعی زنان از آن استفاده می‌کنند، چنین است:

«...»

«...»

(احزاب: ۵۳)؛

«اگر از زنان پیامبر(ص) چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.»

البته مفسران و فقیهان با توجه به صدر و ذیل آیه، دستور یادشده را ویژه زنان پیامبر(ع) می‌دانند. از آنجاکه عرب‌های مسلمان بدون اجازه وارد اتاق‌های پیامبر(ع) می‌شدند و زنان پیامبر(ص) نیز در آنجا بودند، این آیه آمد که بدون اجازه داخل نشوید و وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیامبر(ص) بگیرید، از پشت پرده بخواهید، بدون اینکه داخل خانه شوید. این کار برای پاکیزگی دل شما و آن‌ها بهتر است.

بر فرض فراگیر بودن آیه، مقصود این نیست که زنان حق معاشرت با مردان را ندارند؛ زیرا سیره رسول خدا(ص) نیز غیر از آن بود، به طوری که زنان آن حضرت(ص) نیز در میان اجتماع رفت‌وآمد داشتند. مردم نیز به خانه آن‌ها رفت‌وآمد داشتند و با آن‌ها گفتگو می‌کردند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۸۹).

در واقع، در قرآن کریم حدود دویست آیه پیرامون ابعاد مختلف مسائل خانواده و زنان آمده است که بر اساس آنها می‌توان حضور مستقیم و بدون واسطه زنان در صحنه حیات اجتماعی را به خوبی استنباط می‌گردد. در واقع، قرآن به زنان این حق را داده است که با بهره‌گیری از توان اقتصادی، اندوخته‌های علمی، قدرت بدنی و مهارت‌های مدیریتی خود، تحول همه‌جانبه‌ای را در جامعه دنبال نمایند.

قرآن کریم بدون تمایز قائل شدن بین زن و مرد در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه حق تملک و تصرفات مالی، بیعت گرفتن، هجرت و جهاد، حضور در میدان جنگ و حضور در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی و حتی شرکت در کار حکومت و داوری، ضمن رد ایده خانه‌نشینی زنان بر مشارکت فعال آنها در عرصه اجتماعی با رعایت اصول دیگر تأکید می‌ورزد؛ برای نمونه، صرفاً به یک نمونه از این موارد، یعنی به رسمیت شناختن حق تملک و تصرف زنان مشابه مردان از نظر قرآن اشاره می‌گردد. قرآن از سویی، برای زن و مرد به‌صورت یکسان حق تملک قائل است و با صراحت اعلام می‌دارد:

«...» (نساء: ۳۲)؛

برای مردان و زنان از آنچه کسب می‌کنند، بهره‌ای است.

از سوی دیگر حق تملک را جز در مورد سفیهان و کودکان (اعم از دختر و پسر)، همراه با حق تصرف می‌شناسد؛ به همین دلیل کسی نمی‌تواند بگوید: «آیات الاحکام» در باب معاملات اختصاص به مردان دارد.

بنابراین، سخن اصلی و نخستین قرآن این است که زنان همانند مردان حق دارند که در مال خود آزادانه تصرف نمایند. البته اگر دختران به رشد عقلی نرسیده باشند یا زنان مبتلای به سفاهت گردند، امور مالی آنان از نگاه قرآن به قیم واگذار می‌شود که این‌گونه قیمومت در مورد پسران و مردان نیز مطرح است.

در این ارتباط، روایاتی که محدودیت زنان را در تصرفات مالی مطرح می‌کنند، به تعیین نظر به دختران خردسال، زنان سفیه و زنان شوهردار دارند که در مورد زنان شوهردار نیز مقصود این روایات، ناروا بودن تصرف در مال شوهران است یا آنکه در

اصل از بایسته‌های اخلاقی سخن می‌گویند و امر در آن‌ها ارشادی است (سجادی، ۱۳۸۰، صص ۵۸-۵۹).

به‌طور کلی، در نظر اسلام زن به اعتبار انسان بودن خود (که کاملاً با مرد مساوی است)، حق شرکت در تمام مشاغل آزاد و اداری، اعم از خدماتی، تولیدی، توزیعی، صادراتی، وارداتی، کشاورزی صنعتی، علمی، دانشگاهی و... را دارد، ولی نظر به اینکه اسلام برای پیشگیری روابط ناسالم دو جنس مخالف و جاذبه‌های جنسی شدیدی که در میان آنان هست و می‌تواند منشأ زیان‌های بزرگ اجتماعی و خانوادگی شود، ورود زن را به کارهایی که سبب تماس مستقیم و مستمر با مردان می‌شود، تشویق نمی‌کند بلکه ترجیح می‌دهد که با ملایمت و نه اجبار، زنان را به کار در محیط‌های سالم‌تر تشویق نماید. باین‌همه، گاهی به‌سبب ضرورت‌های اجتماعی و نیاز به کار زنان، از لحاظ مذهبی، کار زنان در جامعه بر آن‌ها ضروری و واجب می‌شود و از این‌رو، امروز زنان مسلمان در بیشتر جوامع اسلامی از جمله در جمهوری اسلامی ایران، به‌سبب اجازه اسلام، توانسته‌اند در همه‌گونه مشاغل سیاسی، اداری، قضایی، خدماتی، بازرگانی و... وارد شوند و سهم مهمی در هر جامعه دارند. بجز چند مورد که تکلیف آن از دوش زنان برداشته شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲).

## ۲-۶. سیره نبوی

بررسی سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) در خصوص دفاع از حقوق زنان و احترام به جایگاه و شخصیت آن‌ها، بهترین چراغ راه برای وضعیت فعلی است، حتی در مقایسه بین شرایط کنونی دفاع از حقوق زن با تحولات زمان پیامبر اکرم(ص) می‌توان مشابهت‌هایی را یافت، به‌طوری‌که پیامبر(ص) هم با عقاید جاهلیت عربی درباره زن، و هم با فرهنگ وارداتی روم که در پرستش بت‌های مؤنث تجلی پیدا می‌کرد، مبارزه می‌کرد.

به‌طور کلی، خطوط اصلی دیدگاه‌های پیامبر اکرم(ص) به‌طور خاص و دیدگاه‌های اسلام به‌طور عام در خصوص شخصیت و چگونگی حضور اجتماعی زنان را در قالب‌های زیر می‌توان بررسی کرد:

اول. همتا دانستن زن و مرد: برابری زن و مرد در انسانیت و در دستیابی به کمالات انسانی از اصول نگرش اسلام است که قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت(ع) به تبیین آن پرداخته‌اند. آیاتی از قرآن کریم که یکسان به زن و مرد وعده بهشت می‌دهد و آنان را چون مردان در اقامه نماز، اعطای زکات، پذیرش سرپرستی خدا و رسول(ص) و اصلاح جامعه اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر مسئول می‌شمارد (توبه: ۷۱-۷۲) و بر ایمان و تسلیم، صداقت، صبر، خشوع و عفت زن و مرد ارزشی یکسان می‌گذارد (احزاب: ۳۴)، نشانگر یکسان‌نگری اسلام است چنان‌که آیات الهی که بر اذیت زنان مؤمن و افترا به آنان برمی‌آشوبد (نور: ۲۳؛ احزاب: ۵۸). پیامبر(ص) را به استغفار برای زنان و مردان مؤمن فرا می‌خواند (محمد: ۱۹) و توبه آنان را قبول می‌کند (احزاب: ۷۳)، افزون‌بر آن، گفتار پیامبر(ص) زنان را همتای مردان شمرده است (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ح ۴۵۳۱). در کنار سیره کرامتمندانه آن بزرگوار، حاکی از برابری زن و مرد در ارزشمندی است.

دوم. هجرت و جهاد زنان: از نظر رویه عملکردی پیامبر اکرم(ص) زنان نیز می‌توانند مشابه مردان هجرت نمایند و در جنگ و جهاد شرکت کنند که خود دلیلی روشن بر مشارکت اجتماعی زنان است.

روزی ام‌سلمه گفت: ای رسول خدا! نشنیده‌ام که خداوند درباره هجرت زنان چیزی بگوید! آن‌گاه این آیه نازل شد (واحدی، ۱۴۰۱ق، ص ۸):

»

... «(آل عمران: ۱۹۵)؛

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد (و فرمود: من عمل هیچ صاحب عمل شما را از زن و مرد که همه از یکدیگرند، تباه نمی‌کنم، پس کسانی که هجرت کرده و از خانه خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدیهاشان را می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر آن نهرها روان است، درمی‌آورم، این پاداشی از جانب خداست.

بخش دوم آیه که با «فاء» تفریع، آغاز می‌شود، بیان تطبیقی دو اصل: یک. وحدت نوعی زن و مرد و دو. ارزشمند بودن عمل زن و مرد نزد خداوند است که قسمت اول آیه بدان اشاره دارد، به همین دلیل، اگر شأن نزولی نیز نبود، مشروعیت و ارزشمندی هجرت و جهاد زن با ایمان از این آیه استفاده می‌شد. همچنین، بر اساس گزارش منابع تاریخی، هجرت زنان صدر اسلام به‌عنوان یک اقدام ارزشی جای تردید نداشته و حضور آنان در میدان جنگ مورد تأیید پیامبر(ص) بوده است. زنان شرکت‌کننده در جهاد، گاهی علاوه بر کار آبرسانی، درمانی و پرستاری، به نبرد مسلحانه نیز می‌پرداختند. انس بن مالک می‌گوید:

هرگاه پیامبر(ص) آهنگ جنگی را می‌نمود، ام‌سلمه و جمعی از زنان انصار را به همراه می‌برد تا مسئولیت آبرسانی و درمان زخمی‌ها را بر عهده گیرند (ابی‌داوود، ح ۲۵۳۱). «نسیبه»، دختر کعب، می‌گوید:

«در جنگ احد با مشک آب خود را به پیامبر(ص) رساندم، آن حضرت(ص) را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود، هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر(ص) پیوستم و به‌طور مستقیم وارد جنگ شدم، به قصد دفاع از پیامبر(ص) شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم» (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۹۱)

نسیبه که کنیه‌اش «ام‌عمار» است با الهام‌گیری از امضای حضور زن در جنگ توسط پیامبر(ص) در جنگ «یمامه» نیز وارد جنگ شد و پس از کشته شدن «مسيلمه»، در حالی به مدینه بازگشت که دوازده زخم شمشیر و نیزه بر تن داشت (ابن‌هشام، ج ۲، صص ۷۱-۷۹).

ج. توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنان: شیوه پیامبر(ص) آن بود که از یک سو، به ارزش و جایگاه ویژه دختران در زندگی توجه دهد و به تأثیر آنان به‌عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی اشاره کند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۷۳۰۶ و ۲۷۳۱۴) و از سوی دیگر، با بیان رزاقیت خداوند، احساس سنگینی در نگهداری آنان را برطرف نمود. ضمن آنکه ضد سنت دخترکشی سنگدلانه بشورد و اکرام زنان و دختران را در قالب

عباراتی که بهترین مردم را خیرخواه‌ترین آنان در حق زنان می‌داند، اهانت به زنان را نشانی از پستی بشمارد و بر حمایت از دختران و زنان، بهشت را پاداش قرار می‌دهد و آن را وجهه همت مردان قرار دهد (نهج‌الفصاحه، ح ۱۴۷۷، ۱۵۲۰، ۱۷۲۸).

د. بیعت با زنان: پیامبر اکرم(ص) در چند نوبت از زنان بیعت گرفته است. در بیعت «عقبه» که قبل از هجرت انجام گرفت، سه زن حضور داشتند. در فتح مکه نیز قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) را به گرفتن بیعت از زنان (در صورت تمایل آنان) فراخوانده است (ممتحنه: ۱۰).

هـ. توجه به شخصیت‌دهی ویژه: سخنان گهربار پیامبر اکرم(ص) در توصیف شخصیت زنان تاریخ‌ساز از جمله فاطمه(س)، آسیه(س) و مریم کبری(س) (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴)، به‌ویژه در مورد فاطمه(س) در قالب بیاناتی که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می‌دهد و نیز مریم(س) که به همراه آموزه قرآنی، او را زنی کامل، دارای عصمت و هم‌سخن با فرشتگان خداوند دانسته است (آل‌عمران: ۴۲-۴۷)، نشانگر آن است که زن می‌تواند تمامی حجاب‌ها را درنوردد و به قله کمالات رسد. انتخاب فاطمه(س) به‌منظور مباحثه (آل‌عمران: ۶۱)، با وجود حضور مدعیان و در نظر گرفتن وی به عنصری محوری در میان اصحاب کسا که آیه تطهیر در شأن آنان فرود آمد (احزاب: ۳۳) نیز به بهترین شکل نمایانگر جایگاه زن در اندیشه اسلامی است.

و. پرورش عملی زنان: بهترین شاهی که بر کارآمدی برنامه هر مکتب می‌توان ارائه داد، بررسی ابعاد شخصیتی کسانی است که بر اساس آموزه آن پرورش یافته‌اند. بررسی زندگی فاطمه(س)، از دوران کودکی و نوجوانی در حمایت از پیامبر اکرم(ص) در مقابل مشرکان و حضور در صحنه جنگ برای پشتیبانی از رزمندگان تا زمان جوانی و ورود یک‌تنه در عرصه مبارزه با مفسد سیاسی و انتخاب مشی مبارزه منفی به‌منظور نشان دادن مظلومیت اهل بیت(ع) تا پایان تاریخ، توجه به حفظ معارف و علوم دینی، تا آنجا که آن را معادل حفظ جان دو فرزند عزیزش می‌شمارد، همه بیانگر آن است که یک زن به‌گونه‌ای تربیت یافته است که می‌تواند به دگرگون ساختن تاریخ بیندیشد. چنین تربیتی را در بانوان ممتاز چون خدیجه(س) که توانمندی اقتصادی خود را در

توسعه دین جدید به خدمت گرفت، در زینب کبری(س) نیز می‌یابیم. این تحولات سبب شد که در طول سده پس از ظهور اسلام صدها زن راوی حدیث، فقیه، عارف، متکلم، ادیب، معلم و انسان‌ساز به صحنه آیند.

## ۷. آسیب‌شناسی حضور اجتماعی زنان

### ۷-۱. آسیب‌پذیری خانواده

اساساً مشارکت و حضور زنان در امور اجتماعی امری بدیهی و ضروری است، اما الگو و رویکرد این حضور جای بحث است. در قالب الگوهای غربی که از پشتوانه فرهنگی - تاریخی قوی برخوردار نیست، وضعیت خانواده بسیار اسفبار شده است، به طوری که دگرگونی در نقش زنان تأثیر گسترده‌ای بر خانواده گذاشته است. اکنون نسلی از کودکان آمریکایی توسط مادران شاغل تربیت و بزرگ می‌شوند که از ابتدای کودکی آنان را به مراکز نگهداری و مراقبت می‌سپارند و این امر با این مقیاس در آمریکا بی‌سابقه بوده است. علاوه بر این، استقلال تازه زنان این امکان را برای آنان به وجود آورده است که در فکر رها کردن ازدواج‌های ناموفق یا بزرگ کردن فرزندان با هزینه خود باشند. نتیجه این امر تا حدی افزایش سریع طلاق‌ها، فرزندان زنان ازدواج نکرده و گسترش خانواده‌های تحت سرپرستی زنان بوده است. در حال حاضر از هر دو زن ازدواج کرده یکی طلاق می‌گیرد و از هر پنج زن دارای فرزند، یکی به صورت مجرد زندگی می‌کند، باین‌همه، بسیاری از این‌گونه زنان خود را بسیار آسیب‌پذیر می‌دانند؛ زیرا یکی از اثرهای غیرمستقیم و عمدتاً پیش‌بینی نشده، تمایل زنان به استقلال از «زنانه شدن فقر» بوده است؛ چنان‌که از هر چهار زن طلاق‌گرفته یا جدا شده یکی تحت پوشش برنامه‌های حمایتی قرار دارد و از هر سه خانواده تحت سرپرستی زنان، یک خانواده دچار فقر است. روی هم رفته ۵۷ درصد فقیران را زنان تشکیل می‌دهند (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹). بنابراین، بر مبنای الگوی غربی، وضعیت خانواده‌ها به علت افراط در اشتغال زنان و به‌کارگیری گسترده آنان در امور اقتصادی، رو به اضمحلال رفته و به تبع، نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد.



اما در دنیای اسلام که از بستر تاریخی عمیقی هم برخوردار است، زنان با کمترین نقصان به نظام خانواده می‌توانند در حیات اقتصادی- اجتماعی جامعه ایفای نقش نمایند. بنابراین، با تأسی به الگوی اسلامی می‌توان ضمن حفظ و استحکام نهاد خانواده، بحث حضور اجتماعی زنان را پررنگ‌تر و قوی‌تر نمود. اساساً این فرضیه که با مشارکت بیشتر زنان در اجتماع، نقش آن‌ها در نظام خانواده دچار اختلال یا ستیزه‌نقش‌ها می‌شود، مردود شمرده می‌شود؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که به‌ندرت خانواده‌روستایی را می‌توان یافت که زنان در فعالیتهای اقتصادی آن هیچ نقشی نداشته باشند. بر اساس شواهد و اطلاعات موجود دست‌کم، ۵۰ درصد نیروی کار در فرایند تولید محصولات کشاورزی در روستاها را زنان تأمین می‌کنند (شادی‌طلب، ۱۳۷۵، ص ۸۸)، درحالی‌که کمترین خللی به استحکام خانواده وارد نمی‌شود. البته امروزه شاخص‌های جهانی ارزیابی رشد و توسعه زنان که عمدتاً توسط نهادهای بین‌المللی ترویج و توصیه می‌گردد، کمتر به نقش و اهمیت خانواده توجه دارند، به‌طوری‌که کشورهایی که بهترین رتبه‌های جهانی را در ارزیابی وضعیت زنان دارند، با بحران‌های وحشتناکی در امور خانواده مواجه هستند؛ برای مثال کشورهای سوئد و نروژ با دارا بودن رتبه‌های اول، با فروپاشی کامل خانواده مواجه هستند، چنان‌که ۵۵ درصد فرزندان که در سالیان اخیر در این دو کشور متولد شده‌اند، نامشروع و ۶۳ درصد اهالی استکهلم دارای پیوندهای توافقی خارج از چارچوب ازدواج می‌باشند (کرتز، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

## ۲-۷. آسیب‌پذیری الگوی مشارکت

یکی از آسیب‌های اساسی در خصوص جایگاه اجتماعی زنان، استفاده ابزاری از زنان در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی است. به‌نحوی که زن در حد شیء یا کالا تنزل پیدا می‌کند. حضرت امام(ره) به‌خوبی این آسیب را توضیح می‌دهد؛ ایشان حضور زنان را در تمام صحنه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آزاد می‌داند، اما چیزی که می‌تواند مرز این آزادی قرار گیرد و آن را محدود کند، مسئله مهمی تحت عنوان شیء یا کالایی شدن است. زمانی که شأن و مرتبه زن بخواهد در حد شیء شدن سقوط

کند و از حدود اسلام خارج شود، زن باید محدود شود. معظم‌له (ره) در همین خصوص می‌فرماید:

«زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۴، صص ۳۷-۴۰).

### نتیجه‌گیری

هیچ مکتبی به اندازه اسلام نسبت به هویت واقعی زن و تغییر نگرش و تبیین قوانین حقوقی و انسانی که در سرنوشت زنان تأثیر مثبت داشته باشد، اهتمام نورزیده است. نظام حقوق زن در اسلام بر اساس تساوی حقوق زن و مرد است، نه تشابه. در اسلام، برای افراد بشر از جمله میان جنس زن و جنس مرد، برابری در حقوق مطرح است. اما در برخی جاها ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد، همچنان‌که طبیعت زن با طبیعت مرد در برخی از خصوصیات متفاوت است.

واقعیت این است که امروزه مسئله زنان، با غوغای بحث‌ها و جنبش‌های فمینیستی همراه شده که برای ارائه یک الگوی دینی باید به دور از این غوغاها به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخت. با بررسی این دیدگاه‌ها و رویکردها که مبتنی بر قرآن، سنت و تجربه بشری در حوزه اسلامی بود می‌توان اذعان کرد که حضور زنان در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی نه تنها مورد تقاضای قشر زنان است بلکه اقدامی مثبت و مفید نیز است. به‌واقع، در اسلام زن و مرد از حقوق مساوی اما متفاوت برخوردارند، نقش مادری و تربیت فرزند از ارزش والایی برخوردار است، در عین حال، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل مطلوب و احیاناً واجب است و تلاش فقها و حقوق‌دانان اسلامی بر این است تا با در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان و با رعایت معیارها و اصول صحیح ضابطه‌مند استنباط، در جهت فهم متون دینی تلاش بیشتری نموده و راهکارهای علمی‌تر و به‌روزتری را در جهت تضمین حقوق اجتماعی زنان ارائه کنند.

تجربه پیگیری برابری زنان و مردان و حضور همگام با مردان در صحنه‌های اجتماعی به‌خوبی نتایج خود را در جوامع توسعه‌یافته غربی نشان داده است که فوری‌ترین نتایج آن تزلزل و فروپاشی بنیاد خانواده، گسترش فساد در جامعه، ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین مرد و زن، تشدید بحران عدم تفاهم انسان‌ها و افزایش احساس تنهایی زنان در محیط خانواده و جامعه بوده است.

با عنایت به مخاطرات نگاه افراطی به ضرورت مشارکت اجتماعی زنان در جوامع پیشرفته غربی، هرگونه مشارکت اجتماعی زنان زمانی مؤثر و کارساز خواهد بود که زن از عفت برخوردار باشند. در بیان دانشمندان علم اخلاق، عفت به معنای اطاعت نفس از نیروی عقل است، به‌گونه‌ای که فرد هرگز در رفتار و عملکرد خویش - روابط اجتماعی - از خواهش‌های نفسانی فرمان نمی‌برد. در واقع، تأکید بر عفت در مبحث حضور اجتماعی بدین دلیل است که عفت در روابط با دیگران معنا پیدا می‌کند، به‌طوری‌که اگر زن در ارتباط با دیگران از گوهر عفت بی‌نصیب باشد، به‌واسطه مسئولیت مادر بودنش که یکی از ویژگی‌های انحصاری اوست، جامعه انسانی را آلوده می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، از مسیر آلوده ساختن روابط اجتماعی، آدمی را از بهره‌مندی از نسل پاک برای همیشه محروم می‌کند. چون او مادر هستی است و آن‌گاه که مادر هستی به انحراف آلوده شود، راه برخورداری از نسل پاک مسدود می‌گردد.

بنابراین، با رجوع به قرآن و سنت اسلامی می‌توان با رعایت ارزش‌های دینی و انسانی، حفظ «عفت» در حوزه روابط زن و مرد، اهتمام به حقوق شوهر، توجه به نیاز کودکان به آسایش و عطوفت مادر در زمان بارداری و دوره شیرخوارگی، و با در نظر گرفتن کارهای مورد علاقه زنان در پهنه زندگی اجتماعی و کارآمدی و علاقمندی‌های زن در واگذاری مشاغل اجتماعی، زمینه را برای حضور فعال زنان در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی فراهم آورد.

اساساً ارائه الگویی مناسب دینی برای حضور اجتماعی زنان باید مبتنی بر اصول

زیر باشد:

- تفاوت‌های تکوینی زن و مرد؛

- اشتراک زن و مرد در انسانیت؛

- زن و مرد دو موجود مکمل یکدیگر؛
- خانواده رکن اساسی اجتماع؛
- محوریت اخلاق و معنویت.

با عنایت به این اصول، زنان جامعه اسلامی با برخورداری از خودآگاهی اجتماعی، شناخت نقش و مسئولیت خویش و تقویت علاقه‌مندی خود به جامعه و قانون‌پذیری می‌توانند ضمن زدودن باورهای منفی و غلط نسبت به زنان، با بهره‌گیری از تعالیم و باورهای دینی، مشارکت اجتماعی فعال داشته و سهمی اساسی در توسعه همه‌جانبه جامعه خود داشته باشند. نمونه عملی این تجربه در طول سه دهه حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران (البته با افراط و تفریط‌هایی) هویدا شد. اما چارچوب نظری و علمی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(دام‌ظله) در خصوص نحوه مشارکت اجتماعی زنان یک مسیر متعادل و به دور از افراط و تفریط بوده و هست.

## یادداشت‌ها

1. Reductionism
2. Socialization Gender

## کتابنامه

- نهج‌الفصاحه (۱۳۶۰)، ابوالقاسم پاینده، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، تهران: جاویدان.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، سیره النبویه، ج ۳، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- ابوفارس، محمد عبدالقادر (۱۹۸۶)، حقوق المرأة، الاردن: دارالفرقان.
- ابی داوود، سلیمان، سنن ابوداود: کتاب الجهاد، حدیث ۲۵۳۱،
- اسدی، لیلا (۱۳۸۰)، «بررسی نفقه زوج و اقارب در حقوق انگلستان»، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۴.
- انصاری، محمداسماعیل (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی»، فصلنامه فرهنگ رسانه، اسفند.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

پیران، پرویز (۱۳۷۶)، *مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی*، ج ۱، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۸)، *وسائل الشیعه*، ج ۶ و ۱۲، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۱)، «زن، خانواده و اسلام»، کتاب *تقدّم*، سال ۵، شماره ۱۷.

خمینی، امام روح‌الله (۱۳۶۸)، *صحیفه نور*، تهران: دفتر نشر آثار امام خمینی (ره).  
دورانت، ویل (۱۳۷۴)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس.

راوندی، مرتضی (۱۳۶۵)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.

سجادی، سید ابراهیم (۱۳۸۰)، «قرآن و مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۲۷، پاییز و زمستان.

شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش زنان*، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز.

شعبانی، رضا (۱۳۷۵)، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: قومس.

صادق، محمد (۱۳۷۶)، «زنان و محدودیت‌های جهانگردی»، *فقه*، شماره ۱۴، زمستان.

عبدالحمید محمد، محمود (۱۴۱۱)، *حقوق المرأة بین الاسلام والدیانات الاخری*، مصر: مطبعة الكتاب (۱۹۹۰).

علویقی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، *زن در آئینه تاریخ*، تهران: انتشارات چاپ.

قائم‌مقامی، فرهنگ (۱۳۵۵)، *آزادی یا اسارت زن*، تهران: جاویدان.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، *توسعه سیاسی و تحول اداری*، تهران: قومس.

قطب، محمد (بی‌تا)، *جامعه‌شناسی تاریخی زن*، ترجمه محمدعلی عابدی، بی‌نا، بی‌جا.

کرتر، استنلی (۱۳۸۳)، «پایان ازدواج در اسکانندیناوی»، ترجمه: مریم رفیعی، *حورا (ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان)*، ش ۱۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۵، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.  
لک‌زایی، نجف، (۱۳۸۹)، «مسائل فقه سیاسی»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.

متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، (۱۴۰۵ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.  
مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۶۸)، بحارالانوار، ترجمه علی دوانی، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مظفری، بهجت‌الملوک (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه، تهران: دفتر امور زنان.

منیسی، سامیه (۱۹۹۷)، المرأة فی الاسلام، قاهره: دار الفكر العربی.

مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، «امام خمینی و گستره آزادی زنان»، ماهنامه پیام زن، مهر.

نوری، حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل‌البتی لاحیاء التراث.

واحدی (۱۴۱۰ق)، اسباب النزول، مصر: مكتبة الثقافة.

هارت، رابرت ای. (۱۳۸۰)، مشارکت کودکان و نوجوانان از پذیرش صوری تا شهروندی واقعی، ترجمه فریده طاهری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Tri, Huynh Cao, (1982), *Participate in Development*, Paris: UNESCO.

## کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی

اصغر آقا مهدوی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۰۵

مهدی نادری باب اناری\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۰۳

### چکیده

اگرچه قدرت، مسئله محوری سیاست است، اما وجوه مختلف برآمده از قدرت، حکایت از ماهیت و کارویژه‌های خاص آن دارد. «قدرت نرم» که بر وجهه «جنادبیت» تأکید دارد، در واقع، تلاشی است که بازیگر از طریق به کارگیری آن درصدد «هماندسازی» جامعه رقیب و پیشبرد اهداف است. خطمشی قرآن کریم بیانگر حضور فعال دو جریان الهی و استکباری است. جریان‌هایی که با ماهیت متفاوت و غایت خاص، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند و همواره خداوند متعال در آیات متعددی به این امر اذعان کرده است. جریان استکباری به سردمداری ابلیس و اطرافیان در برابر حق، تکبر ورزیده و درصدد است از هر طریق ممکن (سخت و نرم) مانع از پذیرش حق از ناحیه مردم شود. تقابل و رویارویی این دو جریان در قالب دو جنبه ایجابی و سلبی قابل پیگیری است. این نوشتار تقابل جریان استکباری با جریان الهی حاکم بر سیاست در قرآن را با اهتمام به کارکردهای ایجابی و سلبی قدرت نرم با استناد به آیات قرآن مورد کندوکاو قرار می‌دهد. در این راستا، استفاده از وجوه نرم‌افزارانه قدرت از ناحیه استکبار در دو سطح «ارکان» و «شیوه‌ها و تدبیرها» در پاسخ به این سؤال که «چگونه جریان استکباری از طریق کاربرد قدرت نرم به پیشبرد اهداف خود در مقابل جریان الهی می‌پردازد؟» با به کارگیری روش «تحلیل محتوای کیفی» مورد تدقیق قرار گرفته است.

جریان استکباری با به کارگیری ارکان «جامعیت»، «استمرار»، «سیاست گام‌به‌گام» و «بهره‌برداری از نقاط ضعف» از طریق تدبیرهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی می‌کوشد با شیوه‌هایی همچون تهدید، تحقیر، تطمیع، تهمت زدن، شایعه‌پراکنی، سازش‌کاری، تحریک احساسات و در نهایت، جوسازی و انحراف افکار عمومی، مخاطبان پیام توحیدی را اغفال نماید و در مقابل جریان الهی صف‌آرایی کند.

### واژگان کلیدی

قرآن کریم، سیاست، استکبار، قدرت نرم

\* استادیار گروه فقه دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)

aamahdavy@yahoo.com

m.naderi@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

#### مقدمه

تشریح و کاربرد گفتمان نرم در سپهر نظر و عرصه عمل، مستلزم کندوکاوی جدی در تعریف، مبانی، ضرورت و کاربرد آن است. گفتمان نرم که در قالب قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم، جنگ نرم بیان می‌شد، در واقع، بر جنبه ایجابی قدرت در مقابل جنبه سلبی آن تأکید دارد. فراتر از کاربرد قدرت نرم، ماهیت رسالت و غایتی که بازیگر در راستای تحقق آن در تلاش است از گفتمان نرم برای عملیاتی‌سازی آن استفاده کند؛ حائز اهمیت است. با این اجمال، در نمونه اسلامی، رهرو دیندار با تأمل در آیات شریف قرآن کریم، شاهد نمودهایی از کاربرد قدرت نرم است. در واقع، خداوند متعال، با بیان خطوط کلی حاکم بر سیاست در قالب دو جریان الهی و استکباری در قرآن کریم به چگونگی کاربست قدرت نرم توسط هریک از دو جریان در راستای تحقق اهدافشان تأکید داشته و جریان الهی سیاست را نسبت به ترفندهای کاربست قدرت نرم جریان استکباری، انذار داده است. این نوشتار با ارائه یک چارچوب نظری از قدرت نرم، درصدد پاسخ به این پرسش است: «چگونه جریان استکباری از طریق کاربرد قدرت نرم به پیشبرد اهداف خود در مقابل جریان الهی می‌پردازد؟». برای این منظور نویسنده از روش «تحلیل محتوای کیفی» برای شناسایی آیات قرآن کریم و تدقیق در ترفندهای به کارگیری قدرت نرم جریان استکباری بهره جسته است.

#### ۱. روش تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوای کیفی<sup>۱</sup> به شکل کنونی آن توسط میرینگ در سال ۱۹۸۰ پیشنهاد داده شد (Mayring, 2000, p.1). با این حال، از این روش علمی در یونان باستان و بعدها در قرن هفتم میلادی برای استخراج متون مقدس استفاده شده است. در ایران، تجزیه و تحلیل متون و یافتن ارتباط بین متون قرآنی (= تفاسیر) و نظم و نثر فارسی از گذشته دور رواج داشته است (رفیع‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). تحلیل محتوا در یک تعریف جامع به‌زعم هلستی<sup>۲</sup>، روشی است که «به کمک آن ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به‌طور نظام‌یافته و عینی» شناسایی می‌کند (به نقل از فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۸۱، صص ۶۶۹-۷۰). در این روش پژوهشگر «به‌جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیام‌های تولیدشده، بر فرایند



تولید پیام‌ها با مضمون اجتماعی متون» تأکید دارد و مؤلف را فاعل خودآگاهی لحاظ می‌کند (سیدامامی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷). در میان فرایندهای تحلیل محتوای کیفی میرینگ، دو رویکرد «نظام مقوله‌ای استقرایی» و «نظام مقوله‌ای قیاسی» از رویکردهای اصلی برای بسط و توسعه نظام مقوله‌ای و یافتن اجزای متنی مناسب به عنوان نتیجه است (پیردافی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). باین‌حال، برخی از نویسندگان در تحلیل محتوای کیفی از هر دو روش بهره می‌جویند، بدین معنا که در گام اول، در ساختن مقوله‌ها از روش استقرایی استفاده کرده و پس از آنکه حداقلی از مقوله‌ها شکل گرفت، از روش قیاسی برای تحلیل بقیه متن - در قالب یک جریان رفت و برگشت - استفاده می‌کنند (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۷). بسط نظام مقوله‌ای استقرایی متعلق به مرحله خلاصه‌سازی و ارائه تعاریفی صریح و آشکار از موضوع، ارائه مثال‌ها (مصادق‌ها) و نمونه‌ها مربوط به مقوله قیاسی است (Mayring, 2000, pp.4-5). به اعتقاد رفیع‌پور، تحلیل محتوای کیفی معتبر و قابل اعتماد باید از چهار شرط «چارچوب نظری»، «نمونه‌گیری»، «واحد محتوا» و «تهیه طبقه‌های تحلیل» برخوردار باشد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴، صص ۱۱۹-۱۲۰).

همان‌طور که پیشتر بیان شد، در این نوشتار برای کندوکاو در موضوع پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. برای این منظور از مدخل‌های «کبر»، «استکبار»، «مستکبرین»، «استکبر»، «یستکبر»، «متکبر» برای کندوکاو در تعداد فراوانی و ماهیت پیام قرآنی استفاده شد که به ترتیب، تعداد فراوانی مدخل‌های ذکر شده ۱۰۹، ۲، ۲، ۲۹، ۸، ۷ (سرجمع ۱۵۷ فراوانی) است. پس از آن نویسندگان، با اهتمام به مفاهیم و پیام‌های قرآنی به این امر واقف گردیدند که به دلیل خروج موضوعی و تکرار پیام‌ها، ۴۹ آیه قابلیت تدقیق، تشریح و مصداق‌یابی را داراست (رک. جدول شماره ۲) که در نهایت با اهتمام به این امر، به موضوع پژوهش پرداخته شد.<sup>۳</sup>

## ۲. چارچوب نظری (نظریه قدرت نرم)

از آنجاکه کاربرد قدرت نرم توسط «بازیگر مهاجم» در قالب جنگ نرم برای «بازیگر هدف»، به منصفه ظهور می‌رسد، لذا برای تشریح ساختاری و محتوایی «کاربست قدرت

نرم از ناحیه استکبار» به چارچوب نظری نیازمندیم. برای این منظور به سه محور زیر پرداخته می‌شود:

## ۱-۲. قدرت (گذر از جنبه سخت‌افزاری به نرم‌افزاری)

«قدرت در سیاست‌های بین‌الملل مانند آب و هواست» که «همه در مورد آن حرف می‌زنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند» (نای، ۱۳۸۹، ص ۳۷). این گفته جوزف نای<sup>۴</sup> مؤید این نکته است که موضوع قدرت در حوزه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل عمومیت دارد، اما علی‌رغم کاربرد فراوان و اهمیت آن، تاکنون مبهم بوده است (رینولد، ۱۳۸۹، ص ۴۸). با این حال، استیون لوکس<sup>۵</sup> در کتاب «قدرت؛ نگرشی رادیکال» با تشریح و نقد سه دیدگاه تک‌بعدی، دوی‌بعدی و سه‌بعدی قدرت، در تعریف آن چنین می‌آورد: «الف زمانی بر ب اعمال قدرت می‌کند که الف، ب را به گونه‌ای مخالف منافع آن تحت تأثیر قرار دهد» (لوکس، ۱۳۷۵، ص ۴۹). الوین تافلر<sup>۶</sup> قدرت را در عریان‌ترین حالت، «استفاده از خشونت، ثروت و دانایی (در معنای وسیع آن) برای واداشتن مردم به انجام کاری خاص» قلمداد می‌کند (تافلر، ۱۳۷۰، ص ۳۳). برتراند راسل<sup>۷</sup> قدرت را به مثابه «تولید تأثیرات مورد نظر» تعریف می‌کند (راسل، ۱۳۵۰، ص ۷۵). ماکس وبر<sup>۸</sup> قدرت را «مجال یک فرد یا تعدادی از افراد برای اعمال اراده خود حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند»، می‌داند (لوکس، ۱۳۷۰، ص ۳).

با گذر اجمالی از تعاریف ارائه شده، می‌توان تغییر پارادایم قدرت از جنبه سخت‌افزاری که در بیان رابرت دال<sup>۹</sup> «الف تا آنجا بر ب قدرت دارد که بتواند ب را وادار به کاری کند که در غیر این صورت انجام نمی‌داد»؛ را به جنبه نرم‌افزاری مشاهده کرد (لوکس، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

## ۲-۲. قدرت نرم

قدرت نرم از لحاظ مفهومی در تقابل با وجوه دیگر قدرت تعریف می‌شود. در واقع، هسته بنیادین مفهوم قدرت سواى جنبه‌های گوناگون آن، به کارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است. جوزف نای، در تعریف قدرت نرم بر ویژگی‌های متمایزی از قبیل «قابلیت شکل دادن به علایق دیگران»، «توانایی

تعیین اولویت‌ها»، «توانایی و قدرت جذابیت» تأکید می‌کند. «نای» قدرت نرم را به‌مثابه «وجه دوم قدرت» قلمداد می‌کند، اما آن را در ارتباط با قدرت سخت می‌داند. به باور نای، قدرت سخت گاهی اوقات می‌تواند در مقام قدرت نرم، کارویژه جذابیت که محور اصلی قدرت نرم است را برای مخاطبان ایفاء کند. برای مثال، «قدرت فرماندهی»، «اسطوره‌های شکست‌ناپذیری» در کنار «اقتصاد قوی و کارآمد» می‌تواند منبعی مهم برای جذابیت در انظار و افکار عمومی به شمار آید (نای، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۴۷؛ Nay, 1990, pp.15-17). از منظر گفتمانی، گفتمان قدرت نرم بر جنبه ایجابی نه سلبی تأکید داشته<sup>۱۰</sup> و در فضای انتقادی حاکم بر تفکر غربی با تحلیل و نقد نویسندگانی چون برتراند راسل<sup>۱۱</sup>، ماکس وبر، یورگن هابرماس<sup>۱۲</sup>، میشل فوکو<sup>۱۳</sup> و استیون لوکس<sup>۱۴</sup> در قالب دو اصل «هنجاری شدن قدرت» و «اجتماعی شدن قدرت» قابل پیگیری است<sup>۱۵</sup> (افتخاری، ۱۳۸۹، صص ۸-۱۱).

## ۱-۲-۲. ویژگی‌های قدرت نرم

ماهیت جنبه نرم‌افزارانه قدرت در مقابل جنبه سخت‌افزارانه، با شاخص‌هایی شناخته می‌شود که عمده‌ترین آن‌ها در عرصه عمل از ویژگی‌هایی برخوردارند:

**یک.** ناظر بر افکار عمومی است. به تعبیر جوزف نای، قدرت نرم ناظر بر اذهان عمومی بازیگران بوده، به طریقی که اولویت‌ها و سلیق آن‌ها را به نفع نتایج مطلوب بازیگر رقیب تغییر می‌دهد.

**دو.** منابع قدرت نرم غیرملموس و غیرمحسوس است. برخلاف منابع قدرت سخت که مبتنی بر رفتار دستوری است، منابع قدرت نرم ناظر بر رفتار متقاعدکننده است (نای، ۱۳۸۹، ص ۴۶؛ هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲).

**سه.** قدرت نرم از جنس اقناع ناظر بر جاذبه است. در قدرت سخت بر ویژگی‌هایی چون سلطه، نفوذ و اعمال زور تأکید می‌شود. حال آنکه قدرت نرم از جنبه صرفاً اقناعی فراتر رفته و در قالب نیروی جاذبه منجر به مشارکت توأم با رضایت نمود پیدا می‌کند (نای، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

**چهار.** قدرت نرم، ماهیتی متحول و تغییرپذیر دارد. قدرت نرم از لحاظ ماهیت فلسفی با عدول از وجهه «سکون» که ویژگی قدرت سخت به شمار می‌آید؛ تمایل به وجهه «ثبات» دارد. بنابراین قدرت نرم با اهتمام به منابع متغیر آن، از نقد فلسفی سکون و پذیرش اصل تحول ناشی می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

**پنج.** قدرت نرم در نهایت تلاش بر همانندی و همکاری است. قدرت نرم از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ارزش‌های جهان شمول و مشترک درصدد ایجاد نوعی تشبه به همانندی است که با حاصل شدن این امر، همکاری در راستای تأمین نتایج مطلوب محقق می‌شود.

**شش.** فرایند کاربرد قدرت نرم مستمر، تدریجی، عرضی و رتبه‌ای است. از آنجا که ماهیتاً قدرت نرم بر جاذبه تاکید داشته، لذا فرایند جذب امری زمان‌بر و پیچیده است و طیف وسیعی از کنش‌های رفتاری ناظر بر جاذبه را دربر می‌گیرد.<sup>۱۶</sup>

**هفت.** اعمال قدرت نرم به صورت ساختار «کروی» است، برخلاف قدرت سخت که اعمال آن به صورت «هرمی» با منطق «بالا به پایین» است؛ اعمال قدرت نرم در ساختار کروی و با منطق دیالکتیک «متن بازیگر» عملیاتی می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۲۳).

## ۲-۲-۲. منابع قدرت نرم

منابع قدرت سخت، «انگیزه و تهدید» بوده که «مستقیماً بر اقدامات کشورها» تأثیر می‌گذارد، حال آنکه منابع قدرت نرم، «عوامل‌های غیرمحسوس» است که به طور «غیرمستقیم از طریق تأثیر بر رفتارها و شکل دادن عقائدی که اشخاص دارند، مؤثر واقع می‌شود» (رینولد، ۱۳۸۹، ص ۵۹). از این رو، طیف منابع قدرت نرم با توجه به شرایط، مقتضیات زمانی و مکانی متغیر بوده و در سیلان است. باین حال، مهم‌ترین منابع قدرت نرم را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

یک. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی: هر نظام سیاسی که بتواند ارزش و علائق مشترک جهانی ایجاد کند؛ توانایی دست یافتن به نتایج مطلوب خود را دوچندان می‌کند (Nay, 1999, p.17).

دو. اقتصاد: اقتصاد به مثابه عامل نمادین در تصویرسازی، در ایجاد قدرت نرم نقش بسزایی دارد. رشد اقتصادی، سیاست‌های رفاهی، سرمایه‌گذاری، امید به زندگی، پایین بودن میزان بیکاری و... از جمله عواملی هستند که در روند تولید قدرت نرم، نقش آفرینی می‌کنند (بیکی، ۱۳۸۹، ص ۵۶؛ Vuvinga, 2009, p.10 and p.14).

سه. سیاست: سیاست‌های حکومت در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند (نای، ۱۳۸۹، ص ۵۵؛ Nay, 1990, p.17). در عرصه داخلی، سیاست رفاهی، آموزشی و فرهنگی که عامل مشارکت هرچه افزون‌تر مردم و تأمین نیازهای شهروندان می‌شود، عاملی مهم در افزایش مبانی مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی بوده و در عرصه بین‌الملل ارائه تصویر مناسب (حمایت از حقوق بشر، مبارزه ضد تروریسم و...) از نظام سیاسی در قالب دیپلماسی عمومی منجر به جهت‌دهی به افکار عمومی جهانیان می‌گردد. این امر در نهایت، قدرت نرم نظام را افزایش می‌دهد (Vuvinga, 2009, pp.12-13).

چهار. صلاحیت در تعیین دستورکار: به توانایی بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق می‌شود که با به کارگیری قدرت، توان تعیین دستورالعمل‌هایی برای تصمیم‌گیری و حتی عدم تصمیم‌گیری جهت پیشبرد اهداف و کنترل بر نتایج را دارند (رینولد، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

پنج. مهارت‌های ارتباطی: بر توانایی برای برقراری ارتباط تاکید دارد. در واقع، بازیگر با در اختیار داشتن شبکه‌های ارتباطی ضمن کنترل بر نتایج «بحث‌ها» بر چگونگی طرح موضوعات تأثیر می‌گذارد و متناسب با نیت خود پیش می‌برد (رینولد، ۱۳۸۹، صص ۷۶-۷۷).

شش. توانایی کسب توافق: توافق اگر چه از شروط لازم برای فعالیت سیاسی نیست اما از شروط اولیه برای عملکرد سیاسی موثر است. در واقع، کشورها از طریق «توافق»، منافع و جهت‌گیری‌های کشورهای دیگر را به‌جای شکل دادن مستقیم از طریق اجبار، برای طولانی‌مدت شکل می‌دهند (رینولد، ۱۳۸۹، صص ۷۸-۷۹).

جدول شماره ۱. ماهیت و منابع دو گونه سخت و نرم قدرت

	قدرت سخت	قدرت نرم
طیف رفتارها	اجبار و ادا کردن فرمان	جاذبه ملاحظات سازمانی همکاری
مهم ترین منابع	تطمیع الزام رشوه تنبیه	• ارزش‌ها • فرهنگ • نهادها • سیاست‌ها

منبع: Nye, 2004, p.8

### ۳-۲. قدرت نرم در قرآن کریم

از آنجاکه بسط نظریه قدرت نرم، امری پسینی است لذا برای تشریح کاربست قدرت نرم در قرآن کریم با حساسیت‌ها و الزاماتی نگارنده مواجه است. برای رفع این محدودیت‌ها، در این نوشتار مفهوم قدرت نرم به مثابه هسته مرکزی گفتمان نرم (قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم، جنگ نرم) قلمداد شده است که بازیگر در عرصه عمل با اتخاذ تدبیرهای مناسب و استفاده از فرصت‌های مقتضی، اهداف و منافع خود را در قالب قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم و جنگ نرم پیش می‌برد. با این اجمال، قدرت نرم پایه و پایگاه هرگونه قرائتی از گفتمان نرم بوده که بازیگر از کاربرد آن دو کارکرد را دنبال می‌کند (خاشعی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰):

الف. کارکرد ایجابی: مشروعیت‌بخشی به نیروی خودی (حق با ماست) و اقناع توده مردم برای پشتیبانی از صاحب قدرت.

ب. کارکرد سلبی: مشروعیت‌زدایی از نیروی دشمن (این افراد شایسته نابودی هستند) و سلب مقاومت از آن‌ها.

نویسنده در ادامه درصدد است با عطف به مفهوم، ویژگی‌ها و منابع قدرت نرم، چگونگی کاربست قدرت نرم از ناحیه جریان استکباری در برابر جریان الهی، در راستای دو کارکرد ایجابی و سلبی قدرت نرم در آیات قرآن مورد کندوکاو قرار دهد.

### ۳. گفتمان استکباری از منظر قرآن کریم

#### ۳-۱. شناخت استکبار

##### الف. سطح فردی

با دقت در آیات قرآن که مشتمل بر لفظ استکبار است در بادی امر دو مفهوم از استکبار برداشت می‌شود. برداشت اول از لفظ استکبار ناظر بر فرد است. بدین معنا که این آیات، مستکبران را کفاری می‌دانند که در برابر دعوت الهی سر به تسلیم فرو نهداند و در مقابل خداوند عصیان ورزیده‌اند. این گروه از مستکبران در هر قشر و طبقه‌ای اعم از فقیر و غنی، حاکم و محکوم وجود دارند. قرآن عامل اصلی ایستادگی و عدم تسلیم در برابر پیامبران الهی را در بعد فردی وضعیت کبر در اوضاع نفسانی می‌داند: «همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تایید کردیم، پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود، برایتان آورد «کبر» ورزیدید گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید».<sup>۱۷</sup>

##### ب. سطح اجتماعی

برداشت دوم از لفظ استکبار ناظر بر اجتماع است. آیاتی از قرآن، مستکبران را کفاری معرفی می‌کند که دارای موقعیت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی در جامعه هستند و عده‌ای را تحت سلطه خود درمی‌آورند. این دسته از کفار علاوه بر اینکه در بعد فردی نسبت به آیات الهی استکبار می‌ورزند، خلق خدا را کوچک شمرده و بر ایشان تکبر می‌ورزند: «به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند بدان ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه خود قرار دهند این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشته و غفلت ورزیدند».<sup>۱۸</sup>

در واقع، انسان در نتیجه استکبار از پذیرش حق، از ولایت خداوند خارج می‌شود و مسیر طغیان را در پیش می‌گیرد (رک. جدول شماره ۲). حال چنین انسانی اگر به علت توانایی‌های خدادادی به یک موقعیت اجتماعی، نظامی یا اقتصادی برسد، عنصر خطرناکی در مقابل دین خواهد بود و همه تلاش خود را در جهت فساد بر روی زمین

مصروف خواهد داشت.<sup>۱۹</sup> این دسته از کفار با حاکمیتی که بر جامعه خویش دارند، امکانات تبلیغاتی خود را در جهت گمراهی مردم به کار خواهند گرفت. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند می‌گویند اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم».<sup>۲۰</sup>

### ۲-۳. رویارویی دو جریان استکباری و الهی

انسان موجودی دوبعدی است که فطرتاً کمال‌خواه است. تبعیت نور و هدایت الهی، انسان را به کمال مطلوب می‌رساند.<sup>۲۱</sup> و تبعیت شیطان و هوای نفس انحطاط انسان را به دنبال دارد.<sup>۲۲</sup>

هر چه بر ایمان انسان افزوده گردد؛ تلاش او در راه خدا خالصانه‌تر خواهد بود، تا اینکه انسان‌های متعالی همه زندگی خویش را وقف خدا می‌کنند.<sup>۲۳</sup> و در مقابل، کسانی هستند که زندگی خود را در راستای فساد بر روی زمین وقف کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

انسان مؤمن، مصلح و کافر، مفسد است. همان‌طوری که انسان مؤمن علاوه بر عمل صالح در جهت حاکمیت دین بر جامعه تلاش می‌کند.<sup>۲۵</sup> کفار نیز خواهان حاکمیت کفر بر جهان هستند و در این راستا از هیچ کوشش دریغ نمی‌کنند.<sup>۲۶</sup>

بر این اساس، قرآن در آیات بسیاری به بیان مقابله دو جبهه کفر و ایمان می‌پردازد (رک. جدول شماره ۲). در جبهه ایمان، پیامبران و مؤمنانی هستند که خواهان پیاده نمودن احکام دینی در جامعه هستند و در طرف دیگر، کفار مستکبری هستند که با حاکمیت دین بر جامعه مخالف‌اند. قرآن کریم به نمونه‌های متعددی از رویارویی و تلاش مستکبرین برای مبارزه با حاکمیت دینی یاد می‌کند و مؤمنان را نسبت به این واقعیت هشدار می‌دهد.<sup>۲۷</sup> براین اساس، خداوند متعال خطاب به پیامبر(ص) بر دائمی بودن مقابله دو جریان استکباری و الهی در سوره کافرون تأکید می‌ورزد و این تقابل را ناشی از تفاوت در معبود و این دو جبهه می‌داند.<sup>۲۸</sup> و به این دلیل، مستکبرانی که در مقابل رسولات الهی و نذیران جامعه قرار می‌گرفتند، برخوردهای مشابهی داشتند.<sup>۲۹</sup>

در مقام ارزیابی، مستکبران علی‌رغم اینکه حق برایشان از طریق برهان عقلی، نقلی و آسمانی روشن است؛ حاضر نیستند از خوی استکباری خود دوری جویند؛ لذا در



مقام مخالفت اقدام به دو کار می‌کنند: اول آنکه، با فطرت خداجوی خود در جنگند. دوم آنکه، نمی‌گذارند دیگران به اسلام ایمان آورند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸).

### ۳-۳. اهداف مقابله؛ همانندسازی

شیاطین انس و جن درمقابل حرکت‌های تعالی‌بخش که منشأ آن پیامبران و نذیران جامعه بوده‌اند،<sup>۳۰</sup> ایستادگی کرده و سعی در انحراف آن‌ها می‌نمایند. در واقع، دشمنی مستکبران و شیاطین با انسان‌های متعالی، در واقع دشمنی با فضائل و کمالات است که موضع‌گیری قوم لوط در مقابل «آل لوط» بیانگر چنین مطلبی است: «... پاسخ قومش غیر از این نبود که گفتند خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید که آن‌ها مردمی هستند که به پاکی تظاهر می‌نمایند».<sup>۳۱</sup>

آنچه کافر مستکبر زشتکار را از زشتی و انحطاطش آگاه، ناراحت و بیزار می‌کند، وجود آدم صالح، مؤمن و صاحبان فضائل و کمالات اخلاقی است. او خود را در پرتو تجلی کمالات آن‌ها روشن‌تر می‌شناسد و بیشتر رنج می‌برد. پس تصمیم می‌گیرد آن‌ها را از صحنه هستی محو کند. آن‌ها این کار را از دو طریق «افساد فرهنگی» و «حذف فیزیکی» انجام می‌دهند. از این‌رو، مستکبران از هر دو طریق «همرنگی و همسانی» در پی یک نتیجه‌اند؛ در واقع، آن‌ها با افساد فرهنگی و منحنط کردن صالحان، پرهیزکاران و مؤمنان، در تلاش‌اند مسلمانان را مثل خود سازند (فارسی، ۱۳۶۸، ص ۲۵۸).

ابلیس که سرپرستی مستکبران را بر عهده دارد، هنگامی که در برابر فرمان الهی تسلیم نمی‌شود و به واسطه آن مطرود درگاه الهی می‌شود، نمی‌تواند موجوداتی را ببیند که راه کمال و سعادت را در پیش می‌گیرند. لذا او که خود از رحمت الهی دور شده است، خواهان نابودی صلاح و سعادت در جامعه بشری است، استدلال او مبین نکته فوق است: «گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت».<sup>۳۲</sup> در نتیجه، کفار مستکبر که خود به خدای تعالی ایمان نیاوردند دوست دارند، همه مانند خودشان بی‌ایمان باشند: «همان گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید پس زنه‌ار از میان ایشان برای خود دوستانی اختیار مکنید...».<sup>۳۳</sup>

همه مستکبرانی که در مقابل انبیاء الهی قرار می‌گرفتند و حاضر به تسلیم در برابر ایشان در راستای تعالی، خیر و صلاح نبودند، پیامبران قوم خویش را بین دو راه مخیر می‌ساختند یا عدول از مسیر الهی و پذیرفتن آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر جامعه یا خروج از دیارشان: «و کسانی که کافر شدند به پیامبرانشان گفتند شما را از «سرزمین خودمان بیرون» خواهیم کرد مگر اینکه به «کیش ما بازگردید»، پس پروردگارشان به آن‌ها وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد».<sup>۳۴</sup>

#### ۴. کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار

##### ۴-۱. ارکان کاربرد قدرت نرم استکباری

با تدقیق در آیات قرآن کریم (نگاه کنید به جدول شماره ۲) می‌توان به گزاره‌هایی در مقام ارکان کاربردی قدرت نرم از ناحیه استکبار که همواره جریان باطل در رویارویی با جریان حق از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ دست یافت:

##### رکن اول: بهره‌برداری از نقاط ضعف

مستکبران در بعد اجتماعی و شیاطین در بعد فردی از نقاط ضعف انسان وارد می‌شوند. شیاطینی که در جهت گمراهی فرد تلاش می‌کنند؛ به نقاط ضعف انسان آگاه‌اند. رمز اینکه مخلصین می‌توانند از دام‌های شیطان رهائی پیدا کنند؛ آن است که آن‌ها به هیچ‌چیز جزء خدا اتکا ندارند. در واقع، هر چه توکل و اعتماد فرد بر غیر خدا باشد، احتمال انحرافش از مسیر الهی بیشتر است؛ زیرا شیطان با تمسک به همان نقاط مورد اعتماد فرد در انسان نفوذ می‌کند. مستکبران و شیاطین انس نیز با مطالعات عمیق، دقیق و روانکاوای افرادی که در مقابل ایشان قرار دارند اقدام به ضربه زدن علیه او می‌کنند نمونه‌های تاریخی و قرآنی حکایت از این امر دارد:

یک. ابلیس وقتی می‌خواهد حضرت آدم را از صراط مستقیم الهی بلغزند دست بر روی نقطه‌ای می‌گذرد که حضرت آدم شبیفته آن است؛<sup>۳۵</sup> در واقع شیطان حضرت آدم را به چیزی که عمر جاودان و سلطنت دائم به او می‌بخشد (تناول از درخت ممنوعه) مورد وسوسه قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۱۰).

آدم که به دنبال خلود در بهشت است با این حيله شیطانی در برابر امر خدا مبنی بر نزدیک نشدن به درخت بهشتی عصیان می‌ورزد.<sup>۳۶</sup> آنچه در این رابطه مهم است؛ نوع شیوه‌ای است که ابلیس برای تسلط بر آدم بدان تمسک جست. در واقع، حضرت آدم را با تزئین امور مادی، وعده پست و مقام دادن فریب نداد. چرا که حضرت آدم(ع) در مقام و مرتبه‌ای بود که با این گونه وسوسه‌ها فریفته نمی‌شد، بلکه از طریقی وارد شد که حضرت آدم(ع) بدان دل بسته بود. بنابراین در بعد فردی، انسان با توجه به نقاط ضعفی که دارد در برابر وسواس شیطانی آسیب‌پذیر است.

دو. مستکبرانی که در مقابل انبیاء الهی قرار داشتند، برای تحریک مردم علیه رسولان الهی، مسائلی را عنوان می‌کردند که مورد علاقه مردم بود: «[فرعون] به سرانی که پیرامونش بودند گفت واقعاً این ساحری بسیار داناست (۳۴) می‌خواهد با سحر خود شما را از سرزمینتان بیرون کند اکنون چه رای می‌دهید (۳۵)».<sup>۳۷</sup>

از آنجاکه خانه هرکس مورد علاقه اوست، برای حفظ آن تلاش خواهد نمود و این دستاویزی برای دشمنان انبیاء بود تا مردم را در مقابل رسولان الهی قرار دهند.

### رکن دوم: اقدام تدریجی و گام‌به‌گام

شیاطین انس و مستکبران از راه‌های بسیار ظریف سعی می‌کنند، روحیه انقلابی و الهی را از یک جامعه اسلامی سلب نمایند و آن‌ها را در پیگیری اصولشان دچار شک و تردید نمایند لذا تبعیت ایشان در امور جزئی پیامدهای بزرگ‌تری را به دنبال دارد و منجر به حاکمیت کفر و نابودی ایمان در آن جامعه می‌شود.<sup>۳۸</sup>

لذا خداوند از مؤمنان می‌خواهد که از «خطوات» و گام‌های شیطان تبعیت نکنند.<sup>۳۹</sup> زیرا با تسلط شیطان بر دستگاه اداری انسان در بعد فردی و حاکمیت مستکبران بر دستگاه‌های اداری، سیاسی و اقتصادی یک کشور در بعد اجتماعی، مبارزه و بیرون کردن دشمن به مراتب دشوارتر خواهد بود. «خطوات» جمع «خطوة» بر وزن «سفره» به معنای گام و قدم است. در واقع، انحراف از صلح، عدالت و تسلیم شدن در برابر انگیزه‌های دشمنی و عداوت از مراحل ساده و کوچک شروع می‌شود، و به مراحل حاد و خطرناک، منتهی می‌گردد. جمله «خطوات الشيطان» (گام‌های شیطان) گویا اشاره به

یک مسئله دقیق تربیتی دارد و آن اینکه انحراف‌ها و تبهکاری‌ها غالباً به‌طور تدریجی نه به صورت دفعی و فوری در انسان نفوذ می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، صص ۵۷۲-۵۷۳ و ج ۲، ص ۸۳).

#### رکن سوم: استمرار

از آیات سوره «الناس»،<sup>۴۰</sup> این مطلب برداشت می‌شود که شیاطین جن و انس در توطئه خویش علیه حرکت‌های تعالی‌بخش جدی هستند و با شکست در یک توطئه از راهی دیگر وارد می‌شوند تا اینکه یک انسان متعالی یا یک جنبش دینی را به انحطاط بکشند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «و کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند می‌گویند [نه] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود] آنگاه که ما را وادار می‌کردید که به خدا کافر شویم...».<sup>۴۱</sup>

آنچه ضامن حفظ یک انقلاب الهی بر پایه دین است، استمرار فیوضات غیبی در پرتو تبعیت از رضوان الهی در بعد فردی و اجتماعی است و آن نیز در نتیجه استقامت در دینداری علی‌رغم استمرار در توطئه‌ها است: «در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمگین مباحثید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».<sup>۴۲</sup>

#### رکن چهارم: جامعیت

شیطان، دشمن آشتی ناپذیر فضائل و کمالات می‌گویند: «آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت».<sup>۴۳</sup> بنا بر بیان علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، مقصود از «مَنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» رویدادهایی است که در زندگی برای آدمی پیش می‌آید، حوادثی که خوشایند و مطابق آمال و آرزوهای او یا ناگوار و مایه کدورت عیش او است، می‌باشد و مراد از «مَنْ خَلْفَهُمْ» اولاد و اعقاب است. مقصود از سمت راست که سمت مبارک و نیرومند آدمی است سعادت و دین اوست و «آمدن شیطان از دست راست» به این معناست که وی آدمی را از راه دینداری بی‌دین می‌کند، و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط به چیزهایی که خداوند از آدمی نخواسته است، می‌کند. در واقع، این

همان ضلالتی است که خداوند آن را «اتباع خطوات الشیطان»، نام نهاده در نهایت، منظور از «سمت چپ» بی دینی می‌باشد، به این معنا که فحشا و منکرات را در نظر آدمی جلوه داده و وی را به ارتکاب معاصی و آلودگی به گناهان و پیروی هوای نفس و شهوات وادار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۳۷-۳۸).

آیه ۶۴ سوره اسراء نیز همه جانبه بودن توطئه‌های شیاطین در جلوگیری از رشد و تعالی را نشان می‌دهد: «و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنها در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد».<sup>۴۴</sup>

چپ روی و راست‌گرایی، تقدس و تحجر در مقابل سهل‌انگاری در امور دینی همه از نتایج حاکمیت شیطان بر یک انسان‌اند. شیاطین انس نیز با توطئه‌های همه جانبه، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی سعی در نابودی یک انقلاب دینی دارند. حضرت علی علیه‌السلام در توصیه‌هایش به «زیاد» فرموده‌اند: «معاویه از پیش رو و پشت سر و طرف راست و طرف چپ انسان، پیش می‌آید زنهار از او غافل نباش» (آل یاسین، ۱۳۴۸، ص ۱۹۱).

#### ۲-۴. روش‌ها و تدابیر<sup>۴۵</sup> کاربری قدرت نرم از ناحیه مستکبران

مستکبران در قرآن (رک. جدول ۲) در جریان پیشبرد اهداف استکباری، از تدابیر در راستای بهره‌بری هرچه افزون‌تر از منابع قدرت استفاده می‌کنند. تدبیرها و روش‌هایی که در مقام حرب‌ها و ترفندهایی برای اغفال هرچه بیشتر طرفداران جبهه استکباری و همچنین سست کردن بنیان‌های اعتقادی جبهه مستضعفان از آنها مدد می‌جویند:

#### ۴-۲-۱. تدبیرهای تبلیغاتی

«...» (اسراء: ۶۴)، که بعضی از مفسران آن را به هرگونه تبلیغات گمراه‌کننده را که در آن از وسائل صوتی و بصری استفاده می‌شود، جهت انحراف از راه حق که راه آزادی و استقلال و ایمان و تقوی است، تفسیر نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۸۵). تفسیر المیزان «استغز» را به معنای «هل دادن به آرامی و به‌سرعت» می‌داند که در مقام کنایه، عاملان آن را- شیطان و

پیروانش - همچون چوپان و رمه قلمداد کرده که عملاً با یک صدا به راه می‌افتند، و با صدایی دیگر می‌ایستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۰۰).  
فرعون برای استضعاف هر چه بیشتر توده‌ها از شیوه‌ها و تدبیرهای مختلفی از جمله حربیه‌های تبلیغاتی همراه با سوءاستفاده از عناوین و حتی واژه‌های مذهبی مدد می‌جوید (رهبر، ۱۳۶۲، ص ۴۵).

#### ۴-۲-۲. تدبیرهای اقتصادی

یکی دیگر از وسائل موثر نفوذ شیطان از طریق شرکت در اموال و نفوس (اسراء: ۶۴)) است. بعضی از مفسران شرکت در اموال را منحصرأ به معنای «ربا» دانسته‌اند، در حالی که این دو کلمه معانی بسیار وسیع‌تری دارد که همه اموال حرام را شامل می‌شود؛ مثلاً در پاره‌ای از مواقع، مستکبران در عصر حاضر، پیشنهاد سرمایه‌گذاری، تأسیس شرکت‌ها، ایجاد کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در کشورهای ضعیف می‌کنند و زیر پوشش این شرکت‌ها انواع فعالیت‌های خطرناک و مضر را انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۸۶).

محاصره اقتصادی از شیوه‌های موثر و متداولی است که از زمان‌های قدیم برای مواجهه با دیگران کاربرد داشته است. برای سرکوب انقلاب‌های توحیدی، مستکبران در طول تاریخ از این روش کمک جسته‌اند؛ محاصره حضرت پیامبر اکرم(ص) و یارانشان در شعب ابی‌طالب و محاصره امام حسین(ع) و هم‌زمانشان در عدم دستیابی به آب، نمونه‌های تاریخی در این مورد هستند. منافقان عهد حضرت پیامبر اکرم(ص) به هم‌کیشان خود می‌گفتند: «آن‌ها کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر اکرم(ص) خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند».<sup>۴۶</sup>

#### ۴-۲-۳. تدبیرهای سیاسی، فرهنگی و روانی

بر اساس آیه ۶۴ سوره مبارکه اسراء،<sup>۴۷</sup> «استفاده از وعده‌های مغرورکننده و انواع فریب‌ها و نیرنگ‌ها، یکی دیگر از برنامه‌های شیطان است، آن‌ها روان‌شناسان ماهری را برای اغفال و فریب مردم ساده‌دل و حتی هوشیار تربیت کرده‌اند، که همه در جمله

«وعدهم» خلاصه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۸۷). در این راستا، شیطان و به تبع آن مستکبران از حرب‌های مختلفی مدد می‌جوید:

### اول. تهدید

وقتی فرد یا جماعتی از نظر روحی شکست خورد و در مقابل دشمن احساس ضعف نمود، تسلط بر او کار دشواری نخواهد بود، لذا در رقابت‌ها و مبارزات ضد یکدیگر، ابتدا سعی بر این است که طرف مقابل را با تهدیدها از میدان بیرون کنند و با ترس افکندن روحیه او را تضعیف نمایند و بعد در صورت مقاومت، مراحل بعدی عملیات را شروع نمایند. مستکبران در مقابله با انقلاب‌های توحیدی و مجاهدان دینی از این روش استفاده کرده‌اند. فرعون مستکبر، وقتی با ایمان ساحران علی‌رغم انتظارش روبه‌رو می‌شود، دست به تهدید ایشان می‌زند:

«[فرعون] گفت آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است پس بی‌شک دست‌های شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت خرما به دار می‌آویزم تا خوب بدانید عذاب کدام‌یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است»<sup>۴۸</sup>.

خداوند کریم، ترس و دلهره افکندن را از شگردهای شیطان می‌داند که فقط اولیاء خودش تحت تأثیر آن واقع می‌شوند.<sup>۴۹</sup> تهدید، منحصر به تهدید نظامی نیست بلکه شامل تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و... می‌شود:

«شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست».<sup>۵۰</sup> کارگزاران و اشراف قوم شعیب نیز مردم را تهدید می‌کردند که چنانچه شعیب را پیروی کنید، زیان خواهید دید: «و سران قومش که کافر بودند، گفتند اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعاً زیانکارید».<sup>۵۱</sup>

حضرت علی(ع) از بندگان خدا می‌خواهد تا تحت تأثیر تهدیدهای شیاطین واقع نشوند: «ای بندگان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا

سازد، و با ندای خود شما را به حرکت در آورد، و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد!»<sup>۵۲</sup> (امام علی(ع)، ۱۳۸۶، خطبه ۱۹۲).

### دوم. تحقیر

اگر بتوان در کسی این احساس را برانگیخت و او را بر آن داشت که احساس کند از دیگران پست تر است، می توان بر او تسلط روانی پیدا کرد. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده اند. در واقع، همت سلطه گران بر این است که نگذارند مردمان به واقعیتها پی برند؛ چرا که اگر واقعیت را بشناسند، دیگر مجالی برای مستکبران باقی نخواهد ماند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده مردم استفاده نمود: «پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آنها را فریفت] و اطاعتش کردند؛ زیرا آنها مردمی منحرف بودند».<sup>۵۳</sup>

اگر زمامداران متکبر بخواهند مردم از آنها اطاعت کنند، چاره ای جز این ندارند که همه عوامل استقلال را در درون انسانها از بین ببرند و در واقع شخصیت آنها را خرد کنند. به اعتقاد مفسر تفسیر شریف المیزان: «این شیوه فرعونی یعنی استخفاف عقول با شدت هرچه تمام تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع فاسد حاکم است. اگر فرعون برای نیل به این هدف وسائل محدودی در اختیار داشت، طاغوتیان امروز با استفاده از وسائل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده های رادیو-تلویزیونی و انواع فیلمها و حتی ورزش در شکل انحرافی و ابداع مدها، به استخفاف عقول ملت ها می پردازند تا در بی خبری کامل فرو روند و از آنها اطاعت کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۸۸).

از این رو، نخستین و مهم ترین گام اصلاحی انبیاء درهم شکستن ارزش های دروغین بود، آنها با تعلیماتشان این معیارهای غلط را درهم ریختند، و ارزش های اصیل را جانشین آن ساختند و با یک انقلاب فرهنگی محور، شخصیت اغفال شده مغفولان به اموال، اولاد، ثروت، جاه و مقام به تقوا، ایمان و عمل صالح مبدل ساختند.



### سوم. تهمت زدن

از آنجاکه انسان‌ها فطرتاً کمال‌خواه و به دنبال حقائق هستند، در صورتی که چهره حق نمایان شود و آمادگی نفسانی وجود داشته باشد، حقیقت را درک نموده و آن را می‌پذیرند. سران و مستکبران هر طائفه‌ای که پیامبران به سوی ایشان فرستاده می‌شدند، رسولان خدا را متهم به اموری می‌کردند تا دعوت راستین ایشان را دروغین نشان دهند و بدین وسیله مردم را ضد ایشان برانگیزانند. این تهمت در هر زمان متناسب با جو حاکم بر جامعه و حساسیت مردم بود. نسبت سحر و جنون دادن به پیامبران و تعالیم ایشان را «اساطیر الاولین» خواندن و دعوت ایشان را وسیله‌ای برای حاکمیت بر سرزمین‌ها خواندن، نمونه‌ای از این اتهامات است. القاء چنین ذهنیتی به مخاطبان و مدعوان پیامبران، ایشان را در تبعیت از رسولان الهی، دچار شک و تردید می‌کرد و زمینه سلطه مستکبران را فراهم می‌ساخت.

فرعون هنگامی که با دعوت موسی (ع) روبه‌رو می‌شود، برای خشتی کردن اثر دعوت او بر اطرافیانش دست به تحقیر موسی (ع) می‌زند و رو به اطرافیان خود کرده و می‌گوید: «...آیا نمی‌شنوید».<sup>۵۴</sup> در واقع، هدفش این بود که در پاسخ فرعون (پروردگار جهانیان کیست)<sup>۵۵</sup>، این سخن منطقی و دلنشین موسی: «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است...»<sup>۵۶</sup>؛ در قلب تاریک این گروه کمترین اثری نگذارد و آن را یک سخن بی‌محتوا که مفهومش قابل درک نیست، معرفی کند. در مقام ارزیابی، بسیار بعید است که فرعون این سخنان را واقعاً برای فهم مطلب گفته باشد بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که برای تجاهل و تحقیر، این سؤال را مطرح کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۰۹). ولی باز موسی (ع) به سخنان منطقی و حساب‌شده خود بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه ادامه داد و گفت: «پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما».<sup>۵۷</sup> ولی فرعون به خیره‌سری همچنان ادامه می‌دهد و از مرحله استهزاء و سخریه پا را فراتر نهاده، نسبت جنون و دیوانگی به موسی (ع) می‌دهد و می‌گوید: «واقعاً این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است».<sup>۵۸</sup> همان نسبتی که همه جباران تاریخ به مصلحان الهی می‌دادند و این فریبکار مغرور حتی حاضر نبود بگوید «فرستاده ما» و «به سوی ما» بلکه می‌گوید «پیامبر شما» که «به سوی شما» فرستاده شده است؛ زیرا حتی

تعبیر «پیامبر شما» جنبه سخریه داشت، سخریه‌ای توأم با خودبرتربینی که من بالاتر از آنم که پیامبری برای دعوتم بیاید و هدفش از نسبت جنون به موسی (ع) این بود که اثر منطق نیرومند او را در افکار حاضران خنثی کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، صص ۲۱۱-۲۱۲). اما بار دیگر با جواب منطقی موسی روبه‌رو می‌شود: «پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است، اگر تعقل کنید».<sup>۵۹</sup> فرعون که از تحقیر و متهم ساختن موسی (ع) سودی نمی‌برد؛ شکل مبارزه را عوض می‌کند و موسی را تهدید می‌نماید: «اگر خدایی غیر از من اختیار کنی، قطعاً تو را از [جمله] زندانیان خواهم ساخت».<sup>۶۰</sup> «موسی باز به ملایمت پاسخ می‌دهد که اگر هم حجت و معجزه‌ای بر صدق دعوی خود بر تو آرم، باز به زندانم می‌کشی».<sup>۶۱</sup> فرعون در جواب می‌گوید: «اگر راست می‌گویی، آن را بیاور».<sup>۶۲</sup>

و وقتی با معجزات موسی روبه‌رو می‌شود، برای حفظ اعتقاد اطرافیان و روحیه دادن به آن‌ها درصدد توجیه معجزات موسی برآمد و به اطرافیان خود می‌گوید: «واقعاً این ساحری بسیار دانا است».<sup>۶۳</sup> همان کسی که تا چند لحظه قبل، مجنونش می‌خواند، اکنون به عنوان علیم از او نام می‌برد و این شیوه همه شیاطین است که در یک جلسه چندین بار چهره عوض می‌کنند و هر زمان برای رسیدن به هدف خود به دستاویز تازه‌ای متشبت می‌شوند. فرعون فکر می‌کرد چون در آن زمان سحر رایج بود، این اتهام بهتر از هر چیز دیگر مؤثر واقع خواهد شد. در واقع، فرعون در ابتدا برای آنکه ساحران را در مبارزه با موسی تشویق و تحریک کند، از موسی به عنوان «ساحر علیم» یاد می‌کند و این در حالی است که فرعون‌نمایی که به موسی نسبت جنون می‌دادند (لَمَجْنُونٌ) اکنون او را ساحری ماهر و آگاه می‌خوانند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۱۰).

#### چهارم. تطمیع

خداوند برای ادامه حیات انسان، خواسته‌هایی از قبیل میل به خانه و زن و... در او قرار داده است تا موقعی که این‌ها در خدمت انسان و در جهت تکامل معنوی او باشند، مفید و ضروری هستند. اما کسانی که از مدار حق خارج می‌شوند، این خواسته‌های طبیعی در ایشان طغیان می‌کند و دیگر حد و مرزی نمی‌شناسد. حال انسان‌هایی که

به دنبال استخدام افراد در جهت اهداف خودشان هستند، چنین افراد حریصی را با وعده‌های دنیوی به سوی خویش می‌کشند. تطمیع به عنوان یکی از ابزار جذب افراد و گروه‌ها در انحطاط و سقوط از مسیر الهی، در طول تاریخ، در سطوح فردی و بین‌المللی کاربرد داشته است.

هنگامی که قرار بر این شد تا موسی(ع) با ساحران تحت حاکمیت فرعون رقابتی داشته باشند، فرعون به ساحران وعده داد در صورتی که بر موسی(ع) غالب شوید: «حتماً از [زمره] مقربان خواهید شد».<sup>۶۴</sup>

پرسش ساحران از اینکه آیا پاداشی هم داریم ( شعراء: ۴۱))، در معنای طلب مزد بوده و اتفاقاً هم مؤثر واقع شد، چون فرعون هم مزد برایشان قرار داد و هم اینکه وعده داد از مقربین خود قرارشان دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۸۴).

این تعبیر نشان می‌دهد که قرب به فرعون تا چه حد در آن محیط و جامعه دارای اهمیت بوده است که او به عنوان یک پاداش بزرگ از آن یاد می‌کند و در حقیقت پاداشی از این بالاتر نیست که انسان به قدرت مطلوبش نزدیک گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۲۲).

### پنجم. تحریک احساسات

تکیه بر آداب و سنن گذشته و پیروی از عقاید آباء و اجداد، مانع بزرگی در جهت قبول دعوت پیامبران بوده است. قوم ثمود از پذیرش دعوت صالح که مستلزم ترک آداب و رسوم گذشته بود، سر باز زدند و در پاسخ به دعوت صالح می‌گویند: «... آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، باز می‌داری و بی‌گمان ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانی، سخت دچار شکیم».<sup>۶۵</sup> قوم نوح، عاد و شعیب نیز استدلال‌های مشابهی در این رابطه داشتند.<sup>۶۶</sup> و همین اعتقادات که ناشی از جمود و تحجر فکری بود، دستاویز خوبی برای زمامداران این اقوام بود تا مردم را ضد پیامبران که در پی انقلاب فکری و اجتماعی بودند، بشورانند:

«و چون آیات تابناک ما بر آن‌ها خوانده می‌شود، می‌گویند این جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند، بازدارد و [نیز] می‌گویند: این جز دروغی برباخته نیست و کسانی که به حق چون به سویشان آمد، کافر شدند، می‌گویند این جز افسونی آشکار نیست».<sup>۶۷</sup>

فرعون برای اینکه مردم را در مقابل موسی قرار دهد، دعوت او را توطئه‌ای برای اخراج مردم از سرزمینشان به حساب می‌آورد و می‌گوید: «ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی».<sup>۶۸</sup> و در واقع این تهمت، تهمتی سیاسی است تا بدان وسیله افکار عمومی را ضد او بشوراند، و او را دشمن ملت معرفی کند، دشمنی که می‌خواهد با نقشه‌هایش آنان را از وطن، آب و خاکشان بیرون کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۰) و این توطئه حساب‌شده‌ای بوده است؛ زیرا غالب مردم، سرزمین و وطنشان را همانند جانشان دوست دارند، لذا در پاره‌ای از آیات قرآن این دو در ردیف هم قرار گرفته‌اند: «و اگر بر آن‌ها مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید یا از خانه‌های خود به درآید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند...».<sup>۶۹</sup> و هنگامی که تصمیم به قتل موسی (ع) می‌گیرید، برای توجیه عملکرد خود دو دلیل برای اطرافیان ذکر می‌کند: یکی جنبه دینی و معنوی دارد و دیگر جنبه دنیوی و مادی. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «فرعون گفت مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند، من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند».<sup>۷۰</sup>

#### ششم. جوسازی و انحراف افکار عمومی

در صورتی که جو سالم بر جامعه حاکم باشد، وجدان‌های پاک و فطرت‌های سالم انسان‌ها به دنبال حق خواهند رفت. لذا سعی شیاطین بر این است که حق را با باطل درهم آمیزند و باطل را به عنوان حق به مردم تحمیل نمایند. مفسر تفسیر نمونه در شرح آیه ۱۷ سوره رعد (خداوند حق و باطل را [این چنین] مثل می‌زند...) می‌نویسد: «هنگامی که سیلاب وارد دشت می‌گردد و جوش و خروش آب فرو می‌نشیند، اجسامی که با آب مخلوط شده بودند، تدریجاً در سطح زمین ته‌نشین می‌شوند و کف‌ها از میان می‌روند و آب زلال، چهره اصلی خود را مجدداً آشکار می‌سازد. به همین

ترتیب باطل به سراغ بازار آشفته می‌رود، تا از آن‌ها بهره گیرد، اما هنگامی که آرامش پیدا شد و هر کسی به جای خویش نشست و معیارها و ضابطه‌ها در جامعه آشکار گشت، باطل جایی برای خود نمی‌بیند و به سرعت کنار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۶۹).

همه پیامبران و انبیاء، هنگامی که کلمات خدا را بر مردم می‌خواندند، شیاطین خصوصاً شیاطین انس در لابه‌لای سخنان آن‌ها القائاتی می‌کردند و مطالبی برای انحراف افکار عمومی مطرح می‌کردند تا اثرهای هدایت‌بخش آن‌ها را خنثی نمایند، قرآن در این رابطه چنین می‌فرماید: «و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هرگاه چیزی تلاوت می‌نمود، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد...»<sup>۷۲</sup>

یکی از نیرنگ‌های سیاست‌بازان این است که هرگاه حادثه مهمی بر خلاف میل آن‌ها واقع شود برای منحرف ساختن افکار عمومی از آن، فوراً دست به کار آفریدن صحنه تازه‌ای می‌شوند که افکار توده‌ها را به خود جلب و از آن حادثه نامطلوب منحرف و منصرف کنند؛ نمونه آن در قرآن، صحنه‌سازی فرعون به وسیله ساختن برج معروفش برای بیرون کردن موسی از میدان است. فرعون پس از شنیدن ایمان آوردن ساحران به موسی، در جهت منحرف کردن افکار عمومی به مشورت نشست و در نتیجه، فکرش به چیزی رسید و روبه بزرگان قومش چنین گفت: «ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم، پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز؛ شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می‌پندارم».<sup>۷۳</sup>

به هر حال، طبق بعضی از تواریخ، هامان دستور داد تا زمین وسیعی برای کاخ و برج بلند در نظر گیرند و پنجاه هزار بنا و معمار برای این کار گسیل داشت. به طوری که در همه‌جا، سر و صدای این برج عظیم پیچید، هر قدر این بنا بالاتر و بالاتر می‌رفت، مردم بیشتر به تماشای آن می‌آمدند و در انتظار بودند که فرعون با این بنا چه خواهد کرد. بنا به قدری بالا رفت که بر تمام اطراف مسلط شد. هنگامی که ساختمان به اتمام رسید، فرعون با تشریفاتی به آنجا آمد و شخصاً از برج بالا رفت. معروف است تیری به کمان گذاشت و به آسمان پرتاب کرد. تیر بر اثر اصابت به پرنده‌ای، یا طبق

توطئه قبلی، خون‌آلود بازگشت؛ فرعون از آنجا پایین آمد و به مردم گفت: بروید فکرتان راحت باشد، خدای موسی را کشتم! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۸۸).

فرعون با این صحنه‌سازی قصد داشت وسیله‌ای برای اشتغال فکری مردم و انصراف ذهن آن‌ها از مسئله نبوت موسی(ع) و قیام بنی‌اسرائیل فراهم آورد. از این گذشته فرعون می‌گوید: نه تنها نسبت به اله دیگر غیر از خودم جاهل دارم بلکه از این طرف گمان به عدم چنین معبودی دارم، و گمان دارم که موسی دروغ می‌گوید (قصص: ۳۸)) و درحقیقت، این مدعا را برای تلبیس و گمراه کردن مردم کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۲) تا مسئله ساختن این بنای مرتفع، مسائل دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد و هرچه بنا بالاتر برود، توجه مردم را بیشتر به خود جلب کند و نقل همه محافل و خبر روز همین موضوع باشد و مسئله پیروزی موسی بر ساحران به فراموشی سپرده شود.

#### هفتم. شایعه پراکنی

شایعه در اشکال مختلف آن، سلاح خطرناکی در خدمت جنگ روانی است و برای تخریب روحیه انسان‌ها، تضعیف و فلج ساختن اندیشه آن‌ها به کار می‌آید، قرآن کریم به بسیاری از شایعاتی که از سوی ضعیف‌النفس‌ها، منافقان و یهودیان ساخته و پرداخته شده است، اشاره کرده است. اوج این شایعات مربوط به جنگ‌ها، لحظات حساس و سرنوشت‌ساز است. شایعات پخش شده در احد، حدیبیه، تبوک و... مصادیق بارزی از چنین شایعاتی است. در تاریخ پیامبران گذشته نیز به نمونه‌هایی از این شایعات که به منظور شکست دعوت و تشکیک در آن انجام می‌گرفت، برمی‌خوریم؛ برای مثال، وقتی عیسی(ع) از مریم متولد شد، یهودیان شایعاتی منتشر کردند که نزهت و پاک‌ی خاندان نبوت را جریحه‌دار می‌ساخت. قرآن در آیاتی بدان اشاره نموده است.<sup>۷۴</sup>

در زبان قرآن واژه‌هایی وجود دارد که به‌نوعی می‌تواند مفهوم شایعه (اخباری که صحت و سقم آن به تأیید نرسیده است) را افاده کند. خرص، تقول، اختلاق و... نمونه‌هایی از این واژگان است. قرآن کریم می‌فرماید:

«و می‌گویند اگر [خدای] رحمان می‌خواست آن‌ها را نمی‌پرستیدیم، آن‌ها به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی‌زنند».<sup>۷۵</sup> واژه اختلاق نیز معنای لفظ پیشین را دارد. در قرآن آمده است: «[از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده‌ایم. این [ادعا] جز دروغ‌بافی نیست».<sup>۷۶</sup> «به‌زعم مفسر المیزان، منظورشان از «الْمَلَّةِ الْآخِرَةِ» در این آیه، نه تنها رد پذیرش آخرین دین از سوی تمام اهل دنیا است بلکه آن را به‌مثابه افسانه‌های قدیمی معرفی کردن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۷۹). از این گذشته، «در سوره نور، آیات ۱۷-۲۰»<sup>۷۷</sup> طبق شأن نزول‌های معروف، منافقان برای لکه‌دار ساختن پیامبر خدا(ص) و متزلزل ساختن وجهت عمومی او دست به جعل شایعات و پخش آن زدند و پاکی بعضی از پیامبران بزرگ اسلام را با استفاده از فرصت متناسب زیر سؤال کشیدند و برای مدتی نسبتاً طولانی، چنان افکار مسلمانان را مشوش و ناراحت کردند که مؤمنان ثابت قدم چون مارگزیده به خود می‌پیچیدند. تا اینکه وحی الهی به یاری آنان آمد و منافقان را مورد سرزنش قرار داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۸).

### هشتم. سازش کاری

یکی از اصول مبارزه مستکبران با نهضت‌های الهی، سیاست گام‌به‌گام بوده است. همان‌طور که پیشتر بیان شد، شیاطین جن و انس برای نفوذ در یک فرد متعالی یا یک نظام الهی به تدریج و با احتیاط و طبق برنامه عمل می‌کنند، اگر اقداماتی که در لحظات اولیه برای به سازش کشیدن یک نهضت انقلابی صورت می‌گیرد با واکنش شدید رهبران انقلاب واقع نشود، دشمنان را در مقابله با آن حرکت دینی حریص‌تر و امیدوارتر می‌کند. قرآن کریم تمایل مستکبران را در به سازش کشیدن رهبران دینی، این‌گونه بیان می‌دارد:

«دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند».<sup>۷۸</sup> کلمه «یُدْهِنُونَ» از مصدر «ادهان» است که مصدر باب افعال از ماده «دهن» است، و «دهن» به معنای روغن، و ادهان و مداهنه به معنای روغن مالی است که کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است. مراد این است که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین

خودشان مایه بگذارند، و هریک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۲۱).

ولی قرآن بارها به پیامبر(ص) هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و با اهل باطل مداهنه نکند، چنان‌که در آیه ۴۹ سوره مائده به این مهم اشاره شده است: «و میان آن‌ها به‌موجب آنچه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آن‌ها برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند...»<sup>۷۹</sup>.

خداوند متعال در برابر ترفند سازشکاری کافران در نخستین آیات سوره احزاب<sup>۸۰</sup> نیز پیامبر(ص) را به ادامه روش قاطعانه و در خط توحید، بدون کمترین سازش رهنمود کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۸۹).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با تبیین مفاهیم اصلی گفتمان قدرت نرم، در ابتدا به ارائه چارچوبی نظری پرداخته شد. در ادامه با جریان‌شناسی گفتمان سیاسی حاکم بر قرآن کریم، به تبیین دو جریان الهی و استکباری اشاره شد. جریان استکباری که در مقابل جریان الهی قد علم کرده است، می‌کوشند از طریق حرب‌های گوناگون، مانع ابلاغ کلام الهی به بشریت شوند. آن‌ها در این راه با تمسک به اصول ثابتی می‌کوشند با اتکاء بر جنبه‌های ایجابی قدرت نرم در وادی امر، در مقابل رسالت الهی مانع‌تراشی کنند. جریان استکباری، در واقع با اتخاذ راهبرد «هماندسازی»، از تدبیرهای خاصی در راستای پیشبرد اهداف خود گام بر می‌دارد. در این میان، شیطان که خلف و رهبر مستکبران به شمار می‌آید، در صدد زمینه‌سازی استیلای فرهنگی و ارزشی جریان استکباری که آن «افساد بر زمین» است، گام برمی‌دارد. امری که در نهایت با هجمه قرار دادن ابعاد فرهنگی و فکری کلام الهی از طریق کاربرد «قدرت نرم» عملیاتی می‌شود و در مقابل، در جریان الهی با عنوان «جنگ نرم» از آن یاد می‌شود. در این رویارویی خداوند متعال ضمن هشدار از ترفندهای جبهه مقابل، مسلمین را با شرط استمرار و استقامت در راه وعده پیروزی و نصرت داده است.



جدول شماره ۲. تحلیل کیفی «استکبار» از منظر قرآن کریم<sup>۸۱</sup>

«استکبار» در قرآن کریم						
مصادیق	مستندات (آیه:سوره)	پیام‌ها	تعداد	فراوانی		
ابلیس	۳۸:۷۵	- نژادپرستی، تفکر شیطانی است.	۴	۷/۵۴		
	۳۸:۷۴	- تکبر، مانع تعبد و تسلیم است.				
	۷:۱۳	- تکبر و جسارت ابلیس، سرچشمه بدبختی‌های او شد.				
	۲:۳۴	- تکبر، سبب حبط و نابودی عمل می‌شود.				
		- گاهی یک لحظه تکبر، سبب سقوط دائمی است.				
		- نتیجه تکبر و خودبزرگ‌بینی، کوچکی و خواری است.				
	۳۴:۳۱	- ریشه کفر تکبر است.			۴۹	۹۲/۴۵
	۳۴:۳۲	- مبارزه با طاغوت، اولین وظیفه انبیاست؛				
	۲۵:۲۱	زیرا مبارزه با علت فساد مهم‌تر از معلول آن است. - طاغوت‌ها، قدرت خود را از یاران و اطرافیان دارند و گرنه خود از درون پوک‌اند.				
	۷:۷۶	- همواره فرعون‌ها و طاغوت‌ها در برابر انبیا ایستاده‌اند.				
۷:۷۵	- اطرافیان طاغوت‌ها، در قدرت آنان نقش مهمی دارند.					
۷:۸۸	- جلوه‌های استکبار مختلف است؛ قارون					
۴۱:۳۸	مظهر مال‌پرستی بود و فرعون و هامان					
۷:۱۳۳	مظهر قدرت‌پرستی، ولی همه آنان در طغیان، سرکشی و لجابت با حق مشترک بودند.					
۱۰:۷۵	- انگیزه تکبر، مغرور شدن به قدرت و نداشتن رقیب است.					
۲۳:۴۶	- عدم اعتقاد و توجه به معاد و حساب، زمینه شکل‌گیری استکبار است.					
۲۹:۳۹						
۴۱:۱۵						
۲:۳۴						
۲۸:۳۹						
۷۴:۲۳						
۳۹:۵۹						
۴۶:۱۰						
۴:۱۷۳						

قوم (نوح، صالح، فرعون، شعیب، عاد)، مشرکان، کافران، منافقان، دوزخیان و...

«استکبار» در قرآن کریم				
فرآوانی	تعداد	پیامها	مستندات (آیه:سوره)	مصادیق
		- دشمن با فکر و برنامه کار می‌کند.	۷:۳۶	
		- تکذیب فوری و بدون تأمل، حاکی از روحیه تکبر و لجاجت است.	۷:۴۰	
		- ریشه کفر، استکبار است.	۷۱:۷	
		- پیامد تکذیب، تکبر و سرپیچی از انبیا، عذاب ابدی و دوزخ است.	۳۵:۴۴	
		- لجاجت به مرحله‌ای می‌رسد که لجوج نه گوش می‌دهد: نه نگاه می‌کند، نه از کار خود دست برمی‌دارد «و اصرُوا» و نه کوتاه می‌آید. «و استکبروا استکبارا».	۷۱:۷	
		- سرچشمه فرار و نفرت از راه انبیا یا استکبار است یا حيله.	۱۶:۲۳	
		- ارتجاع و اعراض از حق، از اوصاف مرفهان و مستکبران است.	۲۳:۶۷	
		- گردنکشی و استکبار، مقدمه فسق و خروج از مدار حق است.	۳۱:۷	
		- تکبر درونی، سبب عملکرد بد بیرونی است.	۴۵:۸	
		- بدتر از عقب‌گرد و اعراض از حق، آن است که هدف از این عمل، استکبار باشد.	۱۶:۲۲	
		- استمرار غفلت و تکذیب آیات الهی، موجب تکبر و انحراف در دیدگاه و انتخاب است.	۶۳:۵	
		- زمینه‌های رشد در جامعه، سه چیز است: دانشمند بودن، خداترسی و نداشتن روحیه استکباری.	۱۶:۲۹	
		- نشانه مجرم، داشتن روحیه استکباری در برابر توحید است.	۳۹:۷۲	
		- تهمت و تحقیر دیگران و تعصب بر عقاید خرافی، نشانه استکبار است.	۴۰:۷۶	
		- تکبر، فکر انسان را واژگون می‌کند.	۳۹:۶۰	
			۴۰:۲۷	
			۴۰:۳۵	
			۶:۹۳	
			۷:۴۸	
			۴۶:۲۰	
			۴:۱۷۲	
			۷:۱۴۶	
			۳۷:۳۵	
			۱۷:۱۱۱	
			۱۸:۵	
			۱۴:۲۱	
			۴۵:۳۱	
			۳۴:۳۳	

«استکبار» در قرآن کریم				
مصادیق	مستندات (آیه:سوره)	پیامها	تعداد	فراوانی
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- دعا نکردن، نشانه تکبر است.</li> <li>- دعا، درمان تکبر است.</li> <li>- کسی که ایمان نداشته باشد، به خالق خود نیز تهمت می‌زند «کبرت کلمه».</li> <li>- روحیه استکباری، مانع پذیرش حق و حقیقت است.</li> <li>- گوش ندادن به سخن حق، نشانه استکبار است.</li> <li>- مستکبران، سزاوار تحقیر هستند.</li> <li>- بدتر از بی‌اعتنایی به حق، اصرار بر آن و روحیه استکبار است.</li> <li>- علامت تکبر، بی‌اعتنایی به سخن حق است.</li> <li>- منشأ کفر کبر است، نه جهل. انکار حقیقت است، نه جهل به حقیقت.</li> <li>- ایمان به آخرت، تکبر و استکبار را برطرف می‌کند.</li> <li>- سرهای خود را (از روی انکار و تکبر و تمسخر) می‌گردانند و آنان را می‌بینی که از سر استکبار، (مردم را از گرایش به حق) باز می‌دارند.</li> </ul>		
		جمع کل	۵۳	۱۰۰

## یادداشت‌ها

---

1. Qualitative Content Analysis

2. Holsti

۳. در اثناء کندوکاو قرآنی به این موضوع پی برده شد که جریان استکباری با «ابلیس» ارتباط تنگاتنگی دارد لذا با جستجوی مدخل «ابلیس» (تعداد فراوانی ۱۱)، به تحلیل محتوای این آیات پرداخته شد که در نهایت در قالب چهار آیه که در جدول شماره ۲ ارائه شده است به خلاصه‌سازی پیام‌های آن پرداخته شد.

4 Joseph Nye

5 Steven lukes

6 Alvin Toffler

7 Brtrandrasl

8 Max Weber

9. Robert Dahl

۱۰. افتخاری در این رابطه چنین می‌آورد: «وصف «سلبی» دلالت بر اتخاذ رویکردهای تهدیدمحور و سخت‌افزارگرایانه در مقام تحلیل موضوع و شناخت آن دارد. وصف «ایجابی» اصولاً رویکردی نرم‌افزارگرایانه را می‌رساند که بر مفاهیمی چون «رضایت‌مندی» و «قدرت نرم» تاکید دارد. این دسته‌بندی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فلسفی، فرهنگی، امنیتی و... امروزه کاربرد دارد» (افتخاری، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

11. Brtrandrasl

12. Jürgen Habermas

13. Michel Foucault

14. Steven lukes

۱۵. برای مثال، میشل فوکو در مباحث تبارشناسانه، قدرت را در سه چهره «گفتمانی»، «انتضامی» و «مشرف به حیات» تبیین می‌کند و یا ماکس وبر، قدرت را به مثابه تحمیل اراده، علی‌رغم مقاومت دیگران در چارچوب روابط اجتماعی بیان می‌دارد. برای مطالعه بیشتر رک. باقری، ۱۳۸۷.

۱۶. در این رابطه همچنین رک. مهر عطار، ۱۳۸۸، صص ۵۰-۵۲؛ ایمانی، ۱۳۸۹، صص ۳۲-۳۳.

۱۷. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره: ۸۷).

۱۸. «سَاءَ صَرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶).

۱۹. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵).

۲۰. «يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ» (سبأ: ۳۱).

۲۱. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائدة: ۱۶).

۲۲. «كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ» (حج: ۴).

۲۳. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۲۵۷).

۲۴. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵).

۲۵. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹).

۲۶. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء: ۸۹).

۲۷. «كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۱۰۵)؛ «كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۱۲۳)؛ «كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۱۴۱)؛ «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۱۷۶) و «كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۱۶۰).

۲۸. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ \* لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ \* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ \* وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ \* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ \* لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (كافرون: ۱-۶).

۲۹. «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ» (فصلت: ۴۳).
۳۰. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲).
۳۱. «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ» (نمل: ۵۹).
۳۲. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر: ۳۹).
۳۳. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ...» (نساء: ۸۹).
۳۴. «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَهْلِكَنَ الظَّالِمِينَ» (ابراهيم: ۱۳)؛ «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ» (اعراف: ۸۸)؛ «قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ» (شعراء: ۱۶۷) و «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا \* وَلَوْلَا أَنْ تَبَتَّنَا لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (اسراء: ۷۳-۷۴).
۳۵. «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى \* فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لُهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۰-۱۲۱).
۳۶. «... وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى...» (طه: ۱۲۱).
۳۷. «قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ حَوْلُهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ \* يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ» (شعراء: ۳۴-۳۵).
۳۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰).
۳۹. سوره بقره، آیات ۱۶۸ و ۲۰۸؛ سوره انعام، آیه ۱۴۲ و سوره نور، آیه ۲۱.
۴۰. «مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ \* الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس: ۴-۵).
۴۱. آیه ۳۳ از سوره مبارکه سباء: «وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ...»

۴۲. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰).

۴۳. «ثُمَّ لَا تَبِيبُهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف: ۱۷).

۴۴. «وَاسْتَفْزِرُوا مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكُمْ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴).

۴۵. تفاوت بین ارکان و روش، تفاوت بین کلی و جزئی است. در واقع مراد از روش‌ها، تاکتیک‌هایی است که در چارچوب همان ارکان، مستکبران در مقابله با جامعه اسلامی پیش می‌گیرند.

۴۶. «هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۷).

۴۷. «وَاسْتَفْزِرُوا مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكُمْ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴).

۴۸. «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنِّيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَثَقِي» (طه: ۷۱).

۴۹. «إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵).

۵۰. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۸).

۵۱. «وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ» (اعراف: ۹۰).

۵۲. «فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَذِّبَكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يَسْتَفْزِرَكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يُجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجَلِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (قاصعه)).

۵۳. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴).

۵۴. «قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ» (شعراء: ۲۵).

۵۵. «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۲۳).

۵۶. «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ \* قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ» (شعراء: ۲۳-۲۴).
۵۷. «قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ» (شعراء: ۲۶).
۵۸. «قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ» (شعراء: ۲۷).
۵۹. «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (شعراء: ۲۸).
۶۰. «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتْ إِحْرَاءُ غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء: ۲۹).
۶۱. «قَالَ أَوْلَوْ جِئْتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ» (شعراء: ۳۰).
۶۲. «قَالَ فَاتِّبِعْهُ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (شعراء: ۳۱).
۶۳. «قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (شعراء: ۳۴).
۶۴. «فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَأَجْرَاءُ لِمَا كُنَّا نَعْبُدُ الْغَالِبِينَ \* قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (شعراء: ۴۱-۴۲).
۶۵. «قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ» (هود: ۶۲).
۶۶. «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ \* قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُوَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (ابراهيم: ۹-۱۰) و همجين، «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ» (هود: ۸۷).
۶۷. «وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (سباء: ۴۳).
۶۸. «قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ» (طه: ۵۷).



۶۹. «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ...» (نساء: ۶۶).

۷۰. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» (غافر: ۲۶).

۷۱. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَبْنَغُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد: ۱۷)؛ «[همو] از آسمان آبی فرو بارید، آنگاه رودها هریک به اندازه خویش جاری شد، و سیلاب کف فراوانی با خود آورد، و از آنچه بر آتش می‌افروزند [و می‌گدازند] که زیور یا اثاثیه به دست آورند نیز کفی همانند آن [آب] هست، بدین سان خداوند حق و باطل را [این چنین] مثل می‌زند، و اما کف بر باد می‌رود، و اما آنچه به مردمان سود می‌رساند، بر روی زمین باقی می‌ماند، خداوند بدین گونه مثل می‌زند» (ترجمه خرمشاهی).

۷۲. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ...» (حج: ۵۲).

۷۳. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (قصص: ۳۸).

۷۴. «فَأْتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهٗ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا \* يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا (مریم: ۲۷-۲۸)؛ پس [مریم] در حالی که او را در آغوش گرفته بود، به نزد قومش آورد. گفتند ای مریم به‌راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای \* ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود».

۷۵. «وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (زخرف: ۲۰).

۷۶. «مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اِخْتِلَاقٌ» (ص: ۷).

۷۷. «يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \* وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ \* إِنْ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ \* وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْفٌ رَحِيمٌ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۱۷-۲۰).

۷۸. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم: ۹).

۷۹. «وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ يَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۹).

۸۰. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنْ كَانَ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب: ۱).

۸۱. نگارنده پیام‌های تبیین شده در جدول ذیل را با تاکید بر «تفسیر نور» استخراج کرده است.

### کتابنامه

قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند).

- امام علی (ع) (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: سیره.
- آل یاسین، شیخ راضی (۱۳۴۸)، صلح امام حسن (ع)، ترجمه سید علی خامنه‌ای، تهران: آسیا.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «دوچهره قدرت نرم»، در: افتخاری، اصغر، و همکاران، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.
- همو (۱۳۸۹)، «دوچهره قدرت نرم»، در: نای، جوزف، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ایمانی، هادی (۱۳۸۹)، «نقش افزارهای مخرب در جنگ نرم»، پیام انقلاب، شماره ۳۷، مرداد.
- باقری، سیامک (۱۳۸۷)، «بسیج و مدیریت قدرت نرم، رویکردی سیستماتیک»، در: افتخاری، اصغر و همکاران، قدرت نرم فرهنگ و امنیت؛ مطالعه موردی بسیج، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- پیربداقی، فاطمه (۱۳۸۸)، «رویکردهای میرینگ در فرایند تحلیل محتوای کیفی»، ماهنامه پیام پژوهش، سال نهم، شماره نود و نه.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۰)، *جابه‌جایی در قدرت (دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، جلد اول، تهران: نشر نو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *روابط بین‌الملل در اسلام*، ویرایش: سعید بند علی، قم: اسرا.
- خاشعی، وحید (۱۳۸۸)، درآمدی بر سیاست‌های رسانه‌ای مقابله با جنگ نرم، *فصلنامه وسائل ارتباط جمعی (رسانه)*، سال بیستم، شماره ۲، شماره پیاپی ۷۸، تابستان.
- راسل، برتراند (۱۳۵۰)، *قدرت*، ترجمه هوشنگ منتصری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴)، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: انتشار.
- رهبر، محمدتقی (۱۳۶۲)، *استکبار و استضعاف از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- رینولد، تزار (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا (در جنگ عراق طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۳)*، ترجمه مجید رسولی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، *پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ج ۸، ج ۱۳، ج ۱۴، ج ۱۵، ج ۱۶، ج ۱۷، ج ۱۹ و ج ۲۰، قم: جامعه المدرسین.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، *فلسفه انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور، دوره کامل*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، «روش کیفی»، در: *منوچهری، عباس (به اهتمام)*، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- لوکس، استیون (۱۳۷۰)، *قدرت فرانسایی یا شر شیطانی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- لوکس، استیون (۱۳۷۵)، *قدرت نگرشی رادیکال*، ترجمه عماد افروغ، تهران: رسا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ج ۲، ج ۶، ج ۷، ج ۱۰، ج ۱۲، ج ۱۴، ج ۱۵، ج ۱۶، ج ۲۱ و ج ۲۴.

مهر عطار، رضا (۱۳۸۸)، «از قدرت نرم تا تهدید و جنگ نرم»، پیام انقلاب، شماره ۳۲، اسفند.

میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

نای، جوزف اس. (۱۳۸۹)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مقدمه اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول (بهار و تابستان).

Mayring, Philipp (2000). "Qualitative content Analysis Forum", *Qualitative social Research*, Volume 1, No.2 – June 2000, Online Journal:

<http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/1089/2385>.

Nay, Joseph S. (1990), "Soft Power", *Foreign Policy*, No.80, Twentieth Anniversary, Autumn, pp.153-171.

Vuving Alexander I. (2009), "How Soft Power Works", paper presented at the panel "Soft power and Smart power", American political science Association annual meeting, Toronto, September 3, 2009.

## انقلاب اسلامی ایران، نظام بین الملل و نظریه انتقادی

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۰۴

عنایت الله یزدانی \*

داریوش قاسمی \*\*

صفی الله شاهقلعه \*\*\*

### چکیده

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای سیاسی- فرهنگی پویا و رویدادی عمده در تحلیل نظام بین‌الملل با خط و مشی انقلابی ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل را به چالش طلبیده و با ارائه اصل عدالت‌محوری و خداجویی در پی جایگزین کردن حقیقت اخلاق و دیانت در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل بوده و با ایدئولوژی اسلامی خود مبنی بر اصول عابد و معبود و دنیا و آخرت ساختار حاصل از تقابل نظام کمونیسم- سرمایه‌داری را بر تقابل ماتریالیسم و معنویت‌گرایی تغییر داده و با رویکردی ارزشی- انقلابی و با نفی وضع موجود خواستار ایجاد نظامی کارکردی خارج از سیستم منبعث از قدرت. ساختار، کارکرد و گفتمان حاکم را نه جوابگوی سرشت بشر بلکه عامل به بند کشیدن انسانیت می‌داند و با پشتیبانی از حرکت‌های رهایی‌بخش و ترویج استبدادستیزی و استکبارستیزی، مستضعفان را نوید خلیفه الهی می‌دهد. سؤال اصلی تحقیق این است که، همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی در چه دگرگونی در سطح داخل و نظام بین‌الملل داشته است؟ در این مقاله سعی شده است از طریق روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای- اینترنتی به این سؤالات پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با شعار محوری «نه شرقی- نه غربی» ضمن سعی بر حفظ ام‌القری، صدور انقلاب را مبنای حرکت عدالت‌محور خود قرار داده و ضمن طرد قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل خواستار ایجاد نظم منتهی به حقیقت بود.

### واژگان کلیدی

نظریه انتقادی، انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل، تغییر وضع موجود، صدور انقلاب و ام‌القری

\* دکتری روابط بین‌الملل و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

yazden2006@yahoo.com

dvdghasemi@gmail.com

info.shahghaleh@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

\*\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

#### مقدمه

انقلاب یکی از پدیده‌های «عظیم» و «نادر» در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود. نادر بودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم بودنش باعث موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن گردیده است. نکته مهمی که باید همواره در تحلیل این پدیده مدنظر قرار دهیم، اصل تنوع و کثرت در ماهیت انقلاب‌هاست. به‌عبارت دیگر، هر انقلابی را ماهیتی است که نشانه هویت و نیت مطلوب و مورد توقعش محسوب می‌شود. بنابراین در تحلیل، تبلیغ و معرفی هر انقلابی باید توجه به جمیع جهات رعایت شود و تا حد مقدور با احتیاط در مورد وضعیت کنونی و آتیه‌اش اظهارنظر گردد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگونی دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داده و با انقلاب فرانسه و روسیه قابل مقایسه است؛ دوم، دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند؛ سوم، موقعیت ملی استراتژیک و سوق‌الجیشی و موقعیت حساس منطقه‌ای ایران، یعنی خلیج فارس و خاورمیانه موجب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

انقلاب اسلامی در ایران به‌دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است. نظم نوینی را که انقلاب اسلامی در پی آن بود، می‌توان طلیعه‌ای از یک نظام جهانی با محوریت عدالت دانست. این نظم که با دو رویکرد اتحاد مسلمین و جهان‌سوم‌گرایی قابل تفکیک است. صدور انقلاب با راهکار حمایت از مستضعفان، با عنوان جهان‌سوم‌گرایی جنبشی فراتر از امت واحده راه انداخت که به پویایی اندیشه‌های انقلاب اسلامی و صدور انقلاب مدد رساند.

نتایج این انقلاب منجر به دگرگونی و تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی، و جایگزینی نظامی با اهداف، ارزش‌ها و ساختاری متفاوت از قبل بود، به‌طوری که در مدت کوتاهی توجه دانشمندان و صاحب‌نظران برجسته جهان را به خود جلب کرد. قطعاً عواملی مانند زمان، مکان وقوع، ایدئولوژی، میزان موفقیت، اثرات بین‌المللی،

هویت و ماهیت دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی و عواملی دیگر در توجه به انقلاب اسلامی موثر بوده است (عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

### ۱. مبانی

این تحقیق سعی در بررسی دو مقوله انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل داشته تا ضمن تفکیکی اصولی متغیرهای اثرگذار همچون گفتمان غالب، ساختار غالب، اهداف و اصول، ایدئولوژی حاکم، هویت، ارزش‌ها، ایستارها و قواعد حاصل از نظم دو قطبی بتوان دیدگاه منسجم‌تری در قبال تحولات زمانی خود ارائه دهد. برای این منظور سؤال زیر طرح شده است:

همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی در چه دگرگونی در سطح داخل و بین‌الملل نقش داشته است؟

پاسخ اولیه (فرضیه) ای که در جواب سؤال‌ها تحقیق مطرح شده این است که: «انقلاب اسلامی با نقد وضع موجود در ساختار داخلی و نظام بین‌الملل و نیز با تأکید بر سنت‌های موجود و با عقلانیتی جدید (مقرون ساختن عقل و دین و اخلاق) برای تغییر نگرش و عملکرد دولت‌ها و نیز رهایی بخشیدن ملت‌ها از قیدوبندهای ساختار مسلط جهانی، می‌تواند نمونه مناسبی برای تبیین نظریه انتقادی باشد».

نوع تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه تحلیل کیفی انجام پذیرفته است.

### ۲. ابعاد نظری

#### ۲-۱. نظریه انتقادی

تمامی تحقیقات کاربردی نیازمند چارچوب یا مدلی مفهومی هستند که بتوان بر اساس آن به بررسی ابعاد موضوع و ارتباط بین متغیرهای تحقیق پرداخت (ادواردز و

همکاران، ۱۳۷۹، ص ۳۲). پژوهش ارائه شده نیز به بررسی انقلاب اسلامی ایران از بعد نظریه انتقادی خواهد بود.

نظریه انتقادی به رگم ریشه‌های متعدد آن رابطه بسیار نزدیکی با مجموعه افکاری دارد که تحت عنوان مکتب فرانکفورت شناخته شده و شامل مجموعه متنوعی از اندیشه‌های افرادی نظیر آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و دیگران است. در نگاه وسیع‌تر تاریخی همان‌گونه که دوتاگ اشاره می‌کند، علاقه هنجاری نظریه انتقادی در تعیین امکان ذاتی تغییر شکل اجتماعی، ویژگی محدودکننده خط فکری است که حداقل از کانت و مارکس تا نظریه‌پردازان انتقادی معاصر نظیر هابرماس تداوم داشته است (Devetak, 1996, p.147). هدف پروژه «انتقادی» نظریه انتقادی آن نیست که سؤال کند چرا جهان به این سو گام برداشته است بلکه بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه جهان می‌تواند چیزی غیر از آنچه است، باشد؟

با این همه، تأکید بر این نکته مهم به نظر می‌رسد که مکتب فرانکفورت به ندرت به خود زحمت مخاطب قرار دادن حوزه روابط بین‌الملل را داده است. این نظریه مورد توجه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، در واقع، هجوم روشنفکرانه‌ای به شیوه‌های سنتی جامعه‌شناسی بوده است. در مطالعات کنونی روابط بین‌الملل، دانشمندان متعددی نظیر اندروولنیکلیتر، رابرت کاکس، مارک هافمن و دیگران هستند که به نظریه انتقادی بین‌الملل مربوط و صورت‌بندی جهانی روابط قدرت را به‌عنوان هدف خود برگزیده‌اند و در مورد چگونگی ایجاد این صورت‌بندی‌ها، هزینه‌های ایجاد آن و سایر احتمالاتی که در تاریخ بدون تغییر باقی می‌مانند، سؤال می‌کنند (Devetak, 1996, p.151). چنین تأکیدی آشکارا رابطه نزدیک بین قدرت و امنیت را در درک معمول روابط بین‌الملل و همچنین تناسبی که در چارچوب مطالعات رایج از ابتدا باید مشخص باشد، زیر سؤال می‌برد. برای نظریه‌پردازان انتقادی، اهمیت تأثیر بین‌المللی شدن تولید بر ساختار کشورها به اندازه اهمیت منازعه بین کشورها، برای واقع‌گرایی است.

نظریه انتقادی بین‌المللی در مورد مسائل مربوط به امنیت به‌طور خاص متوجه جهت‌گیری وضع موجود واقع‌گرایی و نیز این واقعیت بوده که «تأکید بر ابزارهای رسیدن به هدف است تا ارزشمندی خود هدف» (Devetak, 1996, p.152). واقع‌گرایی



به علت تک‌بعدی بودن (از لحاظ دولت‌محوری و نظامی‌گری) مورد انتقاد قرار گرفته است؛ هرچند که در سطحی عمیق‌تر نیز به علت دفاع از سرکوب سیاسی نیروهایی که نشان دادند الگوهای جدید توسعه تاریخی هم امکان‌پذیر است، مورد نقد واقع شده است (Linklater, 1990, p.3). واقع‌گرایی احتمالی تغییر را در نظر نمی‌گیرد. بنابراین هیچ مبنای فلسفی برای مفهوم‌سازی مجدد امنیت نیز فراهم نمی‌آورد. در واقع، دستورکار نظری واقع‌گرایی از شفافیت مفهومی امنیت حمایت می‌کند و این شفافیت، دستور کار روابط بین‌الملل را بنیان می‌نهد. اگر ما دولت را به لحاظ هستی‌شناسی به عنوان موجودیت برتر و تنها مرجع شایسته حفظ امنیت در روابط بین‌الملل بدانیم، در واقع به قول گرامشی از نیروی مسلطی که ما را از تحلیل ناامنی تجربه شده توسط افراد، گروه‌ها و جوامع در سطح فروملی باز می‌دارد، حمایت کرده‌ایم. بنابراین، نظریه انتقادی به بقاء و وجود نیروهای ضد استیلا و همچنین تعدیل امنیت مسلط و گفت‌وگوهای توسعه معتقد است و بدین ترتیب به فهم‌های متفاوت از امنیت و اینکه چه چیزی باید امن شود، کمک می‌کند. چنین وضعی در تسکین نومیدی ضمنی واقع‌گرایی، امری حیاتی است زیرا رفتار عقلانی در فضایی آشفته، هم بی‌اعتمادی و ناامنی فراوان ایجاد می‌کند و هم تهدیدی برای همه دولت‌هاست (Linklater, 1990, p.12).

در روابط بین‌الملل و نظریه انتقادی، نباید تأثیر ضدیت آنتونیو گرامشی با مارکسیسم ساختارگرا را فراموش کرد. گرامشی همانند دیگر متفکران مکتب فرانکفورت علاقه‌ای به مفصل‌نویسی درباره روابط بین‌الملل نداشت، اما به عنوان کسی که به دنبال پیشرفت انقلاب در کشورهای سرمایه‌داری بود، عقایدش درباره دولت تأثیر مهمی بر روابط بین‌الملل امروز داشته است. برای گرامشی، کشور «مجموعه‌ای کامل از فعالیت‌های عملی و نظری است که با آن طبقه حاکم نه تنها برتری خود را توجیه و حفظ می‌کند بلکه سعی در کسب رضایت فعال کسانی را دارد که بر آن‌ها حکومت می‌کند» (Jesson, 1982, p.17).

از دیدگاه نظریه انتقادی، دانش از لحاظ سیاسی، اخلاقی، ایدئولوژیک، ممکن نیست خنثی و بی‌طرف باشد، براین اساس، همواره با دانش به صورت تعصب‌آمیز برخورد می‌شود؛ زیرا مبتنی بر دیدگاه تحلیلی‌گر است. نظریه انتقادی با بهره‌گیری از

دانش سعی می‌کند تا چهره سلطه جهانی شمال غنی را بر جنوب فقیر آشکار کنند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).

باید در فرایند نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل مفاهیم را به‌نحو صحیح فصل‌بندی کرد، به‌گونه‌ای که جهت رهاسازی باشد. نظریه انتقادی درصدد آزادی‌سازی انسانیت از ساختارهای سرکوب‌کننده سیاست و اقتصاد جهانی است که تحت کنترل قدرت‌های هژمون قرار دارد. این نظریه راه را برای تحلیل کشورهای فقیرتر و حتی مردمی که ویژگی زندگی‌شان فقر است، ترسیم می‌کند و در پی ظهور اشکال جدید از روابط سیاسی بین‌المللی است که طی آن کلیه انسان‌ها بر اساس اصل مساوات در همزیستی با یکدیگر به سر برند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷).

به‌طور خلاصه، نظریه انتقادی در مورد به چالش کشیدن امور چالش‌ناپذیر و رهایی انسان بحث می‌کند. در به چالش کشیدن اصولگرایی واقعگرایی که مفروضات اصلی آن برتری دولت و دولت قدرتمند است، نظریه انتقادی راه را برای تحلیل کشورهای فقیرتر و حتی مردمی که ویژگی زندگی‌شان فقر است، باز می‌کند. اهتمام رهیافت فرانوگرایی چندان متفاوت از این امور نیست.

## ۲-۲. محیط‌شناسی

نظام بین‌الملل به مجموعه بازیگران بین‌المللی (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی) و روندهای جهانی (اتحادها، انقلاب‌ها و جنبش‌ها) گفته می‌شود که هر یک در ارتباط منظم با یکدیگر الگوی رفتاری خاصی را ایجاد می‌کنند که مبنای تحلیل کارکرد و پویای نظام بین‌الملل است (موسوی، ۱۳۸۴، ص ۲). این متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل که هرگونه تغییر در هر یک به تغییر در سیستم منجر می‌شود و در غالب کنش و واکنش بین نظام و محیط است که نهاده به داده تبدیل می‌شود و رابطه بین کنش و واکنش است که سیاست بین‌الملل در چارچوب روابط مسالمت‌آمیز، رقابت‌آمیز یا تعارض‌آمیز تعریف و تبیین می‌شود. هر نظام از چند ویژگی مهم ترکیب یافته است که عبارت‌اند از:

## ۲-۱-۲. مرز جغرافیایی و فرهنگی خاص

نظام بین‌الملل حاصل دنیای دو قطبی با قطب‌بندی کشورها درون چارچوب‌های ائتلافی و اتحادی وابسته به خود با عنوان دو پیمان ورشو و ناتو گاهی اختلافات بینابین را با تقسیم منافع و مناطق استراتژیک (همچون خلیج فارس) حل نموده و حال اگر کشوری (به‌ویژه با موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک) این نظم را به چالش می‌کشد و خواستار عدول از قواعد و هنجارهای حاکم بر ساختار نظام دوقطبی می‌بود، با ابزارهای مختلف سعی در کنترل آن می‌نمودند، انقلاب اسلامی با ساختار شکنی چنین نظامی را ظالمانه و نامطلوب می‌دانست.

از دیدگاه انقلاب اسلامی منافع ملی، امنیت، اتحاد و ائتلاف، موازنه قوا، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی همه الگوهایی برای تسلط و کنترل جنبش عدالت‌خواه و حق‌طلب هستند. از این رو، امام (ره) با سازمان‌های بین‌المللی که در صدد تحکیم جایگاه قدرت‌های بزرگ و تحمیل قواعد ظالمانه خود هستند، مخالفت می‌نمایند. ایشان بیان می‌دارند: «شورای امنیت همه این‌ها در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لذا برای خودشان حق و توفیق قرار می‌دهند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۷۰).

تحلیل نظام بین‌الملل در دهه هشتاد قرن بیست بر اساس قاعده نظری سیستم نظام بین‌الملل بوده به نحوی که گروهی از بازیگران نظام بین‌الملل گرد هم جمع شده و بر اساس جایگاه بازیگران، روابط خود را سامان‌دهی می‌نمودند و این بدان معناست که بازیگران تعاملات خود را برحسب میزان قدرت و توانمندی‌های دیگر بازیگران (بازی استراتژیک) تنظیم می‌نمودند.

سیر گذار استراتژی و پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل با فروپاشی نظام دوقطبی از سیستم بین‌الملل به جامعه بین‌الملل نمودی از تغییر نظام از حالت جنگ سرد به نظم نوین جهانی بود. مکتب جامعه بین‌الملل، تکیه بر ابعاد غیرمادی و گفتمانی روابط بین‌الملل و تأکید بر نقش فرهنگ، هنجارها و قواعد، نگاه تاریخی و تفسیری به واقعیات بین‌المللی، پرهیز از شیئت‌انگاری در مطالعه روابط بین‌الملل و توجه به ابعاد هنجاری حیات سیاسی بین‌المللی، موضعی میانه در مباحث فرانتزوری شکل داده است

(مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸). واشینگتن به عنوان حامی نظم نوین جهانی نمی‌خواهد متکی به بازیگری خود باشد بلکه سعی آن دارد با تبدیل قدرت به قواعد و مقررات، اصول خود را درونی کند. اصولاً زمانی قادر به ایجاد قواعد و مقررات هست که دارای ارزش‌ها و هنجارهای نسبتاً قابل قبول باشیم، به همین دلیل است آمریکا سعی در تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای غربی و لیبرال مردم‌سالاری غربی خود دارد تا به دنبال جهانی کردن این ارزش‌ها بتواند قواعد و مقررات مبتنی بر همین ارزش‌ها را در دستورکار سیاست بین‌الملل قرار دهد. به همین دلیل نظم اسلامی مورد نظر انقلاب اسلامی و هنجارها و ارزش‌های حاصل از آن را لیبرال-دموکراسی غرب نمی‌توانست برتابد.

انقلاب اسلامی با رویکرد انقلابی مبتنی بر نظم عدالت‌محور با حمایت از طرح امت واحده و حمایت از مستضعفان و دفاع از جنبش‌های رهایی‌بخش نظام قدرت‌محور و تفکر غالب آن رئالیسم را به چالش طلبیده و هسته‌های پارادایم حاکم بر نظام بین‌الملل را همچون قدرت، منافع ملی و حفظ وضع موجود را تضمین‌کننده حقوق اغنیاء و تداوم بخش تسلط آن‌ها می‌داند.

انقلاب اسلامی ضمن گریز از ابزارانگاری انسان، وظیفه دولت‌ها را کمک به رشد و تعالی بشر می‌داند و ایده امت‌محور می‌تواند برخلاف ملیت، نژاد، زبان، جغرافیا، محور، ضمن رفع تعارضات حاصل از ملی‌گرایی و مرزهای مناقشه‌ساز رویکردی نوین باشد بر رفع تناقضات درونی که نظم وستفالی دارا بوده است.

## ۲-۲. نظم حاصل از نظام دوقطبی در چارچوب تفکر موازنه قوا

دو قطب به تقسیم کشورها، ایجاد منطقه نفوذ و ستیز برای کسب مناطق استراتژیک می‌پرداختند و نظریاتی همچون بازدارندگی، سد نفوذ، دومینو و سازمان‌هایی چون ورشو، ناتو، سنتو و سیتو را شکل داد. آمریکا با دکترین سد نفوذ و با ابزاری همچون ناتو، سنتو و سیتو سعی در مهار شوروی سابق را داشت و شوروی با حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخشی و تبلیغ کمونیسم سعی در عقب راندن نظام سرمایه‌داری می‌نمود.

حال از نقش استراتژیک ایران در این بازی به‌عنوان یک متحد آمریکا چه در بعد امنیت خلیج فارس (طرح دوستونی نیکسون) چه در غالب فرایند موازنه قوا اعراب و اسرائیل و چه در غالب دکترین مهار کمونیسم و زنجیره امنیتی ناتو، سنتو، سیتو به حول شوروی می‌توان به حساسیت آن در این منطقه و نقش ایران در معادلات امنیتی بین دو ابرقدرت پی برد.

انقلاب ایران و رویکرد نه شرقی- نه غربی آن، خروج از سنتو ۱۳۵۷، لغو پیمان دفاعی ایران و آمریکا ۱۳۵۸، لغو مواد ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی باعث به هم خوردن معادلات امنیتی منطقه شد. به‌صورتی که سنتو فرو پاشید. کارتر با دکترین خود با ایجاد نیروهای واکنش سریع و پایگاه‌های نظامی در منطقه و ایجاد یک رشته موافقت‌نامه‌های نظامی- امنیتی با کشورهای منطقه سعی در جایگزینی سنتو و نقش ایران در طرح نیکسون داشت (مجرد، ۱۳۸۶، صص ۱۷۵-۱۶۹).

نظام ارزشی محرک در انقلاب اسلامی باعث رفتارهای متفاوت در الگوی رفتاری جمهوری اسلامی شده است این الگوهای رفتاری با طیفی از تعامل تا تقابل در نوسان است. تحلیل انقلاب اسلامی ایران در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌المللی رخ داد. این انقلاب ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت و همچنین فعال شدن تفکر دینی در عرصه سیاسی ایران ریشه در ناکارآمدی و وابسته بودن حکومت‌های وقت داشته است (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۶۹). به‌صورتی که کسینجر، شیعه، بنیادگرایی اسلامی، انقلاب ایران و شوروی را به‌عنوان عامل تهدید کشورهای خلیج فارس را به آن‌ها گوشزد می‌کند (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵).

جمهوری اسلامی ایران با رویکرد نه شرقی- نه غربی و گسترش همکاری با کشورهای جهان سوم، صدور انقلاب، رویکرد اتحاد امت اسلامی، کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش ضدیت با منطق زور و استثمار و مخالفت با اسرائیل نظامی را مورد نظر داشت که فراتر از دیدگاه حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل بود به همین خاطر روند انقلاب اسلامی به‌دلیل رویکرد آرمان‌گرای ارزشی آن، آن را نمی‌توان با نظریات قدرت

محور نظام بین‌الملل تحلیل و تبیین کرد و این عامل بر عدم امکان پیش‌بینی فرایند سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران صحنه می‌گذارد.

### ۲-۳. ساختار روابط بین‌الملل

ساختار روابط بین‌الملل یکی دیگر از متغیرهای مستقل و عناصر عمده نظام بین‌الملل است که عبارت است از روابط نهادینه شده در بین بازیگران در مدت زمان طولانی. از مشخصه‌های ساختار نظام بین‌الملل قرن بیست، جهان دوقطبی و جنگ سرد است که نظام دوقطبی محذورات خاصی را بر واحدها، حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی تحمیل کرده و آن‌ها را در دو بلوک ایدئولوژیک سازمان داده بود، ضدیت دو قطب میدان مبارزه را نیز به کشورهای جهان سوم کشاند، هرچند فرایند جهان‌سوم‌گرایی جنبش عدم تعهد مسیری بود برای گریز از جنگ قدرت بین دو ابرقدرت ولی به دلیل اینکه در چارچوب نظام دوقطبی تعریف شده بود، نتوانست قطب سومی را شکل دهد.

همچنان‌که روندها بر حسب ابعاد انسان، در حوزه‌های مختلف جریان می‌یابد، می‌توان ساختارهای گوناگونی به تعداد ابعاد انسانی تصور نمود. لازم است تصمیم‌گیرندگان با توجه به شرایط موجود در نظام قانونمند بین‌الملل و ساختارهای ذکرشده ارائه طریق نمایند. از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از موارد «مهم ساختاری، ایجاد ساختار روانی است که مستلزم تصمیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۰)، و «عزم، خودیابی و کسب استقلال روحی» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۲۲۲)، «واحدهای مرعوب برای مقابله با ایجادکنندگان ساختار ارباب در نظام و روابط بین‌الملل است تا ساختار اطمینان و آرامش جایگزین ساختار ارباب گردد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۲).

ساختار نظام بین‌الملل با به چالش کشیدن سیاست تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی سعی کرد چه با ابزار تحریم، چه با جنگ (عراق و ایران)، چه کودتا (نوزه) و چه محاصره اقتصادی - نظامی با ایجاد انزوا جلوی انقلاب و صدور آن را سد نماید. ابزار تحریم، جنگ، جنگ روانی و فشارهای سیاسی - رسانه‌ای نمود فشار ساختاری است که به آرمان‌های انقلاب وارد می‌شود.

غرب با تشنج‌آفرینی در روابط ایران با کشورهای همسایه و تبلیغ مسموم ضد وجهه بین‌المللی انقلاب اسلامی تحت عنوان حامی تروریسم، کشور یاغی، محور اهریمنی (شرارت) طرف ثالث را به موضع‌گیری امنیتی در قبال انقلاب می‌کشاند که نمونه آن را می‌توان در ماهیت شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، طرح حلال بحران برژنسکی، طرح حلال شیعه، امنیتی کردن، حضور نظامی در منطقه و ایجاد رقابت تسلیحاتی برای ایجاد فضای تقابل و تضاد در منطقه تجسم نمود. و می‌توان برای مقایسه انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل، مؤلفه‌های (جدول ۱) را مشاهده کرد.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه‌های نظام بین‌الملل و انقلاب اسلامی ایران

ردیف	پارامترها	نظام بین‌الملل	انقلاب اسلامی ایران
۱	اهداف	حفظ وضع موجود	تغییر وضع موجود (صدور انقلاب)
۲	استراتژیک	اتحاد و ائتلاف	عدم تعهد (نه شرقی نه غربی)
۳	بازیگر	دولت - کشور (ملت - میهن)	امت - ام‌القری
۴	منافع	منافع ملی	منافع دینی اسلامی
۵	گفتمان (نگرش فلسفی)	رنالیسم - ماده محور	ایدئالیسم - ارزش محور
۶	قاعده بازی	تضاد و تقابل (حاصل جمع جبری صفر)	تأکید بر عدالت - همکاری متقابل (حاصل جمع جبری غیرصفر)
۷	حقوق و حاکمیت	منبعث از مردم - حکومت جمهوری	مبعث از خدا (سنت و قرآن) - حکومت اسلامی
۸	ساختار	قطب‌گرایی	تعامل و گفتگو
۹	هویت	ملی (ملی‌گرایی)	دینی (جهانگرایی جهانشمول)

منبع: تلفیقی از: دهشیری، ۱۳۸۰، صص ۲۸۷-۳۰۰، قوام، ۱۳۸۱ و سیف‌زاده، ۱۳۸۳

تعامل با ساختار نظام بین‌الملل ناشی از ایستارها و باورهای است که رفتارها را در قالب حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود شکل می‌دهد. تمایز رفتار در صحنه بین‌المللی تا حدی از تفاوت ایدئولوژی و گفتمان‌های حاکم است و در چارچوب ایدئولوژی اسلامی و هویت اسلامی است که انقلاب اسلامی به نظام بین‌الملل می‌نگرد. انقلاب اسلامی با نگاه اسلامی نظام بین‌الملل را نه مرکب از کشورها بلکه متشکل از ایدئولوژی‌ها می‌داند و قائل به معیار تقوا برای سنجش انسان‌هاست و در بعد سیاسی با ترسیم مرز عقیدتی دارالاسلام و دارالکفر یا استکبار و استضعاف رویکردی جهان‌شمول را خارج از راهکار جهانگرایی امپریالیستی پی می‌گیرد که هدف خود را امت واحده اسلامی و نظام جهانی اسلام تعیین می‌نماید.

### ۳. گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی

اصول را باید در رابطه با اهداف، هنجارها را در رابطه با رفتار، قواعد ابزار عملیاتی هنجار و اصول و رویه‌های اعمالی است که هنجارها و قواعد را اجرا می‌کند (عسگرخانی، ۱۳۸۶، ص ۶۹). از اصول و ارزش‌های نظری و اهداف انقلاب اسلامی می‌توان به استقلال (نفی سبیل)، آزادی، عدالت جهانی، حق‌طلبی، صلح‌گرایی، استکبارستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و آزادی‌بخش، اتحاد امت اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌توان نام برد. این اهداف و اصول ارزشی که ریشه در اسلام و دیدگاه آن واکنشی در برابر توسعه‌طلبی امپریالیسم و استکبار جهانی است که سعی خود را بر استقلال سیاسی از بیگانه قرار داده است.

حفظ وضع موجود خواسته نظام بین‌الملل است که با هر وسیله و الگوی رفتاری سعی در حفظ آن داشت؛ حال اگر بازیگری سعی در فرو ریختن این ساختار بنماید، خاطی و تجدیدنظرطلب محسوب می‌شود که آن را باید کنترل کرد. تفکر انقلابی برای خود تعهد و رسالتی خاص را قائل است که در پی این رسالت، خواستار تحول، دگرگونی و ایجاد نظم مطلوب خود است که این تعهد قابل تسری به محیط جهانی بود.



### ۳-۱. طرح سیاست نه شرقی - نه غربی

ایدئولوژی قواعد رفتارهای منطقه‌ای و قواعد بازی بین‌المللی را برای انقلاب اسلامی ترسیم نمود و رفتار سیاست خارجی برگرفته از ایدئولوژی ملزومات خود را ایجاب می‌کند. استکبارستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی و صلح‌گرایی از جمله اصول انقلابی، انقلاب ایران بود. حفظ وضع موجود چارچوبی را برای پیگیری اهداف ترسیم کرده بود که در این چارچوب هرکسی که به تقابل می‌اندیشد، به‌عنوان تجدیدنظرطلب قلمداد می‌شد و تحت فرامین حقوقی و عرفی سعی در کنترل آن می‌نمودند. موازنه قوا، جهان دوقطبی، بازدارندگی، ائتلاف و اتحاد حکایتی غیرپارادایم قدرت و زور نبود. حال کشورها در این چارچوب چاره‌ای نداشتند جز اینکه یا ساختار آن را پذیرا باشند یا به‌صورت انقلابی سعی در فروپاشی چنین قواعد نماید. انقلاب اسلامی روندی تجدیدنظرطلب بود که قواعد و ساختار نظام بین‌الملل را ظالمانه دانسته و آن را بانی استعمار و تهاجم فرهنگی می‌دانست. «نه شرقی - نه غربی» به‌عنوان تعریفی نوین از قاعده نفی‌سبیل و رویکرد ژئوپولیتیکی عدم تعهد معنایی جز این نداشت که ملت ایران بدون اتکا به شرق و غرب می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های ملی و مذهبی خود استوار باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹۵).

این رویکرد به‌عنوان بنیادی‌ترین نماد رفتاری ایران با قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شد. طبق این رویکرد، اصل توازن قوا برای حفظ صلح جهانی، نظام دوقطبی و تک‌قطبی مردود، ظالمانه و در راستای منافع قدرت‌های بزرگ قلمداد می‌شد. حرکت از الگوی اتحاد و ائتلاف به ائتلاف‌زدایی و ویژگی شعار نه شرقی - نه غربی انقلاب اسلامی است. اصل نه شرقی - نه غربی هرچند روایتی از اصل عدم تعهد در جنبش عدم تعهد بود، ولی چون که نتوانست به‌صورت آرام نیروی سومی را در مقابل دنیای دوقطبی ایجاد کند، مورد فشار ساختاری قرار گرفت. اتخاذ راهبرد ائتلاف و اتحاد (دوره پهلوی) موجب متکی شدن امنیت و ثبات کشور به ابزار نظامی شد و بنیان ملی امنیت تخریب و باعث عدم توجه به سایر شاخصه‌های توسعه گردید. از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی طرد راهبرد اتحاد (دوره پهلوی) بود؛ زیرا که آن را مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی کشور می‌دانست.

سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم تعهد و عدم وابستگی به معنی حفظ منافع ملی کشور در دوران بحران‌هاست و با سیاست انزوا متفاوت است. سیاست انزوا به معنی جدا نگه داشتن کشور از تعاملات جهانی است، درحالی‌که سیاست نه شرقی و نه غربی مدیریت کشور و حفظ منافع ملی کشور در دوران بحران‌های بین‌المللی است. البته به قول هانتز همواره ابرقدرت‌های جهانی در مقابل هر جنبشی در یک کشور در حال توسعه که هدفش کسب استقلال باشد ایستادگی خواهد کرد اگر کشوری بخواهد هژمونی قدرت‌های بزرگ را به چالش بیندازد، می‌خواهد در هر سبکی باشد چه جنبه مذهبی داشته باشد، خواه سکولار از نگاه قدرت‌طلبانه باید با آن مقابله کرد (هانتز، ۱۳۸۴، ص ۸).

### ۲-۳. طرح راهبرد ام‌القری

طرح ام‌القری با اعلام اینکه ایران به‌عنوان پایگاه مادی و معنوی هرگاه مورد تعرض قرار گیرد، بر همه مسلمین واجب است که از ام‌القری محافظت نمایند. از نظر امام «این الان یک تکلیف بسیار بزرگ است که از همه تکالیف بالاتر است حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۲۲۲). به‌هرحال هدف این دیدگاه نظریه‌پردازی کردن اولویت منافع و امنیت ام‌القری در صورت تهدید حیات و بقای آن بود. اگر بخواهیم پیوند این نظریه با منافع ملی را مدنظر آوریم، باید بگوییم هرچند این نظریه در عمل باعث ارجحیت توجه به داخل کشور و توسعه آن شد و تحول قابل توجهی در دیدگاه‌های سیاسی سال‌های اولیه انقلاب به وجود آورد، ولی این نظریه در راستای منافع ملی نبود؛ زیرا در این نظریه منافع ملی اصالت نداشته است بلکه به این دلیل ام‌القری اهمیت دارد که به لحاظ آینده جهان اسلام، حفظ ام‌القری به‌عنوان مرکز ثقل مذهبی جهان اسلام (نه یک موجودیت سیاسی همچون کشور- ملت) را بر همگان واجب دانسته است. در حقیقت ام‌القری بیش از هر چیز بر مفهوم حکومت اسلامی و مصلحت حکومت نظر دارد و اگر به تحکیم امنیت ملی می‌اندیشد، صرفاً از آن روست که تهدید مرزهای ام‌القری تهدید مستقیم حکومت اسلامی است.

از جمله اهداف ام‌القری تحقق حکومت اسلامی، حمایت از مستضعفان و محرومان و سعی در اتحاد جهان اسلام است در بحث ام‌القری این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که جهان اسلام یک امت واحده است، امت مردمی است دارای انسجام، جهت و حرکت در واقع ولایت همان هدایت امت توسط ولی و امام است و بنابراین او در قبال تمام امت مسئولیت دارد. ملاک وحدت امت رهبری آن است. کشوری ام‌القری جهان اسلام است که امکان رهبری کل امت را دارد.

لاریجانی بر اساس این نظریه معتقد است ایران ام‌القری است و امام خمینی این مقام را برعهده گرفت رهبری قانونی جمهوری اسلامی ایران و ولایت بر جهان اسلام، بر اساس این نظریه اگر تزاممی بین این دو شأن ایجاد شود، همواره مصالح امت اولویت دارد، مگر هستی ام‌القری که حفظ آن بر همه امت واجب است. در ارتباط با دیالکتیک بین ام‌القری و جهان اسلام همه امت باید از ام‌القری دفاع کند (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۴۸).

خلاصه نظریه، ام‌القری بر این مطلب است که اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام‌القرای جهان اسلام شود، به‌نحوی که شکست و یا پیروزی آن شکست یا پیروزی اسلام است، در این صورت حفظ آن بر همه واجب است (حقیقت، ۱۳۶۷، ص ۷۱).

### ۳-۳. طرح گفتمان صدور انقلاب

الگوی رفتاری و سرمشق شدن ایران تنها به‌ظاهر رفتار مربوط نمی‌شود بلکه جنبه هنجاری آن نیز حائز اهمیت است، هنجاری که از آن به‌عنوان راهنما و دستورالعمل استفاده می‌شود. در این حالت هنجار معیاری است که بر اساس آن رفتار اجتماعی ملل تحت ستم شکل می‌گیرد و در اثر تکرار الگوهای رفتاری، کنش اجتماعی آن‌ها ظاهر می‌شود. گراهام فولر برای کلیه کسانی که خواهان تشکیل حکومت اسلامی در کشور خود هستند. امام خمینی(ره) به‌دلیل موفقیتش یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است (فولر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹). صدور انقلاب چه به‌عنوان یک تدبیر چه استراتژی در خارج از مرزهای کشور توانایی آن را دارا بود که به‌مثابه اهرم فشار و

عامل بازدارنده ضد دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی به کار آید و یک دیوار امنیتی برای انقلاب ایجاد کند.

درواقع ایدئولوژی‌ها در چارچوبی هستند که تفسیر خاصی از جهان را به‌منظور عمل بر طبق آن در اختیار انسان قرار می‌دهند. اصولاً دولت‌هایی که سیاست خارجی آن‌ها در چارچوب ایدئولوژی به مفهوم اخص آن تعبیر و تفسیر می‌شود، از تقسیمات جغرافیایی موجود، توزیع قدرت و هنجارهای حاکم بر سیاست بین‌الملل ناراضی‌اند (قوام، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱). نظام سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی، قابلیت‌های تحرک فراملی را داراست. انقلاب اسلامی در سال‌های اول، یکی از موارد تأمین امنیت خود را گسترش رابطه با ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از شعارها و نمادهای اسلامی قرارداد و با طرح خط‌مشی اتحاد جهان اسلام، جهان سوم‌گرایی، اعلام حمایت از جنبش مستضعفان و جنبش‌های رهایی‌بخش سعی آن داشت ایدئولوژی خود را جهانی و فراگیر نماید.

کرین بریتون درباره ماهیت جهان شمول انقلاب‌های ریشه‌دار اظهار می‌دارد که انقلابیون در طول تاریخ، همگی کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را ترویج کنند. صدور انقلاب پیامد طبیعی کشور انقلابی است (ترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). نظریه صدور انقلاب دارای یک رویکرد جهان‌نگرایانه جهان‌شمول است نه از بعد امپریالیسم بلکه از دیدگاهی همچون مخالفت با وضع موجود و ماهیت برون‌مرزی که دارد. امام خمینی (ره) بیان می‌دارند که: «این که ما می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۴).

از جمله ابزار صدور انقلاب که در نظریه‌های انقلاب مطرح است می‌توان به تبلیغ، کمک به جنبش‌های اسلامی رهایی‌بخش و آزادی‌بخش، الگوسازی و نمادسازی اشاره کرد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی نقش دولت و سیاست خارجی ایران را تغییر داد، به‌صورتی که جمهوری اسلامی با ترسیم ایجاد دولت مستقل و فعال، مدافع اسلام ناب محمدی، دولت الگو مخالف با وضع موجود، حمایت از عدالت جهانی و حکومت جهانی اسلام رفتار سیاست خارجی خود را مدل‌سازی می‌کند.

ایده صدور انقلاب روشی بود که از همان روزهای نخست استقرار حکومت اسلامی به منظور تحقق رسالت جهانی انقلاب اسلامی درخصوص اتحاد مسلمین و ایجاد نظم اسلامی و شکل‌دهی به یک نیروی سوم با عنوان جنبش مستضعفان که از یک سو، مخاطب خود را توده‌ها قرار داد و از دیگر سو، دولت‌ها و شکل‌دهی به امت واحده بوده است. امام خمینی (ره) در این مورد می‌گوید که «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، دفاع می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۸۰).

طرح صدور انقلاب اسلامی، بیان فریضه جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، طرح موضوع استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمانان جهان به‌ویژه بیداری ملل حاشیه خلیج فارس به سبب اشتراکات فرهنگی و مذهبی و... باعث گردید که اولاً بازیگران عرصه نظام بین‌الملل به جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی برهم‌زننده نظم جهانی بنگرند و ثانیاً در سطح منطقه نیز بسیاری از کشورها که با شهروندان خود رابطه نامنسجمی داشتند، ایران را به عنوان یک خطر بالقوه و تهدیدکننده امنیت ملی تلقی کنند (ازغندی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). از نظر اسپوزیتو یکی از اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید شده است، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است و این هدفی بود که بیش از سایر اهداف انقلابی، توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد و در دل کشورهای غربی و سران کشورهای اسلامی هراس افکند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

رویکرد انقلابی ایران با عنوان روند انقلاب اسلامی باعث شکل‌گیری جبهه‌ای پیش روی خود شد تا جایی که ضمن تحت فشار قرار گرفتن و سرکوبی جریان‌های اسلام‌گرای ملهم از انقلاب اسلامی، تسلط امنیتی - نظامی آمریکا بر منطقه و حمله رژیم بعث به خاک ایران را در پی داشته که از آن‌ها می‌توان به عنوان نمودی از فشار ساختار نظام بین‌الملل یاد کرد. افکار و اهداف جمهوری اسلامی بدین صورت نیروی تهاجمی را در مقابل خود ایجاد کرد. تداوم این وضعیت پس از دو دهه باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان یک پدیده امنیتی باقی بماند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۹۶). به دلیل فشار ساختاری ناشی از ساختار نظام بین‌الملل طرح صدور انقلاب

باعث انزوای ایران (مهار یکجانبه و دوجانبه)، تهاجم و همکاری امنیتی با منطقه به وسیله غرب، حمله صدام و همراهی کشورهای عربی با آن و تأسیس شورای همکاری خلیج فارس بود. به همین خاطر با حمله عراق طرح اسلام در یک کشور (ام‌القری) جای صدور انقلاب (امت واحده) را می‌گیرد.

#### ۴. نظریه انتقادی و انقلاب اسلامی ایران

نظریه انتقادی مبتنی بر دیدگاه رهایی‌ساز و رهایی‌بخش، نقد وضع موجود و ترسیم آینده‌ای مطلوب از جهان است، این نظریه با قائل بودن به صلح مثبت، نظریات خردگرا را به دلیل عدم توجه به خشونت ساختاری مورد نقد قرار می‌دهد و از این دیدگاه وجود بی‌عدالتی، تبعیض، نژادپرستی، جامعه طبقاتی، فقر، گرسنگی، بحران‌های محیطی و بهداشتی را حاصل عدم توجه به خشونت ساختاری دانسته و از اینجا به تقسیم قدرت حاصل از ساختار نظام بین‌الملل می‌تازد و آن را عامل بی‌توجهی و تبعیض ضد جامعه جنوب، جهان سوم و سایر گروه‌های حاشیه قدرت می‌داند. نظریه «انتقادی» در پی آزادسازی و رهایی‌بخشی بشر از قیودی است که ساختار روابط بین‌الملل آن‌ها را به ارمغان آورده‌اند و نیز در پی تغییر نگرش و عملکرد دولت‌ها، همچنین خصلتی بازان‌دیشانه دارد. بدین‌روی، می‌توان انقلاب اسلامی را، که بر خلاف ساختار مسلط روابط بین‌الملل و در تعارض نظام دوقطبی در جهان وقوع یافت، مصداقی از آن چیزی دانست که نظریه‌پردازان انتقادی در صدد ارائه آن بودند. همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح روابط بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی ایران نیز نظام‌های مارکسیستی و نیز بورژوازی بین‌المللی را به چالش فراخوانده و در زمینه داخلی، بر دگرگونی وسیع اجتماعی صحه گذاشته است. دگرگونی‌های ناشی از انقلاب اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی عبارت‌اند از:

#### ۴-۱. دگرگونی در سطح مناسبات قدرت‌ها با ایران

انقلاب اسلامی ایران به بیش از یکصد سال نفوذ و سلطه قدرت‌های خارجی پایان داد و مردم با تکیه بر شعار «استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی» نفرت و کینه همیشگی خود را نسبت به حضور و نفوذ بیگانگان چپاولگر بروز دادند.

انقلاب اسلامی، ساختار نظام زورگویانه بین‌المللی را متزلزل کرد و قانونمندی آن را، که معتقد بود حق با زور و قدرت است، به هم ریخت و به کشورهای کوچک نشان داد که می‌توان با تکیه بر اراده همه ملت در مقابل همه قدرت‌های تا دندان مسلح دنیا ایستاد و تسلیم نگردید» (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

از منظر رهبران انقلابی، وابستگی شدید رژیم‌های گذشته علت اصلی عقب‌ماندگی ایران در تمامی صحنه‌هاست و همین ساختار نامطلوب داخلی است که اوضاع جهانی را به نفع قدرت‌های با نفوذ و سلطه‌گر فراهم ساخته است. رهبران انقلابی بر این اساس که « (رعد: ۱۱)، تغییر کنش ملت را

امری مقدور و ممکن شمردند و با تأکید بر اصلاحات سیاسی و بنیادین در نظام سیاسی کشور، مخالفت شدید خود را با اوضاع و شرایط تحمیلی ساختار داخلی نظام موجود و به تبع آن، ساختار بین‌المللی روابط اعلام کردند. از دید آنان مبارزه برای رهایی از جبر حاکم بر جامعه و نیز جهاد برای احقاق حقوق از دست رفته، امری ضروری و لازم است. انقلابیان، امپریالیسم را در همه ابعاد آن مورد نفی قرار دادند و به‌طور مشخص، با ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک آن به مبارزه برخاستند. انقلاب اسلامی راهی را در پیش گرفت که به‌هیچ‌وجه در انقلاب‌های گذشته سابقه نداشته و آن اتخاذ دین به‌عنوان محور و مبنای تحولات اجتماعی است. چنین امری در عمل، به معنای خروج از چارچوب‌های تعریف‌شده نظریه‌پردازان انقلاب و روابط بین‌المللی است. بر این اساس، انقلاب اسلامی بر مؤلفه‌هایی همچون قانون الهی، عدالت اجتماعی و استقلال همه‌جانبه از قدرت‌های بیگانه تأکید ورزید.

در یک تحلیل گذرا و موجز سه اصل «معنویت»، «عدالت» و «آزادی» را می‌توان در زمره آرمان‌های بنیادین انقلاب قلمداد کرد. شعار معروف مردم «برابری، برادری، حکومت عدل علی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بر این واقعیت دلالت داشت که جهان‌بینی توحیدی اسلام، اساس تحقق این ارزش‌هاست (خواجeh سروری، ۱۳۸۶، ص ۶). عمده‌ترین شعارها و برنامه‌های عملی رهبران جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر مفاهیمی همانند عدالت اجتماعی، قانون الهی، خودکفایی اقتصادی، همبستگی سیاسی، سیاست خارجی مستقل و سیاست عدم تعهد بوده است. در طی سال‌های اولیه

انقلاب، ایران بر جدایی کامل و همه‌جانبه از نظام سرمایه‌داری جهانی تأکید می‌ورزید (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴). بدین‌گونه، نیل به آرامش و امنیت، تعرض با غرب را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ایدئولوژی نظام سیاسی برآمده از انقلابی متکی به حمایت مردم درآورد و بر اساس آن، پیدایش ایستارهای لازم ذهنی در نگرش و رفتار سیاست‌گذاران خارجی را ضرورت بخشید (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص ۹۴).

انقلاب اسلامی ایران در پرتو اراده، باورها و ایستارهای مذهبی مردم شکل گرفت و بازتاب گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و در ایجاد اعتماد و بیدارسازی ملل تحت ستم نقش موثری را ایفا نموده است. با پیروزی انقلاب تسلیم شدن در برابر رفتارهای ظالمانه در چارچوب تقدیر و قضای الهی مورد سؤال قرار داده شد (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۶۵). به همین دلیل بسیاری از مسائل و عواملی که از دیدگاه نظریات خردگرا نادیده گرفته و به حاشیه رانده شده با انقلاب اسلامی جان دوباره می‌گیرد. انقلاب اسلامی ضمن اعلام حمایت از مستضعفان جهان و امت واحده معتقد است با فروپاشی اجتماع سیاسی مسلمانان و رشد تفکرات فردگرایانه ناسیونالیستی غرب آنچه برای جامعه اسلامی به ارث ماند، جز تفرقه، جنگ‌های قومی و مشکلات مرزی برای جهان اسلام نبود.

#### ۴-۲. دگرگونی در سطح بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران، از جهات متعددی موجب شگفتی و حیرت جهانیان گردید. انقلاب در زمانی رخ داد که اندیشه حاکم بر قرن بیستم یعنی سکولاریسم، وقوع آن را محتمل نمی‌دانست. انقلابی که بر خلاف سیاست‌عاری از دیانت جهانی و انقلاب‌های ضد دینی روسیه، چین و کوبا، با مذهب عجین شده و هدف آن احیای تفکر دینی در اداره جامعه بود. از سوی دیگر، انقلاب در مکانی رخ داد که رژیم سیاسی آن به‌عنوان ژاندارم منطقه، بر اساس ساختار ناعادلانه روابط بین‌الملل، از دولت‌های قدرتمند و سرکوبگر آسیا و خاورمیانه به حساب می‌آمد.

انقلاب ایران درصدد نفی کامل ساختار مسلط روابط بین‌الملل و جایگزین ساختن ساختاری جدید با محوریت جهان اسلام بود، آن هم «اسلام حقیقی» که در جهت



آزادسازی دنیای اسلام از سیطره غرب گام برمی‌دارد و در مقابل اسلام آمریکایی است (فولر، ۱۳۷۷، ص ۱۱). از دیدگاه رهبران ایران، امپریالیسم از تمامی ابزارهای ممکن برای استیلا بر مناطق تحت نفوذ خود بهره می‌گیرد. یکی از این ابزارها، به کارگیری دولت‌های دست‌نشانده و مقتدر در مناطق موردنظر است. «رژیم‌های مقتدر، مناسبات دیپلماتیک را ساده می‌کنند. قدرت متمرکز است، تصمیم‌ها به‌آسانی گرفته می‌شود و عوامل پیچیده سیاسی در داخل کشور تا حدود زیادی نادیده گرفته می‌شوند. قدرت‌های خارجی می‌توانند سیاست‌های خود را به قامت خودکامه موردنظر بدوزند. مناسبات نزدیک ایالات متحده با شاه تا اندازه‌ای در این مقوله جای می‌گیرد. حتی در شرایطی که سیاست رسمی ایالات متحده در ایران، آزادی و کثرت‌گرایی بیشتر را تجویز می‌کرد، شاه همچنان مرکز دنیای ایرانی و گره‌گاه اجتناب‌ناپذیری بود که کلیه تحولات از آن می‌گذشت. با سرنگون شدن نظام سلطنتی و ظهور حکومتی غیرمتمرکز در ایران، برای ایالات متحده، برقرار کردن رابطه با این کشور بسیار دشوارتر شده است» (مگداف و کمپ، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴).

غرب با ایجاد مرزهای مصنوعی در جامعه اسلامی و رواج دیدگاه ماتریالیستی-رنالیستی خود و با علم کردن هویت‌هایی همچون، دولت-ملت و منافع ملی، باعث به حاشیه رفتن مفاهیمی چون امت، عدالت، مساوات، دفاع از مستضعفان و مظلومان، استقلال، خودکفایی، اخلاق و مذهب شده است و انقلاب اسلامی احیای این مفاهیم و حرکت آن‌ها به سوی عمل را از اهداف راهبردی خود قلمداد می‌کند. انقلاب اسلامی با رد ایده پایان تاریخ و تسلط فرهنگ یکپارچه‌ساز لیبرالی که از روش‌شناسی اثبات‌گرایی حاکم بر غرب نشئت می‌گیرد، معتقد است چاره‌ای جز مبادله فرهنگی و تعامل بینابین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیست و تنها قائل به کاربرد عام و جهانی ارزش‌هایی است که دارای شمولیت عام بوده و بر خواسته از فطرت بشری باشند.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک روند شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، ایستارها تشکیل‌دهنده هویت اسلامی ضمن نفی وضع موجود، نظام بین‌الملل را نظامی

قدرت محور قلمداد کرده که برای بقای خود راهی جز استثمار ضعفا ندارد. انقلاب اسلامی با گفتمان نه شرقی - نه غربی سعی در گریز از چارچوب ساختار نظام دوقطبی اتحاد و ائتلاف به سوی عدم تعهد و برای حفظ انقلاب و ترویج اصول انسانی - الهی آن سعی در صدور آن و حفظ ام‌القری را در امتداد پیش حفظ اسلام به عنوان روندی برای ایجاد استقلال و حفظ تمامیت ارضی دانسته و طرح امت واحده برای وحدت و خودداری از تفرقه حول اسلام و هویت اسلامی و تشکیل نظم اسلامی تحت حاکمیت جهانی اسلام و حمایت از مستضعفین لازم می‌داند.

انقلاب اسلامی ضمن مخالفت با ساختار تبعیض‌آمیز و ظالمانه نظام بین‌الملل و رویکرد غالب آن رئالیسم، قوانین، مقررات، سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر را ابزار سلطه دانسته و معتقد است که این سلطه باعث به حاشیه رفتن مفاهیم و رویکردهایی همچو امت، عدالت، استقلال، اخلاق، مذهب، ارزش‌ها، دفاع از جامعه مستضعفان و مبارزه با مستکبران و... شده است و هدف خود را از حاشیه به متن و صحنه عمل آوردن این مفاهیم و گفتمان‌ها اعلام می‌کند. با توجه به دگرگونی‌های کمی و کیفی در حال پیشرفت، مشخص شد که توان بالای تصمیم‌گیری امام در یک دوره زمانی خاص در نظام بین‌الملل، آنچنان اثرگذار و جهان شمول بود که باعث تغییرات بنیادی در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌های معاصر گردید و تبعات سیاسی - اجتماعی بسیاری را در سطح جهان به دنبال داشت و همچنین نشان داد که تداوم و توسعه ملت‌ها در گرو تصمیم و تلاش و اراده انسان‌هاست. امام برداشت‌های نوینی را در عرصه تصمیم‌گیری وارد نمود به طوری که مقام معظم رهبری عصر حاضر را عصر اندیشه‌های پرثمر امام خمینی(ره) برای ملت‌های خواهان استقلال و آزادی معرفی نموده و فرمودند: «این عصر را باید عصر امام خمینی نامید و ویژگی آن عبارت است از بیداری و جرئت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر برآوردن ارزش‌های معنوی و الهی».

### کتابنامه

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه دکتر متقی و پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ادواردز و همکاران (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی، راهنمای عمل، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه بر خاورمیانه»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایدئولوژیک»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۴.
- حقیقت، صادق (۱۳۶۷)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خمینی، امام روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواججه‌سروری، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۵-۳۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ستوده، محمد (۱۳۸۶)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، ایران و جهانی شدن چالش‌ها و راه حل‌ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۶)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: ابرار معاصر.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، «امنیت‌مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی (ره)»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۹۳-۱۲۸.

- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۵۷-۱۸۵.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷)، *قبله عالم ژئوپولیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: انتشارات سمت.
- همو (۱۳۸۱)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز ترجمه و نشر.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، *مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی*، تهران: نشر دادگستر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- مگداف، هاری و کمپ، تام (۱۳۷۸)، *امپریالیسم*، ترجمه هوشنگ مقتدر، ج چهارم، تهران: موسوی، سید رسول (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل»، *همشهری دیپلماتیک*، اسفند، شماره ۸۴.
- هانتر، شیرین (۱۳۸۴)، «انقلاب ایران معرف اسلام سیاسی در جهان»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۸۴.

Devetak, R. (1996), "Critical theory" in Burchill, S. and Linklater, A *Theory of International Relations*, London: Macmillan.

Jesson, B (1982), *The Capitalist State: Marxist Theories and Methods*, Polity Press.

Linklater, A (1990), *Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations*, London: Macmillan.

## نمایه سال ۱۳۹۰

### مجله علمی- پژوهشی دانش سیاسی (شماره ۱۳ الی ۱۴)

#### تهیه و تنظیم: عباس رجبی\*

راهنمای استفاده کنندگان: نمایه‌ها یکی از منابع مهم مرجع محسوب می‌شود که می‌تواند خواننده و محقق را در بازیابی سریع مقاله منتشر شده در نشریه‌های مورد نظر یاری رساند. مجله علمی- پژوهشی دانش سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) با این هدف اقدام به انتشار نمایه مجلات منتشر شده در سال ۱۳۹۰ (شماره ۱۳ الی ۱۴) کرده است. بخش‌های نمایه شامل پدیدآورنده، عنوان و موضوع است که به صورت الفبایی حرف به حرف مدخل‌ها تنظیم شده است. در نمایه پدیدآورندگان مشخصات کامل هر مقاله درج شده است. در نمایه عنوان و موضوع مقابل عناوین و واژگان کلیدی موضوعی شماره بازیابی که ارجاع به نمایه پدیدآورندگان دارد، قرار گرفته است. برای جامعیت، موضوع‌های مرتبط و پیوسته هر موضوع با عبارت «نیز نگاه کنید»، مشخص شده است و برای جلوگیری از پراکندگی و مستندسازی موضوع‌ها، از ارجاع با عبارت «نگاه کنید به» استفاده شده است.

#### علائم اختصاری

: صفحه شروع و پایان مقاله  
ش شماره مجله

## نمایه پدیدآورنده

۱. آدمی، علی؛ خضریان، مهدی؛ عباسزاده، هادی؛ یزدان‌پناه، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار». س ۷، ش ۲: ۵-۲۷.
۲. احمدی طباطبایی، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «مختصات انگاره قدرت در اندیشه‌های سلوکی ایران». س ۷، ش ۱: ۵-۳۲.
۳. افخمی، حسینعلی؛ سلسله، محسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل روند اخبار بین‌المللی پیش از بیداری اسلامی». س ۷، ش ۲: ۲۹-۶۷.
۴. ایزدی، مهدی؛ حسن‌وند، امین؛ فضل‌ی، عزیزالله (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی». س ۷، ش ۱: ۳۳-۶۰.
۵. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ بغیری، علی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». س ۷، ش ۲: ۶۹-۹۷.
۶. حاضری، علی‌محمد؛ حسین‌زاده فرمی، مهدی (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «نقش سیاسی بازار: تحلیل تحولات دهه اول جمهوری اسلامی ایران». س ۷، ش ۱: ۶۱-۸۶.
۷. حشمت‌زاده، محمدباقر (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «الگوی آونگی در تحلیل مطالبات ملی: آزادی و امنیت - استبداد و بحران». س ۷، ش ۱: ۸۷-۱۱۴.
۸. خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، ابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «بازاندیشی در ابعاد و گستره مفهوم سنت». س ۷، ش ۱: ۱۱۵-۱۴۴.
۹. سیدامامی، کاووس؛ حسینی فائق، محمدمهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان در بریتانیا». س ۷، ش ۲: ۹۹-۱۳۲.
۱۰. عابدی اردکانی، محمد؛ نادری‌بنی، روح‌الله؛ شفیعی سیف‌آبادی، محسن (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «تحلیلی سازه‌انگارانه از رفتار دولت‌های بزرگ با ایران در دوره رضاشاه». س ۷، ش ۱: ۱۴۵-۱۷۶.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم؛ کریمی، غلامرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی». س ۷، ش ۲: ۱۳۳-۱۶۶.
۱۲. گوهری مقدم، ابوذر (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدلی مفهومی». س ۷، ش ۱: ۱۷۷-۲۰۶.
۱۳. مهدوی، اصغرآقا؛ نادری باب اناری، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی». س ۷، ش ۲: ۱۶۷-۲۰۴.

۱۴. یزدانی، عنایت‌الله؛ قاسمی، داریوش؛ شاه‌قلعه، صفی‌الله (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «انقلاب اسلامی ایران، نظام بین‌الملل و نظریه انتقادی». س ۷، ش ۲: ۲۰۵-۲۲۸.

### نمایه پدیدآورنده همکار

- بغیری، علی، ۵
- حسن‌وند، امین، ۴
- حسین‌زاده فرمی، مهدی، ۶
- حسینی فائق، محمدمهدی، ۹
- خضریان، مهدی، ۱
- سرپرست سادات، ابراهیم، ۸
- سلسله، محسن، ۳
- شاه‌قلعه، صفی‌الله، ۱۴
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن، ۱۰
- عباس‌زاده، هادی، ۱
- فضلی، عزیزالله، ۴
- قاسمی، داریوش، ۱۴
- کریمی، غلامرضا، ۱۱
- نادری باب‌اناری، مهدی، ۱۳
- نادری بنی، روح‌الله، ۱۰
- یزدان‌پناه، مهدی، ۱

### نمایه عنوان

- الزامات گذار به امنیت ملی پایدار، ۱
- الگوی آونگی در تحلیل مطالبات ملی: آزادی و امنیت - استبداد و بحران، ۷
- انقلاب اسلامی ایران، نظام بین‌الملل و نظریه انتقادی، ۱۴
- بازاندیشی در ابعاد و گستره مفهوم سنت، ۸
- تحلیل روند اخبار بین‌المللی پیش از بیداری اسلامی، ۳
- تحلیلی سازه‌انگارانه از رفتار دولت‌های بزرگ با ایران در دوره رضاشاه، ۱۰
- جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدلی مفهومی، ۱۲

- زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمانند در بریتانیا، ۹
- کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی، ۱۳
- مختصات انگاره قدرت در اندیشه‌های سلوکی ایران، ۲
- مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی، ۱۱
- نقش سیاسی بازار: تحلیل تحولات دهه اول جمهوری اسلامی ایران، ۶
- وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۵
- ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، ۴

### نمایه موضوعی

آخوند خراسانی، محمدکاظم نیز نگاه کنید به اندیشه سیاسی خراسانی  
آزادی

الگوی آونگی، ۷

امنیت، ۷

ایران، ۷

آلمان

رضاخان، ۱۰

اخبار تلویزیون

کشورهای اسلامی، ۳

اروپا

حقوق بشر، ۹

استبداد

ایران، ۷

استکبار

قدرت نرم، ۱۳

قرآن، ۱۳

اسلام‌ستیزی

انگلستان، ۹

اسلام‌هراسی نگاه کنید به اسلام‌ستیزی

اشغال متفقین

ایران، ۱۰



اصناف (نیز نگاه کنید به بازار)

الگوها

تروریسم، ۱۲

الگوی آونگی

آزادی، ۷

امنیت، ۷

امنیت

آزادی، ۷

الگوی آونگی، ۷

ایران، ۷

امنیت ملی

ایران، ۵

برنامه ریزی راهبردی، ۵

پایداری، ۱

پیشینه پژوهش، ۵

اندیشه سیاسی آخوند خراسانی

ولایت فقیه، ۴

اندیشه سیاسی سلوکی

سیاست نامه، ۲

قابوس نامه، ۲

قدرت، ۲

کلیله و دمنه، ۲

نصيحة الملوك، ۲

اندیشه سیاسی غزالی

عدالت، ۲

اندیشه سیاسی نظام الملک

عدالت، ۲

اندیشه های سیاسی ایران باستان نیز نگاه کنید به اندیشه سیاسی سلوکی

اندیشه های سیاسی تشیع نیز نگاه کنید به ولایت فقیه

انقلاب اسلامی (نیز نگاه کنید به ایران)

عدم تعهد، ۱۴

نظام بین‌الملل، ۱۴

نظریه انتقادی، ۱۴

نظریه‌ها، ۱۴

#### انگلستان

اسلام‌ستیزی، ۹

تروریسم، ۹

رضاخان، ۹

مسلمانان، ۹

ایران (نیز نگاه کنید به انقلاب اسلامی ایران؛ جمهوری اسلامی ایران؛ رضاخان)

آزادی، ۷

استبداد، ۷

اشغال متفقین، ۱۰

امنیت، ۷

امنیت ملی، ۷

#### بازار

جمهوری اسلامی ایران، ۶

دولت، ۶

برنامه استراتژیک نگاه کنید به برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه راهبردی نگاه کنید به برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی راهبردی

امنیت ملی، ۵

بیداری اسلامی

کشورهای اسلامی، ۳

#### پایداری

امنیت ملی، ۱

پهلوی، حکومت (نیز نگاه کنید به رضاخان)

پهلوی اول نگاه کنید به رضا خان

پیشینه پژوهش

امنیت ملی، ۵

تئوری نگاه کنید به نظریه‌ها

## تجدد

سنت، ۸

## تحلیل محتوا

قرآن، ۱۳

## تروریسم

الگوها، ۱۲

انگلستان، ۹

جهانی شدن، ۱۲

مسلمانان، ۹

## تلویزیون

اخبار نگاه کنید به اخبار تلویزیون

ثبات ملی نگاه کنید به امنیت ملی

## جامعه مدنی

دولت، ۶

## جمهوری اسلامی ایران

بازار، ۶

جهانی سازی نگاه کنید به جهانی شدن

## جهانی شدن

تروریسم، ۱۲

## حقوق بشر

اروپا، ۹

خشونت سیاسی (نیز نگاه کنید به تروریسم)

خیزش اسلامی نگاه کنید به بیداری اسلامی

## دخالت خارجی

رضاخان، ۱۰

## دولت

بازار، ۶

جامعه مدنی، ۶

قرض الحسنه، ۶

رسانه‌های بیگانه نگاه کنید به رسانه‌های فراملی

رسانه‌های غربی نگاه کنید به رسانه‌های فراملی

### رسانه‌های فراملی

کشورهای اسلامی، ۳

### رضاخان

آلمان، ۱۰

انگلستان، ۱۰

دخالت خارجی، ۱۰

روسیه شوروی، ۱۰

### روابط بین‌المللی

سازه‌انگاری، ۱۰

### روسیه شوروی

رضاخان، ۱۰

زن نگاه کنید به زنان

### زنان

سنت اجتماعی، ۱۱

قرآن، ۱۱

مشارکت اجتماعی، ۱۱

سابقه پژوهش نگاه کنید به پیشینه پژوهش

### سازه‌انگاری

روابط بین‌المللی، ۱۰

نظریه‌ها، ۱۰

### سنت

تجدد، ۸

معناشناسی، ۸

### سنت نبوی

زنان، ۱۱

مشارکت اجتماعی، ۱۱

سند ملی نگاه کنید به برنامه‌ریزی راهبردی

### سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی سلوکی، ۲

سیرالملوک نگاه کنید به سیاست‌نامه

شبکه‌های تلویزیونی نگاه کنید به تلویزیون

شوروی نگاه کنید به روسیه شوروی  
صندوق قرض الحسنه نگاه کنید به قرض الحسنه

#### عدالت

اندیشه سیاسی غزالی، ۲  
اندیشه سیاسی نظام الملک، ۲

#### عدم تعهد

انقلاب اسلامی، ۱۴  
غزالی، محمد بن محمد (نیز نگاه کنید به اندیشه سیاسی غزالی)

#### قابوس نامه

اندیشه سیاسی سلوکی، ۲

#### قدرت

اندیشه سیاسی سلوکی، ۲

#### قدرت نرم

استکبار، ۲

قرآن، ۲

#### قرآن

استکبار، ۱۳

تحلیل محتوا، ۱۳

زنان، ۱۱

قدرت نرم، ۱۳

مشارکت اجتماعی، ۱۱

#### قرض الحسنه

دولت، ۶

#### کشورهای اسلامی

اخبار تلویزیون، ۳

بیداری اسلامی، ۳

رسانه های فراملی، ۳

#### کلیله و دمنه

اندیشه سیاسی سلوکی، ۲

مداخله خارجیان نگاه کنید به دخالت خارجی

مدرنسیم نگاه کنید به تجدد

مدرنیته نگاه کنید به **تجدد**

مدل‌ها نگاه کنید به **الگوها**

**مسلمانان**

انگلستان، ۹

تروریسم، ۹

**مشارکت اجتماعی**

زنان، ۱۱

سنت نبوی، ۱

قرآن، ۱۱

مشارکت گروهی نگاه کنید به **مشارکت اجتماعی**

**معناشناسی**

سنت، ۸

مفهوم‌شناسی نگاه کنید به **معناشناسی**

مفهوم (نیز نگاه کنید به **معنی**)

موازنه مثبت نگاه کنید به **عدم تعهد**

**نصیحة الملوک**

اندیشه سیاسی سلوکی، ۲

**نظام بین‌الملل**

انقلاب اسلامی، ۱۴

**نظریه انتقادی**

انقلاب اسلامی، ۱۴

**نظریه‌ها**

انقلاب اسلامی، ۱۴

سازه‌نگاری، ۱۰

نوگرایی نگاه کنید به **تجدد**

نه شرقی نه غربی نگاه کنید به **عدم تعهد**

**ولایت فقیه**

اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، ۴

## فرم اشتراک دو فصلنامه دانش سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام

الف) اطلاعات فردی	
نام خانوادگی:	نام:
رتبه علمی (اختیاری):	محل فعالیت:
	آخرین مدرک تحصیلی (اختیاری):
ب) اطلاعات مربوط به مؤسسات و کتابخانه‌ها	
نام مؤسسه / کتابخانه:	وابسته به:
ج) نشانی گیرنده	
آدرس:	
صندوق یا کدپستی:	تلفن:
تلفن همراه:	نمابر:
	پست الکترونیک:
د) نام مجله و شماره درخواستی مجله را مشخص نمایید	
نام مجله و شماره درخواستی:	

بهای اشتراک سالانه (دو شماره): افراد: ۱۲۰/۰۰۰ ریال مؤسسات: ۱۶۰/۰۰۰ ریال

اساتید و دانشجویان از تخفیف ۳۰٪ در نسخه چاپی برخوردارند.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت نسخه چاپی مجله از روش زیر استفاده نمایند:

بهای اشتراک سالانه را که شامل هزینه‌های جاری نیز می‌شود، به حساب ۰۲۴۳۱۲۲۸۵۶ نزد بانک تجارت، شعبه

علامه طباطبایی (کد ۰۲۴۳۰) واریز و اصل فیش را به همراه برگ درخواست به نشانی ذکر شده ارسال نمایید.

در ضمن می‌توانید جهت دریافت رایگان فایل الکترونیکی مقالات به نشانی زیر مراجعه نمایید.

<http://isudanesh.iranjournals.ir>

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۵۹ - ۱۴۶۵۵

مرکز تحقیقات، اداره نشریات، تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۲۴۵ - تلفن مستقیم و دورنگار: ۸۸۵۷۵۰۲۵

## **Islamic Revolution of Iran, International System and Critical Theory**

*Enayatollah Yazdani  
Dariush Qasemi  
Safiollah Shahghaleh*

The Islamic Revolution as a dynamic politico - cultural and significant event is a means of evaluating the international system. It has challenged both the structure and function of this system by seeking the substitution of a just and divine - oriented system for it that aims at promoting morality and religiousness. The two basic doctrinal elements, namely the servant (worshipper) and God (worshipped) have led to the replacement of the so-called capitalism / communism confrontation with that of materialism / spirituality.

By relying on its value - oriented approach that defies the status quo, the Revolution intends to establish a functional system not included in the existing power structure, since it holds that the dominant power structure and discourse is not adjusted to human nature but rather it is a means of enslaving it. That is why it supports the liberating movements worldwide and promotes antiauthoritarianism and struggle with arrogant forces (*istikbar*), and gives good tidings to the oppressed people of a condition in which man acts as the true representative of God on Earth. The main question is to what extent the Islamic Revolution has managed to contribute to both domestic and international system change. By using descriptive - analytical method and library and the internet sources, answer to this question has been sought. The results show that by relying on its pivotal motto, i.e. "Neither West, nor East", the Islamic Revolution has endeavored first to safeguard the "*om - ol- qora*" (the Metropolis of the Revolution and Islam) and then to spread its revolutionary doctrine as the basis of justice to other parts of the world, thus rejecting the dominant system in favor of one based on the Truth.

**Keywords:** critical theory, the Islamic Revolution, system of international, change of the status quo, spreading the Revolution, *om - ol - qora*



**Exercise of Soft Power by Arrogant Forces (istikbar),  
a Quranic Approach**

*Asghar Agha Mahdavi  
Mahdi Naderi Babanari*

Though "power" is pivotal in politics, its various components signify its specific nature and functions. Among these, "soft power" insists on "attractiveness" and it is essentially an endeavor on the part of the actor in order to simulate the rival society and proceed with its objectives. One basic Quranic concept is the active presence of two opposing trends, one Divine and the other the Arrogant Forces, i.e. those two antagonistic powers that come face to face with each other, a fact mentioned throughout the Holy Book. The Arrogant Forces headed by Satan and other evil forces stand against the Truth and try by all means (whether soft or hard) to abstain people from following the right path. This article scrutinizes the confrontation of these two opposing forces in politics by relying on affirmative and negative features as they appear in the Quran. To answer how the Arrogant Forces proceed with their aims in defiance of the Divine trend by exercising soft power, the article has used "qualitative content analysis".

It is concluded that the Arrogant Forces execute their policy by relying on four major strategies, namely comprehensiveness, continuity, step by step policy, and utilization of the rival's weak points, through political, economic, cultural and psychological methods. To do this they resort to means such as threat, humiliation, enticement, slander, spreading rumors, compromise, emotional stimulation, creating a hostile atmosphere and deviating public opinion, all for the sake of deceiving the believers into rising against the divine injunctions.

**Keywords:** The Holy Quran, politics, the Arrogant Forces (Istikbar), soft power

## **Women's Social Participation, an Islamic Approach**

*Mohammad Rahim Eyvasi*  
*Gholamreza Karimi*

By social participation we mean women's entering into an activity well beyond the common household duties and responsibilities, and their doing things which can't be achieved individually.

The evolution of women's social duties and rights in history has been too slow and combined with sensitivities. Islam came and forbid any sort of irrational and prejudiced treatment of women, and instead it promoted protective rights in favor of women and their responsibilities. Low social participation of women in post-Islamic centuries gave rise to a wave of egalitarian and feminist movements sometimes leading to extremist stances and shaking the foundations of family life, especially in western countries. This faulty trend brought once again the Quranic viewpoint about the role of women in society back into focus for both Muslim societies and the whole mankind. In this article there is a reference to the Quran and the Prophet's traditions to shed light on rules of conduct pertaining to women's social presence in the light of the practical experience achieved by the model presented by the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Social participation, women, family, the Holy Quran, Tradition

### **Background of the Growth of Islamophobia in Britain**

*Kavoos Seyyed Emami*

*Seyyed Mohammad Mahdi Hoseini Faeq*

Islamophobia is a complex of discrimination, violence, rejection and insult, the expansion of which had harmful influence in Muslim communities in the western countries. The growth of Islamophobia in some domains such as media or formal and governmental levels necessitates serious attention due to its intensity. In Britain, especially, Muslims make the largest religious minority; hence the existence of Islamophobia and its consequences there must be taken more seriously. The article concentrates on Islamophobia at informal and formal levels in the British society and after presenting a definition of the issue it brings the concept of structured Islamophobia especially in the aftermath of September 11 into focus. The discussion is divided into two categories. First, an investigation into pertinent theoretical and legal frameworks (with a look at the European convention of human rights and some other British laws such as ethnic-relation Act, and anti-terrorism Acts), and second a discussion of this phenomenon in practical and executive domains (such as disciplinary measures of the police and other law implementation groups and the existence of discrimination in anti-terrorist Acts). It is intended to explain that the formal and legal structure of British society both in the realm of legislation and execution, has failed to provide adequate support for Muslims as a minority group. The result is the formation, in recent years, of a special kind of Islamophobia and discrimination against Muslims, that we have formulated as structured Islamophobia

**Keywords:** Islamophobia, Structured Islamophobia, Britain, anti-terrorist Acts, the European Convention of Human Rights

**Investigation Status of Compiling the Charter of I.R of Iran's  
National Security Strategy**

*Amir Mohammad Haji Yousefi  
Ali Bogheiri*

This is to make a critical study of the present investigation status of drafting the charter of I.R of Iran's national security strategy in order to find out the reason of having produced no charter so far. The question is, therefore, about the latest research development in this regard and the absence of such a document. To answer the question the available written literature about the issue is investigated and it is concluded that the existing methods are far from formulating a forward - looking strategy, but they are rather kind of surveys that can assist the strategically - based method in attaining a practical charter.

**Keywords:** national security, strategy charter, the Islamic Republic of Iran, study and investigation status, science assessment

## **Analysis of International News Trend Prior to Islamic Awakening**

*Hoseinali Afkhami*

*Mohsen Salseleh*

The purpose of this research which is done by considering the headlines and news values (deviation and social importance) of Shoemaker and Cohen and by adopting content analysis method, is a survey of the news coverage of Islamic countries and the world in certain TV networks prior to the recent successive revolutions in the Middle - East. The statistical society of research was the six- month nightly programs of these networks (May 30, 2010 to Nov 9, 2010), i.e. exactly one month before the Islamic Awakening uprisings. The statistical sampling used systematic probable sampling method.

The results show that BBS news coverage followed this order of importance: The western world (using neutral and positive tone), Asia and Africa and Latin America (neutral and negative tone), Islamic world (neutral and negative tone), and Eastern Europe (neutral and positive tone). Most of CNN coverage pertains to the West (neutral and positive tone), Asia – Africa and Latin America (neutral and negative tone), Islamic world (neutral and negative tone) and Eastern Europe (neutral tone). Those of Press network: The West (neutral and positive), the Islamic World (neutral and negative), Asia, Africa and Latin America (neutral and negative), Eastern Europe (mostly neutral). Al-Jazeera network also deals primarily with the West (neutral and positive), then it covers news related to Asia, Africa and Latin America (neutral and negative), the Islamic world (neutral and negative) and Eastern Europe (mostly negative). Rasha network mostly deals with Eastern Europe (neutral and positive), then the West (neutral and positive), the Islamic World (neutral and negative), and Asia, Africa and Latin America (neutral and positive). Nile network's most coverage is that of the Islamic World (neutral and negative), then the West (neutral and positive), Asia, Africa and Latin America (moderate tone), and finally Eastern Europe (neutral and negative). As for the headlines, the research results show that although news values (deviation and social significance) play a role in that, this influence is lower than other factors such as the role of media organizations, states, foreign policies, and television correspondents and journalists in the global scope.

**Keywords:** news coverage, Islamic Awakening, the headlines, deviation, social significance, Islamic countries, television

## **Necessities of Transition to Sustained National Security**

*Ali Adami*  
*Mahdi Khezrian*  
*Mahdi Yazdanpanah*

The purpose of this research is recognizing modern pillars of sustainable security at both state and nation levels and understanding the conceptual transition of security with its necessary requirements.

According to the stated approach, adopting suitable measures for the sake of establishing mutual trust, activating individuals, and creating multi-layered participation based on the acceptance of the society's norms and values when confronting the newly arisen security difficulties, is among the requirements. The consequence of this recognition is the implementation of new measures which were almost neglected in previous reductionist theories. The article ends with introducing appropriate strategies and methods by considering three major components, namely the social factor, security concern postponement, dialog and interaction principle. Finally, the Iranian - Islamic approach and sustained security theories are analyzed comparatively. The processing method used here to deal with the problem insists on the social factor and contextualized propositions.

**Keywords:** security, the social factor, participation, sustained national security.

# Contents

<b>Necessities of Transition to Sustained National Security .....</b>	<b>5</b>
<i>Ali Adami/ Mahdi Khezrian / Mahdi Yazdanpanah</i>	
<b>Analysis of International News Trend Prior to Islamic Awakening .....</b>	<b>29</b>
<i>Hoseinali Afkhami/ Mohsen Salseleh</i>	
<b>Investigation Status of Compiling the Charter of I.R of Iran's National Security Strategy .....</b>	<b>69</b>
<i>Amir Mohammad Haji Yousefi/ Ali Bogheiri</i>	
<b>Background of the Growth of Islamophobia in Britain .....</b>	<b>99</b>
<i>Kavoos Seyyed Emami/ Seyyed Mohammad Mahdi Hoseini Faeq</i>	
<b>Women's Social Participation, an Islamic Approach .....</b>	<b>133</b>
<i>Mohammad Rahim Eyvasi/ Gholamreza Karimi</i>	
<b>Exercise of Soft Power by Arrogant Forces (istikbar), a Quranic Approach .....</b>	<b>167</b>
<i>Asghar Agha Mahdavi/ Mahdi Naderi Babanari</i>	
<b>Islamic Revolution of Iran, International System and Critical Theory .....</b>	<b>205</b>
<i>Enayatollah Yazdani / Dariush Qasemi/ Safiollah Shahghaleh</i>	
<b>Index of 1390 .....</b>	<b>229</b>
<b>Abstracts (in English) .....</b>	<b>248</b>

IN THE NAME OF ALLAH THE MERCIFUL, THE COMPASSIONATE

# Political Knowledge 14

**Bi-quarterly Journal**

*Vol.7, No.2, Autumn 2011 & Winter 2012*

**Publisher:** Imam Sadiq(as) University

**Director:** Dr. Jalal Dorakhshah

**Editor-in-Chief:** Dr. Asghar Eftekhari

**Managing Editor:** S. Mohsen Roohani

**Managing Web:** Saman Ghamoos

**The Editorial Board:**

Hamid Ahmadi (professor)  
S. Jalal Dehghani Firouzabadi (professor)  
Farhang Rajaii (professor)  
Abolghasem Taheri (professor)  
Hamid Mowlana (professor)  
Ibrahim Barzegar (associate professor)  
Amir Mohammad Haji-Yousefi (associate professor)  
Mohammad Bagher Heshmatzadeh (associate professor)  
Mohammad Baqer Khorramshad (associate professor)  
Jalal Darakhshah (associate professor)  
Kavoos Seyed- Emami (associate professor)  
Mohammad Ali Shirkhani (associate professor)  
Hamid Reza Malek- Mohammadi (associate professor)  
Naser Jamalzadeh (associate professor)  
Gholam Reza Khajeh- Sarvi (associate professor)

**This Journal is Indexed at the Following Sites:**

1. [www.ISC.gov.ir](http://www.ISC.gov.ir) 2. [www.ricest.ac.ir](http://www.ricest.ac.ir)  
3. [www.sid.ir](http://www.sid.ir) 4. [www.magiran.com](http://www.magiran.com)

English Abstracts Tr. : Ali Reza Roshan Zamir

248 Pages / 60000 RIS

Imam Sadiq University Research Center, Modiriat Bridge,  
Shahid Chamran Exp.way Tehran, Islamic Republic of Iran  
P.O. Box: 14655-159

Affairs Scientific & Editorial: The Office of Vice- President Research

Tel: 88094001-5 Fax: 8804915

<http://isudanesh.iranjournals.ir/>

Managing Publication & Distribution: Research Center, The Office of Magazines,

Tel: 88094001-5, Fax: 88575025

Sales Office: Isu Press, Tel:88370142